



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

تفسیر

تفسیر

صنف هفتم
(برای مدارس دینی)

صنف هفتم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

(برای مدارس دینی)



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

تفسیر

صنف هفتم

(برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



مؤلفان

- دكتور عنايت الله خليل هدف
- عبدالحق عتيد
- محمد عارف عطائي

ايديت علمي

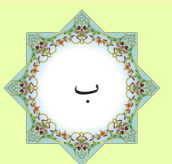
- دكتور فضل الهادي وزين
- فضل الله نيازي

ايديت زباني

- سيد محمود خليف

إشراف

- دكتور شير علي ظريفي رئيس پروژه انكشاف نصاب تعليمي.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه ورسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسان ها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود صدها دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



مقدمه

استادان گرامی و دانش آموزان ارجمند!

ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان با در نظر داشت اوضاع و احوال کنونی و نیازهای علمی بر این شد تا در امر تالیف و تدریس مضمون تفسیر شریف، امور ذیل مراعات گردد:

- شاگردان سر از صنف هفتم تا صنف دوازدهم یک مرور کامل بر تمام قرآن مجید و تفسیر مختصر آن داشته باشند.
- سعی صورت گرفته که حجم مطالب مندرج در کتابهای تفسیر، با ساعات درسی هر صنف موافق و موازی باشد.
- سلسله ارتقای سویه ای شاگردان در نظر گرفته شده، تا کتاب هر صنف به اندازه فهم و درک طلاب باشد.

در روشنائی نکات فوق و طبق مفردات تصویب شده، لازم دیده شد که در صنف هفتم تفسیر جزء اخیر قرآن مجید به زبانهای ملی به شاگردان تعلیم داده شود، تا در قدم اول ترجمه و تفسیر مختصر سوره‌های کوتاه کلام الله مجید را یاد گرفته با روش تفسیری قرآن آشنائی پیدا کنند.

به تعقیب آن در صنف هشتم جزء اول و دوم قرآن پاک ترجمه و تفسیر شود، این کتاب نیز - مانند تفسیر صنف هفتم - به زبانهای ملی تالیف گردد، لیکن تا حدی به تفصیل و تشریح بیشتر.

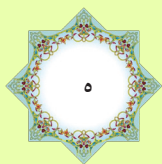
از صنف نهم به بعد - تا صنف دوازدهم - تالیف به زبان عربی بوده متن تفسیر جلالین شریف به حیث کتاب اساسی انتخاب شده علاوه بر آن آیات هر درس تفسیر و تحلیل مختصر گردیده، تا پیام واضح دروس به طلاب رسانیده شود، معضلات جلالین حل شده و بالاخره با اضافه کردن دروس و فواید، سؤالها و کارخانه‌گی کتابهای تفسیر شکل و نظم کتب درسی معاصر را گرفته است.

این اقدام برای آن بوده تا کتاب تفسیر در قالب کتب نصاب انداخته شود، استادان و شاگردان مکلفیت روزمره خود را بدانند، و اعضای نظارت با در نظر داشت هفته‌های سال درسی از پیشرفت منهج مقرر اطمینان حاصل نمایند، که به این طریقه بین اصالت و نوگرایی جمع صورت گرفته است.

قابل توجه است که چون مرور بر همه قرآن مجید لازم دیده شده بود لذا مجال بسط و تفصیل زیاد در این تالیفات نبوده، مؤلفین محترم سعی نموده اند تا از ایجاز کار بگیرند، از ذکر اقوال مختلف و تفاسیر متعدد اجتناب ورزند و در احکام فقهی به ذکر مذهب حنفی اکتفا نمایند.

بتوفیق خداوند با اختیار این سبک جدید، شاگردان از مسائل نحوی، بلاغی و لغوی قرآن مجید تاحدیکه تفسیر جلالین شریف احتوا کرده است آگاهی پیدا می کنند و پیام دعوتی، احکام فقهی و هدایات سرنوشت ساز این کتاب مقدس آسمانی را بگونه خوب می آموزند.

امید داریم این کتاب نه تنها برای تدریس در مدارس دینی بهترین گزینه باشد، بلکه در هر خانه و نهاد علمی و مرکز فرهنگی، به طور یکسان، به عنوان یک تفسیر جامع و معتبر مورد استفاده همگان قرار گیرد.



فهرست

شماره درس	عناوین	صفحه
۲۳	سورة البروج (قسمت اول)	۶۳
۲۴	سورة البروج (قسمت دوم)	۶۷
۲۵	سورة الطارق (قسمت اول)	۶۹
۲۶	سورة الطارق (قسمت دوم)	۷۱
۲۷	سورة الأعلى (قسمت اول)	۷۳
۲۸	سورة الأعلى (قسمت دوم)	۷۷
۲۹	سورة الغاشية (قسمت اول)	۸۱
۳۰	سورة الغاشية (قسمت دوم)	۸۵
۳۱	سورة الغاشية (قسمت سوم)	۸۷
۳۲	سورة الفجر (قسمت اول)	۹۱
۳۳	سورة الفجر (قسمت دوم)	۹۵
۳۴	سورة الفجر (قسمت سوم)	۹۹
۳۵	سورة البلد (قسمت اول)	۱۰۳
۳۶	سورة البلد (قسمت دوم)	۱۰۷
۳۷	سورة الشمس (قسمت اول)	۱۱۱
۳۸	سورة الشمس (قسمت دوم)	۱۱۵
۳۹	سورة الليل (قسمت اول)	۱۱۷
۴۰	سورة الليل (قسمت دوم)	۱۲۱
۴۱	سورة الضحی	۱۲۳
۴۲	سورة انشراح	۱۲۷
۴۳	سورة التین	۱۳۱

شماره درس	عناوین	صفحه
۱	علم تفسیر	۱
۲	انواع تفسیر	۳
۳	سورة النبأ (قسمت اول)	۵
۴	سورة النبأ (قسمت دوم)	۹
۵	سورة النبأ (قسمت سوم)	۱۳
۶	سورة النازعات (قسمت اول)	۱۵
۷	سورة النازعات (قسمت دوم)	۱۹
۸	سورة النازعات (قسمت سوم)	۲۱
۹	سورة النازعات (قسمت چهارم)	۲۳
۱۰	سورة عبس (قسمت اول)	۲۵
۱۱	سورة عبس (قسمت دوم)	۲۹
۱۲	سورة عبس (قسمت سوم)	۳۱
۱۳	سورة التکویر (قسمت اول)	۳۳
۱۴	سورة التکویر (قسمت دوم)	۳۷
۱۵	سورة الانفطار (قسمت اول)	۴۱
۱۶	سورة الانفطار (قسمت دوم)	۴۵
۱۷	سورة المطففین (قسمت اول)	۴۷
۱۸	سورة المطففین (قسمت دوم)	۴۹
۱۹	سورة المطففین (قسمت سوم)	۵۳
۲۰	سورة المطففین (قسمت چهارم)	۵۵
۲۱	سورة الانشقاق (قسمت اول)	۵۷
۲۲	سورة الانشقاق (قسمت دوم)	۶۱

شماره درس	عناوين	صفحه
٤٤	سورة العلق (قسمت اول)	١٣٥
٤٥	سورة العلق (قسمت دوم)	١٣٩
٤٦	سورة القدر	١٤٣
٤٧	سورة البينة (قسمت اول)	١٤٧
٤٨	سورة البينة (قسمت دوم)	١٥١
٤٩	سورة زلزال (قسمت اول)	٣٥١
٥٠	سورة زلزال (قسمت دوم)	١٥٧
٥١	سورة القارعة	١٦١
٥٢	سورة التكاثر	١٦٥
٥٣	سورة العصر	١٦٩
٥٤	سورة همزة	١٧٣
٥٥	سورة الفيل	١٧٧
٥٦	سورة قريش	١٨١
٥٧	سورة الماعون	١٨٥
٥٨	سورة الكوثر	١٨٩
٥٩	سورة الكافرون	١٩٣
٦٠	سورة النصر	١٩٧
٦١	سورة المسد	٢٠١
٦٢	سورة اخلاص	٢٠٥
٦٣	سورة الفلق	٢٠٩
٦٤	سورة الناس	٢١٣



علم تفسیر

تعریف تفسیر

تفسیر در لغت: بیان نمودن و ظاهر کردن را گویند.
در اصطلاح: تفسیر علمی است که به وسیله آن معنای آیات قرآن کریم و احکام و حکمت‌های آن دانسته می‌شود.
مفسر کسی را گویند که به شرح قرآن کریم پرداخته و بر اساس اصول و قواعد خاص این علم، احکام و حکمت‌های قرآن کریم را بیان می‌کند.

آغاز علم تفسیر

تفسیر قرآن کریم یکی از مهمترین و شریفترین علوم شرعی است که وظیفه آن فهم قرآن کریم و بیان معانی، احکام و حکمت‌های نهفته در آن به اندازه توان انسان می باشد.
علم تفسیر از صدر اسلام آغاز شده و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - اولین مفسر قرآن کریم می باشند که نظر به ضرورت، آیات زیادی از قرآن مجید را برای صحابه کرام - رضی الله عنهم - تفسیر فرموده اند.

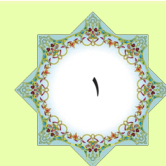
مفسرین مشهور از میان صحابه و تابعین

در زمان صحابه کرام علم تفسیر توسعه یافت و از میان صحابه مفسران بزرگی چون خلفای راشدین، عبد الله بن عباس، عبد الله بن مسعود، اُبی بن کعب - رضی الله تعالی عنهم - و امثال آنان ظهور نمودند.

در عصر تابعین رواج و رونق علم تفسیر بیشتر شد و علمای بزرگی چون حسن بصری، قتاده بن دعامه، عکرمه، مجاهد بن جبر و سعید بن جبیر - رحمهم الله - با تربیه شاگردان زیادی در مناطق مختلف جهان اسلام خدمات عظیمی به این علم مبارک انجام دادند.

سیر علم تفسیر

بعد از عصر تابعین تا عصر حاضر هزاران کتاب در تفسیر و علوم قرآن به زبان عربی و دیگر زبان‌ها



تألیف شده است که نمایانگر خدمت گزاری مخلصانه مسلمانان برای کتاب خداوند می باشد. به اتفاق دانشمندان جهان هیچ کتابی مانند قرآن کریم طرف توجه بشریت نبوده و در مورد آن این همه تألیف و تحقیق و تتبع علمی صورت نگرفته است. از مهمترین کتب تفسیر می توان از تفسیرامام طبری، تفسیر شاه پور اسفراینی، تفسیر کشف الأسرار میبدی، تفسیر کشاف زمخشری، تفسیر کبیر امام فخر الدین رازی، تفسیر بیضاوی، تفسیر نسفی، تفسیر ابن کثیر وغیره نامبرد.

اهمیت علم تفسیر

اهمیت علم تفسیر در اینست که ما را در فهم درست قرآن کریم، و درک اوامر و نواهی خداوندی کمک می کند تا با فهمیدن و عملی نمودن تعلیمات قرآن مجید بتوانیم به خوشبختی در دنیا و آخرت نایل شویم.



فعالیت

شاگردان همراه با استاد محترم مضمون تفسیر، به کتابخانه مدرسه رفته بعضی از تفاسیر موجود را دیده در مورد آن معلومات جمع نموده سپس در مورد آن باهم گفتگو و مناقشه کنند.



۱. معنای تفسیر را شرح کنید.

۲. تفسیر در اصطلاح به کدام علم اطلاق می گردد؟

۳. بعضی از کتابهای مهم تفسیر را نام ببرید.

۴. فایده علم تفسیر را واضح سازید.



انواع تفسیر

با در نظر داشت وسعت علم تفسیر، وجود شیوه های متعدد علمی تحقیق در معانی و حقایق قرآن کریم و روش های مختلف مفسرین علم تفسیر به انواع متعدد تقسیم می شود که بعضی آنها بشرح زیر توضیح می دهیم:

۱- تفسیر از نظر محتوی و مضمون

علم تفسیر بر اساس محتوی و مضمون به دو نوع تفسیر نقلی یا تفسیر بالمأثور و تفسیر بالرأی یا تفسیر مبنی بر اجتهاد تقسیم می شود.

در تفسیر بالمأثور یا تفسیر نقلی به روایت و نقل صحیح اعتماد می شود، که عبارت است از:

- تفسیر قرآن به قرآن.

- تفسیر قرآن به سنت؛ زیرا که سنت بیان کننده کتاب خداست.

- تفسیر قرآن به روایتهای صحابه کرام؛ زیرا که صحابه -رضی الله عنهم- از همه مردم به کتاب خدا دانا ترند.

- تفسیر قرآن به گفتار بزرگان تابعین؛ زیرا که آنها اکثراً دانش خود را از صحابه فرا می گرفتند.

در واقع تفسیر مبتنی بر نقل و روایت صحیح، بهترین روش تفسیر به شمار می رود؛ زیرا استفاده از قرآن، سنت پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- اقوال صحابه و فهم علمای تابعین در فهم نصوص قرآن کریم ممد واقع شده باعث نجات انسان از کج فهمی ولغزش در دانستن معانی و مفاهیم این کتاب عظیم الشأن می گردد.

تفسیر مبتنی بر رأی آن است که مفسر در بیان نمودن معنای مورد نظر، در روشنی اصول علم تفسیر، قواعد زبان عربی و دیگر علوم شرعی، به فهم ویژه خود اعتماد نموده واحکام و حکمتهای قرآن را براساس دیدگاه و نظر خویش استنباط کند.

تفسیر مبتنی بر رأی محض، که بر اصلی استوار نباشد بنام تفسیر بالرأی مذموم یعنی تفسیر عقلی نا پسندیده یاد میشود. این نوع تفسیر حرام بوده و تفسیر قرآن کریم به این شیوه جواز ندارد؛ اما اگر کسی در دایره اصول زبان عربی، تعلیمات شریعت و اصول تفسیر به این روش؛ یعنی با استفاده از رأی و اجتهاد قرآن را تفسیر کند باکی نیست و از آن بنام تفسیر بالرأی محمود؛ یعنی تفسیر با رأی پسندیده یاد می شود.

۲- تفسیر از نظر اسلوب

از نظر اسلوب و روش، تفسیر به چهار نوع تقسیم می شود: تفسیر تحلیلی، تفسیر موضوعی، تفسیر اجمالی و تفسیر مقایسوی.

در تفسیر تحلیلی مفسر قرآن به تحلیل همه جانبه نص قرآنی پرداخته همه ابعاد آیت را مورد تتبع و تحقیق قرار می دهد. در تفسیر موضوعی مفسر به جمع آوری آیات قرآن در باره یک موضوع مشخص



پرداخته آیات مذکور را با شیوه خاص شرح و تفسیر می‌کند. تفسیر اجمالی عبارت از بیان و شرح آیات قرآن کریم به شیوه آسان، مختصر و عام فهم و قابل استفاده برای همه مردم است؛ اما در تفسیر مقایسوی، مفسر قرآن به تتبع و تحقیق در اقوال مفسرین دیگر در مورد آیت و یا آیاتی مشخص می‌پردازد.

چگونه گی نزول قرآن کریم

نزول قرآن کریم، به دو شیوه صورت گرفته است که مختصراً به شرح آن می‌پردازیم:

★ قرآن کریم در بار نخست، به طور مجموعی و به یک باره گی، در شب قدر، به (بیت العزت)، در آسمان دنیا، نازل گردید، چنانچه قرآن کریم هم در سوره «قدر» به آن اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ یعنی: بدرستی ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر.

★ فرود آمدن قرآن به صورت تدریجی مطابق با نیازها و رویدادها، که اولین آیات آن از سوره (العلق) در غار حراء بر پیامبر ﷺ نازل شد و در مدت بیست و سه سال، یعنی تا وفات پیامبر ﷺ نزول قرآن کریم تکمیل گردید.

علمای افغانستان و علم تفسیر

وطن عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان و پر افتخار تاریخی و تمدنی، مهد پرورش عده زیادی از قرآن شناسان بزرگ و علمای نامدار تفسیر قرآن کریم است که از جمله آنان می‌توان بطور مثال شیخ الإسلام خواجه عبد الله انصاری هروی متوفای سال ۴۸۱ هـ ق ابوبکر عتیق سور آبادی هروی متوفای سال ۴۹۴ هـ ق. امام فخر الدین رازی متوفای سال ۶۰۶ هـ ق مولانا حسین واعظ کاشفی متوفای سال ۹۱۱ هـ ق. مولانا مراد علی کاموی متوفای سال ۱۲۹۴ هـ ق. و از دانشمندان معاصر مولانا سلطان عزیز را نام گرفت.



معلم محترم به شرح انواع تفسیر پرداخته و با ارائه مثال اهمیت و فواید هر نوع تفسیر را به شاگردان واضح سازد.



۱. تفسیر به چند قسم است، و هر یک دارای چه ویژه گی‌هایی می‌باشد؟
۲. حکم تفسیر بالرأی را توضیح بدهید.
۳. در مورد نقش علمای میهن عزیز ما افغانستان در تاریخ و تمدن اسلامی توضیح بدهید.
۴. بعضی از علمای بزرگ تفسیر را نام بگیرید.
۵. قرآن کریم چگونه نازل گردیده است؟



کارخانه گی

شاگردان با استفاده از تفاسیر موجود در کتابخانه مدرسه، لستی از کتابهای تفسیر با ذکر اسمای مؤلفین آن‌ها ترتیب نمایند.



سورة النبأ

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

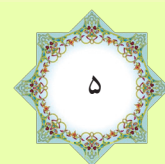
﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ (۱) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ﴿۲﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿۳﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿۵﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿۶﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿۷﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿۱۰﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿۱۱﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿۱۲﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿۱۳﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿۱۴﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿۱۵﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿۱۶﴾ (سورة النبأ ۱-۱۶)

معنای کلمات

{النَّبِيَّ}:	خبر (بزرگ)
{مِهَادًا}:	گهواره
{أَوْتَادًا}:	میخها
{أَزْوَاجًا}:	جفت ها
{سُبَاتًا}:	آسایش
{مَعَاشًا}:	معیشت
{شِدَادًا}:	استوار
{وَهَّاجًا}:	فروزان
{الْمُعْصِرَاتِ}:	متراکم
{ثَجَّاجًا}:	آبی ریزان
{أَلْفَافًا}:	پیچیده و انبوه

ترجمه آیات

(کافران قریش) درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ (۱) از آن خبر بزرگ (۲) که ایشان در باره آن اختلاف دارند؟ (۳) هرگز نه، به زودی خواهند دانست (۴) هرگز نه، بزودی خواهند دانست (۵) آیا نگردانیدیم زمین را گهواره (فرش)؟ (۶) و نگردانیدیم کوهها را میخها؟ (۷) و آفریدیم شما را جفتها (۸) و گردانیدیم خواب شما را آسایش (۹) و گردانیدیم شب را پوششی (۱۰) و گردانیدیم روز را وقت



کار (طلب معیشت) (۱۱) و بنا کردیم بر فراز شما هفت بنای استوار (۱۲) و گردانیدیم چراغی (خورشید) فروزان (۱۳) و فرود آوردیم از ابرهای متراکم آبی ریزان (۱۴) تا بر آریم بدان دانه و گیاه (۱۵) و باغهای در هم پیچیده وانبوه (۱۶)

معرفی سوره

سوره النبأ از سوره‌های مکی قرآن کریم بوده و شماره آن بر اساس ترتیب عثمانی (۸۷) است. آخرین جزء قرآن کریم با سوره مبارکه النبأ آغاز گردیده و اثبات قیامت و تحولات شگفت انگیزی که در آن روز واقع می‌شود موضوع اصلی سوره را تشکیل می‌دهد.

تفسیر اجمالی

کفار قریش از چه چیزی از یکدیگر شان می‌پرسند؟ آن‌ها با شک و تردید در باره یک خبر بسیار مهمی از یکدیگر سؤال می‌کنند که عبارتست از آنچه بر پیامبر خداوند؛ یعنی حضرت محمد- صلی الله علیه وسلم- نازل گردیده و در آن از روز قیامت و زنده شدن پس از مرگ و حالات آخرت خبر داده شده است.

خداوند به تخویف و تحذیر منکرین بعث و قیامت پرداخته و برای شان می‌گوید که آنان بزودترین وقت نتیجه کفر و تکذیب شان را خواهند دید و بخاطر کفر ورزیدن و انکار از حق در آتش دوزخ سوخته حقانیت و صدق دعوت پیامبر برای شان روشن می‌گردد.

در آیات بعدی خداوند متعال برخی از نعمتها و نشانه‌های قدرت مطلق و بی پایان خویش را غرض تنبیه، پند و اندرز ذکر فرموده و انسان‌ها را به بعضی از پدیده‌های موجود در خلقت و کاینات متوجه می‌سازد تا با پی بردن به حقایق از تکذیب پیامبر و انکار قیامت دست بردارند.

خداوند متعال می‌فرماید: «آیا زمین را مانند فرش برای زیست شما هموار نساختیم؟ آیا کوهها را برای اینکه حرکت زمین مضطرب نباشد چون میخها قرار ندادیم؟»



ما انساها را جفت؛ یعنی در شکل مرد وزن آفریدیم و خواب را فرصتی ساختیم برای رفع خستگی و راحت انسان. و شب را چون لباسی ساختیم که تاریکی آن همه چیز را می پوشاند. روز را وقت کار و سعی و کوشش برای به دست آوردن روزی و منافع قرار دادیم و آسمان را مانند سقف محکمی ساختیم و در آن خورشید را چون چراغ تابانی قرار دادیم که همه جا را روشن و منور می سازد. از ابرهای متراکم و انبوه آب بسیار، یعنی باران را فرود آوردیم تا از آن انواع حبوبات و نباتات برای استفاده انسان ها و حیوانات برویند و باغهایی با درختان انبوه و شاخه های درهم پیچیده بوجود بیایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:

* اثبات قیامت و زنده شدن پس از مرگ و اینکه مردن پایان همه چیز نیست.

* بیان نشانه های قدرت خداوند در کاینات بحیث دلایل روشن برای اثبات توحید و صدق

پیامبر ﷺ

* کفار نتیجه کفر ورزیدن و تکذیب پیامبر را بزودی در وقت مردن و پس از آن خواهند دید.

* انسان عاقل و پند پذیر با دیدن نشانه ها و دلایل قدرت الله متعال در زمین و آسمان به او - جل

جلاله- ایمان آورده پیامبر برحق او را تصدیق مینماید.



شاگردان به دسته های کوچک پنج نفری تقسیم شده و با استفاده از مشاهدات شان در مورد نشانه های قدرت خداوند- جل جلاله- در روی زمین باهم گفتگو نمایند.



۱- سورة مبارکه النبأ در کجا نازل شده است؟

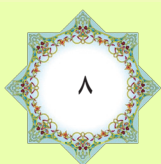
۲- کفار قریش در مورد چه چیزی شک داشته و آنرا انکار می کردند؟

۳- چرا خدوند- جل جلاله- برخی از آثار قدرت خود را در آیات ذکر شده در بالا بیان فرموده است؟



کارخانه گی

شاگردان آیات مبارکه درس را ترجمه کرده و مفهوم آن را در کتابچه هایشان بصورت مقاله یی بنویسند که از ده سطر کم نباشد.



سورة النبأ

(قسمت دوم)

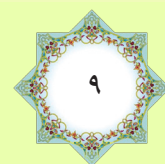
﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلطَّاغِينَ مَابًا ﴿٢٢﴾ لَا يَبِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

معنای کلمات

{يَوْمَ الْفَصْلِ}: روز فیصله	{مِرْصَادًا}: کمینگاه
{مِيقَاتًا}: وقت معین	{لِلطَّاغِينَ}: برای سرکشان
{يُنْفَخُ}: دمیده می شود	{مَابًا}: جایگاه
{الصُّورِ}: صور	{أَحْقَابًا}: مدتهای دراز که پایان ندارد.
{أَفْوَاجًا}: جمع فوج، گروه گروه	{حَمِيمًا}: آب سوزان و جوشان
{أَبْوَابًا}: جمع باب، دروازه ها	{غَسَّاقًا}: آب چرک و خون
{سَرَابًا}: سراب	{أَحْصَيْنَاهُ}: برشمردیم آنرا

ترجمه آیات

بدون شک روز فیصله کردن (داوری) وقت معین است (۱۷) روزی که در صور دمیده شود پس گروه گروه (به محشر) بیایید (۱۸) وگشوده شود آسمان، پس باشد (مانند) دروازه ها(۱۹) وروان



کرده شود کوه‌ها پس باشند مانند سراب (۲۰) مسلماً جهنم (در آن روز) کمینگاهی است (۲۱) و جای باز گشتی برای سرکشان (۲۲) مدتهای طولانی در آن میمانند (۲۳) در آنجا نه خنکی چشند و نه نوشیدنی گوارایی (۲۴) جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون (۲۵) مجازاتی مناسب (با جرم آنها) (۲۶) آنان بودند که به (روز) حساب امید نداشتند (۲۷) و آیات ما را سخت تکذیب کردند (۲۸) و حال آنکه ما هر چیزی را برشمرده ایم با نوشتن (۲۹) پس بچشید که جز عذاب هرگز (چیزی) بر شما نمی‌افزاییم (۳۰).

تفسیر اجمالی

پس از آنکه خداوند- جل جلاله- در آیات گذشته نشانه‌های قدرت خویش را بیان فرموده و بر آمدن قیامت تأکید کرد، درین آیات برخی از حالات روز قیامت و مجازات کافران را که از قیامت منکر اند بیان می‌فرماید:

روز قیامت وقت فیصله و داوری میان بنده‌گان است تا هر کس مطابق اعمال خود پاداش ببیند. این روز در وقت معین می‌آید و پس و پیش نمی‌شود، روزی که ملکی بنام اسرافیل - علیه السلام- در صور بدمد و مردم گروه گروه به میدان محشر در پیشگاه پروردگار غرض داوری حاضر شوند. درین روز آسمان برای نزول و پایین آمدن ملایکه گشوده می‌شود و دروازه‌های زیادی خواهد داشت، کوه‌ها خورد و ریز شده و از دور مانند سراب به نظر می‌آیند.

جهنم از قبل آماده و در کمین بوده و انتظار کافران را می‌کشد تا جایگاه آنان باشد و برای مدتهای طولانی و همیشه آنانرا در شعله‌های آتش خود بسوزاند. آنان در جهنم آب سرد و شربت گوارایی نمی‌یابند تا گرمی طاقت فرسا و سوزنده آتش را از ایشان کم بسازد. آب جوشان و چرک آب خون و ریم تنها نوشیدنی آنها می‌باشد!



بدون شک این عذاب دردناک جزا و پاداش مناسب و عادلانه است که این کافران سرکش در مقابل اعمال بد و زشت خویش سزاوار آن هستند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * بیان فرجام سرکشی و طغیان و ارتکاب اعمال زشت.
- * بیان سرنوشت دردناک منکران قیامت و زنده‌گی پس از مرگ.
- * اعمال بنده‌گان اعم از مؤمن و کافر، چه خوب و چه بد، به امر خداوند - جل جلاله - از طرف ملائکه ثبت و نوشته می‌شود و کسی را مجال انکار از آنچه انجام داده است نمی‌باشد.
- * اثبات و تأکید عقیده بعث و قیامت و ضرورت ایمان به آن.
- * ابدی بودن و پایان نا پذیری عذاب آخرت برای کافران.



شاگردان در مورد آیات بالا تدبر نموده و اعمال و کارهایی را در کتابچه خود بیرون نویس کنند که منجر به رفتن انسان به جهنم می‌شود.



- ۱- برخی از چیزهایی را که در روز قیامت واقع می‌شود نام بگیرید.
- ۲- جمله **﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾** را ترجمه نموده و به زبان خود شرح کنید؟
- ۳- معنای کلماتی را که در زیر آن‌ها خط کشیده شده بنویسید:
فَتَأْتُونَ، سِيرَتِ، لَا بَيْتِينَ، جَزَاءً، وَكَذَّبُوا، فَذُوقُوا



در مورد اهمیت ایمان به قیامت و اثر آن در زنده‌گی مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

سورة النبأ

(قسمت سوم)

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾ جَزَاءُ مَنْ رَبَّكَ عَطَىٰ حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾﴾

معنای کلمات

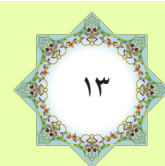
{مَفَازًا}:	نجات، رستگاری	{كِذَابًا}:	تکذیب کردن، دروغ پنداشتن
{حَدَائِقَ}:	جمع حدیقه، باغها	{جَزَاءً}:	پاداش
{أَتْرَابًا}:	همسن و سال	{مَا بَا}:	بازگشت و مرجع
{كَأْسًا}:	جام، پیاله	{تُرَابًا}:	خاک
{لَغْوًا}:	بیهوده		

ترجمه آیات

به تحقیق برای پرهیزگاران رستگاری است (۳۱) باغها و انواع انگورها (۳۲) و زنان دوشیزه گان (حوریان) همسن و سال (۳۳) و پیاله های لبریز و پی در پی (از شراب طهور) (۳۴) نشنوند در آنجا (سخن) بیهوده و نه تکذیب (یکدیگر را) (۳۵) پاداشی است از پروردگار تو، عطایی از روی حساب (۳۶) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو هست، بخشایشگری که کس را یارای خطاب با او نیست (۳۷) روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند، سخن نگویند (حاضران محشر) مگر کسی که (خدای) رحمان به او اجازت دهد و سخن راست گوید (۳۸) آن روز حق است پس هر که خواهد بگیرد راه بازگشتی به سوی پروردگار خود (۳۹) ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم، روزی که آدمی می بیند آنچه را که با دست خویش پیش فرستاده است و کافر گوید کاش من خاک می بودم (۴۰)

تفسیر اجمالی

درین قسمت از سورة مبارکه خداوند -جل جلاله- پاداش بنده گان مؤمن و پرهیزگار را بیان فرموده و برخی از نعمت هایی را یاد می کند که برای آنان در بهشت آماده ساخته است. کسانی که در دنیا



پرهیزگار اند و کارهای نیکو انجام می‌دهند، با رفتن به بهشت نجات می‌یابند و رستگار می‌شوند. خداوند متعال برای شان باغ‌ها و انگور، زنان پاکیزه و همسن و سال و جام‌های پر از شراب طهور آماده ساخته است و آنان در بهشت سخنان باطل و بی‌فایده و دروغ و تکذیب را نمی‌شنوند. این همه نعمات پاداش کافی و احسان‌یست برای مردم خدا ترس و نیکو کار که در برابر اعمال صالح از طرف خداوند کریم برای شان داده می‌شود. خدایی که خالق آسمان‌ها و زمین و رحمان دنیا و آخرت بوده و چنان با عظمت و با هیبت است که کسی در روز حشر بدون اذنش توان سخن گفتن و شفاعت ندارد؛ مگر کسی که به اجازه او - جل و علا - سخن حق و نیکو بگوید!

یقیناً آن روز آمدنیست و باید مردم با انجام کارهای نیک برای آن آماده‌گی بگیرند.

در پایان سوره خداوند متعال یک بار دیگر از عذاب قیامت که نزدیک است یاد فرموده و موقف کافران را بیان می‌کند که از هول و هیبت عذاب قیامت تمنا می‌کنند که کاش خاک می‌بودند تا از این عذاب بزرگ نجات می‌یافتند.

فواید درسی

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * بیان درجه برتر پرهیزگاران و نجات آنان در روز قیامت.
- * بیان بعضی از اوصاف بهشت و نعمتهایی که خداوند - جل جلاله - برای متقیان در برابر اعمال نیکوی ایشان آماده کرده است. * نکوهش دروغ و سخنان بی‌فایده. * بیان سختی‌های روز قیامت و حشر.
- * تأکید بر حقانیت عقیده دوباره زنده شدن پس از مرگ و جزا و پاداش.
- * ترغیب مردم به اعمال نیکو و اجتناب از گناهان و کارهای ناپسند.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات درس بنویسید:
لِّلْمُتَّقِينَ أَجْنَابًا، دِهَاقًا، لَا يَسْمَعُونَ، عَطَلَاءَ، أَذِنَ، أَنْذَرْنَاكُمْ، الْمَرْءُ
- ۲- برخی از نعمات اهل بهشت را ذکر کنید.
- ۳- چرا کافران در روز قیامت تمنا می‌کنند تا خاک می‌بودند؟



کارخانه‌گی

شاگردان در باره پاداش و ثواب عمل نیکو مقاله‌ی بنویسند که از یک صفحه کم نباشد.

سورة النازعات

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا﴾ ١ ﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾ ٢ ﴿وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا﴾ ٣ ﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا﴾ ٤ ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ ٥ ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾ ٦ ﴿تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾ ٧ ﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ﴾ ٨ ﴿أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ ٩ ﴿يَقُولُونَ أَئِنَّا لَمَرُدُّوْنَ فِي الْحَافِرَةِ﴾ ١٠ ﴿أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً﴾ ١١ ﴿قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ ١٢ ﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ ١٣ ﴿فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾ ١٤ ..

معنای کلمات

از پی آینده	{الرَّادِفَةُ}	به سختی بیرون آورنده گان	{النَّازِعَاتِ}
هراسان	{وَاجِفَةٌ}	به آرامی بیرون آورنده گان	{النَّاشِطَاتِ}
ترسیده، هراسان	{خَاشِعَةٌ}	شنا کننده گان	{السَّابِحَاتِ}
حالت نخستین	{الْحَافِرَةِ}	سبقت گیرنده گان	{فَالسَّابِقَاتِ}
پوسیده	{نَخِرَةً}	تدبیر کننده گان	{الْمُدَبِّرَاتِ}
بازگشت	{كَرَّةٌ}	لرزنده	{الرَّاجِفَةُ}

ترجمه آیات

قسم به فرشتگانی که روح (کافران را) به سختی بیرون می آورند (١) و قسم به فرشتگانی که روح (مؤمنان) را به آرامی بیرون می آورند (٢) و قسم به فرشتگانی که شنا می کنند شنا کردنی (٣) پس قسم به فرشتگانی که در پیشی گرفتن سبقت گیرنده اند (٤) قسم به فرشتگانی که کار را تدبیر می کنند (٥) آن روز که لرزنده بلرزد (٦) و از پی آن بیاید از پی در آینده (٧) در آن روز دلهایی سخت هراسانند (٨) چشم های آنان از ترس فرو افتاده است (٩) (کافران) می گویند آیا ما باز گردانیده شویم به حالت نخستین (١٠) آیا چون شویم استخوان های پوسیده، باز زنده شویم؟ (١١) گفتند در این

صورت این برگشتی زیان‌آور است (۱۲) پس جز این نیست که آن واقعه یک آواز تند است (۱۳) پس ناگهان ایشان بر روی زمین آمده باشند (۱۴).

معرفی سوره

سوره النازعات مکی بوده و چهل و شش آیت دارد. نام سوره از نخستین آیت آن گرفته شده است. موضوعات اساسی سوره عبارتست از قیامت، قصه موسی - علیه السلام - با فرعون، ذکر برخی آثار قدرت الهی و نعمت‌های او تعالی بالای انسان‌ها و ناچیز بودن وزود گذشتن زنده‌گی دنیا.

تفسیر اجمالی

سوره النازعات با قسم آغاز می‌شود، خداوند به گروه‌های متعدد فرشتگان قسم یاد می‌کند: فرشتگانی که ارواح کافران را با سختی و شدت بیرون می‌کشند، فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با آرامی و نشاط قبض می‌کنند، فرشتگانی که در صعود و نزول شان از آسمان غوطه زنان و مانند شناوران حرکت نموده و در اجرای امر خداوند سرعت به خرج می‌دهند و فرشتگانی که امور کاینات و هستی را به امر پروردگار تدبیر می‌نمایند.

باید دانست که قسم یکی از شیوه‌های تأکید در زبان عربی بوده و خداوند به آنچه خواسته باشد قسم یاد می‌کند، مگر برای بنده جایز نیست تا به موجود دیگری غیر از خداوند متعال سوگند یاد کند؛ زیرا سوگند خوردن به غیر از خداوند شرک است.

جواب قسم درینجا مقدر است و از سیاق آیات و فهمیدن شیوه قرآن کریم درینگونه موارد معلوم می‌شود؛ یعنی قسم به فرشتگان (النازعات، الناشطات، السابحات، السابقات و المدبرات) که به تحقیق شما دوباره زنده شده و غرض حسابدهی از اعمال تان به میدان حشر کشانیده می‌شوید. درینجا اسلوب قسم بخاطری بکار رفته است که کافران به شدت منکر بعث و قیامت بوده و زنده شدن پس از مرگ را رد می‌کردند بناءً خداوند با بلیغ ترین و شدید ترین شیوه تأکید، یعنی قسم، پندار باطل کافران را رد فرموده به اثبات قیامت و بعث پرداخت.

سپس الله متعال به کافران می گوید: حقیقت بعث و قیامت وقتی آشکار خواهد شد که "راجفة" یعنی صور اول دمیده شود و قیامت واقع گردد. بدنبال صور اول صور دوم که از آن به "رادفة" تعبیر شده است دمیده می شود و مرده گان از قبر بیرون می شوند- در حدیث صحیحی آمده است که بین نفخة اول و نفخة دوم چهل سال فاصله می باشد - و دلها از هیبت آنچه در آن روز واقع می گردد سخت ترسان و پریشان می شود و چشمان صاحبان دلهای ترسان از شدت ترس بر زمین فرو افتاده و آثار ترس و ذلت در آن هویدا می باشد!

خداوند بطور حکایت از کفار منکر بعث می فرماید که آنان می گویند: آیا ما پس از مرگ و بعد از آنکه استخوانهای پوسیده ای باشیم دوباره به زنده گی بر می گردیم؟! آنان می گویند اگر اینچنین باشد و ما دوباره زنده شویم پس این باز گشتی خواهد بود زیانبار! زیانبار بخاطریکه آنان همه چیز شان را از دست خواهند داد و پاداش عقاید بی اساس و اعمال زشت خویش را خواهند دید.

خداوند متعال می فرماید که وقوع بعث فقط با یک فریاد بیمناک صورت می گیرد که عبارت از دمیدن اسرافیل یا "نفخة" دوم است و کفار منکر بعث و همه مخلوقات بیدرنگ خویشتن را زنده بر روی زمین می یابند که از آن در آیت مبارکه به "الساہرہ" یعنی جایی که در آن کسی خواب نخواهد شد تعبیر شده است.

الله - جل جلاله- در آیات متبرکة بالا با شیوة زیبا و بیان شیوا پندارهای باطل کافران منکر بعث را رد کرده و وقوع قیامت و بعث را ثابت فرموده است.

فواید درس

آیات مبارکة فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:

* خداوند به آنچه از موجودات خواسته باشد قسم یاد می کند مگر برای انسان جایز نیست تا به غیر خداوند قسم یاد کند.

* فرشتگان روح مؤمنان را در وقت مرگ به آسانی قبض کرده و برخلاف، روح کفار را با سختی از

تن بیرون می‌کشند.

✱ اثبات عقیده بعث و جزاء با شیوه بلیغ قسم.

✱ بیان کیفیت وقوع قیامت و زنده شدن پس از مرگ.

✱ انسان عاقل کسی است که با تدبر و تفکر در آیات قرآن کریم با انجام اعمال صالح و اجتناب از بدیها و گناهان خودش را برای مرگ و قیامت و بعث آماده سازد.

فعالیت



شاگردان به کمک استاد محترم بعضی از آیات دیگر قرآن کریم را که به وقایع و حالات قیامت ارتباط دارد تلاوت کرده در مورد معنای آن تدبر و گفتگو نمایند.



۱- معنای کلمات زیر را با استفاده از ترجمه آیات در یابید:

{ غَرَقًا، نَشْطًا، تَرْجُفٌ، يَوْمَئِذٍ، عِظَامًا، زَجْرَةٌ }

۲- چرا خداوند- جل جلاله- به فرشتگان قسم یاد فرموده است؟

۳- فایده اسلوب قسم چیست؟ و قسم چه وقت بکار می‌رود؟

۴- حکم سوگند یاد کردن به غیر از خداوند چیست؟

۵- فرق بین نفخه اول و دوم چیست؟ و فرشته ای که مکلف به دمیدن صور است چه نام دارد؟



کارخانه‌گی

شاگردان خلاصه تفسیر آیات درس را به اسلوب خود در کتابچه هایشان بنویسند.

سورة النازعات

(قسمت دوم)

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ (١٥) إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ ﴿٢٦﴾

معنای کلمات

خبر	{حَدِيثُ}	نافرمانی کرد	{عَصَى}
نام وادی	{طُوًى}	پشت کرد	{أَذْبَرَ}
طغیان کرد، از حد گذشت	{طَغَى}	جمع کرد	{حَشَرَ}
پاکیزه شوی	{تَزَكَّى}	عذاب	{نَكَالَ}
نشانه، معجزه	{الْآيَةُ}	می ترسد	{يَخْشَى}

ترجمه آیات

آیا خبر (سرگذشت) موسی به تو رسیده است؟ (١٥) آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس (پاک) طوی ندا داد (١٦) که برو به سوی فرعون که وی از حد در گذشته است (١٧) و بگو آیا میل داری که پاکیزه شوی؟ (١٨) و من تو را راه نمایم به سوی پروردگارت تا از او بترسی (١٩) پس معجزه بزرگ را به او (فرعون) نشان داد (٢٠) پس (فرعون) دروغ پنداشت و نافرمانی کرد (٢١) سپس پشت کرد (و) پیوسته برای (محو دین حق) تلاش کرد (٢٢) پس جمع کرد (قوم خود را) (و) ندا داد (٢٣) پس گفت من پروردگار برتر شما هستم (٢٤) پس خدا گرفتار ساخت او را به عذاب دنیا و آخرت (٢٥) به تحقیق درین (خبر) عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد (٢٦).

تفسیر اجمالی

درین مجموعه از آیات، خداوند - جل جلاله - قصه موسی - علیه السلام - را ذکر کرده که مکلف شده بود تا به نزد فرعون پادشاه جابر و ظالم وقت که ادعای خدایی داشت رفته او را بطرف دین حق دعوت نماید. سبب آوردن داستان موسی - علیه السلام - درینجا تسلیت دادن به حضرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و تقویت روحیه ایشان در برابر طغیان و تکذیب مشرکین است، یعنی سرکشی و تکذیبی که این مشرکین در برابر دعوت حق و دین اسلام مرتکب می شوند چیزی جدیدی نبوده و در تاریخ نبرد

بین حق و باطل سابقه و ریشه دارد که طغیان و فساد فرعون نمونه ای از آن است؛ بناء مایوسی در کار نیست و باید دعوتگران راه توحید و حق، ثبات و استقامت داشته باشند.

خداوند-جل جلاله- پیامبر خود موسی -علیه السلام- را امر می کند که نزد فرعون برود و برایش بگوید که آیا رغبت داری تا ترا بسوی پروردگارت رهنمایی کنم تا از کفر و گناه و بدیها پاکیزه شوی؟ موسی - علیه السلام- برای قناعت دادن به فرعون واثبات پیامبری خود به فرعون معجزه هایی مانند (عصا و ید بیضا) یعنی دست سفید نشان داد، مگر فرعون بجای قبول دین حق و ایمان آوردن، به موسی - علیه السلام- و دعوت او، به جنگ و مقابله برخاست و قوم خود و جادوگران را گرد آورد تا از فرعون حمایت کنند. طغیان و سرکشی فرعون به این هم بسنده نکرد؛ بلکه فراتر ازان، این طاغوت سرکش دعوای خدایی کرد و صدای "من خدای برتر شمایم" را سر داد و همان بود که الله متعال او را به چنان عذاب دردناک در دنیا و آخرت گرفتار نمود که برای همه سرکشان ستمگر پند و عبرت باشد.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:
- * بیان طغیان و سرکشی فرعون که در کفر و گناه از حد گذشته بود.
- * تسلیت و تقویة روحیة پیامبر - صلی الله علیه وسلم- و داعیان راه حق تا در برابر مشکلات راه دعوت و سرکشی و عناد اهل باطل ضعیف نشده ثبات و استقامت را از دست ندهند.
- * بیان این که تزکیه و طهارت نفس تنها با عقیده درست و عمل بر احکام دین الهی ممکن است.
- * خشوع قلب و ترس از خداوند از طریق شناخت و معرفت او تعالی ممکن می باشد.
- * دعوتگر باید با بهترین شیوه مردمان را بطرف حق دعوت نموده از الفاظ خوب و نرم کار بگیرد.



۱- با استفاده از ترجمه آیات مبارکه معنای کلمات ذیل را بنویسید:
{الْمُقَدَّسَ، كَذَّبَ، عِبْرَةً}

۲- چرا خداوند-جل جلاله- موسی -علیه السلام- را بسوی فرعون فرستاد؟

۳- معجزه حضرت موسی - علیه السلام- چه بود؟

۴- دعوتگر مسلمان برای دعوت مردم بطرف نیکیها و خیر از چه طریقه باید کار بگیرد؟



کارخانه گی

شاگردان با استفاده از آیات درس و دیگر آیات قرآن کریم در مورد قصه موسی - علیه السلام- و دعوت و جهاد او برای نشر عقیده توحید، مقاله یی در یک صفحه بنویسند.

سورة النازعات

(قسمت سوم)

﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ
ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا
﴿٣٢﴾ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾﴾

معنای کلمات

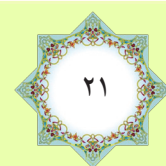
{رَفَعَ}:	بلند کرد
{أَغْطَشَ}:	تیره ساخت
{دَحَاهَا}:	گسترده داد، هموار کرد

ترجمه آیات

آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آفرینش آسمان که (خداوند) آن را بنا نهاد (۲۷) سقفش را برافراشت سپس آن را درست کرد (۲۸) و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید (۲۹) و زمین را پس از آن (بعد از آفریدن آسمان) گسترش داد (هموار کرد) (۳۰) و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد (۳۱) و کوهها را استوار نمود (۳۲) برای منفعت شما و چهارپایان تان (۳۳).

تفسیر اجمالی

خداوند متعال درین آیات مبارکه بعضی از آثار قدرت بی پایان خویش را در کاینات و پدیده‌های طبیعی؛ مانند: آفرینش آسمان، شب و روز، زمین، آب و نباتات بیان می‌کند. هدف از این بیان اینست تا انسان با درک نمونه‌های قدرت الله متعال به آخرت و زنده شدن پس از مرگ بحیث یک حقیقت بزرگ ایمان بیاورد.



خداوندی که قادر به پیدایش زمین و آسمان و شب و روز و سایر پدیده‌های موجود در طبیعت است یقیناً به این هم قادر است تا انسان را پس از مردن دوباره زنده کند.

فعالیت

شاگردان در روشنایی آیات مبارکه این درس در مورد برخی از مظاهر قدرت پروردگار در دور و پیش خود دقت و ابراز نظر نمایند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * تأکید عقیده بعث و جزا.
- * بیان برخی از نعمتهای خداوند بر انسان‌ها.
- * پی بردن به آثار علم و قدرت خداوند از طریق نظر و تفکر در کاینات.

سؤالا

- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات بنویسید:
{سَمَكُهَا، ضَحَاها، مَرَعَاها، الْجِبَالُ، مَتَاعًا}
- ۲- چرا خداوند در آیات بالا بعضی از نشانه‌های علم و قدرت خویش را بیان فرموده است؟
- ۳- هدف از خلقت آب، نباتات و سایر منافع در زمین چیست؟



کارخانه‌گی

خلاصه مفهوم آیات درس را به زبان خود در کتابچه‌های تان بنگارید.

سورة النازعات

(قسمت چهارم)

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾ (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿۳۵﴾ وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى ﴿۳۶﴾
 فَمَّا مَن طَغَى ﴿۳۷﴾ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۳۸﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿۳۹﴾ وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ
 وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿۴۰﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿۴۱﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿۴۲﴾
 فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ﴿۴۳﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ﴿۴۴﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا ﴿۴۵﴾ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا
 لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿۴۶﴾

معنای کلمات

واقعه	{الطَّامَّةُ}:	هوس	{الْهَوَى}:
دوزخ	{الْجَحِيمُ}:	قیامت	{السَّاعَةِ}:
سرکشی کرد، طغیان کرد	{طَغَى}:	چه زمانی	{أَيَّانَ}:
جایگاه	{الْمَأْوَى}:	بیم دهنده	{مُنْذِرٌ}:

ترجمه آیات

پس آنگاه که بیاید آن واقعه بزرگ (۱) روزی که یاد کند آدمی آنچه که عمل کرده بود (۳۴) و آشکار گردد جهنم برای هر بیننده یی (۳۵) اما هر که طغیان کرد (۳۶) و زنده گی دنیا را برگزید (۳۷) پس به تحقیق جهنم جایگاه او ست (۳۸) واما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت (۳۹) پس بهشت جایگاه اوست (۴۰) از تودر باره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود (۴۱) در چه منزلی تو از علم آن؟ (۴۲) با پروردگار تو است منتهای علم آن (۴۳) تو فقط هشدار میدهی کسی را که از آن می ترسد (۴۴) روزی که آن ها قیامت را می بینند (چنان می پندارند) که توقف آنان (در دنیا) جز شامگاهی یا صبح آن نبوده است! (۴۵).

تفسیر اجمالی

درین مجموعه از آیات مبارکه، خداوند متعال به حالات قیامت که واقعه بزرگ خوانده شده است اشاره فرموده بیان می کند که در روز قیامت، انسان هر آنچه را در دنیا انجام داده داست بباد می آورد و جهنم برای کسی که آنرا میبیند آشکار می شود. کسی که در دنیا سرکشی نموده، کفر و ظلم را پیشه کرده وبا برگزیدن شهوات و لذتهای دنیا، آخرت و قیامت را فراموش کرده بود جهنم جایگاه اوست؛ اما کسی که از باز پرس و حساب خداوند خوف داشت و از هوی و

هوس؛ یعنی شهوات حرام خودش را دور نگه داشت راهی بهشت می شود که مقام و جایگاه او می باشد. در آیات بعدی الله متعال به پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید که کفار منکر بعث، از تو در مورد وقت وقوع قیامت می پرسند در حالی که تو در باره آن علم نداری. وقت برپایی قیامت را تنها خداوند می داند و بس. کار پیامبر دعوت مردم بسوی خدا و بیم دادن از عذاب اوست. آنان از تو بقصد استهزاء سؤال می کنند در حالی که به قیامت ایمان ندارند. تو فقط آنانی را در باره قیامت هوشدار میدهی که به آن ایمان دارند و ترس از قیامت باعث دوری آنان از کفر و ظلم و کارهای حرام و زشت می گردد. در پایان سوره خداوند - جل جلاله - به پیامبرش می گوید که به کافران منکر بعث و پرسشهای استهزاء آمیز آنان توجه نکند؛ زیرا این کافران، قیامت و دشواری های خوفناک آنرا خود به چشم سر خواهند دید و در آن روز در خواهند یافت که زنده گی دنیا و لذت های آن در برابر آخرت لحظات کوتاهی بیش نبوده و چنان خواهند پنداشت که زنده گی آن ها در دنیا شامگاه و یا صبحگاهی بیش نبوده است.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:
- * قیامت روز سخت و دشواریست که از آن به واقعه و حادثه بسیار بزرگ تعبیر شده است.
- * در روز قیامت انسان هر عملی را اعم از خیر و شر که در دنیا انجام داده است بیاد می آورد و کسی را مجال انکار از آنچه کرده است نمی باشد.
- * بیان اینکه مردمان مؤمن و نیکوکار به جنت میروند و جایگاه انسان های کافر و فاجر جهنم است.
- * بیان اینکه عذاب و دشواری های قبر در برابر سختی های قیامت بسیار کوچک و ناچیز است.
- * انسان باید برای روز قیامت و دشواری های آن آماده گی گرفته از عقاید و اعمال زشت که منجر به سقوط انسان در جهنم می شود اجتناب کند. * راه یافتن به جنت، با ایمان و عمل صالح به دست می آید.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات دریابید:
{يَتَذَكَّرُ، سَعَى، بُرْزَتِ، مَقَامٌ، عَشِيَّةٌ}
- ۲- مراد از "الطامة الكبرى" در آیت کریمه چیست؟
- ۳- طغیان چه مفهوم دارد؟
- ۴- برخی از سختی های روز قیامت را نام ببرید؟



کارخانه گی

شاگردان در مورد اعمال نیکویی که موجب رفتن انسان به جنت می شود، مقاله یی بنویسند که از یک صفحه کم نباشد.

سورة عبس

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ (۱) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴿۲﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى ﴿۳﴾ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ﴿۴﴾ أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى ﴿۵﴾ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ﴿۶﴾ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى ﴿۷﴾ وَأَمَّا مَنْ جَلَّكَ يَسْعَى ﴿۸﴾ وَهُوَ يَخْشَى ﴿۹﴾ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ﴿۱۰﴾ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿۱۱﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۱۲﴾ فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ ﴿۱۳﴾ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿۱۴﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿۱۵﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿۱۶﴾

معنای کلمات

{عَبَسَ}:	چهره درهم کشید	{اسْتَغْنَى}:	توانگر پنداشت
{تَوَلَّى}:	روی گردانید	{يَسْعَى}:	کوشش می کند، با شتاب می آید
{الْأَعْمَى}:	نابینا	{تَلَهَّى}:	غفلت می کنی
{يَزَّكَّى}:	پاک می شد	{سَفَرَةٍ}:	نویسنده گان
{الذِّكْرَى}:	پند شنیدن	{بَرَرَةٍ}:	نیکوکاران

ترجمه آیات

چهره درهم کشید و روی گردانید (۱) به سبب آنکه نزدش آمد نابینایی (۲) و چه چیز داناند ترا شاید او پاک می شد (۳) یا پند می شنید پس نفع می داد او را آن پند شنیدن (۴) اما آن کس که خود را توانگر پنداشت (۵) تو به او روی می آوری (۶) (در حالی که) بر تو چیزی نیست اگر او پاک نشود (۷) و اما آن کس که آمد نزد تو شتابان (۸) و از الله ترسان است (۹) تو از وی غفلت می کنی (۱۰) نه هرگز، به تحقیق این آیات قرآن پند است (۱۱) پس هر کی خواهد یاد کند قرآن را (از آن پند گیرد) (۱۲) به تحقیق ثبت است آیات قرآن در نامه های گرامی (۱۳) (نامه های) عالی مقام پاکیزه (۱۴) به دست

معرفی سوره

سوره عبس مکی است، دارای چهل و دو آیت بوده و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۸۰) قرآن قرار دارد. نخستین موضوع این سوره عتاب بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد که در جریان یک نشست با سران کفار به صحابی نابینایی به نام عبدالله بن أم مکتوم - رضی الله عنه - که می خواست در مورد آیتی از قرآن از وی استفسار نماید التفاتی نکرد و از وی توجه خود را به بزرگان و سران قریش معطوف داشت تا ایشان را به اسلام دعوت دهد، و به همین سبب الله متعال این سوره را نازل فرمود که به نام عبس (چهره درهم کشید) مسمی گردید.

تفسیر اجمالی

موضوعات اساسی سوره را علاوه از حادثه عبد الله بن ام مکتوم - رضی الله عنه - احوال و اوضاع قیامت، ذکر چیزهایی که به نفع و استفاده انسان ها خلق شده، و بیان سرنوشت انسان ها اعم از نیکو کار و بد کار در روز قیامت تشکیل می دهد.

سوره با ذکر رخداد عبد الله بن أم مکتوم که الله تعالی پیامبر صلی الله علیه وسلم را بخاطر وی مورد عتاب قرار داده آغاز یافته است. حضرت پیامبر اکرم در جریان نشستی با سران قریش، از دادن جواب به سؤال صحابی نابینایی بنام عبد الله بن أم مکتوم که درباره قرآن و دین از وی استفساری داشت خود داری نموده، توجه و التفات لازم به وی نکرد. این عدم التفات پیامبر به عبدالله بن أم مکتوم به این سبب بود که می شود او را در وقت دیگری ببیند و به سؤالش پاسخ گوید، اما حال که وی با سران قریش نشست دارد لازم دید تا توجه و التفات خود را به ایشان مبذول کند و آن ها را به دین اسلام دعوت دهد، بنابراین پیامبر در برابر اصرار عبد الله بن ام مکتوم چهره درهم کشید و از وی رخ گردانید، همان بود که الله تعالی این رویه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را نپسندید و او را مورد عتاب قرار داد.

الله تعالی خطاب به پیامبر بزرگوارش می فرماید: تو چه می دانی؟ شاید او (ابن أم مکتوم) خواسته

است که نفس خود را پاک سازد، و یا هم پند اندوزد و از آن مستفید گردد. اما آن کس که اهمیت رهنمودهای ترا نمی‌داند و به دارایی و مال خویش فریفته شده و راه تکبر و خود پسندی برگزیده است، تو توجه خو را بدو معطوف میداری! درحالی که آن‌ها لیاقت و شایستگی این همه توجه و اهتمام تو را ندارند، و نه تو مکلفیت پاک سازی و هدایت حتمی آن‌ها را داری بخاطر آنکه تو فقط وظیفه و رسالت ابلاغ دین رابه عهده داری و بس.

اما آن کس که برای کسب هدایت و تعلیم دین و قرآن نزد تو شتابان آید و از خداوند بیم دارد تو از وی رخ می‌تابی! و دربرابرش بی تفاوتی نشان می‌دهی!

این آیات مبارکه به فضیلت و مقام ابن ام مکتوم اشاره دارد. باید دانست که اجتهاد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بخاطر مصلحت دعوت اسلامی بود. جناب شان این کار را بخاطر گسترش دین و حرص و اشتیاق به ایمان آوردن کفار انجام دادند، این عمل ایشان نه به عصمت پیامبری زیان دارد و نه از باب گناه به شمار می‌رود. مگر باز هم الله تعالی آن اجتهاد را مورد پسند قرار نداد و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به ترک برگزیدن کار برتر تنبیه فرمود که این امر اصل مساوات و برابری در اسلام را به نمایش می‌گذارد تا همگان بدانند که درین دین در میان مردمان غریب و ثروتمند و بانفوذ و عادی، تبعیضی وجود ندارد و همگان در دعوت بسوی دین حق برابرند.

در آیات بعدی عظمت قرآن کریم بیان شده است. آیات قرآن از نقص و عیب مبرا بوده و دارای مقام والا می‌باشد. قرآن وحی و کلام الله متعال است و توسط فرشتگان نوشته شده است، فرشتگانی که جایگاه عالی دارند و نیکو کار اند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * بیان علو مرتبه و منزلت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در نزد خداوند متعال، زیرا خداوند خودش پیامبر خود را ادب می‌آموزد و حتی کوچکترین چیزی را که اگر مباح و جایز هم باشد ولی با انجام آن، ترک کار دیگری که اهم و اولی است لازم شود برای پیامبر محبوبش نمی‌پسندد.
- * تأکید بر صدق رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در رسانیدن وحی، و اینکه پیامبر با کمال

امانتداری کلام و پیام خداوند را - حتی اگر در آن عتابی به شخص او نیز متوجه باشد- بدون کم و کاست بمردم تبلیغ می کند.

* بیان منزلت صحابی جلیل القدر عبدالله بن ام مکتوم - رضی الله تعالی عنه-.

* تأکید بر اصل عدالت و مساوات در دین اسلام و اینکه در نزد خداوند متعال یگانه معیار برتری، تقوا و پرهیزگاریست نه جاه و مال و غیره.

* بیان برتری و عظمت قرآن کریم بحیث آخرین کتاب مطهر آسمانی که برای هدایت و رهنمایی انسان ها نازل شده است.



۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات کریمه دریابید:

{يُذْرِيكَ، لَعَلَّهُ، كَلَّا، صُحُفٍ، كِرَامٍ}

۲- سبب کم توجهی پیامبر- صلی الله علیه وسلم- به عبد الله بن ام مکتوم چه بود؟

۳- عتاب خداوند بر پیامبر- صلی الله علیه وسلم- به چه دلالت می کند؟

۴- یکی از نمونه های عدالت و برابری را در آیات بالا نشان دهید.



در باره عدالت و مساوات در اسلام مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

سوره عَبَسَ

(قسمت دوم)

﴿ قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ﴾ ۱۷ ﴿ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴾ ۱۸ ﴿ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴾ ۱۹ ﴿ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ﴾ ۲۰ ﴿ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴾ ۲۱ ﴿ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴾ ۲۲ ﴿ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ﴾ ۲۳ ﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴾ ۲۴ ﴿ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴾ ۲۵ ﴿ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴾ ۲۶ ﴿ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴾ ۲۷ ﴿ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴾ ۲۸ ﴿ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴾ ۲۹ ﴿ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴾ ۳۰ ﴿ وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴾ ۳۱ ﴿ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴾ ۳۲ ﴿

معنای کلمات

چقدر کافر و ناسپاس است	{ مَا أَكْفَرَهُ: }
آفرید او را	{ خَلَقَهُ: }
راه	{ السَّبِيلَ: }
آسان ساخت آنرا	{ يَسَّرَهُ: }
بر انگیزد او را، دوباره زنده کند	{ أَنْشَرَهُ: }
ریختن	{ صَبًّا: }
شگافتیم	{ شَقَقْنَا: }
سبزی	{ قَضْبًا: }
میوه	{ فَاكِهَةً: }

ترجمه آیات

مرگ بر انسان که چقدر کافر و ناسپاس است (۱۷) (الله تعالی) او را از چه چیز آفریده است؟ (۱۸) او را از یک قطره آب منی آفرید، پس (اندام هایش را) اندازه گیری کرد (موزون ساخت) (۱۹) بعد راه را برایش آسان کرد (۲۰) باز او را بمیراند و در قبر کرد (۲۱) باز وقتی بخواهد او را برانگیزد (۲۲) نه هرگز؛ انسان بجا نکرد آنچه را که پروردگارش به او امر کرده است (۲۳) باید انسان به غذای خود بنگرد (۲۴) ما آب را از بالای سر وی فرو ریختیم به فرو ریختنی (۲۵) باز شگافتیم زمین را به شگافتنی (۲۶) پس رویانیدیم در آن دانه را (۲۷) و انگور و سبزی ها را (۲۸) و زیتون و درختان خرما را (۲۹) و باغ های انبوه را (۳۰) و میوه ها و علف را (۳۱) برای منفعت شما و چهار پایان تان (۳۲).

تفسیر اجمالی

در این مجموعه از آیات کریمه خداوند متعال نخست کفر و ناسپاسی کافران را بیان می کند و سپس انسان را به اصل خلقت او متوجه ساخته و آثار علم بی پایان و قدرت مطلق خویش را در آفرینش

انسان یاد می‌کند. در آیات بعدی الله - جل جلاله- برخی از نعمتهای را ذکر فرموده که بر انسان ارزانی کرده است.

هدف از بیان اینهمه حقایق اینست تا انسان به حقیقت خود پی برده با متوجه شدن به آثار علم و قدرت خالق کاینات، راه ایمان و عمل صالح را درپیش بگیرد و از کفر و سرپیچی از اوامر خداوند اجتناب کند.

کلمه "قتل" را مفسرین به معنای مرگ و لعنت هردو تفسیر کرده اند که معنای مرگ و یا لعنت بر انسان کافر را می‌رساند، و مراد از "الإنسان" درینجا هر انسان کافر متکبر است.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * بیان آثار علم، قدرت و حکمت خداوند - جل جلاله- که همه مستلزم ایمان است.
- * استدلال بر علم و قدرت الله متعال از طریق بیان نمونه‌های این علم و قدرت؛ زیرا چیزی که ساخته شده است به وجود و علم و قدرت صانع آن دلالت دارد؛ بنابراین چقدر ناسپاس و منکر از حق خواهد بود آن کسی که با وجود اینهمه حقایق از ایمان به خداوند سر باز می‌زند؟!*
- * بیان اینکه انسان با وجود همه کوشش، نمی‌تواند شکر نعمات بی پایان خداوند را بجا بیاورد.



شاگردان صنف به دسته‌های کوچک تقسیم شده و باهم در مورد آثار علم و قدرت خداوند در روی زمین مناقشه نمایند.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات در یابید:
{قَتَلَ، نُطْفَةٍ، فَلْيَنْظُرْ، حَبًّا، حَدَائِقَ، غُلْبًا، مَتَاعًا}
- ۲- مراد از انسان در آیت کریمه کیست؟
- ۳- جمله "قتل الإنسان" به چه دلالت دارد؟
- ۴- خداوند چرا عده‌یی از نعمات خود را در آیات بالا بر شمرده است؟



شاگردان به بعضی از آثار قدرت خداوندی در دور و پیش خود نظر انداخته متنی درین باره بنویسند که از یک صفحه کم نباشد.



سورة عَبَسَ

(قسمت سوم)

﴿ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ ﴾ (۳۳) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿ ۳۴ ﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿ ۳۵ ﴾ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿ ۳۶ ﴾ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿ ۳۷ ﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿ ۳۸ ﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿ ۳۹ ﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿ ۴۰ ﴾ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿ ۴۱ ﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿ ۴۲ ﴾

معنای کلمات

صدای سخت	{الصَّاحَّةُ}:	خندان	{ضَاحِكَةٌ}:
می گریزد	{يَفِرُّ}:	غبار آلود	{غَبَرَةٌ}:
انسان	{الْمَرْءُ}:	سیاهی، تاریکی	{قَتَرَةٌ}:
نورانی	{مُسْفِرَةٌ}:	فاجران، بدکاران	{الْفَجَرَةُ}:

ترجمه آیات

پس وقتی بیاید صدای سخت (۳۳) در آن روز انسان از برادر خود می گریزد (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵) و از زن و فرزندان خود (۳۶) برای هرکس از ایشان در آن روز وضعی است که او را به خود مشغول می سازد (۳۷) چهره هایی در آن روز گشاده و نورانی است (۳۸) خندان و مسرور (۳۹) و چهره هایی در آن روز غبار آلود باشد (۴۰) دود و تاریکی آن ها را پوشانده است (۴۱) آنان همان کافران فاجر اند (۴۲)

تفسیر اجمالی

الله تعالی درین آیات حالت هولناک قیامت، و تأثیر آن را بر انسان ها بیان داشته می فرماید: وقتی صدای مهیب جمع کننده انسان ها فرا رسد، این صدا نشانه آغاز قیامت خواهد بود، در آن روز هر انسان از برادر، مادر، پدر، و رفیق زنده گی (همسر) و فرزندان خویش راه فرار در پیش گیرد، درین روز هر شخص به حالتی روبرو خواهد بود که از توجه به دیگران به کلی روی گرداند و به غم خود مشغول باشد، درین روز برخی از روی ها تابان، خندان و مسرور باشد و برخی دیگری سیاه و غبار آلود و قیرگون. این حالت از یک سو به علت تأثیر هیبت قیامت بروی است و از سوی دیگر غم و اندوه ذلت و رسوایی چهره اش را

تاریک و سیاه ساخته است. کسانی که چنین حالت دارند همانا کفار و منکرین وجود خداوند و عصیان گران از اوامر وی و فاسقان باشند. در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که: در روز قیامت شما با پای کف آبله، برهنه و سنت ناشده حشر کرده می‌شوید، یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم از وی سؤال نمود که ای پیامبر الله! در چنین حالتی می‌شود به یکدیگر چشم باز کنند و عورت یکدیگر را ببینند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب این آیت را خواند: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ این حدیث را ترمذی و نسایی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده اند، و به همین گونه حدیثی دیگری را امام مسلم از عائشه - رضی الله عنها - روایت نموده است.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * روز قیامت چنان هولناک و ترس آور است که هر انسان از کسان نزدیک خود چون: مادر، پدر، برادر، همسر، و اولاد فرار نماید، و این بدانجهت است که هر شخص به غم خود گرفتار می‌باشد.
 - * در روز قیامت مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند:
- الف:** انسان‌های خدا شناس و مؤمن روی‌های شان در نتیجه اعمال نیکی که انجام داده اند نورانی و تابان بوده و پاداش اعمال خود را می‌بینند، و آثار خوشی و سرور از چهره‌های شان نمایان است.
- ب:** انسان‌های خدا ناشناس و کافر که از حکم و فرمان خدا روی تابیدند، روی‌های ایشان سیاه و تاریک، و غبار ذلت و رسوائی در چهره‌های شان نمایان است که این نشانه نارضایتی و غم ایشان می‌باشد.



- ۱- با استفاده از ترجمه آیات متبرکه که معنای کلمات ذیل را بیان دارید:
- ﴿جَاءَتِ صَاحِبَتُهُ، وَجُوهٌ، يَوْمَئِذٍ﴾
- ۲- چرا در روز قیامت روی مردمان نیکو کار نورانی بوده و آثار سرور و خوشی در چهره‌های آنان هویداست؟
 - ۳- سبب سیاهی روی و غمگینی بد کاران در روز قیامت چیست؟
 - ۴- انسان در دنیا باید چه کند تا در روز قیامت از اندوه و غم نجات یابد؟



کارخانه‌گی

شاگردان در روشنی آیات متبرکه درس، بعضی از حالات روز قیامت را در کتابچه‌های خویش بنویسند.



سورة التکویر

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

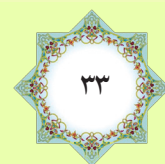
﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُخْضِرَتْ ﴿١٤﴾﴾

معنای کلمات

{الشَّمْسُ}: آفتاب	{الْوُحُوشُ}: حیوانات درنده
{النُّجُومُ}: ستاره‌گان	{ذَنْبُ}: گناه
{الْجِبَالُ}: کوه‌ها	{الصُّحُفُ}: جمع صحیفه، درینجا به معنای عملنامه
{الْعِشَارُ}: شترهای باردار	

ترجمه آیات

وقتی که آفتاب پیچیده شود (۱) و وقتی که ستارگان تیره شوند (۲) و وقتی که کوهها روان کرده شوند (۳) و وقتی که ماده شتران باردار به حال خود گذاشته شوند (۴) و وقتی که حیوانات درنده جمع کرده شوند (۵) و وقتی که بحرهای مانند آتش افروخته شوند (۶) و وقتی که ارواح با اجساد جمع کرده شوند (۷) و وقتی که دختر زنده به گور شده پرسیده شود (۸) که به چه گناهی کشته شد (۹) و وقتی که اعمالنامه‌ها گسترده شوند (۱۰) و وقتی که آسمان پوست بر کنده شود (۱۱) و وقتی که دوزخ افروخته شود (۱۲) و وقتی که بهشت نزدیک ساخته شود (۱۳) (در آن وقت است که) هر شخص بداند که باخود چه (عمل) آورده است (۱۴).



معرفی سوره

سوره تکویر مکی است، بیست و نه آیت دارد و وجه تسمیه آن به تکویر از آن جهت است که در آغاز سوره از پیچیدن آفتاب (در خود پیچیده گی و نابود شدن روشنایی آن) سخن به میان آمده است که این خود نشانه دیگری از آغاز قیامت است. موضوع این سوره نیز قیامت و شروع نشانه‌های آن، ذکر جنت و دوزخ، و همراه با آن بیان وحی و رسالت می‌باشد.

تفسیر اجمالی

در این چهارده آیت کلمه (إذا) ده مرتبه آمده است که برخی از نشانه‌های بزرگ قیامت را بیان می‌دارد. این نشانه‌ها علامت از هم پاشیدن نظام کاینات است. الله تعالی فرموده است: آن وقت که قرص آفتاب در هم پیچد و روشنایی اش را ازدست دهد و به کتله سیاه مبدل گردد. و آنگاه که ستاره‌گان تیره گردند، و نظام دقیق کهکشان‌ها از بین برود و ستارگان به زیر افتند، و آن زمان که کوه‌ها از بیخ برکنده شده و مانند توده از ذرات حرکت نمایند. و وقتی که متاع بیش قیمت عرب‌ها که همانا شتر بار داری که وقت وضع حملش فرا رسیده است بی صاحب گذاشته شود و صاحبان آن از خوف قیامت مصروف غم خود باشند. و آنگاه که تمام حیوانات وحشی از خوف قیامت همه یکجا گرد هم جمع شوند تا انتقام از یکدیگر بگیرند و بعد به خاک مبدل گردند، و وقتی که آب‌های بحر‌ها به آتش مبدل گردند، و وقتی که نفس‌ها جفت ساخته شوند به این معنا که روح‌ها در جسدها باز گردانده شوند، و یا آنکه نفس‌های خوب باخوب‌ها و نفس‌های بد باهم‌تایان خود جوهره ساخته شوند، و آن وقت که از دختر معصوم زنده به گور شده سؤال شود که به کدام جرمی او را زنده به گور ساخته اند؟ «چون عرب‌ها دختران خود را طبق رسم غلط و ناروای خود از شرم و یا به سبب فقر و تنگدستی زنده به گور می‌ساختند.» یعنی از باب توبیخ از ایشان پرسیده شود که دختران معصوم را چرا زنده به گور ساخته و به قتل رسانده اند؟

و وقتی که دفتر اعمال انسان‌ها برسد و برای حساب و کتاب تقدیم گردد و عملنامه هر انسان به دست راست و یا چپ وی گذاشته شود. چنانچه این مطلب در آیات دیگری از قرآن کریم نیز آمده

است که اگر اعمالنامهٔ انسان به دست راست وی داده شود؛ آن شخص کامیاب و سرافراز است و حساب و کتاب وی به آسانی صورت گیرد، و نامه‌های اعمال انسان‌های بد کردار از پشت سر و به دست چپ شان داده شود.

و وقتی که آسمان به گونهٔ پوست از تن جدا ساخته شود، این تعبیر کنایه از میان رفتن نظام کاینات است. و وقتی که آتش دوزخ افروخته و گداخته گردد. این مطلب در برخی از آیات دیگری از قرآن کریم نیز آمده است که آتش افروز دوزخ، انسان‌ها و سنگ‌ها باشند. و وقتی که بهشت برای بهشتیان نزدیک ساخته شود. چنانچه در سورة قاف آمده است: ﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ یعنی بهشت برای پرهیزگاران خوب نزدیک کرده شود. پس هر کس در آن وقت عملی را که انجام داده است، چه نیک و یا بد آن را حتماً باخود خواهد آورد؟

در این چهارده آیت حالت خطرناک روز قیامت تمثیل یافته و بیان گردیده است که همانا فرو پاشی نظام کاینات و حرکت کوه‌ها به شکل آتش فشان می‌باشد و در آن وقت کوه‌ها به گونهٔ بحرهای آتش افروخته به حرکت درآید و آنگاه هر انسان عملنامهٔ خود را خواهد دید. آیت آخر جواب (اذا) یعنی شرط مذکور در آیات قبلی است و این مفهوم را افاده می‌کند که هرکسی آنچه را انجام داده است باخود می‌آورد و انسان نیکو کار بر اساس عمل نیک خود به جنت می‌رود و انسان بد کار بر اساس عمل زشت خویش به جهنم فرستاده می‌شود.

انسان عاقل با درک این حوادث خطرناک باید متوجه اعمال خویش گردیده برای روز قیامت و سختی‌های آن خودش را آماده سازد. این کار تنها از طریق انجام کارهای نیک و اجتناب از رذایل و بدی‌ها ممکنست.

فواید درس

آیات مبارکهٔ فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* همراه با آمدن قیامت نشانه‌های بارز آن که عبارت از درهم ریختن نظام کاینات باشد به دنبال یکدیگر ظاهر می‌شوند.

* از شدت هیبت و خوف روز قیامت انسان از هرچیز بیش قیمت خود چشم می‌پوشد و به آن التفات

نمی‌کند، چنانچه در سوره قبلی تذکر رفته بود که آدمی از نزدیکان خود فرار نماید.
* تاکید اعتقاد بر روز قیامت و این که قیامت وحشر و حسابدهی از اعمال حق بوده، و حتما آمدنیست.

* ترغیب و تشویق بنده‌گان به اعمال نیک که سبب نجات از آتش دوزخ می‌شود.
* ترهیب و ترسانیدن از شرک و معاصی و اعمال بد که منجر به سوختن انسان در آتش جهنم می‌گردد.



- ۱- با استفاده از ترجمه آیات معانی کلمات ذیل را دریابید:
{كُورَتْ، انْكَدَرَتْ، سُيِّرَتْ، عُطِّلَتْ، حُشِرَتْ، سُجِّرَتْ، سُعِّرَتْ}
- ۲- برخی از علامات درهم پاشی نظام کاینات را در روز قیامت بیان دارید.
- ۳- در روشنایی آموخته‌های ساینسی خود چگونه می‌توانید استدلال نمائید که کوه‌ها و بحر‌ها به آتش مبدل می‌شوند؟
- ۴- در بیان هولناکیهای روز قیامت چه درسها و عبرتهایی برای انسان‌ها نهفته است؟



شاگردان در باره از هم پاشیده شدن نظام کاینات و وقوع قیامت مقاله ای بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

سورة التکویر

(قسمت دوم)

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ﴾ ۱۵ ﴿الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾ ۱۶ ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ﴾ ۱۷ ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ ۱۸ ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ ۱۹ ﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ ۲۰ ﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ ۲۱ ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ ۲۲ ﴿وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ﴾ ۲۳ ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ ۲۴ ﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ ۲۵ ﴿فَأَيُّنَ تَذْهَبُونَ﴾ ۲۶ ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ ۲۷ ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ ۲۸ ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ۲۹ ﴿

معنای کلمات

{الْخُنَّسِ}:	ستارگان باز گردنده	{مَكِينٍ}:	دارای مقام بلند
{الْكُنَّسِ}:	ستارگان باز گردنده پنهان شونده	{مُطَاعٍ}:	مورد اطاعت
{عَسْعَسَ}:	چون باز گردد	{ضَنِينٍ}:	بخیل
{تَنَفَّسَ}:	بدمد		

ترجمه آیات

پس قسم می خورم به ستاره گان باز گردنده (۱۵) (ستاره گان) باز گردنده پنهان شونده (۱۶) و قسم به شب چون باز گردد (۱۷) و قسم به صبح چون بدمد (۱۸) بدون شک این (قرآن) گفتار فرستاده گرامی قدر (جبرئیل امین) است (۱۹) که صاحب قدرت می باشد، و در نزد صاحب عرش دارای مقام بلند است (۲۰) در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است (۲۱) و یار شما (پیامبر) دیوانه نیست (۲۲) و او (جبرئیل) را در افق روشن دیده است (۲۳) و او (محمد) در علم غیبی (آنچه از طریق وحی دریافت داشته) بخل نمی ورزد (۲۴) و این (قرآن) سخن شیطان رانده شده نیست (۲۵) پس کجا

می‌روید؟! (۲۶) آن (قرآن) چیزی جز تذکر برای جهانیان نیست (۲۷) برای کسی که خواسته باشد از میان شما که به راه راست برود (۲۸) و شما نمی‌خواهید مگر آنکه بخواهد پروردگار عالمیان (۲۹).

تفسیر اجمالی

در چهارده آیت درس گذشته نشانه‌های بزرگ قیامت به این طور بیان شده بود که وقتی این نشانه‌های واقع شوند، آنگاه هرانسان دریابد که باخود برای روز قیامت چه آورده است. الله متعال درین آیات برای تاکید صدق قرآن کریم و راستگویی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به ستارگان قسم یاد کرده است: من به آن ستاره‌ها قسم یاد کنم که باز گردنده و دوباره طلوع کننده باشند وبصورت پنهان دوباره غروب کننده و باز گردنده باشند. وهمچنان به شب قسم یاد کنم که همه چیز را در تاریکی سیاه خود غرق می‌کند، وهمچنان قسم یاد میکنم به سحرگاه که وقتی نفسی بکشد و طلوع نماید. امام قرطبی در تفسیر خود می‌نویسد: ستاره‌گان از طرف روز پنهان شوند، و چون شب فرا رسد دوباره ظاهر گردند مانند آهوان که شب فرا رسد در غارهای خویش پنهان گردند..

الله متعال می‌فرماید: بر خلاف پندار باطل مشرکان، این قرآن کریم کلام الله بوده و توسط فرشته مکرم (جبرئیل) علیه السلام آورده شده است، فرشته که صاحب قوت بزرگ، و در پیشگاه صاحب عرش الله - جل جلاله - از مقام و منزلت بالایی برخوردار است، وی در آنجا از طرف فرشتگان فرمان برده می‌شود نماینده و امانت دار می‌باشد، یعنی آنچه که از طرف الله برایش سپرده شود آن پیام را با کمال امانت به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - میرساند. درین آیت اضافت قرآن کریم به جبرئیل - علیه السلام - بخاطر آن شده است که قرآن کریم، توسط وی، و به زبان وی به پیامبر ابلاغ گردیده است، چنانچه قرآن کریم در جای دیگری فرموده است: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ . عَلَى قَلْبِكَ﴾ یعنی این قرآن بر قلب تو، توسط فرشته امین: یعنی جبرئیل - علیه السلام - نازل شده است.

در آیت بعدی الله متعال مردمان مکه (قریش) و یا همه بشریت را مخاطب قرار داده فرمود: این یار شما یعنی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که در میان شما زنده گی دارد کدام انسان دیوانه ای نیست،

آنطور که مشرکان مکه بخاطر مخالفت و عناد به دروغ عنوان می کردند، بلکه وی صاحب عقل کامل و درستی است و در رسالتش کاملاً راستگو و امانت دار می باشد. او این فرشته با عظمت؛ یعنی جبرئیل - علیه السلام - را در افق آسمان دیده است. بعد می افزاید که این پیامبر در رسانیدن پیامی که از طرف الله به وی داده شده است کدام تقصیر و کوتاهی و بخل نمی ورزد، به عبارت دیگر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در اینکه این پیام غیبی (وحی) را به شما برساند هیچ بخل نه ورزیده است. و نه این قرآن کدام وسوسه و یا سخن شیطان رانده شده است. پس شما به کدام سو روان هستید ای مردمان مکه ! یعنی باوجود این وضاحت باز هم شما قرآن را دروغ می شمارید و با ساحر، کاهن و شاعر خطاب نمودن پیامبر به کدام سو روانید؟!

در سه آیت بعدی خداوند - جل جلاله - فرموده است: این قرآن جز پند و نصیحت برای همه بشریت چیزی دیگری نیست؛ این پند و عبرت برای کسی است که خواهش رفتن به راه راست را داشته باشد، یعنی راه ایمان را برگزیند. و شما جز به توفیق و خواست الله نمی توانید هیچ راه را برگزینید، آن ذات که آفریدگار و خالق همه کاینات است؛ پس باید که از همین ذات گزینش راه راست و توفیق را استدعا کنید ؛ چون هیچ کاری بدون مشیت و اراده الله امکان پذیر نیست.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:
- * اثبات وحی و نبوت حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم -.
- * فرشته که وحی را به پیامبر صلی الله علیه وسلم و سایر پیامبران - علیهم السلام - می آورد جبرئیل علیه السلام بود، این فرشته از عزت و مقام خاص نزد الله تعالی برخوردار است.
- * قرآن کریم برای آنهایی که خواسته باشند به راه ایمان راهیاب گردند پند است.
- * بیان برخی از صفات حضرت جبرئیل - علیه السلام - مانند قوت، امانت، برتری مکان، اطاعت و غیره.

- * بیان پاکی رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - از تهمتهای مشرکان.
- * بیان اینکه مشیت و خواست الله متعال قبل از خواست و مشیت بنده است.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات دریابید:
{الْجَوَارِ، أَمِينٍ، الْغَيْبِ، رَجِيمٍ}
- ۲- در آیه ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ خطاب متوجه کیست؟ و چرا الله تعالی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - جنون را نفی می کند؟
- ۳- از آیه ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ چه مطلبی بدست می آید و هدف از آن چه می باشد؟



آیا پیامبر علیه الصلاة والسلام جبرئیل علیه السلام را دیده بود؟ اگر دیده بود چگونه و در کجا؟ شاگردان معلومات خود را درین مورد طی مقاله یی ارائه نمایند که از هفت سطر کم نباشد.

سورة الانفطار

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴾ ۱ ﴿ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ﴾ ۲ ﴿ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴾ ۳ ﴿ وَإِذَا الْقُبُورُ
بُعْثِرَتْ ﴾ ۴ ﴿ عَلِمْتَ نَفْسُ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴾ ۵ ﴿ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴾ ۶ ﴿
الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴾ ۷ ﴿ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴾ ۸ ﴿ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ ﴾ ۸ ﴿
وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴾ ۹ ﴿ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴾ ۱۰ ﴿ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ ۱۱ ﴿

معنای کلمات

{انْفَطَرَتْ}: بشگافد

{الْكَوَاكِبُ}: ستاره‌گان

{الْبِحَارُ}: دریاها

{الْقُبُورُ}: قبرها

{خَلَقَكَ}: بیافرید ترا

{تُكَذِّبُونَ}: دروغ می‌پندارید

ترجمه آیات

وقتی که آسمان بشگافد (۱) و وقتی که ستاره‌گان پراگنده شوند (فرو ریزند) (۲) و وقتی که دریاها
به هم پیوسته شوند (۳) و وقتی که قبرها شگافته شوند (۴) در آن وقت آدمی می‌داند آنچه را از
پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است (۵) ای انسان! چه چیز ترا به پروردگار مهربانت

مغرور ساخته است؟(۶) آن ذاتی که ترا آفرید، سامان داد و منظم ساخت (اندامت را بیاراست و قامتت را معتدل ساخت) (۷) در هر صورتی که خواست ترا ترکیب کرد(۸) نه، نه (چنان نیست که شما می‌پندارید)، بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید(۹) و محققاً بر شما نگهبانانی مقرر اند(۱۰) نویسنده‌گان گرامی قدر(۱۱) میدانند آنچه را که شما می‌کنید(۱۲).

معرفی سوره

سوره انفطار مکی و دارای هشتاد و دو آیت است، و طبق ترتیب عثمانی شماره آن (۸۲) می‌باشد. انفطار مصدر و از کلمه انفطرت- که در نخستین آیت این سوره آمده است- گرفته شده و به معنی شگافته شدن و انفجار می‌باشد. درین سوره نیز از آن حادثه بزرگ یعنی شگافته شدن آسمانها یاد شده است که همراه با آمدن قیامت به وقوع می‌پیوندد.

تفسیر اجمالی

در سه آیت اول این سوره از نخستین رویدادهای روز قیامت؛ مانند شگافته شدن آسمان، افتادن ستاره‌ها و پارچه پارچه شدن آن، طغیان کردن بحرها و به هم آمیختن آنها به همدیگر که به معنای از هم گسیختن نظام دقیق هستی می‌باشد یاد شده است. آیت بعدی آن بخش دیگری از رویدادهای قیامت را بیان نموده که عبارت از شگافته شدن قبرها و برآمدن مرده‌ها از آن می‌باشد، این کار با دمیدن صور، صورت می‌گیرد و مرده‌گان دوباره زنده شده از قبرهای خود بیرون می‌آیند، و با برانگیختن ایشان روز حشر آغاز می‌یابد، ازینرو الله متعال می‌فرماید: در وقتی که این رخدادها به وقوع می‌پیوندد، هر انسان بخوبی در می‌یابد که چه کار هایی را قبلاً یعنی در وقت زنده‌گی دنیا انجام داده است؟

در آیت بعدی الله متعال می‌فرماید که در روز قیامت بحرهای طغیان کنند و در نتیجه آن بهم یکجا

شوند که خود علامت دیگری است از علامات قیامت.

الله بزرگ در آیه ششم انسان را مخاطب ساخته مورد عتاب قرار میدهد که: آن ذاتی که ترا با این قیافه زیبا بیافرید و اندام هایت را نیک بیاراست، وبه گونه که خود خواست آن را ترکیب داد، این نعمت و مهربانی ایجاب آن را می نماید که انسان شکر و سپاس پروردگار را بجا آورد و احکام او را تعمیل نموده از خالق و پروردگار خود نافرمانی نکند.

در آیت بعدی الله متعال می فرماید (کَلَّا) یعنی نه، نه هرگز، این چنین نیست که انسان کافر و منکر بعث می پندارد. بلکه؛ علت اصلی عصیان و نافرمانی او اینست که وی به قیامت و دریافت کیفر ایمان ندارد، یعنی آنچه که او را فریفته بود فقط نتیجه عدم فهم، و گمان غلط بود که گویا زنده گی همین زنده گی دنیا است و بس، و روزی فرا نخواهد رسید که در آن انسان نتیجه عملکرد خود را ببیند! این در حالیکه که الله تعالی برای ثبت اعمال و نگهداشت انسان فرشتگانی را مقرر داشته است، این فرشتگان معزز اعمال آن را می نویسند، و ایشان به همه آنچه که شما انسان ها انجام می دهید دانا اند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:

* با فرا رسیدن روز قیامت نظام دقیق کائنات برهم می خورد که از آن جمله، شگافته شدن آسمان، فرو ریختن ستاره گان، طغیان بحر ها و گرم شدن آن، و دوباره زنده شدن مرده گان برانگیخته شدن شان از قبرها می باشد.

* در روز قیامت مردم نتیجه اعمال خود را می بینند و چیزی از این اعمال برای شان پوشیده نمی ماند.

* همراه با هر انسان فرشتگانی موظف اند که همه اعمال وی را اعم از نیک و بد ثبت می کنند.



- * تحذیر از فرجام بد برای کسانی که در زنده گی دنیا اعمال بد را مرتکب می شوند.
- * تحذیر از افتادن در دام شیطان و فریفته شدن به خواهشات نفس که منجر به سقوط انسان در لجنزار گناه و معصیت می شود.
- * بیان خطر انکار قیامت و بعث که باعث تباهی و هلاکت انسان در دنیا و آخرت می شود.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات در یابید:
{اَنْتَرْتُ، فُجِرْتُ، بُعِثْتُ، قَدِّمْتُ، اُخِرْتُ، رَكِبْتُ، كَاتِبِينَ}
- ۲- در آغاز سوره انفطار چهار نشانی از نشانیهای قیامت ذکر شده است، آن ها را نام بگیرید.
- ۳- مراد از (الحافظین) چه کسانی اند و آن ها چه وظیفه را انجام می دهند؟



شاگردان مفهوم آیات درس را به زبان خود در کتابچه هایشان بنویسند.

سورة الإنفطار

(قسمت دوم)

﴿ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾ ﴾

معنای کلمات

{جَحِيم}:	دوزخ	{الْأَبْرَارَ}:	نیکو کاران
{يَصْلَوْنَهَا}:	دران در آیند	{نَعِيم}:	نعمت
		{الْفُجَّارَ}:	بدکاران

ترجمه آیات

بدون شک نیکو کاران در نعمت باشند (۱۳) و بدون شک بدکاران در دوزخ باشند (۱۴) (بدکاران) در روز جزا به دوزخ در آیند (۱۵) و نباشند از آنجا (دوزخ) غائب شده (۱۶) چه چیز داناند ترا (ای آدمی) که روز جزا چیست؟ (۱۷) باز (می‌گوییم) که چه چیز داناند ترا که روز جزا چیست؟ (۱۸) روزی است که هیچ کس برای کسی فایده رساننده نتواند، در آن روز فرمان تنها از آن الله باشد (۱۹).

تفسیر اجمالی

درین آیات الله متعال عاقبت و سرانجام هردو گروه نیکوکاران و بدکاران را بیان فرموده است: یقیناً مؤمنان یعنی کسانی که به خداوند - جل جلاله - و پیامبر بزرگوار او ایمان آورده اند، و راه نیکی و پرهیزگاری برگزیده اند آنان در نعمت‌های بهشت بسر می‌برند؛ و آنانی که به الله، پیامبر وی، و روز قیامت ایمان ندارند و راه معصیت برگزیده اند ایشان در آتش دوزخ خواهند بود. این بدکاران بعد از فیصله روز رستاخیز به پاداش اعمال بدشان داخل دوزخ می‌گردند و آنانرا مجالی نیست تا خویشتن را از دوزخ و عذاب دردناک آن پنهان دارند.

در آیات بعدی الله متعال از حالات هولناک روز قیامت که آدمی در آن پاداش کارهایی را که در دنیا انجام داده است میابد یاد آوری کرده می‌فرماید: تو ای انسان چه می‌دانی که روز جزا و کیفر چگونه

خواهد بود؟ برای تاکید بیشتر و نشان دادن هول و رعب این روز سؤال را تکراراً بیان داشت و فرمود: و تو چه دانی که روز قیامت چیست؟! این اسلوب در چندین جای از قرآن کریم برای بزرگ نشان دادن هول قیامت بکار رفته است مانند: ﴿القارعة. ما القارعة. وما أدراك ما القارعة﴾ ویا: ﴿الحاقة ما الحاقة. وما أدراك ما الحاقة﴾. البته باید دانست که "القارعة" و "الحاقة" از نامهای قیامت است.

یعنی حالات روز قیامت چنان دشوار و سخت و رعب انگیز است که هیچ کسی آن را بصورت درست درک نمی‌تواند، زیرا رعب و هیبت قیامت در وصف و بیان بشر نمی‌گنجد. الله بزرگ در آیت بعدی می‌فرماید: درین روز هیچ کسی توان آن را ندارد که برای کس دیگری نفع و فایده ای برساند، یا بواسطه زور و توانمندی خود را از عذابی که در انتظارش هست نجات بدهد. بلکه درین روز تمام فرمان و اختیار تنها و تنها از آن الله-جل جلاله- است.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * پاداش انسان‌های مؤمن و پرهیزگار همانا نعمت‌های جاودان الهی در بهشت است.
- * پاداش انسان‌های کافر و نافرمان دوزخ و آتش سوزان می‌باشد.
- * در روز قیامت فرمان و اختیار مطلق تنها از آن الله - جل جلاله - است و هیچ کس نمی‌تواند برای خلاصی خود و یا کس دیگری از عذاب خداوند کاری کند و کسی بدون اجازه و اذن خداوند یارای شفاعت به کسی را ندارد.
- * بیان هولناکی روز قیامت و سختیهای آن روز بزرگ.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات مبارکه دریابید:
{يَوْمُ الدِّينِ، يَوْمَئِذٍ، الْأَمْرُ}
- ۲- ابرار و فجار به چه کسانی اطلاق می‌شود و عاقبت هر کدام در آیات بالا چگونه بیان شده است؟
- ۳- برخی از نام‌های قیامت را که در قرآن کریم آمده است بیان نمایید.
- ۴- معنای ﴿وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ﴾ را بیان کنید.



کارخانه‌گی

شاگردان با استفاده از تفسیر آیات درس، در مورد سرنوشت کفار و بدکاران در روز قیامت مقاله‌یی بنویسند که از هشت سطر کم نباشد.

سورة المطففين

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ (۱) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿۲﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿۳﴾
 أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿۴﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۵﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۶﴾

معنای کلمات

﴿وَيْلٌ﴾:	هلاکت
﴿الْمُطَفِّفِينَ﴾:	کسانی که در پیمانه کمی می کنند
﴿يَسْتَوْفُونَ﴾:	پوره می ستانند
﴿يُخْسِرُونَ﴾:	زیان می رسانند
﴿اِكْتَالُوا﴾:	پیمانه گیرند

ترجمه آیات

هلاکت باد برای کم کننده گان در پیمانه (۱) آنهایی که اگر پیمانه گیرند از مردم (برای خود) آن را پوره ستانند (۲) و وقتی برای مردم پیمانه و یا وزن دهند زیان رسانند (۳) آیا اینها باور ندارند که روزی برانگیخته خواهند شد؟ (۴) در روز بزرگ (۵) روزی که مردم ایستاده می شوند در برابر پروردگار عالمیان (۶).

معرفی سوره

سورة المطففين مکی است، سی و شش آیت دارد و طبق ترتیب عثمانی شماره آن (۸۳) می باشد. وجه تسمیة یا سبب نامگذاری سورة مبارکه به "المطففين" از آن جهت می باشد که در آغاز سوره این کلمه آمده است. کلمة "المطففين" صیغه جمع "المطفف" است و آن به کسی گفته می شود که در هنگام وزن نمودن و یا پیمانه کردن بخاطر به دست آوردن فایده بیشتر حق دیگران را کم می دهد؛ اما حق خود را پوره می ستاند.

سبب نزول

نسایي وابن ماجه با ذکر سند صحيح درباره سبب نزول سورة المطففين از ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده اند که وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه تشریف بردند مردم مدینه در داد و ستد خود در پیمانه کمی می نمودند، همان بود که الله تعالی آیاتی از سورة المطففين را نازل فرمود، که بعد از آن مردم در معاملات خود راه درست را برگزیدند.

تفسیر اجمالی

سوره المطففین با اعلان جنگ و وعید علیه آنهایی که در ترازو و پیمان به نفع خویش کمی و یا زیادت می نمایند آغاز گردیده است. الله متعال فرموده است: قعر دوزخ و عذاب و هلاکت باد برای آنانی که در وزن و پیمان کمی و زیادت می کنند. صورت این کار؛ یعنی تطفیف ازین قرار است که وقتی از مردم برای خویش وزن و پیمان گیرند آن را پوره ستانند، و وقتی برای مردم پیمان دهند و یا وزن نمایند در وزن و پیمان کمی کنند. در آیات بعدی، الله متعال مطففین را با بیم دادن از روز قیامت مورد عتاب قرار داده می فرماید: آیا آنان باور ندارند که بر انگیخته خواهند شد؟ در روز بزرگی که آن عبارت از روز قیامت است. در آن روز همه انسان ها برای حساب دادن از اعمال شان حاضر گردیده و در برابر آفریدگار عالمیان ایستاده می شوند.

مراد از آیات کریمه این است که کمی و زیادت در وزن و پیمان یکی از اعمال نادرست و مخالف اصول عدالت و راستکاری می باشد. انسان خدا ترس نباید به چنین کار بد مبادرت ورزد. کمی و زیادت در وزن و پیمان با ایمان به روز آخرت در تضاد و تضادم می باشد، زیرا کسی که به روز آخرت و وقوع قیامت و حساب دهی از همه اعمال ایمان و یقین داشته باشد نباید کاری کند که سبب هلاکت و تباهی او در آن روز هولناک و بزرگ شود.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:
- * حرمت تطفیف یا کمی و زیادت در وزن و پیمان بخاطر استفاده جویی.
- * تذکیر مردم به بعث و جزا.
- * بیان هولناکی روز قیامت و اینکه مردم همه برای حسابدهی و دیدن پاداش عمل شان در برابر الله متعال ایستاده می شوند.



سؤالا

- ۱- با استفاده از ترجمه آیات کریمه معنای کلمات ذیل را دریابید:
{كَالْوَهْمِ} {يُظُنُّ} {مَبْعُوثُونَ} {النَّاسُ}
- ۲- در مورد سبب نزول سوره المطففین چه می دانید؟
- ۳- چرا برای کسانی که در پیمان و وزن کمی می کنند عذاب سخت مقرر شده است؟



کارخانه گی

شاگردان در مورد ضررهای دینی و اجتماعی تطفیف (کمی و زیادت در پیمان و وزن) مقاله یی بنویسند که از هشت سطر کم نباشد.

سورة المطففين

(قسمت دوم)

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينَ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينُ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيْلٌ
يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيِّومَ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ
﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾
ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾﴾

معنای کلمات

{سِجِّينَ}	کتابی که اعمال بدکاران در آن نوشته می شود
{مَرْقُومٌ}	نوشته شده
{مُعْتَدٍ}	متجاوز
{أَثِيمٍ}	گنهگار
{أَسَاطِيرُ}	قصه ها
{رَانَ}	زنگ بسته است

ترجمه آیات

محققاً (و نه آنطور که مطففین گمان می کنند) بدون شک عملنامهٔ بدکاران داخل شود در سجین (۷)
و تو را چه داناند که سجین چیست؟ آن کتابیست نوشته شده (۸) در آن روز هلاکت و بربادی باد
به تکذیب کننده گان (۹) آنانی که آمدن روز قیامت را تکذیب می کنند (به آن باور ندارند) (۱۰) و

تکذیب نمی‌کند این روز را مگر هر ستمگار گنهگار (۱۱) آن کسی که وقتی آیات ما بر وی تلاوت شود گوید این افسانه‌های پیشینیان است (۱۲) هرگز نه، چنین نیست (۱۳) بلکه زنگ بسته است بر دل‌های شان به سبب آنچه که ایشان انجام می‌دادند (۱۴) نه، نه، بدون شک ایشان از دیدن پروردگار شان در آن روز محجوب اند؛ (۱۵) سپس ایشان بدون شک داخل شونده‌گان دوزخ باشند (۱۶) باز برایشان گفته شود: این است آنچه که شما آن را تکذیب می‌کردید (۱۷).

تفسیر اجمالی

الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿كَلاَّ إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِينٍ﴾، کلمه "کلا" در زبان عربی برای زجر استعمال می‌شود، مفهوم آن درینجا اینست که با ترس از روز قیامت وحالات هولناک آن کم و زیاد کردن در وزن و پیمانه را ترک نمائید، بخاطر آنکه مردمان بد کار که در پیمانه و وزن کمی و زیادت می‌کنند ایشان در زمره مجرمین می‌باشند، و اعمال ایشان در دفتر مردمان بد کار که بنام "سجین" یاد شود ثبت می‌گردد. و یا مراد از سجین قسمی که ابن کثیر - رحمه الله می‌گوید همانا زندان و ضیق بودن آن است و عملنامه بدکاران و فاجران در دفتر سجین که همانا زندان باشد ثبت گردد؛ سپس الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِينٌ﴾ یعنی چه چیز ترا داناند که سجین چیست؟ استفهام درینجا برای ایجاد هیبت در دل‌هاست تا مردم به خطرناکی نافرمانی از احکام الهی پی ببرند. سپس الله تعالی خود سجین را تعریف کرده می‌فرماید: "کتاب مرقوم." یعنی سجین دفترنامه‌یی است که اعمال در آن ثبت شده و چون کتاب و نوشته که در آن نقش می‌باشد محو نشده و از تغییر و تبدیل محفوظ است. بعد از ذکر سر انجام و سرنوشت فجار و بد کاران که (کم کننده‌گان در ترازو و پیمانه نیز از جمله آنان اند) الله متعال هلاکت و تباهی آنانی را بیان می‌کند که روز قیامت را تکذیب می‌کردند: آن روز (قیامت) برای تکذیب کننده‌گان روز تباهی و هلاکت و عذاب دردناک است. تکذیب کننده‌گان آنانی اند که مکافات و مجازات روز قیامت را دروغ می‌پنداشتند؛ یعنی آمدن و فرا

رسیدن روز قیامت را تکذیب می نمودند و به آن باور نداشتند. خداوند متعال سپس صفات تکذیب کننده گان را بیان نموده و می فرماید: روز قیامت را تنها کسانی تکذیب می کنند که از حد می گذرند و گنهگاران اند و یکی از صفات آن ها اینست که وقتی آیات الله تعالی برایشان خوانده شود می گویند: این داستان و افسانه های مردمان قدیم است، و کدام اهمیت و اعتباری ندارد. آنان آیات خداوند را وحی نمی دانند.

بعد از آن الله تعالی سبب افتراء ایشان را بیان نموده می فرماید: (کلا) نه هرگز، چنین نیست، بلکه دل های ایشان بسبب اعمال ناشایسته زنگ بسته است که نمی توانند حق را بشناسند، ازین رو قرآن به دل های شان راه نمی یابد.

این حقیقت در حدیثی که ابن جریر، نسایی و ترمذی به روایت ابوهریره - رضی الله تعالی عنه - نقل نموده اند، آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: وقتی آدمی گناهی را مرتکب شود خال سیاهی در دلش پیدا می شود، وقتی آدمی از آن گناه توبه کند و از الله تعالی بخشش بخواهد دلش از آن خال پاک می گردد، و وقتی دوباره به گناه روی آورد این نقطه سیاه بزرگ شود و تا آن حد زیاد گردد که همه قلب را فرا گیرد.

سپس الله - جل جلاله - می فرماید: این گروه مردم؛ یعنی منکران قرآن و آخرت در روز قیامت از نظر رحمت و مهربانی الله تعالی در پرده به سر خواهند برد، و گناهان مانع دیدار ایشان با الله تعالی گردیده و باز ایشان حتماً به دوزخ داخل خواهند گشت.

امام شافعی - رحمه الله - می فرماید: این آیت دلیل است بر اینکه مؤمنان در روز قیامت الله تعالی را دیدار نمایند. خازن دوزخ به گونه استهزاء و تمسخر به منکرین قیامت می گوید: این همان عذاب است که شما در دنیا آن را دروغ می پنداشتید و به آن باور نداشتید، پس حالا این عذاب را بچشید.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * منکرین روز قیامت مستحق هلاکت و تباهی اند.
- * تنها کسانی روز قیامت را تکذیب می‌کنند که از حق تجاوز کرده و گنهگار باشند.
- * تکذیب کننده‌گان روز قیامت از رحمت، لطف و مهربانی خداوند محروم بوده و از دیدار الله متعال در آخرت بی نصیب می‌مانند.
- * وعید شدید برای منکرین روز قیامت.
- * تحذیر از استمرار در گناه و توبه نکردن که سبب زنگ بستن دلها می‌شود.



۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات در یابید:

{كَلَّا} {كِتَابَ} {وَيْلٌ} {يُكَذِّبُونَ}

۲- مراد از زنگ در دل فجار و بد کاران چیست؟ این مطلب را در روشنائی حدیث بیان دارید.

۳- امام شافعی - رحمه الله - به آیت مبارکه ﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَجُولُونَ﴾ بر چه چیز استدلال کرده است؟



کارخانه‌گی

شاگردان مفهوم اجمالی آیات درس را در کتابچه‌های خویش بنویسند.

سورة المطففين

(قسمت سوم)

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ ۝۱۸ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُونَ ۝۱۹﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿۱۷﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۲۱﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿۲۲﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿۲۳﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿۲۴﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿۲۵﴾ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿۲۶﴾ وَمِمَّا جَزَاهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿۲۷﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿۲۸﴾ ﴿

معنای کلمات

﴿عَلِيُونَ﴾:	کتابی که در آن اعمال نیکو کاران نوشته شود {رَحِيقُ}:	شراب
﴿الْمُقَرَّبُونَ﴾:	نزدیکان، نزدیکان در گاه خداوند	سر بمهر
﴿الْأَرَائِكِ﴾:	تختها	مشک
﴿نَضْرَةَ﴾:	تازه گی	اسم چشمه در بهشت
﴿يُسْقَوْنَ﴾:	نوشانیده شوند	

ترجمه آیات

حقاً، بدون شک اعمالنامه نیکوکاران داخل شود در علیین(۱۸) و چه چیز داناند ترا که علیون چیست؟(۱۹) کتابیست نوشته شده(۲۰) که حاضر شوند بنده گان مقرب الهی نزدیک آن(۲۱) محققاً نیکوکاران در نعمت باشند(۲۲) بر تخت ها نشسته نظمی کنند به هر طرف(۲۳) در چهره های ایشان آثار تازه گی نعمت را بشناسی(۲۴) نوشانیده شوند از شراب های سر مهر شده(۲۵). مهر این شراب ها از مشک باشد، و در این (رسیدن به چنین نعمتی) باید مسابقه کننده گان مسابقه دهند(۲۶) و آمیختنی آن از آب تسنیم باشد(۲۷) چشمه که می نوشند از آن بنده گان مقرب الله(۲۸).

تفسیر اجمالی

در آیات قبلی این سوره، در باره انجام و سرنوشت انسان های که در ترازو و پیمانه کمی و یا زیادت می کردند، و هم چنان در مورد صفات و فرجام بد کاران صحبت شد، در این آیات کریمه در مورد بنده گان صالح و نیکو کار و سرنوشت و فرجام نیک آنان تذکر رفته است. اعمالنامه این اشخاص در علیین قرار دارد. علیون کتابیست که در آن کارهای بنده گان نیکو کار ثبت می شود و فرشتگان

مقرب آن را نگهداری می‌نمایند. سپس الله متعال سرنوشت و انجام این بنده‌گان نیک را بیان نموده می‌فرماید: یقیناً بنده‌گان نیک الله- جل و علا- در نعمت‌های کامل و لذت‌ها، خوش و مسرور باشند که آن عبارت از جاوید بودن در بهشت است، و ایشان در آنجا در تخت‌های بلند نشسته باشند و به نعمت‌ها و هر طرف نظاره کنند. آثار نعمت‌ها را در چهره‌های اهل بهشت دریایی که تازه‌گی و طراوت در آن نمایان باشد، و از چنان شراب جرعه کشند که سربه مهر شده باشد، و هیچ چیزی که طبیعت آن را مبدل ساخته باشد در آن دیده نشود، و مهر این جام‌های شراب مسک باشد.

بناء کسی که به دست آوردن این همه نعمت‌ها را می‌خواهد باید برای پذیرش احکام الهی خود را آماده سازد و درین میدان مسابقه کند تا این نعمت‌ها را در روز آخرت به دست آرد، چنانچه الله تعالی در سورة صافات فرموده است: ﴿لِثَلْ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾ برای به دست آوردن همچو نعمت‌ها باید عمل کننده‌گان عمل نیک انجام دهند. آبی که با چنین شراب آمیخته گردد از آب تسنیم می‌باشد و آن چشمه‌یی است که الله تعالی فقط بنده‌گان مقرب خود را از آن بنوشاند. مفسرین در مورد شراب‌های بهشت که از آن به نام رحیق یاد شده است چنین نوشته اند: خاصیت این شراب‌ها بسان شراب‌های دنیا نیست که انسان را سردرد ساخته و نشه آورد و بیهوش سازد. بلکه شراب‌های بهشت شرابی باشد دارای بوی عنبرین و لذت بی‌مانند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * بیان نیکی ابرار یا بنده‌گان نیکو کار و نعمت‌های که خداوند متعال برای آنان آماده ساخته است.
- * تاکید بر عقیده بعث و جزا با بیان آنچه در آخرت واقع می‌شود.
- * ترغیب و تشویق بنده‌گان برای به دست آوردن بهشت و نعمات جاودانی آن.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات کریمه در یابید:
 {الْأَبْرَارُ} {يَنْظُرُونَ} {تَعْرِفُ} {النَّعِيمُ} {الْمُتَنَفِّسُونَ}
- ۲- برخی از نعمتهایی را که خداوند به ابرار (نیکو کاران) در بهشت وعده کرده است نام ببرید.
- ۳- در چه کارهایی باید مسابقه شود؟



کارخانه‌گی

شاگردان با استفاده از کتابهای تفسیر بعضی از صفات بنده‌گان نیکو کار خداوند را در کتابچه‌های شان بنویسند.

سوره المطففين

(قسمت چهارم)

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾ ٢٩ ﴿وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ﴾ ٣٠ ﴿وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ﴾ ٣١ ﴿وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ﴾ ٣٢ ﴿وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ﴾ ٣٣ ﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ﴾ ٣٤ ﴿عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ﴾ ٣٥ ﴿هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ ٣٦ ﴿

معنای کلمات

{يَضْحَكُونَ}: می خندند {فَكِهِينَ}: شادمان
{يَتَغَامَزُونَ}: چشمک میزنند {حَافِظِينَ}: نگهبانان

ترجمه آیات

بدون شک گنهکاران بر مسلمانان می خندیدند (٢٩) و چون می گذشتند بر مسلمانان بقصد تحقیر با یکدیگر چشمک می زدند (٣٠) و چون باز می گشتند به اهل خانه خود باز می گشتند شادمان شده (٣١) و چون می دیدند مسلمانان را می گفتند بدون شک ایشان گمراهانند (٣٢) (در حالیکه) فرستاده نشده بودند بر مسلمانان نگهبانان (٣٣) پس امروز مسلمانان بر کفار می خندند (٣٤) و بر تختها نشسته هر طرف تماشا می کنند (٣٥) آیا پاداش داده شد کافران را حسب آنچه که انجام می دادند؟! (٣٦).

تفسیر اجمالی

مفسرین در سبب نزول این آیت کریمه ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾ ذکر نموده اند که مراد از مجرمین سران مشرکین مانند ابوجهل، ولید بن مغیره، عاص بن وائل و غیره است که بر مسلمانان بیچاره و تهی دست چون عمار، صهیب، بلال و سایر اصحاب رسول الله ﷺ می خندیدند. بعد از آنکه الله تعالی از تقسیم اعمالنامه انسانها در قیامت یاد فرمود، در بخش اخیر سوره بعضی از اعمال نادرست کفار را که دردنیا به آن متصف بودند بیان کرد. یکی ازین کارهای مذموم تمسخر کردن و چشمک زدن به مسلمانان بود بناءً الله متعال فرمود: در آخرت مسلمانان بر حال این کافران و مجرمین بخندند و تمسخر کنند. و این مژده و نوید از طرف الله تعالی برای مؤمنان یک نوع تسلیت

واطمینان است که تقویت قلبی برای ایشان بار می‌آورد. وقتی کفار از بازارها و مجالس بسوی خانه‌های خود برمی‌گشتند، ازین کارهای نا درست خود لذت می‌بردند و مسلمانان را به بی‌خردی و کم‌عقلی متهم می‌ساختند و باهم می‌گفتند اینها؛ یعنی مسلمانان گمراه شده‌اند! الله متعال به رد این پندار باطل آن‌ها فرمود: «که این کافران از طرف الله بصفت بازنگر اعمال مسلمانان گماشته نشده‌اند که برای آن‌ها راه مستقیم را نشان دهند» خداوند- جل جلاله- درپایان سوره برای تسلی و اطمینان مسلمانان خاطر نشان می‌سازد که در روز قیامت همین کافران خود مورد تمسخر و استهزاء مسلمانان قرار می‌گیرند، الله تعالی می‌فرماید: «درین روز (روز قیامت) مؤمنان برتخت‌های ناز نشسته و حالت بد کافران را که درنهایت ذلت و رسوائی بسربرند نظاره می‌کنند و می‌خندند، همانطوریکه ایشان در دنیا به حال مؤمنان خندیده بودند و تمسخر می‌کردند.»

سپس الله تعالی می‌فرماید: ﴿هَلْ تُؤَبُّ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ آیا به کفار پاداش عمل شان داده شد؟ بلی! کفار پاداش استهزاء و تمسخری را که در برابر مسلمانان انجام می‌دادند دریافتند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * بیان صفات بد مجرمان و اعمال مذموم آنان.
- * بیان عداوت مشرکان در برابر دعوت اسلامی و مسلمانان در مکه.
- * بیان اینکه مسلمانان در آخرت کفار را در حالت عذاب در جهنم می‌بینند و بر آنان و اعمال زشت آنان می‌خندند. * بیان تکریم بنده‌گان صالح و دوستان خداوند از جانب او تعالی.



۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات متبرکه دریابید:

{أَجْرُمُوا} {مَرُّوا} {انْقَلَبُوا} {يَنْظُرُونَ} {تُؤَبُّ}

۲- چرا کفار بر مسلمانان تمسخر می‌نمودند؟

۳- علت ذکر استهزاء و تمسخر مسلمانان بر کافران در آخرت چیست؟



کارخانه‌گی

شاگردان در روشنی تفسیر سورة المطففين مهم ترین موضوعات سوره را در یک صفحه بنویسند.

سورة الانشقاق

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾ (۱) ﴿وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ﴾ (۲) ﴿وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾ (۳) ﴿وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ﴾ (۴) ﴿وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ﴾ (۵) ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (۶) ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾ (۷) ﴿فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا﴾ (۸) ﴿وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ (۹) ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ﴾ (۱۰) ﴿فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا﴾ (۱۱) ﴿وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا﴾ (۱۲) ﴿إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ (۱۳) ﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ﴾ (۱۴) ﴿بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا﴾ (۱۵)

معنای کلمات

{انْشَقَّتْ}	شگافته شد
{حُقَّتْ}	سزاوار است
{مُدَّتْ}	هموار شد
{تَخَلَّتْ}	خالی کرد
{كَادِحٌ}	زحمتکش
{ثُبُورًا}	وای، افسوس.

ترجمه آیات

وقتی که آسمان شگافته شود (۱) و به دستور پروردگار خود تسلیم شود، و سزاوارست چنین باشد (۲) و وقتی که زمین هموار گردد (۳) و بیرون اندازد آنچه را که در درون دارد و خود را خالی سازد (۴) و تسلیم فرمان پروردگارش گردد و سزاوارست که چنین باشد (۵) ای انسان! بدون شک تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد (۶) پس کسی که عملنامه اش به دست راستش داده

شود (۷) به زودی حساب آسانی برای او می‌شود (۸) و خوشحال به اهل و خانواده اش بر می‌گردد (۹) اما آن کس که اعمالنامه اش از پشت سر به وی داده شود (۱۰) به زودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاک شدم (۱۱) و در شعله‌های آتش می‌سوزد (۱۲) یقیناً او در میان خانواده خود پیوسته (از کفر و گناه) مسرور بود (۱۳) او گمان می‌کرد هر گز باز گشت نمی‌کند (۱۴) آری، پروردگارش نسبت به او بی‌نا بود (هر کارش را می‌دید) (۱۵).

معرفی سوره

سوره انشقاق مکی است و بیست و پنج آیت دارد، این سوره طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۸۴) قرار دارد. نام این سوره از کلمه آغازین آن که انشقاق است گرفته شده است. مسلم و نسایی از ابوهریره - رضی الله عنه - در فضیلت این سوره روایت کرده اند که وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم این سوره را تلاوت فرمود، درختم آن سجده کردند. و در روایت دیگری که بخاری، مسلم و کتاب‌های متعدد حدیث از ابوهریره روایت نموده اند آمده است که ابوهریره - رضی الله عنه - گفت: من بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی در نماز این سوره را می‌خواندم سجده می‌کردم ازینرو تا وقت مرگ با خواندن آن سجده خواهم کرد.

تفسیر اجمالی

درین سوره الله متعال از رویدادهای تلخ، و هولناک روز قیامت یاد آوری نموده می‌فرماید: وقتی آسمان انفجار کند و از هم بدرد، این یکی از نشانه‌های قیامت است. این انفجار آسمان و شگافته شدن آن طبق فرمان الله تعالی می‌باشد... بعد می‌فرماید: و وقتی زمین هموار گردانیده شود، یعنی بلندی و پستی آن کاملاً از بین برود و باهم برابر گردد، و آنچه را که در درون زمین باشد؛ چه مرده‌گان باشند و یا گنجینه‌ها، این همه را زمین از درون خود بیرون اندازد و از وجود این چیزها خالی و تهی گردد و زمین نیز بسان آسمان فرمان خدا را بجا کند. ازینرو جواب (إذا) محذوف است که تقدیر آن چنین می‌شود: «رأیتم أعمالکم من خیر و شر» یعنی وقتی که آسمان بشگافد و زمین هموار شود و... اعمال نیک و بد خود را خواهید دید، یعنی همه انسان‌های که در میدان محشر غرض حساب و کتاب خویش حضور یافته اند

نتیجه اعمال خود در می‌یابند.

بعد الله متعال می‌فرماید: ای انسان! (مراد از آن همه انسان‌ها اعم از کافر و مسلمان است) تو درین زنده‌گی دنیایی برای همیش در تکلیف و زحمت مشغول بودی، و سرانجام کوشش و زحمات تو همانا رفتن بسوی الله تعالی است، و تو یقیناً بعد از مرگ به ملاقات خداوند خواهی رفت، و یا اینکه تو نتیجه عملکرد خود را چه خوب و چه بد خواهی دید، یعنی آن همه سعی و تلاشی که در دنیا انجام داده‌ای، و گمان داشتی که آن همه به دنیا محدود است، در حقیقت چنین نیست؛ تو حتماً به طرف الله روان هستی و با او روبرو خواهی شد.

به تعقیب آن الله تعالی در روز قیامت وحشر از تقسیم انسان‌ها به دو گروه یاد آوری کرده می‌فرماید: «آن کسی که نتیجه اعمال خود را به دست راست دریافت می‌دارد این گروه مؤمنان اند، با این گروه هرچه زود تر حساب آسان صورت گیرد، همانطوریکه در قرآن کریم از حساب و کتاب بد کفار تذکر بعمل آمده است.»

امام احمد، بخاری، مسلم، ترمذی، نسایی، با عبارات مختلف از حضرت عائشه صدیقه -رضی الله عنها- روایت نموده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: اگر از کسی حساب گرفته شود، تباه شود، عائشه رضی الله عنها فرمود: ای رسول خدا! آیا الله تعالی نه فرموده است که اگر عملنامه کسی به دست راستش داده شود از وی حساب آسان گرفته شود؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمود: آن عبارت از تقدیم اعمالنامه است، ولی اگر از کسی سؤال شود وی تباه گردد.

خلاصه مطلب اینکه در روز حشر با مسلمانان و مؤمنان که احکام الله تعالی را در زنده‌گی خود عملی نموده اند حساب آسان صورت می‌گیرد و این مردم به خانواده خود و رفقای اهل بهشت خویش خوشحال و مسرور برمیگردند. بعد از بیان معامله با مؤمنان در روز قیامت الله تعالی حالت کفار و بدکاران را ذکر نموده می‌فرماید: اما آنانیکه اعمالنامه خود را از پشت سر به دست چپ دریافت نموده اند ایشان مرگ را برای خود مطالبه نمایند و در آتش افروخته دوزخ دست و پا زنند، چنین اشخاصی در دنیا در میان خانواده خویش مسرور و خوشحال بودند و چنان تصور داشتند که همان زنده‌گی دنیا نصیب شان هست و دیگر در پیشگاه خداوند زنده برنخواهند گشت، و در آیت آخرین الله تعالی می‌فرماید: بلی! چرا نه، (ایشان حتماً نزد الله برخواهند گشت) و یقیناً الله تعالی همه اعمال و کار کردهای شان را دیده است.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* انسان‌ها در روز قیامت دو گروه می‌باشند؛ یک گروه آنهایی اند که در نتیجه اعمال نیک و تعمیل حکم پروردگار نامه‌های اعمال شان را به دست راست دریافت می‌دارند و این علامت نجات است، و گروه دیگری که کفار و بدکاران اند دست چپ خود را به پشت سر برده نامه اعمال خود را دریافت می‌کنند که نشانه هلاکت می‌باشد.

* بیان حتمی بودن ملاقی شدن انسان با الله متعال در قیامت برای حسابدهی.

* هر انسان عاقل مکلف بوده و تا آن وقت به سعی و تلاش و کار ادامه می‌دهد که بمیرد و با خداوند- جل جلاله- ملاقی شود.

* اهل ایمان و تقوی با آسانی مورد حساب قرار می‌گیرند که فقط عبارت از پیش شدن به در بار الله متعال است، اما کسی که مورد سؤال و باز پرس قرار بگیرد مورد عذاب و خسران واقع می‌شود زیرا دلیل و حجتی برای نجات ندارد.

* غرق شدن در لذتها و شهوات نا مشروع دنیا و غفلت از آخرت سبب تباهی و هلاکت انسان در آخرت می‌شود.



۱- با استفاده از ترجمه آیات متبرکه معنای کلمات ذیل را دریابید:

{السَّمَةُ} {أَذْنَتْ} {أَلَقَتْ} {يُحَاسِبُ} {سَعِيرًا} {بَصِيرًا}

۲- غرق شدن در لذتهای دنیا و فراموشی آخرت چه زیانهایی برای انسان بدنبال دارد؟

۳- بدست آوردن نامه اعمال با دست راست علامت چیست؟



کارخانه‌گی

درمورد کارهای نیکی که سبب دخول انسان به جنت می‌شود مقاله ای در ده سطر بنویسید.

سورة الانشقاق

(قسمت دوم)

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۝۱۶ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝۱۷ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۝۱۸﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ۝۱۹ ﴿فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝۲۰ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۝۲۱﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿۲۲﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿۲۳﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲۴﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۲۵﴾

معنای کلمات:

جمع کرد	{وَسَقَ}:	در دل پنهان می کنند	{يُوعُونَ}:
کامل شد	{اتَّسَقَ}:	دردناک	{أَلِيمٍ}:
دروغ می پندارند	{يُكَذِّبُونَ}:		

ترجمه آیات

قسم می خورم به شفق (سرخی کناره آسمان در اول شب) (۱۶) و قسم به شب و چیزی که جمع کرده است (۱۷) و قسم به مهتاب وقتی که بدر شود (۱۸) حتما شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (۱۹) پس این کافران را چه شده است که ایمان نمی آورند؟ (۲۰) و چون قرآن برایشان خوانده شود سجده نمی کنند (۲۱) بلکه آنانیکه کافر شدند آیات الهی را تکذیب می کنند (۲۲) و خداوند آنچه را در دل پنهان می کنند بخوبی می داند (۲۳) پس آن ها را به عذاب دردناک بشارت بده (۲۴) مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام داده اند برای ایشان است پاداش بدون منت (و یا مزد بی نهایت و قطع ناشدنی) (۲۵).

تفسیر اجمالی

خداوند - جل جلاله - برای تاکید اثبات وقوع قیامت و زنده شدن بعد از مرگ به شفق سوگند یاد می کند. شفق عبارتست از آن سرخی افق یا کناره آسمان که در آغاز شب پدیدار می گردد. همچنان خداوند به شب تاریک و مهتاب که چون قرص آن کامل شود و فروزان گردد قسم یاد می کند. قسم یاد نمودن به این موجودات دلالت بر عظمت خالق آن ها می کند. حرف لا، در ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾ برای رد خبر قبلی است؛ یعنی تصور ایشان مبنی بر عدم دوباره زنده شدن و قرار گرفتن شان در پیشگاه خداوند تصور غلط و نادرست است، و آن ها حتما در برابر الله تعالی برای دریافت پاداش عمل خود خواهند ایستاد. و جمله ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾ جواب قسم است که معنی آن چنین می شود: یعنی شما ناگزیر از یک حالت سخت و دشوار به حالت سخت و دشوار دیگر خواهید رفت که آن عبارت از مرگ و پیامدهای بعد از مرگ می باشد که انجام

آن بهشت و یا هم دوزخ است و برای همیشه در آنجا زنده گی می کنید. در آیات بعدی الله تعالی حقیقت تصور کافران را مبنی بر اینکه ایشان دوباره زنده نمی شوند رد نموده می فرماید: ﴿فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ چه عامل باعث گردیده است تا اینها را از باور به دوباره زنده شدن بعد از مرگ مانع شود؟! یعنی این مردم را چه شده است که ایمان نمی آورند. استفهامی که درین آیت آمده است معنای انکار و یا هم تعجب را افاده می نماید، ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ و وقتی برایشان قرآن تلاوت شود به احکام آن گردن نمی نهند و به الله تعالی سجده نمی نمایند. امام ابوحنیفه - رحمه الله - می گوید: که این آیت سجده را افاده می کند، و این بدان جهت که این آیه در مورد مذمت کسانی است که قرآن را می شنوند و سجده نمی کنند.

سپس الله متعال سبب ایمان نیاوردن کفار به الله و پیامبر و روز آخرت را بیان کرده می فرماید: آن ها راه کفر برگزیده اند و به قرآن کریم که مشتمل بر عقیده توحید است، دوباره زنده شدن بعد از مرگ، و در نتیجه حساب که پاداش ثواب و عقاب را همراه دارد ایمان نیاورده آن را تکذیب می کنند، حال آنکه الله تعالی به همه رازها و اسرار و اعمال انسان ها عالم و داناست و به همه امور ایشان علم وی احاطه دارد. در آیه بعدی خداوند متعال می فرماید: ای پیامبر! به کفار منکر بعث مژده بده که الله تعالی برایشان عذاب دردناک مهیا ساخته است و حتماً با آن رو برو خواهند شد. فقط آنهایی ازین عذاب نجات می یابند که به خداوند ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند. برای این گروه چنان اجر و پاداش مهیا ساخته شده است که بدور از هر نوع منت بوده و انقطاع ناپذیر است.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:
- * عدم ایمان مخلوق به خالق با وجود همه دلایل و نشانه های آشکار امریست قابل تعجب و حیرت و چیز است بر خلاف عقل و منطق سلیم.
- * مشروعیت سجده نمودن در اثنای تلاوت آیه مبارکه ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾.
- * احاطه علم خداوند متعال به آنچه انسان در قلب خویش پنهان می کند، زیرا چیزی از علم خداوند جل جلاله پوشیده نیست، بناءً انسان باید همیشه قلبش را از افکار و نیات بد دور نگهداشته آنرا جای اندیشه و نیت خیر بسازد.



۱- در آیه ﴿فَلَا أَقْسِمُ بِالْشفَقِ﴾ "لا" چه معنی دارد و مقصد از آن چیست؟

۲- مفهوم جملات ذیل را بیان دارید:

{فلا أقسم بالشفق} {واللیل و ما وسق} {والقمر اذا اتسق} {لترکبن طبقاً عن طبق} {غیر ممنون}



در روشنی تفسیر سورة انشقاق مهمترین موضوعات این سوره را در چند سطر بنویسید.



سورة البروج

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ (۱) وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿۲﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿۳﴾ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿۴﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ﴿۵﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿۶﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿۷﴾ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿۸﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿۱۱﴾

معنای کلمات

{الْبُرُوجُ:}	جمع برج، به معنای ستارگان
{الْمَوْعُودُ:}	وعده گذاشته شده
{مَشْهُودُ:}	دیده شده، قابل دیدن
{الْوُقُودُ:}	هیزم
{الْفَوْزُ:}	نجات و رستگاری

ترجمه آیات

قسم به آسمان دارای برج ها (۲۶) و قسم به آن روز موعود (۲۷) و قسم به روزی که در هفته فرا می رسد (یعنی روز جمعه) (۲۸) هلاک شدند اهل خندقها (۲۹) آتشی عظیم و شعله ور (۳۰) هنگامیکه در کنار خندق آتش نشسته بودند (۳۱) و آنچه را بر مؤمنان انجام می دادند تماشا می کردند (۳۲) و انتقام نگرفتند از ایشان (از مؤمنان) مگر آنکه آنان ایمان آورده بودند به الله غالب و ستایش شده (۳۳) ذاتی که از آن اوست پادشاهی آسمان ها و زمین، والله بر هر چیز حاضر و گواه است (۳۴) بدون شک آنانیکه مردان مؤمن و زنان مؤمنه را شکنجه نمودند و باز توبه نکردند، برای ایشان عذاب جهنم و عذاب

سوختن در آتش است (۳۵) بدون شک آنانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند برای شان باغهایی است که از زیر آن ها جویهای آب جاری است، اینست رستگاری بزرگ (۳۶).

معرفی سوره

سوره بروج مکی است، بیست و دو آیت دارد و طبق ترتیب عثمانی شماره آن (۸۵) می باشد. وجه تسمیه آن به بروج از آن جهت است که در آغاز سوره از برج های آسمان یعنی ستاره گان تذکر بعمل آمده است. درین سوره از اصحاب الاخدود (صاحبان خندق) و جهاد بزرگ ایشان علیه کفر و ظلم یاد آوری شده است که درسی است برای همه مؤمنان تا به کفر و طغیان تسلیم نشوند. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم که در نماز خفتن سوره البروج را قرائت می فرمود، و همچنان از جابر بن سمره روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نمازهای ظهر و عصر سوره های البروج والطارق را قرائت می کرد.

تفسیر اجمالی

درین سوره الله جل جلاله به آسمان قسم یاد نموده که دارای برج ها است. برخی از مفسرین از برج ها همان را مراد گرفته اند که طبق علم هیئت دوازده برج است که در دوران سال آفتاب و ستاره گان به گرد آن می چرخند، و یا مراد آن است که فرشتگان درین برج ها پاسداری نمایند. نزد ابن عباس، مجاهد، قتاده و حسن بصری و سایر مفسرین مراد از آن ستاره ها و کهکشان ها می باشد. و باز به آن روز قسم یاد شده است که به فرا رسیدن آن وعده داده شده است و آن عبارت از روز قیامت است. و قسم سوم به بیننده ها و چیزهای دیدنی آن روز یاد شده است ؛ یعنی روزی که خود برای آن گواه (حاضر) باشند و به آنچه دیگران برای آن حضور یابند ؛ بنا بر این تفسیر مراد از شاهد مردم اند که در روز قیامت جهت حساب و کتاب حاضر شوند و مراد از مشهود قیامت و منظره های هولناک آن می باشد که مردم در آن حضور یابند. بر اساس تفسیر دیگری مراد از مشهود روز جمعه و یا عرفه است. (قتل أصحاب الأخدود) جواب قسم است که یا مراد از آن بیان هلاکت و تباهی صاحبان خندق های آتش افروخته می باشد و یا هم دعای بد در حق آنان. مفهوم آن اینست که بر اصحاب اخدود لعنت باد، و یا اینکه اصحاب اخدود تباه و برباد شده اند، یعنی اصحاب خندق های آتش افروخته، بنا بر روایاتی ایشان ستمگاران بودند که برای مؤمنان خندق ها را حفر نمودند و دران آتش ها افروختند و بعد مؤمنان را

در آن سرنگون افگندند. این کافران ستمگر در کنار این خندق‌های پر از آتش افروخته نشسته بودند و این منظره جانکاه مؤمنان را تماشا می‌کردند، مگر مؤمنان آن دوران به ایمان خود ثابت قدم و استوار باقی ماندند و از عقیده خود ذره ای هم تنازل نکردند، در بیان این حکایت تسلی است برای پیامبر گرامی اسلام و یارانش که ایشان باید بسان مؤمنان پیشین که دچار مشکلات و دشواری‌ها شدند و در راه عقیده خود استوار و پایدار باقی ماندند صبر و بردباری داشته باشند و از زحمات و تکالیف در راه حق نه هراسند.

در دو آیت بعدی الله متعال دلیل ظلم و استبداد کفار ستمگر را برملا ساخته و فرمود: ﴿وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ...﴾ کفار از مؤمنان به سبب کدام کار بد انتقام نگرفتند، سبب انتقام ظالمانه آنان این بود که مؤمنان به الله غالب و توانا و ستوده شده ایمان آورده بودند، آن ذاتی که مالک آسمان‌ها و زمین است، و بر هر چیز احاطه کامل دارد. یعنی اهلیت همه ستایش‌ها را داشته و تواناست و پادشاهی زمین و آسمان‌ها از آن اوست، همانطوریکه خواسته باشد در آن تصرف نماید و از هر چیز آگاه است و به همه چیز بیناست. در آیت متبرکه یکی از صفات خداوند یعنی ﴿الْعَزِيزِ﴾ که به معنای غالب است بیان شده و این اشاره بدان است که اگر الله تعالی بخواهد دست ظلم این ستمگران و جابران را از ظلم و استبداد شان بگیرد و نگذارد که به مؤمنان آسیبی برسد. و در ذکر صفت "الحمید" این اشاره است که الله تعالی به انجام و عاقبت کارها اعتبار دهد؛ و اگر برای کفار و ستمگران هم در دنیا فرصت می‌دهد روی حکمت است، و در برابر این زجر و تکلیف برای مسلمانان در روز آخرت ثواب و پاداش مهیا ساخته است. و اینکه الله تعالی بر هر چیز مراقب و ناظر است، بیان این مطلب برای صاحبان خندق و کفار و ستمگران وعید، و برای مؤمنان تلقین بر ثبات و پایداری و صبر و استقامت و وعده اجر و پاداش اخروی می‌باشد.

در آیه اخیر الله متعال به تهدید و توبیخ کسانی می‌پردازد که مردان و زنان مؤمن را مورد شکنجه و آزار قرار می‌دهند. کسانی که به چنین ظلمی دست می‌زنند و توبه نمی‌کنند مستحق شعله‌های دوزخ بوده و در آن خواهند سوخت. آیت آخرین بیان نتیجه ایمان و عمل صالح بنده‌گان مؤمن الله است که خداوند متعال برای آنان در برابر ایمان صادق، اعمال نیک و صبر شان بخاطر تحمل سختیها در راه حق جنت و نعمات فراوان نصیب می‌کند.

شاگردان به کمک استاد محترم مضمون قصهٔ اصحاب اخدود را در یکی از کتابهای تفسیر مطالعه و مناقشه نمایند.

فواید درس

- آیات مبارکهٔ فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * اثبات عقیدهٔ ایمان به آخرت و ثواب و عقاب بر اساس اعمال.
- * بیان پاداش مؤمنانی که در برابر آزمایشها و سختیها از خود صبر و استقامت نشان می‌دهند.
- * ترهیب و تهدید کفار به آتش دوزخ، و ترغیب مسلمانان به زیادت کارهای نیک از طریق بیان ثواب عمل صالح و رفتن به بهشت.
- * بیان فضیلت مؤمنانی که از طرف کفار ستمگر در خندقهای آتش انداخته شدند ولی از ایمان شان بر نگشتند و در دین خویش ثابت قدم ماندند.
- * بیان فرجام و کیفر کافران و ظالمان.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمهٔ آیات دریابید:
{شَاهِدٌ} {أَصْحَابُ} {الْأَخْدُودُ} {النَّارِ} {قُعُودٌ} {الْعَزِيزِ} {فَتَنُوا} {الْأَنْهَارُ}
- ۲- پیامبر - صلی الله علیه وسلم - سورةٔ مبارکهٔ البروج را در کدام نماز قرائت می‌فرمودند؟
- ۳- کیفر و جزای کسانی که مؤمنان را شکنجه و اذیت می‌کنند چیست؟



کارخانه‌گی

شاگردان با استفاده از کتابهای تفسیر قصهٔ اصحاب اخدود را بصورت مختصر در کتابچه‌های خود بنویسند.

سورة البروج

(قسمت دوم)

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ﴿۱۳﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿۱۴﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿۱۵﴾ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿۱۶﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿۱۷﴾ فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ ﴿۱۸﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿۱۹﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿۲۰﴾ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿۲۱﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿۲۲﴾

معنای کلمات

{بَطْشُ}: گرفتن	
{يُبْدِيُ}: آفرینش نو می کند	
{الْجَمِيدُ}: گرمی قدر.	
{الْجُنُودُ}: دوستدار، یکی از صفات الله متعال.	عساکر

ترجمه آیات

بدون شک گرفت پروردگار تو سخت است (۳۷) بدون شک او (خداوند) آفرینش نو می کند و آفرینش دوباره می کند (۳۸) و اوست آمرز گار دوستدار (۳۹) او خداوند عرش گرمی قدر است (۴۰) بسیار کننده است آنچه را بخواهد (هرچه بخواهد انجام می دهد) (۴۱) آیا آمده است به تو خبر لشکرها (۴۲) که فرعون و ثمود باشند (۴۳) بلکه کافران در تکذیب اند (۴۴) و خداوند از گردا گرد ایشان گیرنده است (۴۵) بلکه این قرآن گرمی قدر است (۴۶) نوشته شده در لوح محفوظ (۴۷).

تفسیر اجمالی

الله تعالی می فرماید: بدون شک گرفت و انتقام پروردگار تو از ستمگران و کفار خیلی سخت است یعنی با یک امر کردن ستمگران را هلاک سازد. درین وعید مشرکان قریش در مکه و همچنان کفار هر دور و زمان شامل اند. بدون شک الله صاحب قدرت مطلق و کامل است، طوری که انسان را از عدم به دنیا آورد دوباره زنده ساختن او را نیز دارد، یعنی ذات باری تعالی هم قادر بر ایجاد است و هم قادر بر دوباره زنده کردن.

در آیت بعدی الله متعال برخی از صفات خویش را بیان می کند که همه دال بر کمال مطلق و عظمت ذات الهی می باشند: الله تعالی بخشاینده و مهربان است، اگر کسی خواهد توبه نماید و بسوی الله برگردد (هرچند که بسیار گناه بزرگی را مرتکب شده باشد) او را مورد بخشایش قرار می دهد و به وی مهربانی می کند و الله تعالی برای انسان های فرمان بردار ثواب ها و پاداش ها مهیا ساخته است. ذات وی صاحب

عرش و صاحب پادشاهی و اختیار کامل و مستحق تمام صفات برتر است. صاحب قدرت کامل است هر آنچه خواهد به وجه احسن آن را انجام دهد و هیچ چیزی مانع اراده ذات پاک او شده نمی تواند. در آیات بعدی الله متعال از فرعون و قوم ثمود که در کفر و طغیان و سرکشی از حد گذشته بودند یاد می کند تا عبرتی باشد برای همه ظالمان و طاغوتان سرکش و تسلیتی برای پیامبر و مؤمنان، زیرا در نبرد حق با باطل سرانجام حق و پیروان آن پیروز می شوند. در آیت بعد بار دیگر از تکذیب و پند نا پذیری مشرکان و کفار ذکری بمیان آمده و این مطلب به صراحت بیان گردیده که الله متعال سیطره و قدرت مطلق دارد و بر کفار ستمگر و تکذیب کننده گان محیط است و کسی را یارای فرار و نجات از گرفت الله و عذاب او نیست. درین مطلب وعید شدید است برای کفار و معاندین اسلام. سورة مبارکه با تاکید بر حقانیت قرآن و اینکه کلام الله است و در لوح محفوظ از شیاطین مصؤون می باشد پایان می یابد. درین مطلب رد واضح است بر اتهامات بی بنیاد مشرکین که قرآن را کلام بشر و افسانه و شعر می پنداشتند.

فواید درسی

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی های زیر را در بر دارد:
- * وعید شدید به کفار و معاندین اسلام که در صورت ادامه اعمال زشت شان عذاب الهی در دنیا و آخرت دامنگیر آنان خواهد شد.
 - * الله متعال از باب لطف و مرحمت با دوستان خود که بنده گان صالح اویند دوستی می کند.
 - * در قصه های امتهای گذشته پند و عبرتهای زیادی برای مردم پند پذیر نهفته است.
 - * بیان قدرت مطلق خداوند و اینکه هیچ چیزی و کسی از احاطه قدرت او بیرون نیست.
 - * بیان شرف و عظمت قرآن کریم.



- ۱- معنای کلمات ذیل را با استفاده از ترجمه آیات دریابید:
{يُعِيدُ} {الْغَفُورُ} {فَعَالٌ} {مُحِيطٌ} {لَوْحٌ}
- ۲- فرعون کی بود و چرا مورد خشم و عذاب خداوند- جل جلاله قرار گرفت؟
- ۳- تصریح بر اینکه هیچ چیز و کسی از احاطه قدرت و گرفت الله متعال بیرون نیست، چه مفهومی را افاده می کند؟



کارخانه گی

شاگردان با استفاده از کتابهای تفسیر قصه قوم ثمود را بصورت مختصر در کتابچه های خود بنویسند.

سورة الطارق

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالسَّمَاءَ وَالطَّارِقَ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾﴾

معنای کلمات

﴿الطَّارِقُ﴾:	چیزی که شب پدید می آید	﴿التَّرَائِبِ﴾:	استخوان سینه
﴿النَّجْمُ﴾:	ستاره	﴿السَّرَائِرُ﴾:	چیزهای پنهان
﴿خُلِقَ﴾:	پیدا کرده شد	﴿نَاصِرٍ﴾:	مددگار
﴿الصُّلْبِ﴾:	پشت		

ترجمه آیات

قسم به آسمان و چیزی که شب پدید می آید (۱) و چه چیز داناند ترا که چیز شب پدید آینده چیست؟ (۲) آن ستاره رخشنده است (۳) نیست کسی مگر اینکه فرشته ای بر وی نگهبان باشد (۴) انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟ (۵) (او) از آب جهنده (منی) خلق گردید است (۶) که از میان کمر و استخوان های سینه بیرون می شود آفریده شده است (۷) بدون شک الله متعال بر دوباره برگردانیدن (زنده کردن) او قادر است (۸) روزی که اسرار نهان (انسان) آشکار می شود (۹) و برای او هیچ قوت و یابوری نیست (۱۰).

معرفی سوره

سورة الطارق مکی است، هفده آیت دارد، و طبق ترتیب عثمانی شماره آن (۸۶) می باشد. وجه تسمیه آن کلمه طارق است که در آیت اول سوره ذکر شده است.

تفسیر اجمالی

الله متعال به آسمان و ستاره درخشنده قسم یاد می کند که به "النجم الثاقب" وصف شده است. هرچند کلمه "النجم" مفرد است مگر مراد آن جنس ستاره است، و مراد از (الثاقب) آنست که این ستاره با روشنائی و درخشنده گی خود تاریکی های سیاه شب را تابان می سازد. سپس الله متعال تصریح می کند که برای هر انسانی، فرشته نگهبانی مقرر است که اعمال او را غرض

حساب در روز قیامت مراقبت و ثبت می‌نماید. بناء انسان نباید چنین گمان کند بالای او رقیب و حسیی و جود ندارد و هر چه هوا و هوشش بخواهد باید انجام بدهد. انسان دوباره زنده می‌شود و از ذره ذره اعمال خود حساب خواهد داد. از همین سبب الله - جل جلاله - می‌فرماید: انسان برای درک چنین حقیقتی به خلقت و آفرینش خود بیندیشد که وی از چه چیز آفریده شده است؟ انسان از قطره آبی پیدا شده که از آدمی با جهش بیرون می‌شود. آب مذکور از کمر و بین استخوان‌های سینه پیدا شده به بیرون می‌جهد. اینهمه بدان دلالت دارد که آفرینش ابتدایی انسان نسبت به دوباره زنده ساختن وی سخت و دشوار تر است. وقتی خالق کاینات آفرینش ابتدایی انسان را از یک چنین چیزی بی‌ارزشی میسر سازد، پس دوباره زنده ساختن وی نیز برای الله قادر کدام اشکالی ندارد. در روزی که انسان دوباره زنده می‌شود همه اسرار نهان در سینه‌ها و قلب‌ها برملا و آشکار گردد، یعنی اعمالی که انسان انجام داده و در دنیا آن را از انظار مردم پنهان داشته، و یا آن همه زحمات و تکالیفی را که متقبل گردیده و نیت‌های که در ورای آن داشته است همه عیان می‌شود. سپس الله بزرگ می‌فرماید: در چنین روزی هیچ نیرو و قدرتی وجود نخواهد داشت که از انسان دفاع کند و او را از محاسبه و گرفت الله تعالی و هیبت این روز نجات دهد.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * برای هر انسان فرشته ای موظف است که عملکرد او را زیر نظر دارد و آن را ثبت می‌کند.
- * ذاتی که توانایی ایجاد انسان را دارد برای وی دشوار نیست که او را بعد از مرگ دوباره زنده سازد.
- * در روز قیامت انسان از عملکردها و نیت‌های خود مورد باز پرس قرار می‌گیرد، و هیچ چیزی از محاسبه الله پنهان نمی‌ماند، و آنگاه هیچ کسی توان آن ندارد که انسان را از محاسبه و گرفت الله خلاص کند و یا او را درین مورد همکاری نماید.



- ۱- معنای کلمات زیر را با استفاده از ترجمه آیات دریابید:
 {الثَّاقِبُ} {حَافِظُ} {دَافِقُ} {تُبْلَى}
- ۲- از آفرینش انسان وماده گه از آن به دنیا آمده است چگونه به قدرت الله جل جلاله - استدلال می‌کنید؟
- ۳- مراد از جمله "یوم تبلى السرائر" چیست؟



با استفاده از تفسیر آیات متبرکه که در مورد مظاهر قدرت الله متعال در خلقت انسان مقاله یی بنویسید که از شش سطر کم نباشد.

سورة الطارق

(قسمت دوم)

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلٍ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُوءً ﴿١٧﴾﴾

معنای کلمات

{الرَّجْعُ}:	باران
{الصَّدْعُ}:	شگاف
{فَصْلٌ}:	واضح، جدایی
{الْهَزْلُ}:	بیهوده
{يَكِيدُونَ}:	بد اندیشی می کنند، دسیسه می بافند
{رُوءً}:	اندکی

ترجمه آیات

قسم به آسمان پر باران (۱۱) و قسم به زمین پر شگاف (که گیاهان از آن سر بر می آورند) (۱۲) بدون شک این (قرآن) سخن واضح است (۱۳) و نیست (قرآن) سخن بیهوده (۱۴) بدون شک آن ها (کفار) بد اندیشی (دسیسه بافی) می کنند به (بد اندیشی) دسیسه بافی کردن (۱۵) و من تدبیر (دسیسه ایشان) سازم به تدبیر ساختنی (۱۶) پس مهلت بده کفار را، مهلت ده آنان را اندکی (تا سزای اعمال شان را ببینند) (۱۷).

تفسیر اجمالی

خداوند متعال در آیت اول و دوم به آسمان پر باران و زمین که از آن نباتات و گیاهان مختلف می روید قسم یاد می کند. هدف از این قسم، تأکید برین است که قرآن کریم قول حق و واضح و روشنیست که

حق را از باطل جدا می‌کند و در آن هیچ سخن لغو و بیهوده وجود ندارد. در آیت بعدی الله متعال به دسیسه‌های کفار علیه مسلمانان اشاره می‌کند و می‌فرماید که کفار توطئه می‌چینند و دسیسه‌ها می‌بافند تا مسلمانان و اسلام را تضعیف کنند، مگر الله علیم و قدیر تمام دسایس آنان را نقش بر آب ساخته و دین اسلام و بنده‌گان مؤمن خود را نصرت و کامیابی می‌دهد. و در آخرین آیت سوره مبارکه الله متعال به پیامبرش دستور می‌دهد حال آنکه چنین است و کفار دسیسه می‌بافند و توطئه می‌چینند ایشان را کمی مهلت بده تا جزای اعمال بدشان را ببینند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * اثبات حق بودن قرآن و اینکه هیچ چیز بیهوده‌ای در آن وجود ندارد.
- * بیان اینکه کفار بر ضد اسلام دسیسه‌ها می‌بافند.
- * بیان اینکه خداوند دسیسه‌های کفار را ناکام ساخته و دین خود را نصرت می‌دهد.



۱- با استفاده از ترجمه آیات کریمه معنای کلمات آتی را دریابید:

{ذَاتِ} {كَيْدًا} {فَمَهْلٍ} {أَمْهَلُهُمْ}

۲- چرا خداوند به آسمان و زمین سوگند یاد فرموده است؟

۳- کفار چرا بر ضد اسلام و مسلمانان دسیسه می‌آفرینند؟



شاگردان پیرامون حق بودن قرآن کریم مقاله‌ی بنویسند که از هفت سطر کم نباشد.

سوره الاعلی

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ (۱) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿۲﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿۳﴾ وَالَّذِي
 أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿۴﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿۵﴾ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى ﴿۶﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ
 يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿۷﴾ وَنُيِّسُّكَ لِلْيُسْرَى ﴿۸﴾

معنای کلمات

{سَبِّحْ}	به پاکی یاد کن.	{فَهَدَى}	پس هدایت کرد.
{الْأَعْلَى}	عالی مرتبه.	{الْمَرْعَى}	چراگاه، نباتات.
{فَسَوَّى}	پس منظم کرد.	{غُثَاءً أَحْوَى}	خشک و تیره رنگ.
{قَدَّرَ}	اندازه گیری کرد، مقدر نمود.		

ترجمه آیات

به پاکی یاد کن نام پروردگار عالی مرتبه ات را (۱) آن (خداوندی) که آفرید و منظم کرد (۲) و آن که اندازه گیری کرد و هدایت نمود (۳) و آن (خداوندی) که برون آورد چراگاه (نباتات) را (۴) سپس آن را خشک و سیاه گردانید (۵) ما به زودی (قرآن را) بر تو می خوانیم؛ و هرگز آن را فراموش نخواهی کرد (۶) مگر آنچه را خدا بخواهد، که او تعالی آشکار و پنهان را می داند (۷) و ما تو را برای انجام کار خیر (شریعت) توفیق می بخشیم (۸)

معرفی سوره

سوره «الاعلی» مکی است، بیست و نه آیت دارد و طبق ترتیب عثمانی در ردیف هشتاد و هفتم قرار گرفته و نام آن از نخستین آیت این سوره ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ اشتقاق یافته است. موضوع این سوره توحید و صفات خداوند جلّ و علا، دلایل قدرت و وحدانیت الله متعال، نزول وحی و قرآن به پیامبر ﷺ، آسان ساختن حفظ قرآن، پند و موعظه نیک برای صاحبان قلبهای بیدار و یاد آوری از روز آخرت می باشد

فضیلت سوره

در مورد فضیلت سوره الأعلى بخاری و مسلم از حضرت معاذ رضی الله عنه روایت نموده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله به خواندن سوره های الأعلى، الشمس واللیل در نماز ترغیب و تشویق فرموده اند، همچنان از نعمان بن بشیر روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله در نمازهای عید و جمعه سوره الأعلى والغاشیه را قرائت می نمود. از عائشه رضی الله عنها روایت گردیده که پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز وتر سوره الأعلى را قرائت می فرمود.

تفسیر اجمالی

در آغاز سوره خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله و بتبع او همه امتیانش را امر نموده است که: نام پروردگارش را به پاکی و بزرگی یاد کنند، یعنی او را از هر آنچه که بروی سزاوار نیست منزّه بشمارند؛ کسی را به نام الله مسمی ن سازند، نام او در جاهای ناپاک گرفته نشود و با تعظیم و احترام یاد گردد. امام قرطبی می گوید: درینجا مراد از نام الله تعالی ذات وی است، و امام ابو حیان می گوید: در آیت مبارکه پاکی نام خداوند آمده است؛ و مفهوم آن چنین است که نام الله صلی الله علیه و آله را چنان پاک نگه دارید که کدام بتی بدان نام مسمی نشده باشد، و مراد از اعلی این است که الله تعالی بلند مرتبت و بزرگ است از هر آنچه که ایشان آن را به بزرگی وصف نمایند.

در کتب حدیث روایت گردیده که وقتی در سوره الواقعة **﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾** و درین سوره **﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾** نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این (آیات) را در رکوع و سجده های خود قرار دهید، یعنی آن را در رکوع و سجده خود (بحیث تسبیح) بخوانید.

بعد از آیت اول، در چهار آیت بعدی خداوند متعال ذات خود را به چنان صفاتی موصوف ساخته که بیانگر وجود و قدرت او تعالی است، خداوند متعال می فرماید: **﴿الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى﴾** الله آن ذاتی است که همه هستی را آفریده که یکی ازین موجودات هستی، انسان است. او تعالی هر مخلوق را با شکل زیبا و ساختار خوب آفریده، قد و قامت انسان را برابر و تمام اعضای وی را متناسب و آراسته خلق نموده، که این همه به حکمت الله صلی الله علیه و آله و تدبیر و علم او تعالی دلالت می کند، چنانچه در سوره (السجده) خداوند متعال می فرماید: **﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾** [السجده: ۷]. یعنی (خداوند) آن ذات است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید.

﴿وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ و الله صلی الله علیه و آله آن ذات است که اندازه هر چیزی را مطابق شأن و منفعت آن مقدر

نموده و راه استفاده و منفعت را برایش نشان داده است؛ یعنی همه اشیا و اجناس و انواع، صفات، افعال، اقوال و تاریخ آن را مشخص ساخته، و هر چیزی را به راهی رهنمایی نموده که برای وی مناسب است. بطور مثال زمین، مهتاب، آفتاب، و ستاره‌گان را در فضای هستی معلق ساخته راه و مدار هر کدام را مشخص نموده است. روشنی، تاریکی، آب، باد، جمادات، معادن و انواع دیگر موجودات را آفریده و راه استفاده از هر کدام را نشان داده است. خداوند متعال درختان، بته‌ها، میوه‌ها، گل‌ها را آفریده و خاصیت اینهمه را که چگونه ریشه‌های شان در اعماق زمین فرو رود در آن‌ها به ودیعت گذاشته است. خداوند متعال انواع پرنده‌گان و خزنده‌گان را خلق نموده و راه و رسم زنده‌گی و منفعت را برای همه نشان داده است. همچنان انسان را آفریده، اندام هایش را برابر ساخته و به هر کدام آن وظیفه بخصوصی مقرر نموده که آن را انجام می‌دهد. این کار خانه بزرگ در ذات خویش بیانگر قدرت الله متعال است.

سپس خداوند متعال در آیه مبارکه: ﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾ نشانه‌های قدرت خود در نعمت بته‌ها و نباتات را به اینطور بیان فرموده است: الله متعال آن ذات است که علف زارها را آفریده و با حکمت خویش آن‌ها را به شکل خشک و تر و میوه بار آورده است تا غذای حیوانات گردند. لفظ ﴿الْمَرْعَى﴾ هرچند دلالت به علوفه حیوانات می‌نماید، مگر در اینجا تنها علف بودن آن مراد نیست، بلکه مقصود و فحوای آیت همه نباتات و رویدنی‌ها را در بر می‌گیرد؛ همچنان منظور تنها نباتاتی نیست که در فصل بهار می‌روید؛ بلکه آیه مبارکه اشاره به این دارد که نباتات و گیاهان در تابستان و زمستان و همچنان در فصل خزان حالتی بخصوص می‌گیرند؛ زیرا، گاهی این نباتات تازه و شاداب می‌باشند، وزمانی دوباره زرد و خشک و سیاه می‌گردند و به غذای حیوانات مبدل می‌شوند و یا باد آن را به هوا می‌برد، که این همه از جانب خداوند قادر و توانا بوده و تنها الله متعال و خالق یکتا و حکیم را سزاوار است و بس.

سپس خداوند متعال به پیامبر ﷺ خطاب نموده که: ﴿سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى﴾ یعنی: ما قرآن را بر تو می‌خوانیم و هرگز آن را فراموش نخواهی کرد، مگر آنچه را که الله تعالی بخواهد. در شأن نزول این آیه مبارکه روایت گردیده که رسول خدا در وقت نزول قرآن، قبل از آنکه جبریل علیه السلام از القای وحی فارغ شود، آیات قرآن را باخود گردان می‌کرد تا از خاطرش فراموش نشود، ازین رو الله متعال به وی اطمینان داد که آیات قرآن هرگز از خاطرت فراموش نخواهد شد، مگر آنچه الله متعال بخواهد، و محققاً خداوند عز و جل به همه آنچه آشکار و پنهان است عالم و داناست. سپس خداوند متعال به رسول گرامی خود بشارت می‌دهد که ما شریعت را بحیث طریقه آسان که در آن سختی و حرج نیست برای

تو میسر خواهیم ساخت. چنانچه خداوند متعال در آیه دیگری ارشاد فرموده: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [الحج: ۷۸]. یعنی: (خداوند ﷻ) برای شما در دین حرج و مشقت ننهاد.



شاگردان با رهنمایی معلم محترم راجع به خلقت حیوانات و هدایت خداوند متعال برای برخی حیوانات و پرنده‌گان در روشنایی آیه مبارکه ﴿وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ بحث و اظهار نظر نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * وجوب تسبیح خداوند ﷻ و ذکر نام او به پاکی و تقدیر و احترام.
- * فضیلت خواندن سوره (الأعلى) در نمازهای: وتر، جمعه و عیدین.
- * پیامبر ﷺ سوره (الأعلى) را دوست می‌داشت؛ زیرا خداوند متعال در این سوره دو بشارت بزرگ را به وی داده است: اول اینکه دین و شریعت را برای او و امتش آسان قرار داد؛ از اینرو وقتی پیش روی پیامبر ﷺ دو امر قرار می‌گرفت؛ آسانترین را انتخاب می‌کرد. دوم اینکه در این سوره خداوند ﷻ عدم فراموشی قرآن را به رسول خود بشارت داد.
- * الله ﷻ ذاتی است که همه چیز را پیدا نموده، و هر چیزی را با شکل آراسته و برابر آفریده و هدف و مقصد آن را مشخص ساخته است. این همه بیانگر عظمت و قدرت الله متعال است.
- * خداوند متعال برای رشد حیوانات علف و نباتات را آفریده، و حیوانات را در خدمت انسان و برای منفعت انسان قرار داده است.



- ۱- مفهوم آیه مبارکه ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ را توضیح بدهید.
- ۲- بعد از آیه اول این سوره، چهار دلیل وحدانیت و قدرت خداوند بیان گردیده است. آیات دال بر این چهار نشانه وحدانیت و قدرت خداوند را نشان بدهید.
- ۳- مراد از استثناء در آیه مبارکه ﴿إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ چیست؟
دلیل اینکه پیامبر ﷺ سوره (الأعلى) را دوست می‌داشت چی بود؟ توضیح بدهید.

سورة الاعلى

(قسمت دوم)

﴿فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾ سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي
يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٣﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ
اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾ إِنَّ هَذَا
لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾﴾

معنای کلمات

- {سَيَذَكِّرُ}: زود است که پند گیرد.
{وَيَتَجَنَّبُهَا}: و دوری می‌گزیند از آن.
{يَصْلَى}: داخل می‌شود، وارد می‌گردد.
{تُؤْثِرُونَ}: می‌گزینید، ترجیح می‌دهید.
{وَأَبْقَى}: و همیشه‌گی، دائمی.
{الصُّحُفِ}: صحیفه‌ها.

ترجمه آیات

پس تذکر (پند و نصیحت) ده اگر تذکر مفید باشد (۹) زود است متذکر شود آن کسی که از خدا می‌ترسد (۱۰) و بد بخت‌ترین (افراد) از آن (پند و نصیحت) دوری می‌گزیند (۱۱) همان کسی که وارد آتش بزرگ می‌گردد (۱۲) سپس در آن آتش نه می‌میرد و نه زنده می‌شود (۱۳) یقیناً رستگار شد کسی که پاکی اختیار کرد (خود را تزکیه نمود) (۱۴) و نام پروردگار خود را یاد کرده سپس نماز خواند (۱۵) ولی شما زنده‌گی دنیا را می‌گزینید (۱۶) در حالیکه آخرت بهتر و پایدار تر است (۱۷) یقیناً این دستورها در (کتب آسمانی و) صحیفه‌های پیشین (نیز) آمده است (۱۸) در صحف ابراهیم و موسی (۱۹).

تفسیر اجمالی

بعد از آنکه در بخش اولی سوره برای پیامبر ﷺ خواندن قرآن وعدم فراموشی آن، توفیق وآسانی اعمال دین بشارت داده شد، درین آیات خداوند متعال توجه پیامبر ﷺ را به مسؤولیت‌های اساسی اش معطوف نموده فرمود: ای محمد! پند بده (نصیحت کن) به قرآن کریم ومردم را به سوی نیکی وراه دین بخوان تا اتمام حجت شود، چون نصیحت وپند سودمند باشد، یعنی از راه بیان، دین را برای همه برسان، سپس آن کسی که پند پذیرد وبه نصیحت تو گوش نهد از آن نفع می‌برد. مفهوم آن اینست که درمیان مردم کسانی اند که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرند، اما آن کس که در کفر وعناد خود سخت پابند واستوار است نصیحت کردن وی فایده ای در پی ندارد.

آیه مبارکه اشاره به این دارد که باید با مردم مطابق فهم وبرداشت شان سخن گفته شود. ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: یکی از آداب تعلیم ونشر علم اینست که نباید مسایل علمی را باکسی در میان گذاشت که از علم بی بهره باشد.

امام مسلم از عبد الله بن مسعود حدیثی را از رسول الله ﷺ روایت نموده که فرموده است: نباید به قومی سخنی را بیان داشت که ایشان از درک آن عاجز باشند. همچنان دیلمی از علی رضی الله عنه وبخاری در حدیث موقوف روایت نموده: بامردم مطابق فهم شان صحبت کنید، آیا می‌خواهید که خدا ورسولش تکذیب شوند؟

سپس خداوند متعال می‌فرماید که هرگاه از خداوند بترسید، هرچه زود پند پذیر می‌شوید؛ یعنی اگر در دل کسی ترس خدا موجود باشد باید حذر نماید وهمیشه پند بیاموزد و از آن نفع برد. و یقیناً آن کسی که خود را از اندرز ونصیحت دور گیرد آن شخص بدبخت باشد ومطابق کفر وعناد خویش داخل آتش سوزان جهنم گردد که درآن جاودان بماند که نه از عذاب رهایی یابد ونه هم از آرامی وخوشبختی بهره برد.

بعد از بیان عاقبت انسان‌های بدبخت و سرکش، خداوند متعال به ذکر حالت و عاقبت انسان‌هایی می‌پردازد که از شرک وکفر دوری گزیدند وبه تزکیه وپاکی نفس‌های خود پرداختند: بدون شک کامیاب ورسنگار آن کس است که خود را از عذاب نجات داده باشد واز شرک وکفر دوری گزیده، نام پروردگار خود را در همه حالات یاد کند و نماز بر پا دارد وعبادت خدا را بنماید.

ابوبکر بزار از جابر رضی الله عنه روایت نموده که وقتی از نبی کریم ﷺ در مورد ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ پرسیده

شد فرمود: کسیکه به لا اله الا الله شهادت دهد و کسی را با او شریک نیاورد، وبه رسالت من گواهی دهد. ودر تفسیر آیه مبارکه ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ آمده است که از رسول خدا ﷺ روایت شده که مراد از آن پنج وقت نماز و پابندی نمودن به آن است.

سپس خداوند متعال همه انسان‌ها را مخاطب قرار داده، به توبیخ و سرزنش کسانی می‌پردازد که به زنده‌گی دنیا می‌گیرند و آخرت را فراموش می‌کنند، و یا زنده‌گی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند: ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾. یعنی شما آنچه را که به شما امر شده است به جا نمی‌آورید، بلکه شما زنده‌گی دنیا را ترجیح می‌دهید، حال آنکه زنده‌گی آخرت و نعمت‌های آن برتر و بهتر و جاویدانی است.

قسمت آخری سوره خاطر نشان می‌سازد که سرچشمه همه ادیان آسمانی یکی است، یعنی همه ادیان آسمانی در اصول و اساسات یکسانند و تفاوتی ندارند، بناءً بدون شک این تعلیمات در کتابها و صحف پیشین، مخصوصاً در صحیفه‌های ابراهیم و موسی - علیهما السلام - نیز موجود بوده . ابن عساکر از ابوذر رضی الله عنه روایت کرده که از رسول الله ﷺ پرسیده شد که الله تعالی چند کتاب فرستاده است؟ آن حضرت ﷺ فرمود: یکصد و چهار کتاب؛ پنجاه صحیفه بر شیت ﷺ، سی صحیفه برادریس ﷺ، ده صحیفه بر ابراهیم ﷺ و قبل از فرستادن تورات ده صحیفه بر موسی ﷺ و تورات و انجیل، زبور و قرآن کریم.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* ترغیب و تشویق به تزکیه نفس، ذکر و نماز، که این امر برای مؤمن مخصوصاً در هنگام عید فطر میسر می‌گردد که زکات و صدقه فطر را ادا نموده و بسوی نمازگاه می‌شتابد.

* تذکیر و پند و نصیحت برای آنهایی مفید است که از آن نفع برند، و چنین کسانی رستگار و سعادت‌مند می‌باشند.

* مردمان بدبخت از شنیدن سخن خوب و پند گرفتن و نصیحت آموختن دوری می‌گزینند.

* کافران به جهنم وارد می‌گردند و در آنجا مرگ ندارند که از عذاب آتش راحت یابند و نه در آنجا روی آرامی و سعادت می‌بینند.

* کامیابی دنیا و آخرت از آن کسی است که به یاد خدا و عبادت او زنده‌گی کند و آخرت را بر زنده‌گی فانی دنیا ترجیح دهد.

* اصول و حقایق دین در تمام کتاب‌های آسمانی امت‌های پیشین یکسان می‌باشد، و این توافق دلیل آن است که همه این کتابها در اصل وحی پروردگار اند که بر انبیا و پیامبران خود فرستاه است.



۱- مفهوم کلمات ذیل را بیان دارید:

{فذكر} {سیدکر} {الأشقی} {تزکی} {فصلی} {تؤثرون}

۲- درین سوره چه چیزها بحیث اساسی ترین رسالت پیامبر ﷺ ذکر گردیده است؟

۳- دعوتگر و عالم باید برخی آداب و حالات را در دعوت و تعلیم علم و دانش رعایت کند. در این باره به برخی احادیث و روایات مأثور استدلال نمایید.

۴- از آیه مبارکه ﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ چه می‌فهمید؟ مختصراً توضیح دهید.

۵- فرق میان کتب و صحف را توضیح داده، تعداد کتابها و صحایف آسمانی را بیان نمایید.



کارخانه‌گی

فضایل سوره (الأعلى) را در پنج سطر خلاصه سازید.

سورة الغاشية

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ (۱) ﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ (۲) ﴿عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ﴾ (۳) ﴿تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً﴾ (۴) ﴿تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ﴾ (۵) ﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ﴾ (۶) ﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾ (۷) ﴿

معنای کلمات

﴿هَلْ أَتَاكَ﴾	به تحقیق آمد برای تو.	﴿حَامِيَةً﴾	آتش سوزان.
﴿الْغَاشِيَةِ﴾	قیامت، پوشاننده.	﴿آنِيَةٍ﴾	گرم و جوشان.
﴿خَاشِعَةٌ﴾	خوار و ذلیل.	﴿ضَرِيعٍ﴾	بتۀ تلخ و بد بو.
﴿عَامِلَةٌ﴾	کار کننده، زحمت کشنده.	﴿لَا يُسْمِنُ﴾	فربه نمی سازد.
﴿نَّاصِبَةٌ﴾	خسته و در بند کشیده.		

ترجمه آیات

آیا خبر غاشیه (روز قیامت که همه را می پوشاند) به تو رسیده است؟! (۱) در آن روز برخی چهره ها خوار و ذلیل باشند (۲) خسته و زحمت کشیده (۳) داخل شوند به آتش سوزان (۴) از چشمۀ سوزان آب نوشانده می شوند (۵) غذایی جز ضریع (خار تلخ و بد بو) ندارند (۶) غذایی که نه فربه می کند و نه هم رفع گرسنگی می نماید (۷).

معرفی سوره

سوره الغاشیة مکی است، دارای بیست و شش آیت بوده و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۸۸) قرار دارد. نام این سوره از سرآغاز آیت سوره مذکور گرفته شده است، الغاشیه یکی از نامهای قیامت می باشد که به معنای رویداد هولناک است که هیبت آن مردم را فرا می گیرد. موضوع سوره: روز قیامت و احوال آن، بیان نعمتها برای مؤمنان و عذاب برای کافران در آخرت میباشد.

ارتباط با سوره قبلی

درسوره (الأعلى) صفات مؤمنان و کافران، جنت و دوزخ به طور اجمال ذکر شد. درین سوره صفات متذکره به تفصیل بیان گردیده، و در بخش آخری سوره، نشانه های قدرت خداوند متعال در خلقت و نظام دقیق کاینات ذکر یافته است.

تفسیر اجمالی

در ابتدای این سوره خداوند متعال به رسول خود رسیدن خبر روز قیامت را تأکید نموده است؛ خبری که شدت هیبت آن انسان ها را فرا می گیرد.

سپس الله ﷻ انسان ها را بادر نظر داشت حالت شان در این روز به دو بخش تقسیم نموده می فرماید: درین روز بعضی روی ها خوار و ذلیل است، و این دسته همانا گروه کفار اند، ایشان به اساس عذابی که دیده اند چهره های شان ذلیل و رنگ پریده اند که به عذاب روز قیامت روبرو می شوند، این گروه سخت زحمت دیده و رنج کشیده و خسته می باشند، چون این دسته مردم در دنیا بیجای و بی مورد خود را خسته و افسرده ساخته اند به آتش گرم و سوزان داخل شوند، و چون ایشان تشنه شوند و طلب آب نمایند از چشمه ای آن ها را آب دهند که با این آب نه تنها

رفع تشنگی نشود، بلکه از شدت گرمای آن به تشنگی شان افزوده گردد، همچنان به ایشان غذایی ندهند که رفع گرسنگی نماید، ازینرو می‌فرماید برای این گروه جز ضریع (بته تلخ) غذایی ندهند که به این غذا نه چاق شوند و نه رفع گرسنگی نمایند.

مفسرین فرموده اند: وقتی این آیت **﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ﴾** نازل شد مشرکان به گونه‌ی تمسخر گفتند: شترهای ما علف ضریع را می‌چرند و به آن چاق می‌شوند، بعد این آیت **﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾** نازل شد، یعنی نه فربه سازد و نه رفع گرسنگی کند. (ضریع) چنین یک بته تلخ و بدمزه است که مردمان سرزمین حجاز در هنگام سبز بودنش آن را "شبرق" گویند، وقتی این بته خشک گردد آن را ضریع گویند، که بته بسیار زهرآگین و بدمزه است، بهمین طور برای اهل دوزخ یک نوع غذای دیگر وجود دارد که آنرا زقوم گویند، وزقوم هم غذائی زهرناک و بدمزه است.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* یکی از نامهای قیامت (الغاشیه) به معنای پوشاننده است که شدت وحشت و هیبتش انسان‌ها را فرا می‌گیرد.

* کافران در روز قیامت با چهره‌ی خوار و ذلیل حشر می‌شوند و به عذاب درد ناک مبتلا خواهند گردید.

* مشرکان و بت پرستان در دنیا خود را بیهوده به اعمال شرکی و پرستش بتان خسته و افسرده نموده اند، و در روز قیامت نیز خستگی و ذلت نصیب شان خواهد شد.

* در آیات مبارکه ضرورت اهل دوزخ به دریافت آب قبل از غذا تذکر رفته است که ذکر نوشاندن دوزخیان از آب سوزان قبل از غذای تلخ و بد بو بدانجهت است که اهل دوزخ از شدت

گرمی به آب بیشتر ضرورت دارند تا به غذا.

* دادن غذای (ضریع) برای اهل دوزخ به معنای این است که دوزخیان اصلاً غذایی ندارند؛ زیرا که ضریع نه رفع گرسنگی می‌کند، و نه برای بدن قوت می‌بخشد.



۱- مفاهیم کلمات ذیل را بیان دارید:

{الْغَاشِيَّةُ} {خَاشِعَةٌ} {عَامِلَةٌ} {نَاصِبَةٌ} {حَامِيَةٌ} {آيَةٌ} {ضَرِيعٌ} {لَا يُسْمِنُ}

۲- روز قیامت چرا الغاشیه نامیده شده است؟

۳- کفار و مشرکین در روز قیامت چرا خسته و افسرده می‌باشند؟

سورة الغاشية

(قسمت دوم)

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۖ لِّسَعِيهَا رَاضِيَةٌ ۖ﴾ (۸) ﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ﴾ (۱۰) ﴿لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ۖ﴾ (۱۱) ﴿فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۖ﴾ (۱۲) ﴿فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۖ﴾ (۱۳) ﴿وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ ۖ﴾ (۱۴) ﴿وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۖ﴾ (۱۵) ﴿وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۖ﴾ (۱۶)

معنای کلمات

{نَاعِمَةٌ}:	شاداب و با طراوت.	{سُرُرٌ}:	تختها.
{لَاغِيَةٌ}:	سخن لغو و بیهوده.	{نَمَارِقُ}:	بالشتها، پشتیها.

ترجمه آیات

برخی چهره‌ها در آن روز متنعم و با طراوتند (۸) و از سعی و تلاش (عملکرد) خود خوشنودند (۹) در بهشت عالی جای دارند (۱۰) در آن سخن لغو و بیهوده را نمی‌شنوند (۱۱) در آن چشمه ای جاری است (۱۲) در آن تخت‌های زیبای بلندی است (۱۳) و قدح‌هایی (در کنار این چشمه) گذاشته شده (۱۴) و بالشتهای قطار گذاشته شده (۱۵) و فرشهای زیبا گسترده شده (۱۶).

تفسیر اجمالی

در قسمت اول سوره حالات بد کفار و زشتی و ناگواری خوردنی و نوشیدنی ایشان بیان گردید، به تعقیب آن حالت مؤمنان و انسان‌های نیکو کار بیان گردیده است. خداوند متعال می‌فرماید: بعضی از چهره‌ها درین روز شادمان وتر و تازه می‌باشند، یعنی آثار خوشی و سرور تازه گی و طراوت دران‌ها نمایان است، چنانچه در جای دیگری در شأن این بنده‌گان مؤمن چنین آمده است: ﴿تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ﴾ [المطففين: ۲۴]. یعنی: در چهره‌های شان تازه گی و طراوت نعمت می‌نگری. این شادابی، طراوت و خوشحالی به سبب آنست که این بنده‌گان مؤمن عاقبت خود را موفق و پیروز می‌بینند، به همین سبب خداوند متعال در آیت بعدی فرموده است: ﴿لِّسَعِيهَا رَاضِيَةٌ﴾. یعنی ایشان از عملکرد شان در دنیا راضی و شادمان اند که نتیجه آن را خواهند دید. در این دو آیت، الله تعالی انسان‌های نیک (متقیان و مؤمنان) را به دو صفت یاد می‌کند: یک صفت آنکه طراوت و خوشحالی در سیمای شان نمودار است و صفت دیگر اینکه ایشان از کوشش و تلاش خود خورسند و شادمان اند.

سپس الله متعال هفت صفت را برای بهشت بیان نموده می‌فرماید: در بهشت برین و عالی بسر می‌برند، که در آن سخنان بیهوده و لهو را نمی‌شنوند. بخاطر آنکه بهشت جای برای بنده‌گان معزز و محترم می‌باشد، که سخنان لغو درانجا گفته نشود. صفت دیگر بهشت این است که در آن چشمه سارهایی روان است که اهل بهشت از آن سیراب می‌شوند. هرچند که درین آیت چشمه (عین) به صیغه مفرد ذکر شده است، اما

افاده جنس و یا عموم را می‌نماید که بمعنای چشمه‌های زیاد است و همیشه جاری بوده آب آن هرگز قطع نمی‌گردد. صفت دیگر این است که در بهشت تخت‌های بلند گذاشته شده تا اهل بهشت بر آن بنشینند. صفت دیگر اینکه پیاله‌های مملو از شراب نهاده شده، و بالشت‌هایی گوارای تنظیم شده، و فرش‌های زیبایی گسترده شده است؛ یعنی در بهشت برای بهشتیان پیاله‌های مملو از شراب گذاشته شده است که هر وقت بخواهند از آن بنوشند، همچنان در بهشت بالشت‌های قطار در قطار نهاده شده است که وقتی بهشتیان بخواهند بدان تکیه زنند، و نیز فرش‌های زیبا و فاخر در آن پهن گردیده که بر بالای آن بنشینند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* آیات مبارکه فوق به بعث بعد الموت و مکافات و مجازات در آن روز تأکید می‌نماید.

* آیات فوق الذکر هفت صفت نیکو را قرار زیر برای بهشت ذکر نموده است:

۱. جنت و یا باغهای عالی و بلند.

۲. در بهشت سخنان لغو و بیهوده شنیده نمی‌شود.

۳. چشمه سارها از آن جاری باشد.

۴. تخت‌های بلند و مرتفع برای نشستن.

۵. پیاله‌ها و جام‌های مملو از شراب.

۶. بالشت‌ها و تکیه‌های قطار چیده شده.

۷. فرش‌های زیبا و فاخر هموار کرده شده.

* صفت‌های ذکر شده برای بهشت از نعمت‌های خداوند برای مؤمنان است که برایشان بشارت داده شده که جهت رسیدن به آن باید در دنیا سعی و تلاش نمایند.

* سخن بیهوده و کلام باطل و دروغ و لهو و لعب نفس انسان را آزار می‌دهد؛ از اینرو اهل بهشت از شنیدن سخنان بیهوده در امان هستند.



۱. کلمات زیر را توضیح دهید:

{عالية} {موضوعه} {غارق} {مبتوثة}

۲. کلمات ذیل که در آیات فوق الذکر صفات واقع شده اند، در مقابل هر صفت، موصوف آن را بنویسید:

..... عالية..... جاریه..... مرفوعة..... موضوعه..... مصفوفة..... مبتوثة.

۳. آیات مبارکه هفت صفت عالی و نیک را برای بهشت و بهشتیان ذکر نموده، این هفت صفت را در آیات مبارکه تعیین نمایید.

سورة الغاشية

(قسمت سوم)

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ
كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ
بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾
ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾﴾

معنای کلمات

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ﴾:	آیا نمی‌نگرند
{كَيْفَ}	چگونه
{رُفِعَتْ}:	بلند گردانیده شده
{نُصِبَتْ}:	ثابت گردانیده شده
{سُطِحَتْ}	هموار گردانیده شده
{بِمُصَيِّرٍ}:	حاکم و سیطره کننده
{إِيَابَهُمْ}:	باز گشت ایشان

ترجمه آیات

آیا آنان به اشتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ (۱۷) و به آسمان نمی‌نگرند که چگونه بر
افراشته شده؟ (۱۸) و به کوه‌ها نمی‌نگرند که چگونه نصب گردیده اند؟ (۱۹) و به زمین نمی‌نگرند که
چگونه هموار گردیده است؟! (۲۰) پس تذکر (نصیحت) ده که تو فقط تذکر دهنده هستی! (۲۱) و بر
آنان مسلط و جبر کننده نیستی (که به ایمان مجبور شان کنی) (۲۲) مگر آن کسی که روی بتابد و کافر
شود (۲۳) پس خداوند وی را به عذاب بزرگ مجازات می‌کند (۲۴) بدون شک باز گشت همه بسوی
ماست (۲۵) سپس یقیناً حساب ایشان نزد (ما خواهد بود) (۲۶).

تفسیر اجمالی

بعد از آنکه خداوند متعال به آمدن قیامت تأکید نموده و انسان‌ها را به دو گروه نیک بخت و بد بخت تقسیم کرد، در آیات اخیر سوره به بیان دلایل وجود و وحدانیت و قدرت او تعالی پرداخته است. درین آیات خداوند متعال توجه انسان‌ها را به نظام هستی و بعضی از نمودهای عجیب آفرینش و خلقت آن معطوف می‌دارد، که این همه به عظمت آفریدگار و قدرت بی‌کران او تعالی دلالت می‌نماید؛ چنانچه خداوند عز و جل به صیغه انکار و توبیخ انسان‌ها را متوجه می‌سازد که: چرا به آفرینش عجیب و شگفت انگیز اشر نمی‌نگرند که با صفات و ویژه‌گی‌های خاصی خلق گردیده؟ همچنان آیات مبارکه انسان را به اسرار کاینات متوجه ساخته نظر او را به آسمان معطوف می‌سازد که بدون ستون چگونه بر افراشته شده و با افتاب و مهتاب و ستاره‌گان زینت بخشیده شده است، سپس آیه مبارکه توجه انسان را به کوه‌ها معطوف ساخته که چون میخ‌ها در زمین فرو برده شده، همچنان به زمین نمی‌نگرند که چگونه هموار ساخته شده تا انسان‌ها در آن آرامش یابند، و خداوند عز و جل آن را با بته‌ها و درخت‌ها، میوه‌ها و انواع زراعت آراسته است که انسان از آن بهره گیرند، و از معادن نهفته در اعماق آن استفاده نمایند.

این چهار مخلوق از میان سایر مخلوقات در آیات مبارکه بیان گردیده؛ زیرا انسان در زنده‌گی روزمره خود هروقت و ناوقت بدان می‌نگرد، و باید در اسرار و شگفتی‌های آن تفکر و تدبر نماید تا به قدرت خالق یکتا و پروردگار توانا بیشتر پی ببرد.

سپس خداوند عز و جل به پیامبر خود دستور می‌دهد تا با نظر داشت این دلایل به تذکیر و نصیحت نمودن انسان‌ها بپردازد، چنانچه فرموده: ای پیامبر ما! نصیحت کن و پند بده، چون تو تنها نصیحت‌گر و پند دهنده هستی، و به غیر از پند و نصیحت، تو بر قلب‌های آنان تسلط و حاکمیت نداری، یعنی تو این مشرکین را با ارائه دلایل قدرت خداوند بترسان تاهدایت یابند و به راه راست برگردند، ازینرو آیه **﴿لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾** برای تأکید پند و نصیحت ایشان آمده است، چنانچه در سوره یونس خداوند متعال فرموده: **﴿أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾** [یونس: ۹۹]. یعنی: آیا تو مردم را به زور به ایمان آوردن و میداری؟ (که محققاً چنین ایمانی مقبول نیست).

امام احمد، مسلم، ترمذی و نسایی از جابر رضی الله عنه روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: **(أمرت أن**

أَقَاتِلِ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَإِذَا قَالُوا عَصَمُوا مِنِّي دَمَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ (عزوجل) من ماموریت یافتیم تا بامردم (مشرکین) تا آن حد بجنگیم که لا اله الا الله بگویند، (به توحید خدا رو آورند) وقتی این کلمه را به زبان آوردند، خون‌ها و مال‌های شان در امان می‌باشد، مگر در صورتیکه حق بر بالای ایشان ثابت شود (که درانصورت از ایشان باز ستانیده شود) و حساب شان با الله جَلَّالَهُ است. سپس پیامبر ﷺ این آیت را قرائت نمود ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ﴾^(۱) در آیت بعدی الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ مگر آن کس که از پذیرش پند و نصیحت رو گرداند و اعراض کرد و به زبان و قلب از الله تعالی انکار نمود، که چنین شخصی را علاوه بر عذاب دنیایی از قبیل قتل، اسارت، به غنیمت گرفتن اموال به عذاب دردناک و جاویدان آخرت نیز مبتلا خواهد ساخت. گویا اینکه خداوند متعال به پیامبر خود اطمینان می‌دهد که هرگاه تو برایشان دست نیابی و غلبه نکنی، و یا به پند و نصیحت تو استجابت نکنند، پس ایشان از محاسبه و غلبه و حاکمیت الله متعال رهایی نخواهند یافت.

در پایان سوره خداوند متعال یک بار دیگر به زنده شدن دوباره انسان‌ها تاکید نموده می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ یعنی باز برگشت ایشان بسوی ماست، و حساب و کتاب اعمال شان را ما خواهیم داد؛ و آنوقت اگر کارهای شایسته و نیک نموده بودند، پس چه خوب پاداشی دریافت میدارند، و اگر کارهای بدی را انجام داده بودند، همانست که عذاب سخت الهی دامنگیر شان می‌شود و از آن هرگز رهایی نخواهند یافت.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * مخلوقات خداوند در کاینات دلایل آشکار بر وجود الله متعال و بیانگر قدرت او تعالی بوده، همچنان دلیل بر دوباره زنده ساختن انسان‌ها بعد از مرگ می‌باشند.
- * از میان سایر حیوانات در این آیه مبارکه به خلقت اشتر اشاره گردیده، بخاطر اینکه اشتر برای عربها خوبترین حیوان بود و همواره با آن سر و کار داشتند و از آن برای کارهای مختلف استفاده می‌کردند.

۱- این حدیث در صحیحین هم از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده مگر بدون ذکر این آیت آمده است.

* وظیفه مهم و اساسی پیامبر ﷺ همانا تبلیغ و پند دادن و موعظه کردن مردم بوده، وادار ساختن مردم به زور واکراه به ایمان به خدا از مسؤولیت او نیست.

* آنهائیکه از پذیرش دعوت الله و رسول وی روی می گردانند، علاوه از بد بختی در دنیا، در آخرت هم به عذاب دردناک جهنم که همیشه و جاویدان در آن بسوزند مبتلا می شوند.



شاگردان راجع به اسرار خلقت اشتر و فواید آن با رهنمایی معلم محترم بحث و گفتگو کنند.



- ۱- مفهوم "الغاشیه" را بیان کنید.
- ۲- از میان پدیده های کاینات چرا چهار چیز (زمین، آسمان، کوه ها، و شترها) در آیه مبارکه به حیث دلیل آفرینش برگزیده شده است؟
- ۳- آیه مبارکه ﴿لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ﴾ چه دلالت هایی دارد؟



کارخانه گی

فشرده مطالب و محورهای سوره الغاشیه را طی هشت سطر در کتابچه خود تحریر نمایید.

سورة الفجر

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالْفَجْرِ﴾ (۱) وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿۲﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿۳﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿۴﴾ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ ﴿۵﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿۶﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿۷﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿۸﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿۹﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿۱۰﴾ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿۱۱﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿۱۲﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿۱۳﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿۱۴﴾

معنای کلمات

شبها.	﴿لَيَالٍ﴾	ستونها.	﴿الْعِمَادِ﴾
دهه اول ذی الحجه.	﴿عَشْرٍ﴾	بریدند، قطع نمودند.	﴿جَابُوا﴾
جفت.	﴿الشَّفْعِ﴾	سنگ، کوه.	﴿الصَّخْرِ﴾
تاق.	﴿الْوَتْرِ﴾	میخ ها.	﴿الْأَوْتَادِ﴾
شب.	﴿اللَّيْلِ﴾	نوع، تازیانه، قمچین.	﴿سَوْطَ﴾
بیاید و برود.	﴿يَسْرِ﴾	کمینگاه.	﴿مِرْصَادِ﴾
عقل.	﴿حَبْرِ﴾		

ترجمه آیات

قسم به سپیده دم (۱) و قسم به شبهای ده گانه (۲) و قسم به جفت و تاق (۳) و قسم به شب چون رفت و آمد کند (۴) آیا در آنچه گفته شد سوگند مهمی برای صاحبان خرد نیست؟! (۵) آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (۶) و به «قوم» ارم، دارای ستونها (با عظمت)؟! (۷) شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود (۸) و به قوم «ثمود» که صخره های عظیم را از کنار دره می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند)! (۹) و با فرعون صاحب میخها (برای تعذیب مردم)! (۱۰) همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند (۱۱) پس در آن (شهرها) فساد فراوان نمودند (۱۲) پس به

همین سبب خداوند بر ایشان تازیانه عذاب را فرو ریخت! (۱۳) به یقین که پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! (۱۴).

معرفی سوره

سوره الفجر مکی است، سی آیت دارد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۸۹) قرار گرفته است. نام این سوره از نخستین آیه آن گرفته شده که در آن الله ﷻ به فجر (صبحگاهان) قسم یاد نموده است. درین سوره عاقبت بد و نا گوار کفار بیان گردیده، و همچنان از حالت انسان در روز قیامت تذکر بعمل آمده است.

ارتباط با سوره قبلی

در سوره گذشته انسان‌ها به دو گروه (نیک بخت و بد بخت) تقسیم گردیده بود که برخی از روی‌ها در آن روز ذلیل و غبار آلود و برخی دیگر تازه و شاداب با خوشی و سرور نمایان می‌گردند. درین سوره ذکر قوم عاد و ثمود و فرعون نمونه‌های مردمان شقی و بد بخت بیان گردیده، همچنان درین سوره آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ» با آیه مبارکه «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» نیز مشابهت و مناسبت دارد.

تفسیر اجمالی

در آغاز سوره الله ﷻ به پنج چیز سوگند یاد نموده؛ یعنی، به نماز فجر، و یا به صبحگاه؛ که باروشنایی خود سیاهی شب را می‌زداید، تا انسان به سعی و تلاش بپردازد و روزی حلال به دست آرد. و قسم به روزهای دهه اول ذی الحجه؛ که ایام مناسک حج است. امام بخاری به روایت از ابن عباس حدیثی را روایت نموده که پیامبر ﷺ فرموده است: «ما من أيام العمل الصالح أحب إلى الله فيهن من هذه الأيام - يعني عشر ذی الحجة - قالوا: ولا الجهاد فی سبیل الله؟ قال ولا الجهاد فی سبیل الله، إلا رجلا خرج بنفسه و ماله، ثم لم يرجع بشيء» یعنی: هیچ روزی عمل نیک در آن نزد الله محبوب تر ازین ایام؛ یعنی دهه ذی الحجه، نیست، اصحاب کرام گفتند: و نه جهاد در راه خدا؟ فرمود: و نه جهاد در راه خدا، مگر مردی که با مال خود در راه خدا بیرون شده باشد و بعد با چیزی از آن بر نگردد. و قسم به هر چیزی از جفت و تاق آن، چون روز عید که جفت است و روز عرفه که تاق؛ زیرا، اولی دهم و دومی روز نهم می‌باشد. همچنان گفته شده که (الشفع) دو روز اول ایام تشریق است که حاجیان در صورت انتخاب عجله از منی بیرون می‌شوند، و وتر روز سوم آن است.

و قسم به شب چون فرا رسد و پشت گرداند و برود، چنانچه در جای دیگری آمده است: «وَاللَّيْلِ إِذَا

أَذْبَرَ [المدرثر: ۳۳]. یعنی: وقتی که شب پشت گرداند. چون فرا رسیدن روز منفعت انسان‌ها را در پی دارد، همچنان آمدن شب سکون و آرامش نفس‌ها را با خود دارد که در اثر سعی و تلاش روزانه آدمیان خسته شوند و در شب آرام گیرند و تجدید قوت نمایند.

سپس خداوند متعال از اقوامی یاد نموده که از پذیرش الوهیت و احکام وی سر باز زده اند؛ چون عاد، ثمود و فرعون که به گونه مثال و عبرت از ایشان یاد آوری نموده فرموده است: آیا تو ندیدی که پروردگار تو به عاد و ارم که صاحبان ستون‌های بلند بودند چه کرد؟

مراد از عاد و ارم همان اقوامی اند که در قرآن کریم از ایشان تذکر بعمل آمده و در تاریخ عرب آن‌ها را عاد اولی گویند که الله جل جلاله آن‌ها را تباه نموده است، قومی که هود علیه السلام برای شان مبعوث شده بود، وقتی آن‌ها به عذاب الهی گرفتار شدند، و کسانی که بعد از عذاب سالم وزنده ماندند بنام عاد دومی یاد می‌شوند. عاد اولی را به این سبب ارم گفته اند که این مردم باشاخه همان قومی ارتباط داشتند که در سلسله نسب از ارم بن سام بن نوح جدا شده است، و از همین شاخه برخی دیگری شاخه‌های مشهور تاریخی بوجود آمده اند که ثمودی‌ها نیز از آن جمله می‌باشند. وعاد و ارم بدان جهت صاحب ستون‌ها گفته شده اند که آن‌ها آبادی‌های شامخی را ساختند و ازینرو اینها بنیانگذار عمارت‌های بلند در زمین به شمار می‌روند. همچنان افراد این قوم دارای پای‌های پهن و بدن‌های قوی، قدهای افراشته و اندام تنومندی بودند که مانند ایشان در تاریخ کسی به این بزرگی و قوت نگذشته بود.

سپس خداوند جل جلاله از قوم ثمود یاد آوری نمود؛ قومیکه صالح علیه السلام برایشان به صفت پیامبر مبعوث شده بود، این قوم صخره‌ها را می‌تراشیدند و ازان خانه می‌ساختند و عمارت‌ها و قصرهای مجلل بنا نموده بودند، قوم مذکور در منطقه میان شام و حجاز بسربرده اند. قرآن کریم در مورد این قوم در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَكَاُنُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ﴾ [الحجر: ۸۲]. یعنی: می‌تراشیدند از کوه‌ها خانه‌های امن.

الله تعالی سپس از زمامدار مشهور مصر یعنی فرعون یاد آوری می‌کند که در زمانه موسی علیه السلام فرمانروایی داشت و به ذی الأوتاد صاحب میخ‌ها شهرت دارد و عمارت‌های شامخ و آثار بزرگ اهرامات را بنا نمود، و شکل این اهرامات با نوک‌های باریک و بیخ وسیع به میخ شباهت دارد. برخی مفسرین گفته اند مراد از (اوتاد) همان لشکر وی است که پایه‌های حکومتش را محکم ساخته بود.

الله تعالی در مورد این اقوام می‌فرماید: اینها کسانی بودند که در شهرها با تکبر و غرور سرافراشته و فساد را گسترش داده بودند؛ به عوض بنده‌گی و اطاعت الله جل جلاله، به کفر و ارتکاب گناهان و ظلم و استبداد بر بنده‌گان پرداختند، و همان بود که الله تعالی برایشان تازیانه عذاب فرو ریخت که تفصیل

این عذاب در سوره الحاقه بیان شده است، و مراد از تازیانه عذاب همان عذاب دردناک است که به گونه نواختن تازیانه بدن را تعذیب و شکنجه دهد. و محققاً پروردگار تو مراقب حال آنها است و هیچ چیزی از او تعالی پنهان نیست، و لزوماً الله تعالی کیفر آن را برای انسان خواهد داد.

فواید درس

- آیات مبارکه رهنمودها و اندرزهای ذیل را ارائه می نماید:
- * سوگند خداوند متعال به برخی از اشیایی عجیب نظام هستی توجه مسلمانان را به عظمت و اهمیت این چیزها معطوف می دارد.
- * برخی اوقات نسبت به سایر اوقات از اهمیت و مقام خاص برخوردار است که از آن جمله وقت نماز صبح، یاهم مطلق صبح، و همچنان دهه اول ذی الحجه می باشد.
- * ملت های سرکش و طغیانگر مانند قوم عاد، ثمود و فرعون بنابر سرکشی خود هلاک و نابود شدند.
- * خداوند متعال مراقب حال بنده گان است، ظلم، تجاوز و ستمگری سرکشان و طغیانگران را می بیند و به مشیت و حکمت خویش تازیانه عذاب را بر ایشان فرود می آورد.
- * نیکی و بدی، فقر و غنا در زنده گی انسان برای آزمایش و امتحان است، محبت مال و ثروت در طبیعت انسان گذاشته شده، کمی و زیادی نعمت دلیل عزت و توهین آدمی نیست.
- * بیان حالات هولناک و سخت روز قیامت.
- * ذکر تقسیم انسان ها به دو گروه نیکان و بدان.
- * مردمان نیک به بهشت و نعمت های بزرگ الهی دست یابند.



- ۱- در آغاز سوره الفجر خداوند متعال به چند چیز قسم یاد نموده است؟
- ۲- مفهوم و اهمیت اشیایی را که درین سوره بدان قسم یاد شده مختصراً بیان دارید.
- ۳- مفهوم جملات: { إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ } { جَابُوا الصَّخَرَ بِالْوَادِ } { فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ } را توضیح دهید.



کارخانه گی

مواصفات جاها و اقوام ذکر شده در این سوره را در کتابچه های خود بنویسید.

سوره الفجر

(قسمت دوم)

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾ (۱۵) ﴿وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾ (۱۶) ﴿كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ﴾ (۱۷) ﴿وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ (۱۸) ﴿وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا﴾ (۱۹) ﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ (۲۰)

معنای کلمات

- {اِبْتَلَاهُ}: آزمایش کرد او را.
 {فَقَدَرَ}: کم نمود، تنگ ساخت.
 {أَهَانَنِ}: اهانت کرد مرا، خوار ساخت مرا.
 {لَا تَحَاضُّونَ}: تشویق نمی کنید.
 {التُّرَاثَ}: میراث.
 {أَكْلًا لَّمًّا}: خوردن زیاد.
 {حُبًّا جَمًّا}: دوستی زیاد.

ترجمه آیات

اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و تکریم و نعمت بخشد، (مغرور گردیده) می گوید: پروردگارم مرا گرمی داشته است (۱۵) و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر وی تنگ گرداند، (از روی مایوسیت) می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است! (۱۶) نه، هرگز چنین نیست (که شما می پندارید) شما یتیمان را گرمی نمی دارید (۱۷) و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید (۱۸) و میراث را (از راه مشروع و نا مشروع) جمع نموده می خورید (۱۹) و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (۲۰)

تفسیر اجمالی

در آیات قبلی الله تعالی فرمود وی مراقب انسان است، و ایشان را مطابق اعمال شان مکافات و مجازات خواهد نمود، درین آیات انسان را مورد توبیخ و تنبیه قرار می‌دهد که برای کسب لذایذ دنیا دلبستگی نشان می‌دهد و به امور آخرت توجه ندارد، حال آنکه خداوند متعال بیشتر توجه بنده را به آخرت معطوف داشته است.

ازینرو انسان را نسبت رو آوردنش به دنیا مورد توبیخ قرار داده می‌فرماید: وقتی انسان از طرف الله تعالی مورد آزمایش قرار گیرد و در زنده‌گی روزمره خویش صاحب عزت و جاه شود، با غرور و تکبر می‌گوید که من شایسته این عزت و تکریم هستم که الله برایم بخشیده است، اما وقتی به تنگدستی و فقر روبرو گردد و خداوند متعال روزی او را کم سازد آنگاه می‌گوید که الله مرا خوار و بی عزت ساخت، یعنی وی زنده‌گی بهتر دنیا را دلیل عزت و کرامت خود دانسته از شکر نعمت و صبر در برابر آزمایش و امتحان خداوند سر پیچی می‌ورزد؛ البته در اینجا مراد از انسان مطلق انسان است، برابر است که مسلمان باشد و یا کافر.

صاحب ثروت شدن و یا مقام و منصب را به دست آوردن دلیل آن نیست که الله تعالی از وی راضی و خوشنود است، و هم چنان فقر و تنگدستی دلیل بر آن نیست که الله تعالی از شخصی ناراض و ناخوشنود باشد.. بناءً به منظور نکوهش این دوطرز دید نا درست انسان را تنبیه نموده تأکید فرمود که: هیچگاه چنین نیست که ایشان گمان می‌کنند؛ بخاطر آنکه الله تعالی ثروت و دارایی را هم به دوستان و هم به دشمنان خود اعطا می‌کند که دراین دو حالت آنچه که نزد الله تعالی اعتبار دارد پیروی و اطاعت از وی است؛ اگر انسان غنی و ثروتمند باشد باید که پاس و شکر نعمت الهی را بجا آورد، و اگر فقیر و تنگدست باشد بر اوست که صبر و شکیبایی پیشه کند.

بعد ازین که الله تعالی سخنان و پندارهای ناپسند انسان را مورد سرزنش قرار داد، عملکرد اینچنین انسان‌ها را نیز نکوهش نمود؛ و آن اینکه وقتی به آدمی ثروت زیاد داده شود وی حق الله تعالی را درمورد این ثروت اداء نمی‌کند و همه آن را صرف منافع خود می‌نماید، ازینرو الله تعالی می‌فرماید: شما ای انسان‌های ثروتمند مال میراث را همه یکجا تناول می‌کنید و

داشتن مال زیاد را بیش از حد می‌پسندید؛ یعنی: حق یتیم را مد نظر ندارید و به وی نیکی روا نمی‌دارید و حق او را در میراث که باید برایش داده می‌شود نمی‌دهید و شما در جمع اموال آنقدر مصروف و سرگردان هستید که در فکر آن نیستید که این اموال از راه حلال جمع شده است و یا حرام. مطلب این آیات مبارکه این است که در گزینش دنیا آنقدر غرق شدید که آخرت را فراموش کرده اید، حال آنکه خداوند عز و جل آخرت را برای شما برگزیده و شما را به آمادگی برای آخرت امر کرده است.



شاگردان با رهنمایی معلم محترم در روشنایی آیات و احادیث نبوی راجع به یتیم و اهمیت تعامل با یتیم بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* زنده‌گی صحنه امتحان است، به دست آوردن دنیا و زنده‌گی مرفه و با تجمل دلیل این نیست که خداوند متعال از اشخاصی که این زنده‌گی را دارند راضی می‌باشد، و ایشان را مورد تکریم خود قرار داده است. و نه هم فقر و تنگدستی بنده دلیل نارضایتی الله متعال از وی می‌باشد، بلکه ثروت و تهیدستی هر دو فقط برای امتحان و آزمایش انسان است.

* مشرکین مکه با همین نظریه مادی و مادی‌گرایی معیار برتری و بزرگی انسان را در داشتن مال و دارایی و جاه و مقام می‌دانستند، و داشتن مال و ثروت را دلیل گرمی بودن انسان می‌پنداشتند.

* طبیعت آدمی طوری است که به جمع آوری و داشتن مال و ثروت حرص دارد، و این حرص او را به جایی می‌کشاند که گاهی از خوردن مال یتیم و ناتوان و اندوختن مال و دارایی از راه‌های حرام هم ابا نمی‌ورزد.

* آیات مبارکه به اکرام و گرمی داشت یتیمان و اطعام گرسنه‌گان و مستمندان و بی‌نویان امر

و تشویق نموده است.

- * آیات مبارکه به دادن میراث به مستحق آن امر و تشویق نموده است. برابر است که مستحق میراث مرد باشد و یا زن، بزرگ باشد و یا کوچک.
- * آیات مبارکه به تهدید و توبیخ جمع آوری مال و ثروت از راه نامشروع و حقوق دیگران پرداخته و سنجش انسان را با معیار پول و دارایی رد کرده است.



- ۱- مفهوم کلمات و جملات ذیل را در آیات قرائت شده تشریح کنید:
{اذا ما ابتلاه ربه} {فأكرمه} {أهانن} {ولا تحضون} {تأكلون التراث}
- ۲- در آیه مبارکه ﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ چرا دوستی مال و ثروت تقبیح گردیده است؟



تحت عنوان "دنیا برای انسان صحنه امتحان است" یک مقاله کوتاه بنویسید.

سورة الفجر

(قسمت سوم)

﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا﴾ ۲۱ ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ ۲۲ ﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾ ۲۳ ﴿يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ ۲۴ ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ﴾ ۲۵ ﴿وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾ ۲۶ ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ﴾ ۲۷ ﴿ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ ۲۸ ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي﴾ ۲۹ ﴿وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ ۳۰ ﴿﴾

معنای کلمات

زمین به شدت تکان داده شده و درهم کوبیده شود.	{دُكَّتِ الْأَرْضُ}
حرکت قوی و کوبیدن نیرومند.	{دَكًّا دَكًّا}
دیگر یاد آوری سودی برایش نبخشد.	{أَنَّى لَهُ الذِّكْرَى}
ای کاش، کاش چنین می بودم.	{يَا لَيْتَنِي}
چیزی (از اعمال نیک) در زنده گی انجام می دادم.	{قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي}
به بند نمی کشد.	{وَلَا يُوثِقُ}
به بند کشیدن مانند او.	{وَوَاقَهُ}

ترجمه آیات

نه هرگز، (چنین نیست که آن ها می پندارند، بلکه در) آن وقت که زمین کوبیده شود به کوبیدن سخت (۲۱) و (به فرمان پروردگارت) فرشتگان صف در صف حاضر شوند (۲۲) و در آن روز که جهنم حاضر کرده شود، روزی که انسان متذکر می شود (پند می گیرد) اما این تذکر چه سودی

برای وی دارد؟! (۲۳) می‌گوید: ای کاش برای این زنده‌گیم چیزی (اعمال نیک) از پیش فرستاده بودم! (۲۴) پس در آن روز هیچ کسی همانند او (خداوند ﷻ) عذاب نمی‌کند (۲۵) و هیچ کسی همچون او کسی را به بند نمی‌کشد (۲۶) ای نفس آرام یافته! (۲۷) باز گرد بسوی پروردگار خود، در حالیکه هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است (۲۸) پس داخل شو در زمره بنده‌گان من (۲۹) و داخل شو در بهشت من. (۳۰)

تفسیر اجمالی

وقتی در آیات گذشته، الله تعالی گفتار و کردار انسان‌ها را مورد نکوهش قرار داد، و محبت و دلبستگی آن‌ها را به دنیا که سبب فراموشی آخرت می‌گردد بیاد شان آورد. در نتیجه این دلبستگی است که ایشان مال یتیم و ناتوان را از آن خود سازند و آن‌ها را از حقوق شان محروم نگهدارند و از امر آخرت در غفلت بسر برند که در نتیجه آن حلال و حرام را ناشناخته اندوزند. درین آیات خداوند ﷻ ایشان را از روبرو شدن باحالات هولناک قیامت برحذر می‌دارد. الله تعالی می‌فرماید: در آن روز یعنی مقدمه قیامت که زمین به حرکت درآید و به شدت کوبیده شود، سه رویداد مهم به وقوع می‌پیوندد که یکی آن کوبیدن زمین؛ یعنی پارچه پارچه ساختن آن است، سپس زلزله شدیدی زمین را فرا گیرد، کوه‌ها همه در سطح زمین هموار شوند و همه سطح زمین یکسان گردد، و مرده‌گان از قبرها بیرون شوند.

خداوند یکتا و توانا فیصله سرنوشت بنده‌گان را گیرد، و فرشته‌گان در قطارها وصف‌های متعددی حاضر شوند، و این دومین رویداد قیامت است که درین روز صورت می‌گیرد.

سپس جهنم احضار گردد تا آنهایی که درین میدان جمع شده اند آن را از نزدیک ببینند. چنانچه در سوره النازعات آمده است: ﴿وَبُرِّزَتِ الْجَحِیْمُ لِمَنْ یَرٰی﴾ [النازعات: ۳۶] یعنی: جهنم برای مشاهده بیننده نمایان گردد. نمایان شدن دوزخ سومین رویداد قیامت است که درین روز صورت می‌گیرد. انسان درین روز آنچه را انجام داده است بیاد می‌آورد، مگر این فهمیدن

دیگر برایش سودی ندارد، یعنی انسان درین وقت که به خود آمده و حقیقت را فهمیده است دیگر این فهم برایش سودی نمی‌بخشد و با حسرت و ندامت می‌گوید: کاش من برای این روز خود چیزی از کارهای نیک توشه می‌داشتم و پیش از روبرو شدن به چنین روز آن را می‌فرستادم. درین روز هیچ کسی برای حساب و کتاب و مجازات کردن اختیاری ندارد، و هیچ کسی نمی‌تواند به گونه‌ی الله تعالی عذاب دهد و یا زنجیرها به دستان ایشان بندد. چنین آگهی انسان‌های نیک نهاد را به انجام کار نیک و ایمان آوردن به الله تعالی ترغیب دهد و از عواقب کفر و نافرمانی بر حذر می‌دارد.

سپس الله تعالی حالت آینده‌ی انسان‌هایی را بیان می‌دارد که مطابق خواهشات نفس راه نرفته و دنیا را به آخرت برتری نداده اند، الله تعالی به چنین انسان مؤمن می‌فرماید: ای نفس آرام و مطمئن! بسوی پروردگار خود باچنان حالت برگرد که از سرنوشت خود خورسند و مسرور هستی و در پیشگاه پروردگارت قدر و منزلت داری، تو در زمره‌ی بنده‌گان نیک نهاد من داخل شو، یعنی خود را از جمع آن‌ها حساب کن و به بهشت من وارد شو، جایگاهی که خداوند برای بنده‌گانش وعده داده است، جایی که انسان در آن مطمئن و خوشحال در نعمت‌های جاویدان بسر برد و ازان بهره مند گردد.

مراد از نفس مطمئن نفس انسانی است که بدون شک و تردید و با اطمینان و آرامش کامل دل به الله بسته و اطاعت و فرمانبرداری او را پذیرفته و آن را برنامه زنده‌گی خویش قرار داده است.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * یکی از نشانه‌های روز قیامت این است که زمین سخت کوبیده شده، پارچه پارچه شود که در نتیجه این کوبیدن، کوه‌ها در سطح زمین هموار گردند و سطح زمین همه یکسان گردد.
- * انسان درین روز از اعمال بدی که انجام داده است پشیمان می‌شود مگر این پشیمانی برای



او سودی ندارد.

* جهنم به آنهایی که در میدان حشر جمع شده اند نزدیک آورده شود تا آن را از نزدیک ببینند، مردم در حالت ترس و خوف میباشند و هیچ کس در آن روز نمی تواند به گونه الله تعالی عذاب دهد.

* در روز قیامت مسلمانان فرمانبردار و مطیع، خوش و خورسند میباشند.



۱- گروه مؤمنین و کفار در روز قیامت به کدام سرنوشت روبرو می شوند؟

۲- این آیات برخی از رویدادهای مهم را بیان کرده است که در روز قیامت صورت خواهد گرفت آن رویدادها را بیان دارید.



کارخانه گی

خلاصه مفهوم سوره "الفجر" را در هشت سطر در کتابچه خود بنویسید.

سورة البلد

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ (۱) وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۲﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿۳﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿۴﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿۵﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿۶﴾
أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿۷﴾

معنای کلمات

{الْبَلَدُ}: شهر، مکه مکرمه.

{وَالِدٍ}: پدر، آدم علیه السلام.

{وَلَدَ}: فرزندی، فرزندان آدم.

{فِي كَبَدٍ}: در رنج و مشقت.

{أَيْحَسِبُ}: آیا گمان می‌کند؟

ترجمه آیات

قسم به این شهر (مکه)، و تو حلال خواهی شد به این شهر. و قسم به پدر و آنچه را که زاده است. یقیناً انسان را در سختی پیدا نموده ایم. آیا وی گمان می‌کند هیچ کس بر وی دست نخواهد یافت؟ می‌گوید که من ثروت زیادی را از دست داده ام. آیا وی گمان می‌کند که کسی او را ندیده است؟!

معرفی سوره

سورة البلد مکی است، دارای بیست آیت بوده و طبق ترتیب عثمانی در ردیف ۹۰ قرار دارد. نام این سوره از نخستین آیه سوره اشتقاق یافته است، زیرا خداوند متعال به البلد (شهر مکه) قسم

یاد نموده است. موضوع این سوره انسان و کامیابی وی در روز قیامت می باشد.

مناسبت با سوره قبلی

در سوره الفجر الله جلّ و علا کسانی را که با حرص و آز به مال، حق یتیم را می خورند و به دادن غذا و کمک به بینوایان تشویق نمی کنند، مذمت نمود. درین سوره خداوند متعال مکلفیتهایی را بیان می دارد که شایسته یک انسان ثروتمند و تواناست؛ مانند آزاد سازی برده گان، دادن طعام در روزهای قحطی و تنگدستی به مردم و غیره. همچنان سوره قبلی با بیان حالت نفس مطمئن در روز آخرت ختم گردید، در این سوره از به دست آوردن راههای اطمینان نفس تذکر بعمل آمده و از چیزهایی بر حذر داشته شده که اطمینان و سعادت را از بین می برد.

تفسیر اجمالی

در آغاز سوره خداوند متعال به مکه معظمه که رسول خدا در آن مقیم است و به آدم و فرزندان او قسم یاد نموده است که انسان در مشقت و دشواری دوامدار آفریده شده است. در جمله «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» حرف (لا) زاید و برای تاکید قسم آمده است، که چنین قسم را قسم مؤکد خوانند. مراد از شهری که خداوند متعال به آن قسم یاد نموده مکه مکرمه می باشد. در حدیث متفق علیه آمده است: شهر مکه را الله تعالی از همان روزی که آسمانها و زمین را پیدا نمود تا روز قیامت به حکم خویش حرام قرار داد؛ نه بتة آن زده شود و نه هم درخت و علف آن قطع گردد. پیامبر ﷺ فرموده اند: این سرزمین از طرف روز برای یک ساعت برایم حلال گردانیده شد و دوباره به حرمت قبلی که داشت برگشت^(۱). مراد از این حلال گردانیدن فتح مکه است که مشرکین حرمت آن را نقض کردند و جان و مال پیامبر خدا و مسلمانان را مباح قرار دادند و ایشان را از مکه اخراج نمودند، که در مقابل ظلم و تجاوز مشرکین خداوند متعال در این آیه مبارکه مکه را برای پیامبر خود حلال گردانید و پیامبر ﷺ در سال هشتم هجرت مکه

۱- متن حدیث: "إن هذا البلد حرمه الله يوم خلق السموات والأرض فهو حرام إلى يوم القيمة لا يعصده شجرة ولا يختلي خلاه، وإنما أحلت لي ساعة من نهار و قد عادت حرمتها اليوم كحرمتها بالأمس، ألا فليبلغ الشاهد الغائب".

را فتح نمود.

در آیه بعدی به (آدم علیه السلام) و نسلهایی که از وی به دنیا آمده قسم یاد شده است. سپس در جواب این قسمها خداوند متعال فرموده است: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ یعنی ما انسان را آمیخته در تکالیف و زحمات پیدا نمودیم، و به همین دلیل وی همیش با سختی‌ها و مشکلات روبرو است، به این معنی که انسان از لحظه پا گذاشتن به دنیا با مشکلات و سختی‌ها و حوادث مختلفی رو برو است تا آنکه از دنیا می‌رود و همواره در قبر و در برزخ با مشکلات و دشواری‌ها دست و گریبان است.

به تعقیب آن خداوند متعال انسان را مورد تهدید و توبیخ قرار داد می‌فرماید: ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾ یعنی: آیا این انسانی که همراه با چنین دشواریها و مشقتها آفریده شده گمان می‌برد که کسی بر وی چیره نخواهد شد؟

روایت گردیده که این آیت در مورد ابی الاسد بن کلدۀ الجمحی نازل شده است، شخصی که به قوت و نیروی خود مغرور بود، و طبق قول ابن عباس رضی الله عنهما وی پول زیادی را برای دشمنی با رسول الله ﷺ به مصرف رسانده بود.

در تفسیر آیه ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾ گفته شده که: این آیت در مورد حارث بن عامر نازل گردیده، وی از پیامبر ﷺ در باره کفاره مربوط به خویش سؤال نمود، و پیامبر برایش دستور داد که کفاره بدهد، وی با سرکشی و تمسخر اظهار داشت که همه دارایی‌هایم در صدقات و کفاره‌ها به مصرف رسیده! (لقد أهلك مالا لبداً). اما آیه مبارکه می‌تواند شامل هر انسانی شود که در روز قیامت با خود گوید: مال‌های زیادی را - همانطوریکه در ایام جاهلیت رواج بود - در راه افتخارات و به دست آوردن شهرت در میان مردم به مصرف رسانیدم.

به تعقیب آن الله تعالی انسان را به سبب نادانی و جهلش ملامت نموده می‌فرماید: ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ﴾. آیا وی گمان دارد که هیچ کسی او را ندیده است؟ و خداوند متعال از وی واز دارایی

اش که در کدام وجوه آن را به مصرف رسانیده است سؤال نخواهد کرد؟

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* قسم یاد نمودن خداوند متعال به مکه مکرمه و پیامبر ﷺ بیانگر عظمت الله تعالی و قدر و منزلت پیامبر ﷺ است.

* انسان از هنگام ولادت تا دم مرگ با سختی‌ها و دشواری‌ها گرفتار است.

* مصرف پول و ثروت در راه دشمنی با دین، پشیمانی و ندامت را در قبال دارد. و خداوند متعال از چنین اعمالی هیچگاه بی خبر نیست، و حتماً انتقام آن را خواهد گرفت.



۱- در آیات مبارکه اول سوره به چه چیزها و بخاطر چه چیزی قسم یاد شده است؟

۲- مراد از (والد و ما ولد) در آیه مبارکه چیست؟

۳- آیات ذیل چه مفهوم دارد؟

(وَأَنْتَ حَلْ بَهَذَا الْبَلَدِ) (أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ) (يَقُولُ أَهْلَكَ مَا لَا لِبَدًا)



کارخانه‌گی

شاگردان در مورد حرمت مکه معظمه مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

سورة البلد

(قسمت دوم)

﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿۹﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿۱۰﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿۱۱﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿۱۲﴾ فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿۱۳﴾ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿۱۴﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿۱۵﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿۱۶﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿۱۷﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿۱۸﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَايَعْنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿۱۹﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿۲۰﴾

معنای کلمات

{النَّجْدَيْنِ}:	دو راه (خیر و شر).
{فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةُ}:	پس او از گردنه (گذرگاه) دشوار نگذشت.
{فَكُّ رَقَبَةٍ}:	آزاد ساختن برده.
{مَسْغَبَةٍ}:	گرسنگی.
{مَقْرَبَةٍ}:	خویشاوندی.
{مَتْرَبَةٍ}:	فقر خاک نشین، زنده گی سخت.
{مُؤَصَّدَةٌ}:	فرو بسته، فراگیر.

ترجمه آیات

آیا ما برای وی دو چشم قرار ندادیم (۸) و یک زبان و دو لب؟ (۹) و او را به دو راه خیر و شر هدایت کردیم! پس او از گردنه (گذرگاه) دشوار نگذشت (۱۰) و چه چیز ترا دانا کرد که گردنه

دشوار چیست؟ (۱۱) آزاد کردن برده ای (۱۲) یا طعام دادن در روز گرسنگی (۱۳) به یتیمی از خویشاوندان (۱۴) یا به مستمندی خاک نشین (۱۵) سپس از کسانی باشد که ایمان آوردند و توصیه به صبر و توصیه به رحمت و شفقت نمودند (۱۶) این گروه اصحاب الیمین (که نامه اعمال شان به دست راست داده می شود) می باشند. و کسانی که به آیات ما کافر شدند، ایشان اهل شوم و بدی اند (۱۶) بر ایشان گماشته شود آتشی فرو بسته از هر سو (آتشی که آن ها را در محاصره خود قرار دهد و راه فرار نداشته باشند). (۱۷)

تفسیر اجمالی

در آیات قبلی خداوند متعال انسان را در مورد عادات نا درست مورد توبیخ و ملامت قرار داد، و در این آیات الله متعال با بیان نعمتهای فراوان خویش را بر انسان منت گذاشته تنبیه می نماید که در مقابل نعمتهای مادی و معنوی که پروردگار مهربان برایش ارزانی فرموده باید شکر گزار باشد و به کارهای نیک چون آزاد سازی بردگان، کمک به یتیمان و مستمندان پردازد، و به صبر و شکیبایی و خیر و نیکی و ترحم و مهربانی دعوت نماید. چنانچه الله متعال می فرماید: آیا ما به این انسان مغرور و خود خواه که به منظور شهرت و نام ثروتش را به مصرف می رساند، دو چشم و یک زبان و دو لب نداده ایم؟ بلکه ما برای این انسان وسیله دید و سخن گفتن مهیا ساختیم، و نعمت شناخت خوب و بد به وی اعطا نمودیم، و هر دو راه خیر و شر را به گونه روشن و واضح برایش نشان دادیم، و او را فطرت سلیم و نعمت عقل بخشیدیم تا بتواند راه خیر را از شر تمیز کند. و در برابر این همه نعمت ها خواست خداوند از وی اینست که شکر او تعالی را بجا آرد و خواست های نفسی را زیر پا گذارد و راه شیطان را ترک کند. بناءً الله متعال می فرماید: چرا

درین انسان تغییری رونما نگردید، و موانعی را که او را از رسیدن بسوی الله باز می‌داشت از سر راه خود دور نکرد، و خواست‌های نادرست نفس خود را مهار ننموده و برای رسیدن به اوجنای عظمت انسانی تلاش به خرج نداد وبا نفس خود جهاد نکرد!

سپس خداوند متعال در مورد پیمودن این راه مشکل و دشوار می‌فرماید: ﴿فَكُ رَقَبَةً...﴾ یعنی: راه نجات از این ورطهٔ دشوار و پراشوب، آزاد سازی غلام از قید اسارت است تا از نعمت آزادی لذت ببرد، و یا حد اقل در آزاد سازی وی کمک نماید و سهم بگیرد، و همچنان برای یتیمان بی سرپرست و محتاج و مستمندان تهیدست که در روزگار قحطی و گرسنگی به مشکل روبرو اند طعام بدهد و آنها را از رنج گرسنگی و مرگ برهاند.

در پایان آیات مبارکه می‌فرماید: کسانی که چنین کارهایی را انجام دهند، از جملهٔ آن کسانی خواهند بود که به خداوند ایمان آورده، وبه صبر، ترحم و رواداری به یکدیگر توصیه نموده اند که مورد ترحم خداوند قرار خواهند گرفت. و خداوند متعال می‌فرماید که مردمان دارای چنین صفاتی اصحاب الیمین اند؛ یعنی نامه‌های اعمال خود را با دست راست می‌گیرند. و کسانی که راه کفر و ناشکری برگزیده اند، و به آیت‌های ما و نشانه‌های قدرت ما کافر شده اند، ایشان اصحاب الشمال اند که شعله آتش دوزخ از هرسو آنها را در احاطه گرفته و از آن رهایی نخواهند یافت.

فواید درس

آیات مبارکهٔ فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* نعمتهای توانایی، بینایی، شنوایی، سخن گفتن و شناسایی و سایر نعمتهای خدا داد ایجاب آن را می‌نماید که انسان از این نیرو و توانایی در جهت حقشناسی استفاده کند و شکر خدا را بجا

آورد و باطل را کنار گذارد و راه ایمان و اعمال نیک در پیش گیرد.

* این نعمت‌های الهی مقتضی آنست که انسان راه ایمان و بنده‌گی الله متعال را برگزیند و از پیروی شیطان و خواهشات نفس اجتناب ورزد، تا ثواب توصیه به صبر و ترحم با یکدیگر را دریابد.



۱- آیات مبارکه ذیل را معنا کنید: [وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ - فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ - فَكُ رَقَبَةً - أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ - أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ].

۲- دست کمک و یاری بسوی یتیم و بینوا دراز کردن چه اهمیت و ثوابی دارد؟

۳- مراد از اصحاب الیمین و اصحاب الشمال چه کسانی اند، صفاتی که هر کدام را از دیگری متمایز می‌سازد، چیست؟



شاگردان کارهای مهمی را که در این سورة مبارکه برای نجات انسان ذکر گردیده، در کتابچه‌های خود یاد داشت نمایند.

سورة الشمس

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ ١ ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾ ٢ ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ ٣ ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ ٤ ﴿وَالسَّمَاءَ وَمَا بَنَاهَا﴾ ٥ ﴿وَالْأَرْضَ وَمَا طَحَاهَا﴾ ٦ ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ ٧ ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ ٨ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ ٩ ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ ١٠ ﴿

معنای کلمات

{وَضُحَاهَا}:	و روشنایی آن.
{تَلَاهَا}:	از پی آن آمد.
{جَلَّاهَا}:	آن را روشن ساخت.
{يَغْشَاهَا}:	آن را بپوشاند، گسترده شود.
{طَحَاهَا}:	آن را هموار ساخت.
{سَوَّاهَا}:	آفرید، بیاراست آن را.
{أَلْهَمَهَا}:	الهام کرد، شناساند آن را.
{زَكَّاهَا}:	پاک ساخت نفس را.
{دَسَّاهَا}:	آلوده ساخت آن را.

ترجمه آیات

قسم به آفتاب و روشنایی آن (۱) و به مهتاب هنگامی که بعد از آن دراید (۲) و به روز هنگامی که آفتاب را ظاهر سازد (۳) و به شب هنگامی که زمین را بپوشاند (۴) و قسم به آسمان و به

آفریدگار آن (۵) و قسم به زمین و کسی که آن را هموار نموده (۶) و قسم به روح آدمی و کسی که آن را (آفریده) منظم ساخته (۷) سپس نیکی و بدی را بوی الهام نموده (۸) حقا که رستگار شد آن کس که نفس را تزکیه نمود (۹) و زیانکار گردید کسی که آن را (با معصیت و گناه) آلوده ساخت (۱۰)

معرفی سوره

سوره الشمس مکی است، دارای پانزده آیت بوده و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۱) قرار دارد. موضوع این سوره بیان هدایت و گمراهی نفس انسانی است. این سوره به لفظ اول آن یعنی الشمس (آفتاب) مسمی است.

مناسبت سوره با سوره قبله

- ۱- سوره البلد به شناخت اصحاب یمین و اصحاب شمال ختم گردید، و این سوره به بیان اعمال هردو گروه می‌پردازد.
- ۲- در آخر آیات سوره قبله عاقبت کفار بیان شد که در روز آخرت به آن رو برو خواهند شد، و درینجا در پایان سوره سرانجام عملکرد بعضی کفار ذکر می‌شود که با آن روبرو می‌شوند.

تفسیر اجمالی

در آغاز این سوره خداوند متعال به بعضی از مخلوقات بزرگ خود قسم یاد نموده که در کاینات دارای اهمیت زیاد می‌باشند. مخلوقاتی که در حیات انسان، حیوان، نباتات و سایر مخلوقات تأثیر می‌گذارند و دلایل آشکار برای قدرت و وحدانیت خداوند جل جلاله باشند. خداوند متعال در این آیات به آفتاب و روشنایی آن در روز، و به مهتاب که از پی غروب آفتاب در هنگام شب بلند می‌شود، و هم چنان به روز قسم یاد می‌کند، و نیز به شب قسم یاد می‌نماید وقتی که تاریکی آن زمین را می‌پوشاند. و به آسمان و آفریدگارش، و به زمین و آفریدگار آن که برای زیستن آن را هموار ساخته است قسم یاد می‌نماید. و در پایان به نفس آدمی و آن ذات که این نفس را منظم

و برابر آفریده قسم یاد کرده است. مراد از برابری و تسویه نمودن نفس آدمی اینست که برای آن هرنوع قوت و حواس ظاهری و باطنی عطا نموده و به این نفس راه نیکی و طهارت و فسق و بد کاری را نشان داده توانایی تشخیص هریک ازین دو را برایش میسر ساخته است.

سپس الله تعالی راهی را که نفس آن را برگزیده است بیان نموده می‌فرماید: به یقین آن کس کامیاب شد که نفس خود را پاک نگهداشت و مهذب ساخت، یعنی راه تقوی و عمل نیک را برگزید و بدان روان شد، و ناکام و زیانکار شد آن کسیکه نفس خود را آلوده ساخت، و آن را از پی هوا و هوس فرستاد و با تقوا و عمل شایسته مهارش نساخت. در حدیث شریف آمده است: وقتی رسول الله ﷺ در تلاوت خود به این آیت **﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾** رسید، فرمود: (اللهم آت نفسي تقواها، أنت وليها ومولاها وخير من زكاها).

پروردگارا به نفسم تقوا بده؛ تو کار ساز این نفس و آقای آن هستی، و تنها تو بهترین کس هستی که به آن پاکی می‌بخشی.

فواید درس

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه فوق قرار ذیل است:

* قسم یاد نمودن خداوند متعال به برخی مخلوقات نظام هستی، بیانگر مظاهر قدرت خداوند جلّ جلاله بوده و توجه انسان را به اهمیت این مخلوقات معطوف می‌دارد.

* خداوند متعال نفس انسانی را آفریده و آنرا منظم ساخته است، و باید برای آراستن آن به ایمان و تقوا از طریق اعمال نیک تلاش صورت گیرد.

* آیات مبارکه انسان را به ایمان و عمل نیک ترغیب نموده، و او را از شرک و معصیت و آلودگی بر حذر می‌سازد.

* کامیابی انسان منوط به تهذیب نفس و آراستن آن به راه راست است که آنرا تزکیه نفس

نامند. وناکامی ونامرادی او درخواستهای نفس وبی باکی آن نهفته است.



۱- در آیات اول سوره الشمس الله ﷻ به کدام چیزها قسم یاد نموده است؟

۲- قسم یاد نمودن خداوند متعال به این مخلوقات به چه چیزی دلالت می‌کند؟

۳- آیات ذیل را ترجمه کنید:

﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ★ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا ★ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ★ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾

۴- در آیات مبارکه فوق معیار رستگاری و زیانکاری انسان در چگونگی نفس تشخیص گردیده است. آیات مبارکه را به این ارتباط تلاوت و توضیح نمایید.



کارخانه‌گی

راه‌های کامیابی وناکامی نفس انسانی را در هشت سطر درکتابچه خود تحریر دارید.

سورة الشمس

(قسمت دوم)

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾﴾

معنای کلمات

{بَطَّغَوَاهَا}:	به اثر سرکشی و طغیان شان.	{نَاقَةُ اللَّهِ}:	ناقه خدا (اشتر معجزه الهی).
{انْبَعَثَ}:	به پا خاست.	{فَعَقَرُوهَا}:	پس کشتند آن را.
{أَشْقَاهَا}:	بد بخت ترین آنان.	{فَدَمْدَمَ}:	در هم کوبید.

ترجمه آیات

قوم ثمود با سرکشی و طغیان آن را دروغ پنداشتند (۱۱) آنگاه که بد بخت ترین آن قوم بپا خاست (۱۲) پس فرستاده الهی به آن‌ها گفت: ناقه خدا (اشتر معجزه الهی) را به آبشخورش بگذارید (۱۳) ولی آن‌ها او را تکذیب نمودند، و اشتر را به هلاکت رساندند. پس (در مقابل این گناه بزرگ) ایشان را (با سر زمینشان) در هم کوبید و با خاک یکسان کرد (۱۴) و او هرگز از فرجام این کار (مجازات ستمگران) بیمی ندارد. (۱۵)

تفسیر اجمالی

در آغاز این سوره خداوند متعال به برخی مخلوقات بزرگ خود قسم یاد نمود که اگر کسی نفس خود را پاک سازد و ایمان و تقوا گزیند و به انجام اعمال نیک بپردازد کامیابی و رستگاری نصیبش می‌شود، و اگر کسی به جای ایمان آوردن و کارهای نیک به خواسته‌های شیطان و نفس تسلیم شود، عاقبتش جز خسران و زیان و ناکامی چیزی نیست؛ سپس خداوند متعال درین پنج آیت حکایت قوم صالح علیه السلام (قوم ثمود) را به گونه مثال ذکر نمود، که این قوم بر خلاف اندرزهای پیامبر خدا صالح علیه السلام به کشتن شتر دست زدند، و بدین ترتیب ایشان راه نیکی و ایمان را گذاشتند و خواسته‌های نفس و شیطان را پذیرفتند. بناءً الله تعالی فرمود: قوم صالح براساس سرکشی و عصیان خود صالح علیه السلام را تکذیب نموده و او را شخص دروغگو خواندند، وقتی شخص بدبخت و شریر ایشان بنام (قذار بن سالف) از میان شان برخاست و شتر را که روز معینی برای آبخورش آن تعیین شده بود کشت، و این عمل را در روز روشن و درپیش چشم قوم خود و به رضایت آنان انجام داد، درحالی که پیامبر شان حضرت صالح علیه السلام برایش گفت: آن اشتر را از خورش آب نوبتش مانع نشوید، و این همان شتری بود که الله تعالی آنرا از میان سنگی بیرون ساخت و به عنوان معجزه به صالح علیه السلام اعطا نمود. بناءً الله تعالی درمقابل این عصیان و سرکشی آن‌ها را به عذاب دردناکی مبتلا ساخت؛ بطوریکه آواز مهیب و هولناک

را نازل کرد و همه را در هم کوبید و با خاک یکسان ساخت. این عذاب الهی به دلیلی خورد و بزرگ قوم ثمود را هلاک ساخت که وقتی یکی از افراد شریر (قدار بن سالف) بد بخت ترین افراد قوم ثمود بود، برای انجام این عمل ناروا پیا خاست، همه راضی شدند و خورد و بزرگ شان شریک جرم او گردیدند. بناءً قوم ثمود پیامبر خود را تکذیب کردند، و معجزه او را که شتر بود به شمشیر زده و به قتل رسانیدند، و در برابر این عصیان و نافرمانی، الله متعال همه را بگرفت و به زمین هموار ساخت. درین سوره مراد از ناقه همان اشتری است که الله تعالی آن را از میان صخره بزرگ بطور معجزه برای صالح علیه السلام بیرون نموده بوده و به ایشان گفت: این ناقه خداست، بگذارید در هر جای زمین که خواسته باشد بچرد، و حق آب یک روز خاص برای این اشتر و یک روز برای بقیه حیوانات شما باشد.



شاگردان با رهنمایی معلم محترم راجع به قوم ثمود و پیامبریکه برایشان فرستاده شده بود و محل سکونت شان بحث و تبادل نظر نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

- * سرگذشت قوم ثمود درس عبرت و اندرز است برای کسانی که به جای تهذیب نفس و مهار ساختن آن، تسلیم خواهشات نفس می‌شوند، و به جای آنکه به ایمان و تقوا روی آورند و کارهای شایسته انجام دهند به خواسته‌های نفس و شیطان لبیک می‌گویند.
- * عذاب الله ﷻ همه قوم ثمود را اعم از خورد و بزرگ فرا گرفت، برای اینکه به جرم و گناه فرد شقی و بد بخت، همه شان راضی شدند و جلو او را نگرفتند.
- * کسانی که نقش قدم انسان‌های ظالم و سرکش و عصیانگر را تعقیب نمایند، عذاب خداوند ﷻ شامل همه آنها می‌گردد. * الله ﷻ در وقت جزا دادن از کسی هراسی ندارد، و نه از عاقبت جزای خود از کسی می‌ترسد؛ زیرا مخلوق از عاقبت کار خود می‌ترسد. اما خالق ذوالجلال هر آنچه اراده نماید انجام می‌دهد و هیچ کسی حق سؤال از او تعالی را ندارد.



۱- مفهوم آیات ذیل را بیان دارید:

{كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا} {إِذْ أَنْبَعَثَ أَشْقَاهَا} {نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا} {فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا}

۲- کدام پیامبر خدا به قوم ثمود فرستاده شده بود؟ و این قوم به اثر کدام گناه و توسط کدام عذاب هلاک شدند؟

۳- معجزه صالح علیه السلام چه بود؟ و بد بخت ترین فرد قوم ثمود که اشتر را هلاک ساخت چه نام داشت؟

سورة الليل

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى﴾ (۱) ﴿وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى﴾ (۲) ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى﴾ (۳) ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾ (۴)
 ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ (۵) ﴿وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾ (۶) ﴿فَسُنِّيْهِ لِلْإِنْسَانِ﴾ (۷) ﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى﴾
 ﴿۸﴾ ﴿وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ (۹) ﴿فَسُنِّيْهِ لِلْعُصْرَى﴾ (۱۰) ﴿وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾ (۱۱) ﴿﴾

معنای کلمات

{إِذَا يَغْشَى}: وقتی که بپوشاند.

{إِذَا تَجَلَّى}: وقتی که تجلی کند، روشن شود.

{لَشَتَّى}: مختلف، پراکنده.

{فَسُنِّيْهِ}: پس ما راه آسان را برای وی میسازیم.

{لِلْإِنْسَانِ}: برای آسانی، مسیر آسانی.

{لِلْعُصْرَى}: برای سختی، مسیر سخت و دشوار.

{إِذَا تَرَدَّى}: سقوط کند، واژگون شود.

ترجمه آیات

قسم به شب آن هنگام که بپوشاند (۱) و قسم به روز وقتی که تجلی کند (۲) و قسم به آنکه مذکر و مؤنث را آفرید (۳) محققا سعی و تلاش شما مختلف است (۴) اما آنکس که انفاق کند و تقوا پیشه کند (۵) و سخن نیک را تصدیق نماید (۶) ما راه آسانی را برایش آسان خواهیم ساخت (۷) و اما کسی که بخل ورزد و (از راه الهی) بی نیازی طلبد (۸) و سخن نیک را تکذیب نماید (۹) پس ما راه دشواری را بر وی آماده میسازیم (۱۰) و در آن هنگام که (در جهنم سقوط کند) مال و دارایی اش برای وی

معرفی سوره

سوره اللیل مکی است، دارای بیست و یک آیت بوده و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۲) قرار دارد. موضوع اساسی این سوره تقسیم انسان‌ها به دو گروه مؤمن و کافر و بیان سرنوشت هر یکی از آنهاست. نام این سوره از نخستین آیت آن اشتقاق یافته است. مناسبت این سوره با سوره قبله از این قرار است که وقتی در سوره یی قبله الله تعالی فرمود: کسیکه نفس خود را تزکیه نمود رستگار شد و کسیکه آن را با گناه آغشته ساخت زیانکار گردید. بناءً درین سوره برخی صفاتی ذکر گردیده که بیانگر فلاح و رستگاری انسان و یا هم خسران و نامرادی اوست.

سبب نزول

در شأن نزول آیات مبارکه ﴿فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى...﴾ روایت شده که ابوبکر صدیق رضی الله عنه وقتی غلام‌ها را نسبت روی آوردن ایشان به اسلام آزاد می‌نمود، در میان آن‌ها آزادی زنان و پیرمردان را بر می‌گزید، روزی پدرش ابو قحافه برایش گفت: فرزندم! من ترا می‌بینم که مردمان ضعیف را آزاد می‌کنی! اگر مردمان قوی هیکل و نیرومند را آزاد می‌نمودی شاید می‌توانستند از تو دفاع کنند. ابوبکر صدیق جواب داد: پدرم! من بدانجهت ایشان را آزاد می‌نمایم که ثواب الله را کسب کنم، همان بود که این آیات تا آخر سوره نازل شد: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى...﴾ و آیه ﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ...﴾ در مورد امیه بن خلف نازل شده است.

تفسیر اجمالی

درین سوره الله عز وجل به شب و روز، و به مرد و زن قسم یاد نموده می‌فرماید: قسم به شب وقتی همه چیز را در دامن سیاه خود پنهان نماید، و قسم به روز وقتی روشنی آن گسترده شود، و قسم به آن ذات که مرد و زن را پیدا نموده است، که تلاش شما رنگا رنگ است؛ یعنی کسانی از پی نیکی و خوبی روانند و در تلاش انجام آن می‌باشند، و کسانی هم در پی انجام کارهای بد و گناهان روان اند،

که در نتیجه این تلاش انجام گروهی بهشت و مجازات برخی هم دوزخ می‌باشد، و این دو گروه مردم با تلاش‌های متفاوت شان با هم یکسان نمی‌باشند، چنانچه الله تعالی در سوره حشر می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾. یعنی: اهل دوزخ و اهل بهشت یکسان نیستند؛ همانا اصحاب جنت رستگارانند.

در آیات بعدی خداوند متعال صفات گروه‌های نیک نهاد و بدکنش هریک را بیان داشته می‌فرماید: آن کس که مال خود را در وجوه خیر و کارهای نیک به مصرف رسانید، و خود را از کارهای نادرست کناره ساخت و به وعده‌های الله تعالی باور نمود، ما آن کارهای را که او را بدان امر نموده ایم برایش آسان خواهیم ساخت، و راه گزینش نیکی را برایش هموار خواهیم کرد. اما آن کس که بخل ورزید و مال خود را از مصرف کردن در وجوه خیر باز داشت و خود را از پروردگار بی نیاز احساس نمود و بی پروائی اختیار کرد، به زودی راه را بر وی تیره می‌سازیم و سرانجام وی آتش دوزخ باشد و مال و دارائی اش نیز به تباهی و نابودی مواجه گردد که دیگر هیچ فایده ای را در پی نخواهد داشت.

بخاری و مسلم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت نموده اند که ما همراه بارسول الله صلی الله علیه و آله در جنازه ای بودیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از میان شما هیچ کسی نخواهد بود که گزینه ای از بهشت و دوزخ را نداشته باشد، صحابه رضوان الله علیهم گفتند: پس وقتی چنین باشد چرا توکل نکنیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عمل نمایید، برای هر انسان آن عمل آسان ساخته شده که برای آن خلق شده، و بعد این آیت را قرائت نمود: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١٠﴾



سوره مبارکه انسان‌ها را به دو گروه تقسیم نموده است. شاگردان راجع به اوصاف و سرنوشت هریکی از این دو گروه در روشنایی آیات مبارکه این سوره بحث و ابراز نظر نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* قسم یاد کردن به برخی از کاینات، بیانگر قدرت الله متعال بوده و اهمیت وارزش همان چیز را نشان می‌دهد.

* تفاوت نیکی و بدی، سختی و آسانی، تصدیق و تکذیب، مذكر ومؤنث مانند اختلاف و تفاوت میان شب وروز است.

* آیات مبارکه فوق دلیل بر این است که جود وسخاوت از مکارم اخلاق، و بخل از رذایل اخلاق بشمار می‌روند.



۱- معنای کلمات ذیل را بیان دارید:

{يَغْشَى} {تَجَلَّى} {شَتَّى} {أَعْطَى} {فَسَنِيْسِرُهُ} {وَأَسْتَغْنَى}

۲- درین سوره به کدام چیزها قسم یاد شده است؟ و قسم خداوند عز وجل به این مخلوقات چه مفهوم دارد؟

۳- شأن نزول آیات مبارکه ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى...﴾ را مختصراً توضیح بدهید.



کارخانه‌گی

خلاصه مفهوم این سوره را در شش سطر تحریر دارید.

سورة الليل

(قسمت دوم)

﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۖ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۚ﴾ ﴿١٣﴾ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾﴾

معنای کلمات

{تَلَظَّى}: آتشی که زبانه می کشد، آتش شعله ور.
 {لَا يَصْلَاهَا}: وارد نمی شود به آن.
 {الْأَشْقَى}: شقی، بد بخت.
 {وَسَيُجَنَّبُهَا}: و از آن اجتناب می نماید.
 {الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى}: پرهیزگار.
 {الْأَتْقَى}:

ترجمه آیات

به یقین هدایت کردن بر ماست (۱۲) و آخرت و دنیا از آن ماست (۱۳) و ما شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهیم (۱۴) داخل نمی شود به آن (آتش) مگر انسان بد بخت (۱۵) آنکس که تکذیب نمود و روی گردانید (۱۶) و به زودی با تقوا ترین مردم از آن دور داشته می شوند؛ (۱۷) آنکس که مال خود را انفاق می کند تا پاک شود (۱۸) و هیچ کسی را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد (۱۹) بلکه تنها هدفش حصول رضای پروردگار بزرگ اوست (۲۰) و به زودی (از پروردگار خود) راضی و خشنود می شود. (۲۱)

تفسیر اجمالی

درین آیات مبارکه الله متعال می فرماید که هدایت به عهده من باشد، یعنی ما خوب و بد هردو را بیان می نمائیم و راه آن دو را برای انسان نشان می دهیم. و بعد برای هرکس مطابق آنچه که برای خود برگزیده است مکافات و پاداش خواهیم داد، و دنیا و آخرت هردو از آن الله تعالی است. و به همین معیار است که الله متعال انسان ها را از آتش شعله ور دوزخ بیم می دهد و می فرماید: همه آنچه که در دنیا و در آخرت است از آن ماست، بناءً هرکسی که چیزی از دنیا و یا از آخرت را بخواهد ما برای کسی که بخواهیم برایش می دهیم، و اگر کسی راه هدایت را ترک گوید به ما کدام آسیبی نمی رساند و نه هدایت و رهیابی کسی در ربوبیت والوهیت الله متعال کدام سودی بیار آرد، بلکه سود و زیان آن متوجه خود شماست. سپس الله متعال می فرماید: من شما را از آتش شعله ور جهنم بیم می دهم و بد بخت کسی است که حق را تکذیب نماید و از آن روی گرداند و داخل جهنم گردد، یعنی به وحی الهی که توسط پیامبران به ایشان

ابلاغ گردیده ایمان نیاورد و از پذیرش احکام شرع روی تابد.

تنها کسی از آن آتش به دور بماند که نفس خود را با انفاق مال در راه الله پاک ساخته و در پی حصول رضای او تعالی تلاش ورزیده است، و برای این عمل نیک خود از هیچ کس عوض و پاداش طلب نمی کند و فقط پاداش و اجر خود را از خداوند متعال می خواهد، و مال و دارائی خود را جهت حصول رضای الله به مصرف می رساند، مانند ابوبکر صدیق رضی الله عنه، چنانچه ابن ابی حاتم از عروه رضی الله عنه روایت نموده که ابوبکر صدیق هفت تن از غلامان را با پول خویش آزاد ساخت، و این غلامان کسانی بودند که بخاطر پذیرش اسلام مورد اذیت و آزار مشرکین قرار داشتند، همان بود که این آیت نازل گردید: ﴿وَسَيَجْزِيهَا الْأَنْفَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى﴾. در مورد آزاد سازی غلامان توسط ابوبکر رضی الله عنه احادیث متعددی آمده است که از آن جمله یکی آزاد ساختن بلال رضی الله عنه است. چنانچه ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده است وقتی که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بلال را آزاد ساخت مشرکین در میان هم تبصره می کردند که بلال به ابوبکر چه احسانی نموده بود که با خریدنش از مشرکین او را از بردگی نجات بخشید! همان بود که این آیت نازل شد ﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى...﴾.



شاگردان با رهنمایی استاد محترم راجع به آزاد سازی حضرت بلال رضی الله عنه از غلامی گفتگو نمایند.

فواید درس

برخی فواید و آموختنی های آیات مبارکه فوق از اینقرار است:

- ۱- خوبی و بدی را بیان داشتن و راه راست و بی راهه را نشان دادن به عهده الله متعال است، تا با انتخاب یکی ازین دو، انسان مستحق پاداش انتخاب خود شود.
- ۲- یگانه مالک و متصرف حقیقی هر دو دنیا فقط الله تعالی است و بس.
- ۳- به آتش دوزخ کسی داخل می شود که به الله تعالی ایمان و باور نداشته باشد، و از احکام او تعالی سرپیچی نماید، و هر انسان بد کردار مطابق عمل خویش به آتش جهنم برسد به عذاب درد ناک خداوند مبتلا می گردد، چنانچه در حدیثی آمده است خفیف ترین عذاب جهنم آن باشد که نعلین آتشین بر پای شخص دوزخی پوشانیده شود و دود از دماغ هایش بلند شود.



- ۱- در سورة اللیل الله جل جلاله انسان ها را به کدام دو گروه تقسیم نموده است که مطابق عمل خویش بدان مجازات و مکافات شوند؟
- ۲- در روز آخرت انسان ها به دو گروه تقسیم شده اند هر گروه آن به چه سرنوشتی روبرو می گردند؟



خلاصه تفسیر سورة (اللیل) را در هشت سطر تحریر دارید.



سورة الضحی

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالضُّحَى﴾ (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿۲﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿۳﴾ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ﴿۴﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴿۵﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ﴿۶﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ﴿۷﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿۸﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿۹﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿۱۱﴾ ﴿

معنای کلمات

- {وَالضُّحَى}: قسم به چاشت، اول روز.
 {إِذَا سَجَى}: وقتی که بیوشاند، گسترده شود.
 {وَمَا قَلَى}: وبرتو خشمگین نشده.
 {فَآوَى}: پس پناه داد.
 {عَائِلًا}: فقیر، بیچاره.
 {فَلَا تَقْهَرْ}: پس ستم مکن.
 {فَلَا تَنْهَرْ}: پس وی را مران.
 {فَاحْدُثْ}: پس سخن بگو، بازگو کن.

ترجمه آیات

قسم به وقت چاشت آنگاه که آفتاب براید و همه جا را فرا گیرد (۱) و قسم به شب آنگاه که همه جا را بیوشاند (۲) که پروردگارت ترا ترک نکرده و نه بر تو غضب نموده است (۳) و یقیناً برای تو آخرت بهتر از دنیا است (۴) و به زودی پروردگارت آنقدر به تو عطا نماید که خشنود شوی (۵) آیا تو را یتیم نیافت، و پناهت داد؟ (۶) و تو را گمشده و حیران یافت و هدایت کرد (۷) و تو را فقیر یافت و بی نیاز ساخت (۸) پس یتیم را ستم مکن (۹) و سؤال کننده را از خود مران (۱۰) و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن. (۱۱)

معرفی سوره

سوره الضحیٰ مکی است، دارای یازده آیت می‌باشد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۳) قرار دارد، نام آن از آیت اولی سوره اشتقاق یافته، که الله متعال به "الضحی" که به معنای چاشت روز است قسم یاد نموده است. سوره الضحیٰ در باره پیامبر ﷺ نازل شده و موضوع این سوره بیان حالت رسول الله ﷺ می‌باشد که خداوند متعال وی را در دنیا یتیم بار آورد؛ سپس او را صاحب هدایت و غنا ساخت.

سبب نزول

سلسله نزول وحی بر پیامبر ﷺ برای مدتی متوقف گردید، که در نتیجه این انقطاع وحی، مشرکین به پخش و نشر شایعه پرداختند که محمد را پروردگارش ترک نموده، همان بود که سوره الضحیٰ نازل شد، و پیامبر ﷺ از خوشی و سرور فریاد (الله اکبر) بلند کرد.

تفسیر اجمالی

در آغاز سوره خداوند متعال به روشنایی روز که نور آفتاب همه جا را روشن می‌سازد، و به شب وقتی آرام گردد و با تاریکی خود همه جا را می‌پوشاند سوگند یاد نموده که پیامبرش را تنها نگذاشته و او را مورد خشم قرار نداده است. بر خلاف سخنان مغرضانه و شایعه افگنی مشرکین مکه، انقطاع وحی بر پیامبر ﷺ برای مدتی دلالت بران دارد که این کتاب از طرف الله ﷻ است چون اگر قرآن ساخته دست خود پیامبر می‌بود وحی برای این مدت از وی قطع نمی‌گردید و پیامبر نا راحت نمی‌شد. سپس خداوند متعال به پیامبر ﷺ مژده می‌دهد که آینده اش نسبت به گذشته بهتر و روشنتر خواهد بود، و دار آخرت برای او نسبت به زنده گی دنیا برتر است. ازینرو درین آیات برای پیامبر ﷺ از مقام وعزت روز افزون خبر داده می‌شود.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت گردیده که رسول الله ﷺ روزی بر بوریایی خوابیده بود، وقتی از خواب بیدار شد دید که نخ‌های بوریا بر جسم مبارکش اثر گذاشته و خواست اثر بوریا را از بدنش دور کند، درین هنگام ما برایش گفتیم ای رسول خدا! آیا اجازه می‌فرماید که فرشی را بر روی این بوریا بیاندازیم؟ فرمود: مرا با این دنیا چه کار! مثال من و این دنیا مثال یک مسافری است که برای مدت کوتاهی در زیر سایه درختی بخوابد و بعد آن را ترک نموده به راه خود ادامه دهد.

سپس خداوند ﷻ از نعمتهای خویش که بر پیامبر خود ارزانی داشته برای اطمئنان و تسلیت یاد می‌کند؛ از دوران طفولیت و یتیمی تا دوران بعثت که همواره نعمت و احسان و عنایت پروردگار شامل حال پیامبر ﷺ بوده است؛ دوران کودکی و شیر خواره‌گی، در دامن عبد المطلب جد مهربانش، در خانه ابوطالب کاکای دلسوزش. همین طور الله ﷻ می‌فرماید: و تو را راه شناس یافته بود که در جستجوی حق می‌گشتی، و با دادن دین و شریعت تور را هدایت کرد. همچنان خداوند متعال بر وی منت می‌گزارد که تو را فقیر و بینوا به دنیا آوردیم ولی با کار تجارت ثروت همسرت خدیجه رضی الله عنها تو را ثروتمند ساختیم.

ابن جریر وابن ابی حاتم از قتاده رضی الله عنه روایت نموده اند: درین سه آیت فوق الذکر حالت قبل از نبوت پیامبر ﷺ بیان شده است.

در بخش اخیر سوره الله ﷻ پیامبر خود را به برخی از مکارم اخلاق اجتماعی دعوت نموده و (برای تعلیم امتش) بوی ارشاد می‌فرماید که: بر یتیم ظلم و تحقیر روا مدار، و سؤالگر را از خود مران، اگر وی از تو طلب علم نماید و یا طلب مال در هر دو صورت باید با اسلوب پسندیده با او برخورد نمایی و به وی جواب گویی.

در آخرین آیت الله متعال می‌فرماید: نعمت‌هایی را که خدا بر تو ارزانی نموده است آن را آشکار کن، یعنی آن را بیان نموده و شکر آن را ادا نما، که الله تعالی برای تو هم نعمت قرآن و هم نعمت نبوت بخشیده است.

ابوداود و ترمذی از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده: که پیامبر ﷺ فرمود: (لایشکر الله من لایشکر الناس) آنکه شکر و سپاس مردم بجا نیاورد، شکر و سپاس خدا را بجا نیاورده است.

پس درین سوره از یکطرف خداوند ﷻ به پیامبرش ﷺ از حالات سخت و دشوار و مرحله یتیمی، هدایت، غناء و مقام بلند و نعمت هایش یاد آوری نموده، و از سوی دیگر از وی رویه نیک و برخورد خوب بایتیمان و مهربانی نمودن به ایشان را مطالبه نموده است. همچنان رسول گرامی خود را ارشاد نموده که بادر نظر داشت حالت خود، به دیگران باید مهربان باشد و رویه نیک نماید و هیچ کسی را از خود مراند، و با یاد نمودن نعمت‌های الله ﷻ شکر او تعالی را بجا آورد.

شاگردان راجع به یتیم بودن پیامبر گرامی اسلام، و اینکه چه کسی در دوران کودکی سرپرستی وی را بعهده داشت مختصراً بحث و ابراز نظر نمایند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * درین سوره هدف از قسم خوردن به وقت چاشت و وقت شب بیان اهمیت این دو وقت، و معطوف ساختن توجه به آن که هر دو نمونه‌ای از قدرت الهی است می‌باشد.
- * آیات مبارکه این سوره به اهمیت و ارزش وقت دلالت می‌کند که مسلمان باید به آن توجه جدی داشته باشد.
- * بیان مقام و منزلت والای پیامبر ﷺ در نزد پروردگارش، و محبت و تسلیت خداوند ﷻ به پیامبرش.



- ۱- کلمات و عبارات ذیل را معنا کنید:
 {الضُّحَى} {اللَّيْلِ} {إِذَا سَجَى} {مَا وَدَّعَكَ} {وَمَا قَلَى}
۲. سبب نزول سوره (الضحی) را بیان دارید؟
- ۳- موضوع اساسی سوره (الضحی) را مختصراً توضیح بدهید؟



کارخانه‌گی مناسب‌ترین سوره الضحی را با سوره گذشته در هفت سطر بنویسید.

سورة انشراح

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (۱) وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ﴿۲﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿۳﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿۴﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۵﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۶﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿۷﴾ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿۸﴾

معنای کلمات

{أَلَمْ نَشْرَحْ}: آيا گشاده نساخيتيم، نکشاديم؟	
{وَوَضَعْنَا}: و برداشتيم.	
{وَزْرَكَ}: بار گران تو را.	
{أَنْقَضَ}: سنگيني کرد، خَم ساخته بود.	
{ذِكْرَكَ}: ياد تو را، نام تو را.	
{الْعُسْرُ}: سختی، دشواری.	
{يُسْرًا}: آسانی.	
{فَانصَبْ}: بکوش، بشتاب، بپا خيز.	
{فَارْغَبْ}: روی آور، رغبت کن.	

ترجمه آیات

آيا سينه تو را گشاده نکرده ايم؟ (۱) و بار سنگين تو را از تو بر نداشتيم؟ (۲) همان بار که بر پشت تو سنگيني می کرد، (۳) و ياد تو را بلند ساختيم (۴) به يقين برای هر سختی آسانی است (۵) مسلماً با هر سختی آسانی است (۶) پس هنگامي که فارغ شدي در عبادت خدا جل جلاله کوشش کن (۷) و به سوی پروردگارت روی آور (۸).

سبب نزول

روایت است که آیت **﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا...﴾** وقتی نازل شد که مشرکین مکه فقر و بینوایی مسلمانان را برایشان طعنه می‌زدند، و آن را برایشان عیب و نقص می‌دانستند. ابن جریر از حسن بصری -رحمه الله- روایت نموده که وقتی این آیه مبارکه نازل شد رسول الله ﷺ فرمود: **«أَتَاكُمُ الْيُسْرُ، وَلَنْ يَغْلِبَ عُسْرُ يُسْرَيْنِ»**. یعنی برای شما مژده آسانی باد، هیچگاه یک دشواری بر دو آسانی چیره نخواهد شد.

معرفی سوره

سوره انشراح مکی است، هشت آیت داشته و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۴) قرار دارد. موضوع این سوره بیان تکریم و منزلت و مقام پیامبر ﷺ است. وجه تسمیه آن به الشرح و انشراح از آن جهت است که سوره بدان آغاز یافته است که بعداً به آن پرداخته می‌شود.

مناسبت آن باسوره قبله

سوره انشراح باسوره قبله یعنی سوره الضحی به اعتبار مضمون و شکل و جملات مناسبت قوی دارد، و هرگاه در آن تعمق صورت گیرد چنین تصور می‌شود که ادامه سوره الضحی می‌باشد. بخاطر آنکه درین سوره هم از نعمت‌های الله تعالی به پیامبر، مقام و منزلت آن حضرت و شکر گذاری این نعمت‌های الهی تذکر بعمل آمده؛ چنانچه در سوره یی قبله از یتیم بودن پیامبر یاد آوری شده بود که الله تعالی او را بعد از آن صاحب غنا و جایگاه بلند ساخت. بهمین لحاظ بعضی از علماء متقدمین این دو سوره را به اعتبار مضمون یک سوره می‌پندارند که تنها (بسم الله...) این دو را از هم جدا ساخته است.

تفسیر اجمالی

خداوند متعال به تعقیب نعمت‌های ذکر شده در سوره قبله، در این سوره سه نعمت دیگر خود را بر پیامبرش منت می‌گزارد و می‌فرماید: **﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾**. نعمت اول عبارت از گشایش سینه پیامبر برای گرفتن وحی الهی، نعمت دومی برداشتن بار سنگین از شانه پیامبر، و نعمت سوم بلند نمودن مقام و یاد و نام پیامبر ﷺ است که خداوند متعال این همه نعمت‌های بزرگ خود را به وی عطا فرموده است.

این سوره با سؤالی آغاز گردیده که خداوند متعال با استفهام تقریری و اثباتی پیامبر خود را خطاب نموده می‌فرماید: آیا ما سینه‌تو را نگشودیم و آن را باز و فراخ ننمودیم؟ یقیناً ما سینه‌تو را گشودیم و در آن ایمان و اعمال نیک و خوی و عادت نیکو و علم و حکمت نهادیم. ابوحیان در تفسیر خود می‌نویسد: مراد از این گشایش، وسعت سینه و روشنایی آن برای پذیرش وحی الهی است. برخی دیگری از مفسرین گفته‌اند: مراد از آن گشودن سینه‌ی رسول الله ﷺ در شب اسراء است، و برخی دیگری گشایش سینه‌ی پیامبر ﷺ را در هنگام کودکی و شیر خواره‌گی اش می‌دانند فرشتگان سینه‌ی آنحضرت را باز نموده قلب وی را شستشو نمودند. بدین ترتیب آیه مبارکه همه این اقوال را شامل می‌گردد، چنانچه امام ترمذی گفته است: در میان گشایش و باز نمودن ظاهری و معنوی سینه‌ی رسول الله ﷺ کدام منافاتی وجود ندارد؛ سپس خداوند متعال برای پیامبرش بشارت می‌دهد که به زودی مسلمانان از این رنج و تکلیف که در مکه به آن رو برو هستند رهایی می‌یابند و فتح و کامیابی دنیا و آخرت نصیب شان خواهد گردید.

به تعقیب بیان نعمتهای بزرگ، خداوند متعال در خاتمه‌ی سوره، برنامه‌ی زنده‌گی مسلمانان را از طریق پیامبر گرامی اسلام تنظیم فرموده است: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾. تا این برنامه‌ی زنده‌گی را پیامبر ﷺ در میان مسلمانان عملی نمایند و کامیابی دنیا و آخرت را کمایی کنند. این برنامه‌ی زنده‌گی چنین است که هرگاه از عبادت فارغ شدی به کار و تلاش بپرداز، و هرگاه از کار فارغ شدی بسوی عبادت بشتاب، بگونه‌ی مثال: هرگاه از ادای نماز فارغ شدی، به ذکر و دعا بپرداز، باز به سوی امور دنیای خود حرکت و سعی و تلاش کن، و چون از جهاد فارغ شدی به ادای حج و دیگر وظایف و مکلفیتها بپرداز. بدین ترتیب قرآن کریم برنامه‌ی زنده‌گی یک مسلمان را طوری تنظیم نموده که همواره در سعی و تلاش و حرکت بوده، هرگز برای لهو و لعب و تنبلی و بی‌کاری وقت ندارد. و معنای جمله‌ی مبارکه ﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ این است که همه عبادت و دعا و کار و سعی و تلاش انسان مؤمن خاص بسوی پروردگارش و حصول اجر و ثواب و رضای او تعالی باشد و بس.

فعالت



شاگردان راجع به بلند بودن یاد و نام پیامبر اسلام ﷺ با رهنمایی معلم محترم گفتگو و اظهار نظر نمایند.

فواید درس

سوره انشراح مشتمل بر رهنمودها و اندرزهای ذیل است:

- * بیان نعمتهای بزرگ خداوند ﷻ بر پیامبرش مانند: شگافتن سینه او، مغفرت کارهای که برخلاف اولی از ایشان سر زده است و بلند داشتن مقام و منزلت و یاد و نام او ﷺ برای همیشه.
- * برای مؤمن بعد از هر مشکل و دشواری، سهولت و آسانی فرا می‌رسد.
- * وقتی آدمی از یک عبادت فارغ می‌شود باید که به یاد خدا باشد و به مکلفیتهای زنده‌گی بپردازد، و هیچ لحظه‌ی از وقت خود را بیهوده نگذراند.
- * پاداش نیکی باید نیکی باشد و به این لحاظ بنده شکر نعمت‌های الله متعال را بجا آورد.



۱- عبارات ذیل را شرح نمایید:

(أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ - أُنْقَضَ ظَهْرَكَ - وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ)

۲- در ابتدای این سوره سه نعمت بزرگ خداوند ﷻ برای پیامبر ﷺ بیان گردیده است. این سه نعمت الهی را توضیح دهید.

۳- آیه مبارکه ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ چه مفهومی را افاده می‌نماید؟ در این مورد حدیث نبوی را ذکر نمایید.



کارخانه‌گی

در باره تنظیم برنامه زنده‌گی انسان مسلمان یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

سورة التين

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾ (۱) وَطُورِ سَيْنِينَ ﴿۲﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۳﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۴﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿۵﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۶﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿۷﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿۸﴾

معنای کلمات

{التين}	انجیر.
{طُورِ سَيْنِينَ}	طور سینا، کوه سینا.
{الْبَلَدِ الْأَمِينِ}	شهر امن (مکه).
{أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ}	بهترین صورت.
{أَسْفَلَ سَافِلِينَ}	پایین ترین مرحله.
{غَيْرُ مَمْنُونٍ}	غیر مقطوع، تمام نا شدنی.
{أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ}	بهترین حکم کنندگان.

ترجمه آیات

قسم به انجیر و زیتون (۱) و قسم به طور سینین (۲) و قسم به این شهر امن (مکه) (۳) که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم (۴) سپس او را به پایین ترین مرحله باز گردانیدیم (۵) مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال نیک انجام داده اند که برای ایشان پاداش تمام ناشدنی است (۶) پس چه چیز سبب می شود که بعد از این همه (دلایل آشکار) روز جزا را انکار نمایی؟ (۷) آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟! (۸)

معرفی سوره

سوره التین مکی است، هشت آیه دارد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۵) قرار گرفته، این سوره پیدایش انسان را مطابق فطرت بیان می‌کند. نام این سوره از جمله مبارکه ابتدای سوره **﴿وَالزَّيْتُونِ﴾** که خداوند متعال به (التین) قسم یاد نموده، گرفته شده است.

ارتباط با سوره قبلی

خداوند متعال در سوره قبلی، حالت انسان کامل را در خلقت پیامبر ﷺ بیان نمود، و درین سوره از حالت مطلق انسان تذکر بعمل آمده؛ طوریکه اگر انسان از فرمان خالق خود سرپیچی نماید و دشمنی خدا و رسول را برگزیند، جایگاه وی جهنم، و اگر به خدا و رسولش ایمان آورده و عمل نیک انجام داده جایگاه وی بهشت است.

تفسیر اجمالی

در آغاز سوره الله متعال به چهار چیز قسم یاد میکند که دوی آن متعلق به میوه جات و دوی آن متعلق به مکان می‌باشد. الله تعالی به انجیر و به زیتون (درخت زیتون) قسم یاد نموده است. قسم خداوند ﷻ به این دو میوه می‌تواند اشاره ای باشد به اهمیت و فواید این دو میوه. از نظر طبی ثابت گردیده که انجیر هم غذا و هم میوه و هم دوا است، غذای نرم و مفید است، گرده‌ها را تصفیه می‌کند، ریگ‌های موجود در مثانه را دور می‌سازد و بدن را رشد و تقویت می‌بخشد. هم چنان از زیتون بعنوان غذا، میوه، روغن و دوا می‌توان استفاده نمود. زیتون در قرآن کریم بنام درخت مبارک یاد شده است چنانچه الله تعالی فرموده است: **﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾** [النور: ۳۵]. همچنان در حدیث پیامبر اسلام ﷺ که ابو نعیم در باب طب روایت نموده آمده است: زیتون را بخورید و از روغن آن استفاده نمائید، زیرا زیتون درخت مبارکی است.

در آیت بعدی خداوند متعال به (طور سینین) قسم یاد نموده است، کوهی که خداوند با پیامبر خود موسی ﷺ در آنجا سخن گفته است. همچنان الله متعال به شهر پر امن قسم یاد نموده که مکه مکرمه است، جایی که پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ به دنیا آمده و به پیامبری مبعوث گردیده و نخستین وحی الهی قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی در آنجا نازل شده است.

بعد ازین قسم‌های مهم، خداوند متعال می‌فرماید: یقیناً ما انسان را در قالب زیبایی آفریدیم، و او را با خوبی‌های ظاهری و باطنی آراستیم، و در نهاد وی چیزهای مفیدی را گذاشتیم. اگر انسان به مقتضای فطرتی که خداوند متعال او را خلق نموده عمل کند، به مقامی می‌رسد که چون آدم علیه السلام فرشتگان خداوند به وی سجده خواهند کرد. و هرگاه از مسیر فطرت و بندگی پروردگار خود انحراف ورزد، او را به پایین‌ترین پایین‌ترها برگردانیم. شاه ولی الله -رحمة الله علیه- می‌گوید: الله تعالی انسان را به درجه ملائک بالا برد ولی اگر انسان خدا را نشناسد و از اطاعت وی انکار ورزد، مرتبه وی پائین‌تر از حیوانات باشد. ازین رو خداوند متعال انسان‌هایی را که خود را به ایمان آراسته ساختند و عمل نیک انجام دادند ازین جمع مستثنی ساخته می‌فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾. یعنی به غیر از آنهاییکه ایمان آوردند و کارهای شایسته نمودند برای ایشان چنان ثواب و پاداش باشد که نه از آن کاسته شود و نه هم پایان یابد و نه کسی بر او منت گزارد و نه احسان کسی بران باشد.

در ختم سوره الله تعالی انسان را با تهدید و انکار مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: ﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ﴾ می‌فرماید: چه چیز باعث گردد که با اینهمه دلایل به روز جزا تکذیب نمایی و آن را دروغ پنداری! آیا الله بهترین حکم‌کنندگان نیست؟ بلکه یقیناً چنین است. ترمذی از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که پیا مبر رضی الله عنه فرمود: وقتی یکی از شما سوره ﴿وَالَّذِينَ وَالزَّيْتُونَ﴾ را قرائت نماید و به این آیه برسد ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ بر وی است که بگوید: «بلی، وأنا علی ذلک من الشاهدين» بلی، چنین است، و من بر آن از جمله شهادت دهندگان می‌باشم.

فعالیات

شاگردان با رهنمایی معلم محترم راجع به فواید و اهمیت چهار چیزی که در این سوره خداوند متعال به آن قسم یاد نموده بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:

* قسم خوردن به اماکنی که در این سوره ذکر شده است به مقام و منزلت و برکت این جاها دلالت دارد.

* احترام و تکریم انسان که خداوند ﷻ او را به شکل زیبا و قیافه دلپسند و اندام‌های متناسب آفریده است.

* انسان با این شکل و هیئت که آفریده شده، در صورتیکه آفریدگار خود را شناخته و از او تعالی اطاعت و فرمانبرداری نماید از مقام برجسته‌ی نزد الله متعال برخوردار است.

* همین انسان با وجود تکریم خداوند به وی، به آفریدگار خود و پیامبران و روز قیامت، و دوباره زنده شدن بعد از مرگ کافر می‌شود، درحقیقت شخصیت خود را پایین آورده و خود را در آتش جهنم می‌اندازد.

* شخص مؤمن فطرت سلیم خود را نگه می‌دارد، ولی کافر این فطرت را می‌پوشاند و از بین می‌برد.

* الله ﷻ بهترین حکم‌کنندگان است و فیصله او تعالی بهتر از فیصله هر کسی دیگر می‌باشد.



۱- کلمات و جملات آتی را تشریح نمایید:

{التَّيْنِ} {طُورِ سَيْنِينَ} {الْبَلَدِ الْأَمِينِ} {أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ} {أَسْفَلَ سَافِلِينَ} {غَيْرُ مَمْنُونٍ} {أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ}

۲- درین سوره الله تعالی به کدام چیزها قسم یاد نموده است؟ اهمیت این چیزها را توضیح دهید؟

۳- جواب قسم‌های یاد شده در این سوره را بیان نمایید.

۴- مراد از أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، و أَسْفَلَ سَافِلِينَ در آیات مبارکه این سوره چیست؟

سورة العلق

(بخش اول)

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (۱) ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ (۲) ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ (۳) ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (۴) ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (۵) ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِغٍ﴾ (۶) ﴿أَن رَّاهُ اسْتَغْنَى﴾ (۷) ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ (۸)

معنای کلمات

- {اقْرَأْ}: بخوان.
 {بِاسْمِ رَبِّكَ}: بنام پروردگارت، با یاد کردن اسم پروردگارت.
 {عَلَقَ}: جمع علقه، قطعه خون بسته، مرحله دوم خلقت انسان در رحم.
 {لَيَطْغَى}: طغیان می‌ورزد، سرکشی می‌کند.
 {الرُّجْعَى}: باز گشت.

ترجمه آیات

بخوان بنام پروردگارت که بیافرید (۱) (آن ذاتی که) آفرید انسان را از خون بسته (۲) بخوان و پروردگار تو بزرگوارتر است (۳) آن ذاتی که به وسیله قلم تعلیم داد (۴) و به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت (۵) (هرگز چنین نیست که شما می‌پندارید) به یقین انسان سرکشی می‌کند (۶) آنگاه که خود را بی نیاز ببیند! (۷) به یقین باز گشت (همه) بسوی پروردگار توست. (۸)

معرفی سوره

سورة العلق مکی است، نزده آیت دارد و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۶) قرار دارد. این سوره بنامهای "إقرأ" و "القلم" نیز یاد می‌شود. درین سوره پیرامون خلقت و آفرینش انسان سخن بمیان آمده و موقف مشرکین در قبال دعوت پیامبر ﷺ بیان گردیده است.

ارتباط با سوره قبلی

در سوره قبلی پیرامون آفرینش و خلقت انسان به شکل زیبا بحث گردیده بود، و درین سوره از ماده سرشت و آفرینش انسان بحث گردیده، و به این ترتیب هر دو سوره پیرامون خلقت و آفرینش انسان می چرخند.



شاگردان راجع به چگونگی آغاز وحی بر رسول گرامی اسلام ﷺ، تحت رهنمایی معلم محترم گفتگو و ابراز نظر نمایند.

تفسیر اجمالی

پنج آیه اولی این سوره نخستین وحی الهی است که برای اولین بار در غار حرا بر پیامبر ﷺ نازل شد. در آغاز سوره الله تعالی به پیامبر گرامی خویش می فرماید: بنام آن پروردگار خود بخوان که آفریده است، مفهوم این قول خداوند ﷻ اینست که: بخوان درحالی که بنام پروردگار خود آغاز می کنی، و یا اینکه بنام پروردگار خود استعانت می خواهی، آن پروردگار که خالق همه موجودات است، پروردگاری که انسان را از یک قطعه خون بسته آفریده است. درین آیات مبارکه خداوند ﷻ خود را به این توصیف می نماید که وی انسان را آفریده است، و این خلقت و آفرینش یک نعمت بس بزرگ برای آدمی می باشد.

مفسرین می گویند ازین امر دو حقیقت آشکار می شود، یکی آنکه رسول الله ﷺ قبل از نزول وحی پروردگار خود را به یگانه گی می شناخت و عبادت می نمود؛ چون برای وی هیچ این ضرورت مطرح نشد که بپرسد که پروردگار وی کیست، بلکه برایش گفته شد که نام پروردگار خود را یاد کن و بخوان! دوم اینکه وقتی برایش گفته شد إقرأ یعنی بخوان، وی جواب داد: من خواننده نیستم، که جواب پیامبر ﷺ چنین برمی آید که فرشته وحی کلمات والفاظ را نوشته و پیش روی وی گذاشته بود تا وی آن را بخواند؛ اگر مقصد فرشته این می بود که تو بخوان بگونه یی که من می خوانم دیگر ضرورت ارائه جواب به این لفظ که من خواننده نیستم متصور نبود.

در آیه اولی مخلوق ذکر نگردیده، و خلق به صیغه مطلق ذکر شده است که هدف از آن پیدایش

همه کاینات است، وبعد از خلق جهان هستی، آفرینش انسان را به طور اخص بیان داشت. علق در زبان عربی جمع علقه به مفهوم خون بسته است، واین همان حالتی است که جنین بعد از حمل، تاچند روز به چنین حالتی در می‌آید؛ سپس به گوشت پاره‌ی مبدل می‌گردد که قرآن کریم آن را "مضغه" یعنی گوشت پاره‌ی جویده شده نامیده است. در آیت سوم وچهارم الله ﷻ می‌فرماید: بخوان! و پروردگار تو بسیار مهربان است؛ آن ذاتی که به کمک قلم برای انسان چنان علم و دانش آموخت که قبلاً بدان آگاهی نداشت، یعنی این نعمت یکی از الطاف و نعمت‌های بزرگ الهی می‌باشد که برای انسان بخشیده است و از چنین آغاز به اوج علم و دانش رسیده است. این علم و دانش یکی از صفات‌های بارز در میان مخلوقات می‌باشد. وی تنها به انسان علم نیاموخت بلکه بواسطهٔ قلم هنر نوشتن به وی تعلیم داد، تا بدینوسیله علم گسترش یابد و انسان راه پیشرفت و تعالی را بییماید. اگر الله تعالی استعداد نوشتن و خواندن را در نهاد انسان به گونهٔ الهام به ودیعت نمی‌گذاشت، این استعداد وی جامد و غیر قابل رشد باقی می‌ماند، و در آن صورت یقیناً ممکن نبود که علم و دانش و میراث تمدنهای بشری در میان نسلهای انسانی انتقال یابد.

در سه آیهٔ بعدی الله ﷻ فرموده است که انسان همواره سرکشی می‌نماید، واین سرکشی و عصیان وی نتیجهٔ خود بینی وی است که خود را از خداوند بی نیاز احساس می‌کند؛ یعنی نباید این چنین باشد، زیرا بازگشت وی بسوی پروردگار است و ناگزیر در برابر الله تعالی ایستاد شدنی است، چون الله تعالی بر بنده‌گان خود خیلی مهربان بوده و انعامات زیادی بروی نموده است، و باوجود اینهمه به عوض آنکه شکر و سپاس خالق و منعم خود را بجا آورد و قدر نعمت‌های او را بداند، به عصیان وی روی می‌آورد و تکبر پیشه می‌کند، و آنگاه خواهد دانست که نتیجهٔ این سرکشی و عصیان وی چه خواهد بود؟

فواید درس

آیات مبارکهٔ فوق مشتمل بر رهنمودها و درس‌هایی است که برخی از آنها قرار ذیل اند:

* اثبات نزول وحی الهی و اثبات نبوت پیامبر ﷺ.

* اثبات و مشروعیت ابتداء نمودن بنام خداوند ﷻ یعنی (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) در وقت خواندن قرآن کریم. از همین جهت همه سوره‌های قرآنی با بسم الله آغاز گردیده، بغیر از سورهٔ التوبه.

- * بیان مراحل خلقت انسان، شروع از نطفه و تحول آن به علقه و مراحل بعدی آفرینش انسان.
- * دین اسلام دین علم و دانش است و بهترین ثبوت این مطلب این می‌باشد که نزول قرآن و یا وحی با کلمه اقرأ؛ یعنی بخوان، آغاز یافته است.
- * یکی از نعمت‌های بارز خداوند ﷻ به انسان همانا تعلیم وی است.
- * قلم یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند ﷻ در زنده‌گی انسان و از اختراعات مهم پنداشته می‌شود.



۱- کلمات ذیل را معنا کنید:

{عَلَقَ} {الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ} {إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ} {أَن رَّاهُ اسْتَغْنَى}

۲- خلاصه مطالب سورة العلق را بیان دارید.

۳- پنج آیه اول سورة العلق در کجا و چگونه نازل گردیده؟

۴- آیات اول سورة مبارکه به دو عنصر اساسی علم و دانش دلالت دارد. این دو عنصر کدام اند و اهمیت آن‌ها چیست؟



راجع به اهمیت علم و دانش از نگاه دین مقدس اسلام، در روشنایی آیات مبارکه فوق یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

سورة العلق

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾﴾

معنای کلمات

{يَنْهَى}	نهی می کند.	{النَّاصِيَةِ}	پیشانی.
{صَلَّى}	نماز می خواند.	{فَلْيَدْعُ}	پس صدا بزند!
{الْهُدَى}	راه هدایت.	{الزَّبَانِيَةَ}	فرشتگان عذاب.
{تَوَلَّى}	پشت گردانیده.	{وَاقْتَرِبْ}	تقرب جوی، نزدیک شو.

ترجمه آیات

(بمن خبر ده) آیا آن کسی را دیدی که نهی می کند (۹) بنده را هنگامی که نماز می خواند؟! (۱۰) آیا دیدی (که چه میشد) اگر براه هدایت (۱۱) یا مردم را به تقوا امر نمودی (۱۲) آیا دیدی (که چه میشد) اگر دروغ گفته و پشت گرداند؟! (۱۳) آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟! (۱۴) نه هرگز چنین نیست (که او می پندارد) اگر وی از این کار خود داری نکند، او را از موی پیشانی اش گرفته بر اندازیم (بسوی عذاب می کشانیم) (۱۵) همان پیشانی دروغگوی گنهکار را (۱۶) سپس هر که را می خواهد صدا بزند (تا یاریش کند) (۱۷) ما هم به زودی فرشتگان عذاب را صدا می زنیم. (۱۸) چنان نیست (که آن طغیانگر می پندارد) هرگز او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به خدا) تقرب جوی (۱۹)

سبب نزول

از ابوهریره رضی الله عنه روایت گردیده که فرموده است: ابو جهل از قریش سؤال کرد: آیا محمد در برابر شما پیشانی بر زمین گذاشته است؟ گفتند: بلی! وی گفت: به لات و عزی قسم اگر من او را به چنین حالتی (در حالت نماز) ببینم پای خود را برگردنش خواهم گذاشت و رویش را بر خاک خواهم مالید؛ سپس

پیامبر ﷺ را در حال نماز خواندن دید، و خود را به پیامبر ﷺ نزدیک ساخت تا پای خود برگردنش نهد، در چنین فرصتی مردم دیدند که ابوجهل ناگهان به عقب برگشت و تلاش نمود تا خود را از چیزی که گوئی در پیش رویش قرار دارد نجات دهد. از وی پرسیدند که چرا چنین کاری کردی؟ ابوجهل گفت: در میان من و محمد خندقی از آتش بود و یک مخلوق هیبتناک و دارایی چندین بال بسوی من حمله نمود، رسول الله ﷺ فرمود: اگر وی خود را به من می‌رساند یقیناً فرشتگان او را پارچه پارچه می‌نمودند؛ سپس این آیات مبارکه نازل گردید: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى...﴾.

ارتباط با آیات قبل

در آغاز سوره، الله ﷻ قدرت خود را بیان داشته که به انسان توانایی و نعمت خواندن و نوشتن را اعطا نموده، زیرا این بیانگر لطف و مهربانی الله ﷻ برای انسان است. درین آیات خداوند ﷻ سرکشی انسان کافر را بیان می‌دارد، که با دلبستگی به مال و متاع دنیا و زرق و برق آن به عصیان و سرکشی در برابر پروردگار می‌پردازد. و سپس نمونه‌یی از سرکشی انسانی بیان می‌شود که بنده‌گان خدا را از ادای نماز و بنده‌گی خدا باز می‌دارد که همراه با آن در پایان سوره وعید الهی و عذاب دردناک که مناسب این کار باشد تذکر یافته است.

تفسیر اجمالی

خداوند متعال در این آیات حالات کسانی را بیان می‌دارد که از حکم او تعالی سرپیچی می‌نمایند، چنانچه می‌فرماید: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ یعنی در مورد آن انسان سرکش و متمرّد که ابوجهل و یاران اوست بگو که بنده الله (محمد ﷺ) را چگونه از نماز خواندن ممانعت می‌نمایند، آیا اینها نمی‌دانند که الله تعالی این عمل ناشایسته آن‌ها را می‌بیند و از آن آگاه است؟ و جزای این عمل زشت را برایشان خواهد داد؟

و مراد از بنده در آیه ﴿عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ پیامبر ﷺ است. و تعبیر از عبد به پیامبر ﷺ درین آیت و آیات دیگری که از پیامبر ﷺ به این تعبیر یاد گردیده، بیانگر محبت خاص الله تعالی با پیامبر ﷺ می‌باشد. و علاوه بر این از آیت این مطلب هم بدست می‌آید که الله ﷻ افزون بر اینکه منصب و مقام نبوت برای پیامبر بخشیده و با این خصوصیت مقام وی را رفیع و بلند ساخته، آداب نماز را نیز به وی آموخته است. اگر چند ذکر تفصیلی ادای نماز در قرآن کریم نیامده، بلکه طریقه ادای نماز توسط سنت پیامبر ﷺ بیان گردیده است. ازین مطلب این امر واضح و روشن می‌گردد که وحی الهی تنها آن نیست که در قرآن آمده؛ بلکه بیرون از محدوده قرآن هم وحی وجود دارد که آن را وحی خفی

می‌نامند که عبارت از حدیث می‌باشد.

سپس الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ ای محمد! در مورد این کافر (ابوجهل) برایم بگو، نشانه‌های روشن توحید و قدرت بارز الهی ووحی را که به پیامبر آمده تکذیب می‌نماید، واز ایمان آوردن به وی خودداری می‌ورزد، که آیا او با عقلی که خداوند برایش داده است نمی‌داند که الله تعالی این همه اعمال ناشایسته او را می‌بیند و جزای آن را خواهد داد!

علماء گفته اند: هرچند این آیه در مورد ابوجهل نازل شده است مگر وعید آن شامل حال همه کسانی می‌شود که مردم را از اطاعت و پیروی خداوند باز میدارند.

در بخش آخری سوره، خداوند متعال درمورد سرنوشت این انسان سرکش می‌فرماید: هیچگاه چنین نیست، اگر وی از این کار نادرست خود دست برندارد واز عناد و سرکشی خود منصرف نگردد، ما یقیناً او را از موی پیشانی اش می‌گیریم که مراد از آن خود شخص است. سپس می‌فرماید: ﴿نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ﴾ یعنی آن پیشانی (صاحب آن) شخص دروغگو و خطا کار است، چون این انسان باغی به ناحق و به اساس تکبر و قصداً مرتکب جرم و گناه می‌گردد.

در آیات آخرین قرآن به این انسان هشدار می‌دهد که همکاران و دوستان خود را فرا خواند؛ چنانچه ابوجهل مدعی چنین حرفی بود که من در مکه یگانه کسی هستم که نسبت به دیگران صاحب باشگاه و مجلس بزرگ می‌باشم و دوستان و یاران زیادی دارم که آن‌ها را فرا می‌خوانم، یعنی اینکه بر خانواده و خویشاوندان و قوم و دوستان خود افتخار دارد و به نیروی آنان می‌نازد. این خطاب قرآن کریم برای ابوجهل و یارانش وعید شدیدی است.

سپس خداوند متعال با تهدید شدید می‌فرماید که ما هرچه زودتر فرشته عذاب را (برای کمک پیامبر خود) فرا می‌خوانیم، این فرشتگان سخت گیر و قوی هستند، ابوجهل و یارانش را به سختی به سوی آتش بکشند، و در آن می‌اندازند.

(کَلَّا) در آیه آخری برای زجر و سرزنش آمده است تا ابوجهل را نظر به کارهای ناشایسته‌ی که انجام داده است توبیخ نماید، بناءً الله تعالی فرموده است: هرگز چنین نیست که او می‌پندارد، حرف او را قبول مکن! و رابطه خود را با او قطع ساز، و برای پروردگارت سجده نما و خود را با اطاعت و پیروی به الله متعال نزدیک بساز و خود را با بنده‌گی همیشگی وی آرام بخش!



شاگردان راجع به سرکشی ابوجهل و نمونه‌هایی از برخورد زشت وی در برابر پیامبر ﷺ ابراز نظر نمایند.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * بیان حکمت خداوند پیرامون آفرینش، و بیان تثبیت فضیلت انسان نسبت به سایر مخلوقات با نعمت نوشتن و خواندن و علم.
 - * بیان سرکشی انسان در برابر خداوند متعال با وجود آنکه او را آفریده و نعمتهای خویش را به وی ارزانی فرموده است.
 - * بیان برخی از صفات زشت ابوجهل و معرفی او بحیث نمونه‌ی از یک انسان سرکش.
 - * بیان اینکه هرگاه فطرت انسان با ایمان و تقوا تهذیب نیابد، حتماً به زشتی و عناد و سرکشی می‌گراید.
 - * چنانچه ابوجهل با چنین سرکشی و تمرد حتی پیامبر ﷺ را از ادای نماز و عبادت پروردگار باز می‌دارد!
 - * نصرت بخشیدن پیامبر ﷺ در مسجد الحرام توسط فرشتگان.
 - * وعید و تهدید خداوند ﷻ برای انسان‌های سرکش و متکبر که با منع مردم از راه الله به مقابله او تعالی پرداخته‌اند. این درحالی است که الله تعالی به سرکوبی و نابودی ایشان کاملاً قادر و توانا است.
 - * اگر کفار و سرکشان، با داشتن دوستان و یاران خود مغرور باشند، خداوند متعال همه آنان را نابود و تباه خواهد ساخت.
 - * سجده نمودن به بارگاه الهی یکی از بهترین وسایل تقرب به خداوند ﷻ محسوب می‌شود.



- ۱- کلمات و جملات قرآنی زیر را توضیح نمایید:
- ۲- شأن نزول آیات مبارکه سوره "العلق" را از آیه ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ﴾ تا آخر سوره مختصراً شرح کنید.

- ۳- خداوند متعال در آیات مبارکه این سوره ابوجهل را چگونه و به چه عذابی تهدید نموده است؟
- ۴- در آیات اخیر سوره خداوند متعال وسیله تقرب به الله ﷻ را در چه تعیین نموده است؟



درین سوره کلمه (أَرَأَيْتَ) سه بار ذکر شده است، مخاطب آن کیست؟ و در هر سه موضع چه مفهومی را افاده می‌نماید؟ جواب سوال را در کتابچه خود بنویسید.

سورة القدر

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿۲﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿۳﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۵﴾

معنای کلمات

{لَيْلَةُ الْقَدْرِ}:	شب قدر، شب اندازه گیری.
{أَلْفِ شَهْرٍ}:	هزار ماه، هشتاد و سه سال و چهار ماه.
{الرُّوحِ}:	جبرئیل علیه السلام .
{مَطْلَعِ الْفَجْرِ}:	دمیدن صبح.

ترجمه آیات

ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم (۱) و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر بهتر از هزار ماه است (۳) در آن شب فرشتگان و روح (جبرئیل علیه السلام) به اذن پروردگار شان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند (۴) شبی است سرشار از سلامت و برکت تا طلوع صبح (۵)

معرفی سوره

سورة القدر مکی است، دارای پنج آیت بوده و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۷) قرار دارد. این سوره مبارکه به سبب تکرار این کلمه بنام (القدر) مسمی گردیده است. موضوع سورة القدر بیان آغاز نزول قرآن کریم، فضیلت و منزلت شب قدر نسبت به سایر شبها و ماهها و نزول فرشتگان الهی در این شب تا سحرگاهان می باشد.

ارتباط با سورة قبلی

در سورة "علق" الله ﷻ به پیامبر خود فرمود که با گرفتن نام الله به خواندن قرآن آغاز کند و دران نخستین آیات وحی الهی ذکر شده بود. در سورة قدر از وقت نزول قرآن سخن به میان آمده که عبارت از شب قدر است، و در آن از نزول قرآن کریم وعظمت و منزلت آن تذکر بعمل آمده است. هدف از نزول قرآن درین شب آنست که نزول قرآن شب قدر آغاز یافته است. ورنه نزول قرآن مدت بیست و سه سال را دربرگرفت، یا مراد از آن آغاز نزول وحی است، که درشب قدر اتفاق افتاد. و یا مراد از آن اینست که درشب قدر قرآن از لوح محفوظ به آسمان دنیا نزول یافته است، و یا به فرشتگان وحی سپرده شده است، این مطلب را ابن عباس - رضی الله عنهما - بیان داشته است.

تفسیر اجمالی

الله تعالی درین سوره وقت نزول قرآن کریم را بیان داشته است. وهم چنان قدر وعظمت شب قدر را بیان نموده که در مقایسه با سایر شبها و روزها از مقام و فضیلت خاصی برخوردار است.

درین آیت وقت نزول قرآن کریم شب قدر نشان داده شده است، و در سورة بقره آمده است: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ [البقره: ۱۸۵] یعنی ماه رمضان همان ماه است که در آن قرآن نازل شده است. درین آیت همه ماه رمضان ماه نزول قرآن نشان داده شده؛ پس مفهوم آن اینست که در مرتبه نخست وقتی فرشته الهی وحی را به پیامبر ﷺ در غار حراء آورد ماه رمضان و در شب قدر بود، و این شب در سورة (الدخان) به نام شب مبارک خوانده شده چنانچه الله تعالی فرموده است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾ [الدخان: ۳]. یعنی: ما قرآن را درشب مبارک نازل نمودیم. از این رو نزول قرآن در شب قدر آغاز گردیده، و از آن به بعد در طی بیست و سه سال در جاهای مختلف بر پیامبر ﷺ نازل گردیده است.

در آیات بعدی الله ﷻ منزلت شب قدر را مشخص ساخته، می فرماید: و ترا چه چیز داناند که شب قدر چیست؟ این استفهام به منظور برجسته ساختن قدر و منزلت این شب به کار رفته است، از همین

رو آن را شب قدر با منزلت خوانده است، این بدان جهت که الله تعالی درین شب همه کارهای را که باید در طی یک سال صورت گیرد فیصله می‌نماید. الله تعالی در جای دیگری فرموده است: ﴿فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ [الدخان: ۴]. یعنی درین شب هر کار با دقت و استحکام فیصله می‌گردد.

در حقیقت منزلت و مقام شب قدر به خاطر این است که عبادت کردن درین شب از عبادت هزار شب بهتر و برتر می‌باشد؛ چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ یعنی شب قدر بهتر از هزار شب است. در حدیثی که در صحیحین روایت شده رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^(۱) کسیکه شب قدر را از روی ایماننداری و طلب ثواب عبادت کند گناهان گذشته اش بخشیده شود.

﴿تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ قدر و منزلت شب قدر آنست که فرشتگان و جبریل علیہ السلام درین شب در میان آسمان و زمین چنان صف بسته باشند که همه افق را گرفته اند، ایشان بخاطر اجرای هر امر و حکمی که درین شب از طرف الله ﷻ فیصله گردد پائین می‌شوند.

در مورد وقت شب قدر که چه وقت فرا می‌رسد، در مسند امام احمد از عباد بن صامت روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده است: شب قدر در دههٔ اخیر ماه رمضان است، کسی این شب را به قصد دریافت ثواب برخیزد و عبادت نماید گناهای که قبلاً از وی سرزده است بخشیده شود. ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: که رسول الله ﷺ فرموده: شب قدر را در دههٔ اخیر ماه رمضان جستجو کنید. وقتی نه روز از رمضان باقی مانده باشد، و یا هفت روز و یا هم پنج روز. علماء ازین فرموده پیامبر ﷺ این تعبیر را گرفته اند که مراد وی از آن همان شب‌های تاق است. و در روایت دیگر آمده است: در ده شب اخیر در شب‌های تاق آن را جستجو نمایید.

۱- روایت البیهقی.

فواید درس

- آیات مبارکه فوق فواید و آموختنی‌های زیر را در بر دارد:
- * خداوند عَلَّاه از میان بنده‌گان خود پیامبران را، واز میان جاها مکه مکرمه را، واز میان اوقات، شب قدر را که در ماه رمضان است برگزیده است.
 - * در این سوره مبارکه عقیده قضا و قدر اثبات گردیده است.
 - * عظمت و مقام شب قدر را که در آن قرآن نازل شده، تنها الله عَلَّاه می‌داند.
 - * شب قدر از آغاز تا پایان شب پر عظمت و پر برکت است، ودرین شب الله تعالی مؤمنان را مورد رحمت و مغفرت خود قرار می‌دهد.



- ۱- کلمات و جملات قرآنی زیر را توضیح دهید:
{لَيْلَةُ الْقَدْرِ} {أَلْفِ شَهْرٍ} {وَالرُّوحِ} {مَطْلَعِ الْفَجْرِ}
- ۲- وجه تسمیه سوره "القدر" را توضیح داده بیان نمایید که برای این شب چرا این همه فضیلت داده شده است؟
- ۳- جسجوی شب قدر را مطابق احادیث نبوی توضیح دهید.



پیرامون فضیلت شب قدر ورمضان مقاله یی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

سورة البينة

(قسمت اول)

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾ (۱) رَسُولٌ
 مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ﴿۲﴾ فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ ﴿۳﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ﴿۴﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا
 الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ﴿۵﴾ ﴿

معانی کلمات

- {أَهْلِ الْكِتَابِ}: مراد یهود و نصارا است.
 {الْمُشْرِكِينَ}: عبادت کننده گان بت ها (مشرکان).
 {مُنْفَكِينَ}: دور شونده گان و ترک کننده گان (یعنی از آنچه در آن بودند).
 {الْبَيِّنَةُ}: حجت و دلیل واضح.
 {صُحُفًا}: صحیفه های (به اجزاء و قسمت های از قرآن مجید مثل سوره های آن صحیفه گفته می شود).
 {مُطَهَّرَةً}: پاک از باطل.
 {كُتِبَ}: احکام نوشته شده.
 {قِيَمَةٌ}: راست و محکم.
 {حُنَفَاءَ}: میلان کننده از تمام دین های باطل به سوی دین اسلام.
 {دِينُ الْقِيَمَةِ}: ملت مستقیم و صحیح.

ترجمه آیات

نبودند آنانی که کفر ورزیده بودند از اهل کتاب و مشرکان باز ایستاده گان (از آنچه در آن بودند از دیانت و روش) تا آنکه پیامد ایشان را حجتی آشکارا (۱) پیامبری از جانب خداوند ﷺ که میخواند صحیفه های پاک را (۲) در آن صحیفه ها احکامی است راست و محکم (۳) و از هم جدا و متفرق نشدند آن کسانی که به ایشان داده شده است کتاب، مگر بعد از آنکه آمد ایشان را دلیل آشکار (۴) و به ایشان دستور داده نشده بود مگر آنکه بپرستند خداوند را در حالیکه بندگی خویش را برای او

خالص کنند، و میلان کننده‌گان باشند به سوی حق (از شرک به توحید رجوع کننده‌گان باشند) و بر پا دارند نماز را و بدهند زکات را و این است دین راست و استوار (۵)

معرفی سوره

سورة البینه مدنی است، دارای هشت آیه میباشد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۸) قرار گرفته است. نام این سوره از لفظ "البینه" که درآیهٔ اولی آن آمده است گرفته شده است، این سوره از سه امر مهم بحث میکند:

۱. اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکینی که خواهان آمدن هدایت بودند اما بعد از آمدن آن هدایت کفر و عناد ورزیدند، خصوصاً اهل کتاب.
۲. هدف اساسی دین عبادت مخلصانه خدا و ادای نماز و دادن زکات است، اهل کتاب به همین چیز امر شده بودند اما به آن عمل نکردند.
۳. بیان سرنوشت و انجام کار مؤمنان به پیغمبر و کافران به دین و کتاب آن.

فضیلت سوره

امام احمد، بخاری، مسلم، ترمذی، و نسائی از انس بن مالک روایت نموده اند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به ابی بن کعب فرمود: خداوند به من امر فرموده است که **(لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...)** را برای تو قرائت نمایم. ابی گفت: آیا مشخصاً نام مرا برایت گرفته است؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: بلی. همان بود که ابی به گریه افتاد.

تفسیر اجمالی

(لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا...) در آغاز این سوره مبارکه قرآن مجید اشاره به این دارد که اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکین (پرستندگان بت‌ها) سالها کفر و طغیان شان به حیث یک میراث عقیدتی دوام دار بود و آن‌ها از آن باز گشته‌گان نبودند تا دلیل روشن و آشکار که همانا رسالت رسول و نزول کتاب از آسمان باشد به ایشان در رسد.

یهودیان قبل از بعثت پیامبر اسلام آمدن چنین یک پیامبری را انتظار داشتند و ایشان مشرکین عرب را از آمدن چنین پیامبری می‌ترساندند و به ایشان می‌گفتند که اگر این پیامبر مبعوث شود ایشان به وی ایمان آورده و همراه با وی به ضد مشرکین عرب خواهند جنگید، مگر وقتی پیامبر مبعوث گردید و قرآن نازل شد و چنین هدایات و رهنمودها را با خود آورد که با احکام و تعلیمات کتابهای پیشین (تورات و انجیل) مطابقت داشت آن‌ها به وی کافر شدند و از قبول کردن پیغمبری و نبوت پیامبر اسلام

- صلی الله علیه وسلم - به دلیل اینکه از بین قوم عرب مبعوث شده بود ابا ورزیدند. ﴿رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ...﴾ این آیت و آیت بعدی آن دلیل وبرهان مذکور را مشخص میگرداند که عبارت از آمدن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از طرف خداوند است آنکه برای همه جهان انسانیت رحمت و خیر آمد و صحائف آسمانی را که عبارت از قرآن مجید و سوره‌های آن است برای مردم به ارمغان آورد درحالیکه این کتاب از باطل، دروغ، شبهات، کفر و تحریف پاک و مبرا است و حق را به گونه روشن بیان میدارد و باطل را مشخص می‌نماید.

﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...﴾ این آیت بیان گر این است که بعد از آمدن این دلیل و حجت با وجود اینکه توقع ایمان آوردن می‌رفت اما اهل کتاب اختلاف و عناد را برگزیدند و ایمان نیاوردند (جز عده اندکی) آیت اول این سوره مبارکه اشاره بر این داشت که یهود و نصارا و مشرکین منتظر آن بودند تا حجت کامل در رسد، آیت دوم مراد از این حجت را بیان کرد که همانا آمدن رسول و آوردن کتاب باشد، آیت سوم در وصف کتاب آورده شده بود اما این آیت نتیجه را بیان میدارد که در فرجام بعد از رسیدن حجت بسیاری از اهل کتاب اختلاف ورزی را شروع کردند چنانچه تا امروز یهود و نصارا با رسالت بر حق محمد ﷺ مخالفت می‌ورزند.

پس از آن الله تعالی اهل کتاب را با این آیت توبیخ و سرزنش نموده فرمود: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...﴾ اهل کتاب چه یهود باشند و چه نصارا دستور نیافته اند مگر آنکه الله واحد را عبادت کنند درحالیکه به وی اخلاص کننده و به سوی دین حق میلان کننده باشند. واینکه نماز را برپا دارند و زکات را بدهند، یعنی برای یهود و نصارا در تورات و انجیل امر شده است که پیروی دین حنیف را نمایند. درین آیت برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تسلیت و اطمینان دادن است، یعنی ای پیامبر! این ابا ورزیدن اهل کتاب و مشرکان از قبول دین و اختلافی که درمیان خود دارند نباید ترا افسرده و غمگین سازد؛ چون این موقف ایشان مبنی بر تقصیر حجت وبرهان نیست که تو ارائه می‌داری، بلکه نتیجه عناد و سرکشی ایشان است بناءً این موقف ایشان عادت دیرینه می‌باشد که از پدران و نیاکان خود به ارث برده اند، چنانچه پدران و نیاکان شان به پرستش گوساله روی آورده بودند در حالیکه پیغمبر شان در کنار شان بود، و در اخیر آیت اشاره بر این شده که اسلام دین درست و نظام برگزیده برای زنده گی است.

فواید درس

در آیات این درس مجموعه از آموختنی‌های مهم نهفته است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

* بیان انحراف دیانات قبل از اسلام و معاصر به آن و همنوا بودن یهودیت و نصرانیت با شرک و بت پرستی.

* انتظار مردم و بطور خاص اهل کتاب، به آمدن پیغمبری از جانب خداوند.

* اختلاف و عناد ورزیدن بسیاری از اهل کتاب بعد از آمدن حجت واضح برای شان.

* بیان قباحت عملکرد کسانی که در کتاب‌های شان به عبادت مخلصانه خدا و ادای نماز و پرداخت زکات و برائت از هر گونه شرک امر شده بودند؛ اما آن‌ها به همین چیزها که اسلام برای شان آورد عمل نکردند.

* اثبات مقام عالی پیغمبر خدا چون به حیث پیام رسان خدا و آورنده کتاب حق معرفی شد.

* بیان اینکه ملت حق و دین راستین همان است که بر اساس توحید و عبادت خالصانه استوار باشد.

فعالیت



شاگردان با همکاری استاد محترم مضمون در مورد برخی از چیزهایی که یهودی‌ها و نصرانی‌ها در کتاب‌های آسمانی خود به آن مامور شده بودند و موقف آنان در برابر این اوامر خداوندی بحث و گفتگو کنند.



۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{مُنْفَكِينَ} {مُطَهَّرَةً} {قِيَمَةً} {الْبَيِّنَةُ} {حُنَفَاءَ}

۲) یک موضوع از موضوعات اساسی سورة البینه را ذکر نمائید.

۳) علت اختلاف اهل کتاب چه بود؟



کارخانه‌گی

در مورد رهنمودهای سورة البینه پنج سطر بنویسید.

سورة البينة

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ (٦)
 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

معانی کلمات

{شَرُّ}	بد ترین، زشت ترین.	{جَنَّاتُ}	باغها.
{الْبَرِيَّةِ}	خلق، مردم.	{عَدْنٍ}	همیشه و جاوید.
{خَيْرُ}	بهترین.	{خَشِيَ}	بترسد.

ترجمه آیات

هر آئینه آنانیکه کافر شدند از اهل کتاب و [نیز] مشرکان در آتش دوزخ اند [و] در آن همواره می ماندند، اینانند بدترین خلق (٦) هر آئینه آنانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ایشانند بهترین خلق (٧) پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است جاودان باشند در آن همیشه، خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد (٨)

تفسیر اجمالی

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...﴾ درین آیات برای کفار و بنده گان نیک هردو عوض وپاداش بیان گردیده است که هریک ازین دو گروه بایک سرنوشت متفاوت از دیگری روبرو خواهد گردید، بناءً الله تعالی می فرماید: یقیناً از میان اهل کتاب و مشرکین کسیکه راه کفر را بر گزیند وبا تعلیمات وهدایات الله تعالی که در کتب آسمانی آمده است مخالفت ورزد، پاداش وی همانا آتش دوزخ خواهد بود که برای همیشه در آن بسوزد، چنین مردمی از میان مخلوقات بدترین مردم خواهند بود، بخاطر آنکه ایشان حق را گذاشتند واز روی حسد و کینه و عداوت به پیامبر ایمان نیاوردند پس این جزا و این ذلت را خود برای خویش بر گزیدند زیرا به اختیار خود، به حق بعد از اینکه دلائل روشن به ایشان رسید پشت کردند و به باطل یعنی کفر و شرک قلباً راضی شدند.

﴿نَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا...﴾ اما آنانیکه ایمان آوردند واعمال شایسته انجام دادند یعنی در دل خود عقیده توحید را جایگزین ساخته وبا اعضای بدن خویش کارهای خوبی را انجام دادند، پاداش اینگونه افراد همانا باغهای جاودانی است که جویها از زیر درختان آن جاری است و برای همیشه در آنجا - که نه مرگی باشد و نه رنجی - بمانند، الله جل جلاله اعمال آن ها را مقبول درگاه خود دانسته و در نتیجه از ایشان راضی بوده

وایشان نیز از خدای خویش راضی اند.

چنین مردمی بهترین مخلوقات خداوند بشمار می‌روند، چون ایشان حق را همینکه به ایشان رسید پذیرفتند و در مقابل آن کبر و غرور نورزیدند بلکه نهایت کوشش خویش را به کار بردند تا زنده‌گی خویش را موافق آن بگردانند. حضرت ابوهریره - رضی الله عنه - و بسیاری از علماء به این آیه کریمه استدلال کرده اند که مرتبه مؤمنان صالح بالاتر از فرشتگان است. معنی ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ این است که از فرمان برداری و طاعت شان خدا راضی است. و آن‌ها از ثواب و پاداشی که خدا به آن‌ها داده است راضی اند.



در مورد اینکه چگونه میتوان خدا را از خود راضی کرد و اینکه نتیجه راضی شدن خدا از بنده چی است شاگردان با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فوائد درس

در آیات اخیر این سوره مبارکه مجموعه از آموختنی‌های مهم نهفته است که ذیلاً به چند نکته از آن‌ها اشاره میگردد:

- * بیان اینکه جهنم جایگاه دائمی کسیست که به اسلام کفر ورزد.
- * بدترین خلق نزد خدا کفار و مشرکین اند.
- * بیان اینکه جایگاه کسیکه اسلام را بپذیرد و بر احکام آن عمل کند باغهای همیشگی جنت بوده و رضوان خداوند را نیز بدست می‌آورد.
- * برترین و بهترین خلق مؤمنان راستین اند.
- * بیان فضیلت ترس و خشیت از خدا، همان خشیتی که صاحب خود را به پیروی از دستورات او طبق سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - باعث شود.



۱) کلمات و جملات ذیل را ترجمه کنید:

- {شر البرية} {خير البرية} {جنت عدن} {ورضوا عنه} {خشي ربه}
- ۲) چرا جایگاه کافران آتش جهنم بوده و آن‌ها نزد خدا منفور اند؟
- ۳) به چه دلیلی مؤمنان بهترین خلق خدا شناخته شده اند؟
- ۴) این جمله را تفسیر نمایید (رضی الله عنهم و رضوا عنه)؟
- ۵) سه نکته از فوائد و اندرزهای آیات این درس را ذکر کنید؟



کارخانه‌گی

در مورد سرانجام ایمان و کفر آنچنانکه در آیات اخیر سوره بینه بیان شده است چند سطر بنویسید.

سورة زلزال

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ (۱) وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۲﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿۳﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿۴﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿۵﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿۶﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿۷﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿۸﴾

معانی کلمات

- {زُلْزِلَتْ}: به حرکت و شور خوردن آورده شود.
 {أَثْقَالَهَا}: بارهای نهفته در زمین.
 {مَا لَهَا}: چیست زمین را؟ (یعنی انسان تعجب کند که این زمین را چه شده است).
 {تُحَدِّثُ}: بیان میدارد.
 {أَخْبَارَهَا}: آنچه از خیر و شر در آن واقع گردیده است.
 {أَوْحَى}: وحی کرد، در اینجا به معنی امر کرد.
 {يَصْدُرُ}: بر آیند.
 {أَشْتَاتًا}: پراکنده یا گروه گروه.
 {مِثْقَالَ}: وزن و اندازه.

ترجمه آیات

آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود (۱) و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند (۲) و گوید انسان [زمین] را چه شده است (۳) در آن روز [زمین] خبرهای خود را باز گوید (۴) به سبب آنکه پروردگارت حکم کرده است به آن (۵) آن روز بر آیند مردم [به حال] پراکنده تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود (۶) پس کسیکه به اندازه وزن ذره یی نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۷) و هر که به اندازه وزن ذره یی بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (۸).

معرفی سوره

سوره زلزال مدنی است، هشت آیت داشته، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۹۹) قرار دارد، وجه تسمیه آن به زلزله و یا زلزال از آن جهت است که در آن از وقوع زلزله بزرگی یاد شده که با وقوع آن نظام کاینات وهستی از بین رفته و روز قیامت برپا می شود.

فضیلت سوره

در حدیث شریفی که ترمذی از انس بن مالک روایت میکند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: سوره زلزال به اندازه نصف قرآن مجید ارزش و فضیلت دارد.

تفسیر اجمالی

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا...﴾ الله جل جلاله می فرماید: وقتی زمین از اعماق خویش سخت تکان بخورد و باهمه توانی که دارد بلرزد. مراد از زمین تمام کره زمین است و لفظ "زلزالها" بیانگر سخت لرزیدن زمین است و هنگامیکه زمین به اثر همین تکان خوردن بارهای درونی خویش را بیرون بیندازد، و انسان بی باور حیران زده ندا سردهد که این زمین را چه شده است؟ در آن هنگام زمین به قدرت خداوند لا یزال به سخن خواهد آمد و بر تمام اعمال بشریت شهادت خواهد داد. برخی از مفسرین ازین زلزله زلزله اول زمین را مراد گرفته اند که با وقوع آن مرحله نخست قیامت آغاز یابد، و بعضی از آنان زلزله دومی را مراد گرفته اند که زمین انسان ها را از بطن خود بیرون کشیده به محشر گاه سوق میدهد، و این تفسیر دوم که آیات بعدی بدان دلالت دارد صحیح تر به نظر می رسد.

آیات مبارکه این سوره مطالب چندی را در بر دارد یکی آنکه زمین همه انسان های را که در دل خود نگهداشته است از آدم گرفته تا آخرین فرد بشر همه را بیرون اندازد، استخوان های پوسیده بهم ترکیب یابند و صورت اصلی خود را که قبلا داشته اند در یابند. مطلب دوم اینکه تمام عملکردهای بنده گان را که در دنیا در حالات مختلف داشته اند، سخن های که گفته اند، کارهای که کرده اند، نشست و بر خواست های آنان، خواب و بیداری ایشان و بالاخره خیر و شر شان را که قرن ها بر آن گذشته است، یکایک زمین ابراز نموده و از آن خبر دهد. و مطلب سوم اینکه زمین گنجینه های را که

در دل خود دارد، از قبیل طلا، نقره و انواع مختلف جواهرات و معادن نیز بیرون اندازد تا برای انسان‌ها بفهماند که این همان چیز است که بخاطر حصول آن در دنیا یکدیگر را می‌کشتند و حق یکدیگر را می‌خوردند. و مطلب چهارم اینکه بعد از وقوع زلزله و زنده شدن دوباره انسان و شهادت زمین، میزان عدل خداوند بر پا می‌شود و ذره ذره اعمال انسان‌ها مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرد. شهادت زمین و اینکه همه رویدادهای را که بر روی آن صورت گرفته است آشکار می‌کند شاید ادراک آن برای مردمان سابق سخت بوده باشد ولی پیشرفت تکنالوژی و آلات تمدن امروزی قبول چنین مطلبی را برای ذهن آدمی آسان ساخته است.



شاگردان در مورد اینکه قرآن مجید رخدادهای قیامت و فرجام مردم نیک و بد را در آن روز چگونه تصویر کرده است بین خود بحث و گفتگو کنند.

فواید درسی

در آیات این سوره مبارکه مجموعه‌ای از آموختنی‌ها و اندرزها نهفته است که ذیلاً به چند نکته از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- * اثبات عقیده بعث و جزا.
- * خبر دادن از دگرگونی عجیب که در زمین رخ میدهد.
- * بیان یکی از علامات و نشانه‌های بزرگ قیامت.
- * اثبات اینکه جمادات نیز بقدرت بزرگ خدا در روز قیامت نیروی سخن گفتن را پیدا میکنند.
- * تشویق و ترغیب بنده‌گان به انجام کارهای نیکو هر چند در نظر مردم اندک باشد.



- (۱) کلمات و جملات ذیل را ترجمه کنید؟
{أَثْقَلَهَا} {مَا لَهَا} {تُحَدِّثُ} {أَوْحَى لَهَا} {أَشْتَاتًا}
- (۲) موضوع سوره "زلزال" را بیان دارید.
- (۳) این آیت مبارکه را شرح نمایید ﴿وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾.
- (۴) چگونه ممکن است زمین به سخن در آید؟
- (۵) رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در مورد فضیلت این سوره چه فرمودند؟



کارخانه‌گی

شاگردان در باره موضوعات کلی سوره "زلزال" مقاله بنویسند که از هشت سطر کم نباشد.

سورة العاديات

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ (۱) ﴿فَالْمُورِيَّاتِ قَدْحًا﴾ (۲) ﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾ (۳) ﴿فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا﴾ (۴) ﴿فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾ (۵) ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ (۶) ﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ (۷) ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (۸) ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ﴾ (۹) ﴿وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾ (۱۰) ﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ (۱۱) ﴿

معانی کلمات

{الْعَادِيَاتِ}: اسپان دونده تیز رو.

{ضَبْحًا}: نفس زنان. (به صدای سینه‌ی اسپانی که در حال دویدن باشد اطلاق میگردد)

{الْمُورِيَّاتِ}: اسپان آتش افروزنده.

{قَدْحًا}: نعل به سنگ زنان. (به اثر کوبیدن نعل به سنگ)

{الْمُغِيرَاتِ}: اسپان یورش برنده.

{صُبْحًا}: در هنگام صبح گاهان.

{نَقْعًا}: غبار.

{لَكَنُودٌ}: نا سپاس است.

{الْخَيْرِ}: مال.

{بُعْثِرَ}: بر انگيخته شود.

ترجمه آیات

قسم به اسپان تیز دونده نفس زنان (۱) پس قسم به اسپان آتش بر آورنده از کوبیدن نعل به سنگها (۲) پس قسم به اسپان یورش برنده هنگام صبح (۳) که بر انگیزند به آن یورش غبار را (۴) پس در آیند به آن (هجوم یا غبار) در میان جماعتی (۵) هر آئینه آدمی نسبت به پروردگار خود نا سپاس است (۶) و او خود بر این (ناسپاسی) گواه است (۷) و هر آئینه او در محبت مال سخت کوش است

(۸) آیا نمیداند که چون بر انگيخته شود آنچه در قبرهاست (۹) و ظاهر ساخته شود هر آنچه در سینه هاست (۱۰) هر آینه پروردگار ایشان به احوال ایشان در آن روز آگاه است (۱۱).

معرفی سوره

سوره العاديات مکی است، یازده آیت دارد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۰) قرار گرفته است، وجه تسمیه آن به العاديات از آن جهت می باشد که درین سوره به "العاديات" قسم یاد شده است، و "العاديات" به اسپ های تیز گام مجاهدین اطلاق می شود که در راه خداوند جَلَّ جَلالُه جهاد نمایند.

تفسیر اجمالی

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا...﴾ در آیات اول این سوره مبارکه الله جل جلاله به آن اسپ های قسم یاد میکند که به قصد جهاد در راه خدا، به سرعت گام برمیدارند و از شدت خسته گی دویدن آوازی از سینه آنان بلند می شود و نفس می زنند، و از اثر اصابت سم های شان بر سنگ پارچه ها جرقه آتش بلند می شود. این اسپ ها در صبحگاهان بر دشمن حمله و یورش می برند، و به تعقیب این حمله گرد و غبار در میدان کار زار به پا می خیزد و در دل سپاه دشمن داخل می شود این غبار چنان شدید است که دشمن در آن ناپدید گردیده متلاشی می شود.

اگرچه لفظ عاديات به هر دونده تیز رفتار اطلاق میگردد و بعضی از مفسرین شتران دونده را مراد گرفته اند اما بسیاری از صحابه کرام و جمعیت بزرگی از تابعین فقط اسپ های دونده مجاهدین را مراد می دانند.

در نهایت این قسم خدای متعال از چیزی تذکر بعمل می آورد که برای آن قسم یاد شده است ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ یعنی بدون شک انسان نسبت به پروردگار خود و نعمت های او نا سپاس است هر چند که درینجا کلمه انسان بطور عام ذکر شده است و این مطلب را افاده می کند که مطلق انسان نا سپاس است. مگر اکثر مفسرین به این نظر اند که مراد از انسان در اینجا انسان کافر است، و ناشکری انسان کافر در این است که بنده گی پروردگارش را بجا نمی آورد و مطابق حکم او رفتار نمی کند.

﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ و همین انسان به این ناسپاسی اش خود شاهد است زیرا در هنگام

سختی‌ها خدا را یاد می‌کند و در هنگام راحتی‌ها او را فراموش مینماید، از جانب دیگر معبودان باطل را عبادت میکنند در حالیکه اگر از او پرسیده شود خالق زمین و آسمانها کیست اعتراف می‌کند که فقط خداوند زمین و آسمان را آفریده است، از این شهادت واضح تر چه باشد؟! مگر با وجود اعتراف بر خالق و رازق بودن او **وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** غیر او را عبادت می‌کند یا از او غافل می‌باشد!

﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ این آیه به یکی از اسباب این غفلت و نا شکری اشاره می‌کند. که افراط در محبت مال و ثروت دنیاست بگونه ایکه کارهای نا درست را از قبیل بخل و ظلم و فساد بخاطر همین دنیا انجام میدهد.

و در اخیر به گونه توبیخ و سرزنش الله متعال می‌فرماید: **﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ * وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾** آیا انسان نمی‌داند وقتی برانگیخته شود آنچه در قبرهاست، یعنی وقتی مرده‌ها از قبرهای شان زنده کرده شوند وبرخیزند، و همه آن نیت‌ها و اراده‌های که در سینه‌ها پنهان داشته شده است آشکار گردد، بدون شک درین روز پروردگاری که زنده کننده آنها بعد از مرگ است به همه اعمال پنهان و آشکار آنها خوب عالم و آگاه است، و به این ترتیب به هر کس مطابق گفتار و کردار وی پاداش خواهد داد.



فعالیت

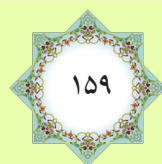
شاگردان در مورد فضیلت جهاد و بکار گیری وسائل عصری در این راه، با یکدیگر بحث و گفتگو کنند.

فوائد درس

آیات این سوره مبارکه مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آنها اشاره می‌گردد:

* تشویق به جهاد و آمادگی برای آن با وسائلی که مطابق عصر و زمان باشد.

* بیان نا سپاسی انسان خصوصاً انسان کافر.



* بیان غریزه طبیعی نهفته در وجود انسان و اظهار اینکه انسان شدیداً به جمع مال شوق و محبت دارد مگر کسانی که نفس‌های خود را به ایمان و توکل آراسته ساخته باشند.

* اثبات زنده شدن بعد از مرگ و آشکار شدن اسرار پنهان شده در دلها.

* تنبیه و اخبار بر اینکه خداوند از تمام حرکات و سکنتات انسان با خبر است و تنها او محاسبه کننده انسان در روز رستاخیز خواهد بود.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{فَأَثَرُنَ} {فَوْسَطُنَ} {جَمْعًا} {لَشَهِيدٌ} {لَشَدِيدٌ} {حُصِّلَ}

(۲) در این سوره خدای متعال به چه چیزی قسم یاد کرده است؟

(۳) بعد از قسم‌ها چه چیزی بعنوان جواب قسم ذکر گردیده است؟

(۴) آیه مبارکه «وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ» را توضیح دهید.

(۵) سه نکته از فوائد و آموختنی‌های این سوره را بیان دارید.



کارخانه‌گی

خلاصه سوره العادیات را در شش سطر تحریر دارید.

سورة القارعة

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿الْقَارِعَةُ﴾ (۱) مَا الْقَارِعَةُ ﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿۳﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿۴﴾
وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿۵﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿۶﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿۷﴾ وَأَمَّا
مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿۸﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿۹﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَّةُ ﴿۱۰﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿۱۱﴾

معانی کلمات

{الْقَارِعَةُ}: القارعة یکی از نامهای قیامت است.

{كَالْفَرَاشِ}: مانند پروانه ها.

{الْمَبْثُوثِ}: پراکنده شده.

{كَالْعِهْنِ}: مانند پشم رنگین.

{الْمَنْفُوشِ}: ندافی شده.

{عِيشَةٍ}: زنده گی.

{فَأُمُّهُ}: پس جایگاه و مسکن او.

{هَاوِيَةٌ}: نام جهنم.

{حَامِيَةٍ}: سوزنده.

ترجمه آیات

سخت کوبنده (۱) چیست آن کوبنده (۲) و چه چیز خبر داد ترا که چیست آن کوبنده (۳) روزیکه باشند مردم مانند پروانه‌های پراکنده (۴) و باشند کوه‌ها مانند پشم رنگین ندافی شده (۵) پس اما کسیکه سنگین شد وزنهای [احسانات] او (۶) پس او [در آخرت] در زنده‌گانی پسندیده است (۷) و اما کسیکه سبک شد وزنهای [اعمال] او (۸) پس جای او هاویه است (۹) و چه چیز مطلع ساخت ترا که هاویه چیست (۱۰) آتشی است نهایت سوزان (۱۱).

معرفی سوره

سوره القارعه مکی است، ۱۱ آیت داشته، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۱) قرار گرفته است، این سوره در مورد حالات هولناک قیامت، و بیان مسیر نهائی انسان‌های نیکوکار و بدکار سخن میگوید. وجه تسمیه آن به **القَارِعَةُ** از آن جهت است، که آغاز این سوره به لفظ **"القارعه"** صورت گرفته است که یکی از نام‌های قیامت است.

تفسیر اجمالی

آغاز این سوره مبارکه به کلمه **"القَارِعَةُ"** شده است، القارعه یکی از نام‌های روز قیامت میباشد که به معنای کوبنده است و دلالت به سختی و هولناکی روز قیامت میکند که دل‌ها را از شدت ترس و گوشه‌ها را از قوت آواز به تکان در می‌آورد، الله تعالی بعد از ذکر نام قیامت به اسلوب سؤال می‌فرماید: **﴿مَا الْقَارِعَةُ﴾** "ما" برای استفهام است و سؤال برای مهم جلوه دادن امر؛ سپس بار دیگر تاکید میکند که **﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ﴾** آیا خبر داری قارعه چیست؟ سه مرتبه تکرار نام قیامت نشان دهنده عظمت آن روز و تهدید انسان هاست که باید برای نجات از سختیهای روز قیامت آمادگی بگیرند. در دو آیت بعدی به بعضی از رخداد‌های قیامت اشاره میگردد **﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾** به پروانه‌های که اطراف آتش دور میزنند فراش گفته می‌شود و بعضی از مفسرین فراش را به لشکر ملخان تفسیر نموده اند بهر حال مقصد آنست که در زیادی عدد و سراسیمه‌گی و ضعف و ذلت و بهم ریزی و غیره وضع و حال انسان‌ها در روز قیامت به وضع و حال مجموعه از ملخان در یک دشت یا پرندگان کوچک دور آتش شمع میماند و مشاب‌هت پیدا میکند **﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾** در اینجا فعل کان بمعنی صار آمده است یعنی میگردد و "عهن" به پشم گفته می‌شود اما بعضی از علماء لغت قید رنگین بودن را در آن اضافه کردند یعنی پشم رنگ داده شده و "منفوش" از نفش گرفته شده که بمعنی جدا جدا شده (ندافی شده) از این آیت و آیات دیگر معلوم می‌شود که روز قیامت کوه‌ها همچو پنبه متلاشی شده به حرکت در می‌آیند.

سوره مبارکه بعد از بیان این رخداد‌های عظیم به چیزی اشاره میکند که بخاطر آن قیامت بر پا

می‌شود؛ یعنی دیدن نتایج اعمال ﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾ موازین جمع میزان است که به ترازو گفته می‌شود و بنا به فرموده بسیاری از اصحاب کرام در قیامت ترازوی که دارای دو پله بزرگ است و اعمال انسان‌ها بوسیله آن وزن می‌گردد بر پا می‌شود اما جمع آمدن کلمه موازین به اعتبار مختلف بودن اعمال و کثرت آنهاست، در قرآن مجید سنگینی موازین اشاره به ثقیل بودن پله حسنات است. پس آن کس که اعمال نیک وی نسبت به اعمال بدش افزونی یابد، چنین شخصی مستحق نعمت‌ها شده وزنده گی خوشی را بدست خواهد آورد، اما آن کس که پله ترازوی اعمال نیکش سبک آید به این معنا که حسناتش نسبت به گناهان او کم و سبک شود و یا اصلاً نیکی در دفتر اعمالش نباشد که در پله حسنات گذاشته شود، جای ومأواى چنین شخص آتش دوزخ باشد که بگونه طفلی که در آغوش مادر، یا در رحم مادر مسکن می‌گیرد قعر دوزخ او را در آغوش خود بگیرد.

در اخیر سوره یکبار دیگر برای اینکه کسی وقوع در جهنم را آسان نپندارد خدای متعال سؤال میکند: ﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَهٗ﴾ تو چه دانی که این جهنم چی و چگونه است؟ پس اگر نمی‌دانی جواب را از ما بشنو ﴿نَارُ حَامِيَةٍ﴾ آن آتشی است گرم و سوزان. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در مورد این آتش فرموده است: آتش دنیا یک بخش از هفتادم آتش دوزخ است. یعنی آتش دوزخ هفتاد مرتبه گرم تر از آتش دنیا است. و در برخی احادیث صد مرتبه گرم تر نشان داده شده است.



در مورد اسماء قیامت که در مواضع مختلف قرآن مجید و بنام‌های مختلف یاد شده است شاگردان با همکاری استاد محترم با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات این سوره مبارکه مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌گردد:

* اثبات عقیده به روز آخرت و وزن اعمال بوسیله ترازوی خاصیکه خداوند به حقیقت او بهتر میداند.

* بیم دادن از احوال روز قیامت و عذاب خداوند - جل جلاله -.

* آمدن تغییر بزرگ در نظام کاینات و متلاشی شدن کوه‌ها.

* قوت حرارت آتش جهنم.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{تَكُونُ} {ثَقَلَتْ} {مَوَازِينُهُ} {خَفَّتْ} {رَاضِيَةٍ} {فَأُمُّهُ}

(۲) چرا به قیامت "قارعة" گفته شده است؟

(۳) آیه کریمه ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾ را مختصراً تفسیر کنید.

(۴) تکرار نام قیامت و به کار بردن استفهام چه چیز را می‌رساند؟

(۵) تشبیه جهنم به ما در نشان دهنده چیست؟



کارخانه‌گی

پنج آیه اول سوره "الْقَارِعَةُ" را با ترجمه آن بنویسید.

سورة التكاثر

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ﴾ (۱) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿۲﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۳﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۴﴾
 كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿۵﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿۶﴾ ثُمَّ لَتَرَوْنها عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿۷﴾ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ
 يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿۸﴾

معانی کلمات

{أَلْهَاكُمْ}	غافل ساخت شما را.
{التَّكَاثُرُ}	افزون طلبی، تفاخر.
{زُرْتُمْ}	دیدید یا رسیدید.
{الْمَقَابِرُ}	قبرستانها.
{كَلَّا}	نه چنان است.
{سَوْفَ}	زود است.
{عِلْمَ الْيَقِينِ}	به علمی که در آن شک نباشد.
{عَيْنَ الْيَقِينِ}	به چشم یقین (دیدن بی شبهه).
{النَّعِيمِ}	نعمت های.

ترجمه آیات

غافل ساخت شمارا افتخار به زیاد طلبی (۱) تا آنکه رسیدید به گورستان (۲) نه چنین است زودا که بدانید (۳) باز هم نه چنین است زودا که بدانید (۴) هرگز چنین نیست اگر بدانید بعلم یقین (۵) البته خواهید دید دوزخ را (۶) پس هر آئینه خواهید دید آنرا به چشم یقین (۷) سپس پرسیده خواهید شد در آن روز از نعمت ها (۸)

معرفی سوره

سوره التکائر از سوره‌های مکی است، هشت آیت دارد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۲) قرار گرفته است، موضوع این سوره بیم دادن از غفلت و فخر فروشی بر دیگران در کثرت مال و منال دنیا یا زن و اولاد و قوم و قبیله است.

سبب نزول سوره

ابن ابی حاتم از ابو بریده روایت نموده که این سوره درباره دو قبیله (بنی حارثه و بنی مالک) که میان هم در کثرت تعداد تفاخر داشتند نازل شده است. در تفسیر کابلی نگاشته شده است: "در بعض روایات آمده است وقتی دو قبیله عرب بر کثرت نفوس خویش مفاخره می نمودند چون پس از نفوس شماری تعداد نفوس یک قبیله نسبت به آن دیگر کم بر آمد گفتند بسیاری از افراد ما در جنگ کشته شده اند بیائید که به قبرستان رفته قبر هارا شماریم تا ظاهر گردد که نفوس قبیله ما نسبت به شما چقدر زیاد است و چه نامداران گذشته اند، این بگفتند و متوجه مرده شماری شدند این است که این سوره نازل شد."

تفسیر اجمالی

﴿أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ این آیه مبارکه به دو گونه تفسیر شده است اول اینکه: افتخار ورزی به دنیا آنچنان شما را غافل ساخت تا مرگ به شما فرا رسید و به قبرستان انتقال یافتید، دوم اینکه مفاخره در کثرت نفوس و تعداد افراد شمارا چنان حریص ساخت تا همدیگر را به رفتن به قبرستانها دعوت دادید، بنابر تفسیر اول مراد از زیارت قبور گذاشتن انسان حریص به قبر است که در آن لحظه به بی وفایی دنیا پی می برد، بنابر تفسیر دوم مراد از زیارت قبور رفتن به آنجا و بر شماری مرده گان است چنانچه در شان نزول ذکر شد، اما آیات مبارکه هر دو احتمال را شامل است. امام احمد و بخاری و مسلم از انس رضی الله عنه روایت نموده اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "بنی آدم چون به دنیا آید دو خاصیت باخود همراه آورد: یکی حرص، و دیگری آرزو و امید."

باز به شکل تهدید الله تعالی می فرماید: ﴿كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ چنین نیست که شما می پندارید، زود است که بفهمید، باز زود است که بفهمید، کلمه "کلا" برای زجر و توبیخ

استعمال می‌شود، و درینجا هدف از آن سرزنش از مشغول شدن کامل به دنیا و غافل شدن از آخرت است، تکرار این کلمه بیانگر توبیخ بیشتر و خشم و غضب خدای متعال است.

بعد از آن فرمود: ﴿كَأَلَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾ نه چنان است اگر شما عاقبت افتخار ورزی خویش را در امور دنیوی خوب درک کنید چنین کاری را انجام نمی‌دهید "لو" حرف شرط است و جواب آنرا مفسرین کرام محذوف دانسته اند یعنی (لما تفاخرتم بكثرة أموالكم) اگر به علم یقین میدانستید آنچه را که در قبر و مراحل بعدی آن به آن مواجه می‌شوید هر گز به کثرت اموال یا جمعیت تان تفاخر نمی‌نمودید.

﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ﴾ آیه اول جواب قسم مقدر است یعنی قسم به عزت ما هر آئینه می‌بینید آتش جهنم را، بلکه به چشم سر و بطور آشکار جهنم را مشاهده میکنید، چنانچه در روایات آمده است روز قیامت جهنم در میدان محشر آورده می‌شود مؤمن و کافر همه آن را مشاهده میکنند، اما در نهایت مسلمان نجات می‌یابد و مشرک و کافر در آن فرو می‌افتند، عین الیقین درجه بالاتر از علم الیقین است زیرا شک و شبهه با مشاهده و رؤیت کاملاً از بین می‌رود.

در آخر الله جل جلاله خبر میدهد که شما حتماً در روز قیامت از نعمت‌های که در دنیا برای تان داده شده است پرسیده خواهید شد. و این نعمت‌ها بسیار اند مثل: صحت، امنیت، جوانی، غذاهای متنوع، همسر، فرزند و غیره، در حدیثی که سنن ترمذی و مسند بزار و غیره آن را روایت نموده اند آمده است: "لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ مَاذَا عَمِلَ بِهِ". بنده در روز قیامت پیوسته به پای خود ایستاده خواهد بود تا آنکه چهار سؤال از وی صورت گیرد: از عمرش که در چه کاری آن را سپری نموده است، و از جوانی اش که در چه راهی آنرا ضایع گردانیده است، و از مالش که از کجا آن را بدست آورده و در کدام جهت آن را صرف نموده است، و از علمش که چه عملی به مقتضای آن انجام داده است. بناء بر انسان است تا نعمات الهی را پاس داشته و عمرش را در طاعت و فرمانبرداری خالق خویش سپری نماید.

شاگردان در مورد غفلت انسان و اینکه چه چیزهای باعث غفلت می‌شود بین یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات این سوره مبارکه مجموعه‌ای از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد.

* بیان بی توجهی مردم نسبت به روز آخرت و آغشته شدن به لذایذ دنیا و فریب خوردن به زرق و برق آن.

* بیم دادن از مال اندوزی زیاد بدون از شکر خداوند.

اثبات عذاب قبر در صورتیکه مراد از ﴿زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ گذاشتن مرده در قبر گرفته شود.

* تاکید بر مورد پرسش قرار گرفتن بنده از نعمت‌های خداوندی، اگر در زمره‌ی شاکرین قرار گیرد پیروز گردد و اگر در جمله‌ی ناسپاسها قرار گیرد به عذاب گرفتار شود.

اشاره به منزله‌های مختلف علم و دانش که عالیت‌ترین آن‌ها عِلْمُ الْيَقِينِ است.



۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{الْهَآكُمُ} {زُرْتُمُ} {الْمَقَابِرُ} {كَلَّا} {سَوْفَ} {عِلْمُ الْيَقِينِ} {عَيْنَ الْيَقِينِ} {النَّعِيمِ}

۲) سبب نزول سوره "التكاثر" را بیان دارید؟

۳) كلمه "كلا" برای چی می‌آید؟

۴) چگونه همه‌ی انسان‌ها در آخرت جهنم را مشاهده می‌کنند؟

۵) دو نکته از آموختنی‌های سوره را بیان دارید؟



کارخانه‌گی

نظر مفسرین را در مورد تفسیر آیه‌های اول و دوم سوره "التكاثر" بنویسید.

سورة العصر

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿وَالْعَصْرِ ۝۱﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾ أَلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ
 وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾

معانی کلمات

- {وَالْعَصْرِ}: قسم به زمان.
 {إِنَّ}: حرف تحقیق است بمعنی هر آینه (بتحقیق که).
 {الْإِنْسَانُ}: آدمی.
 {خُسْرٍ}: زیان و نقصان.
 {تَوَاصَوْا}: یکدیگر را توصیه کردند.
 {بِالْحَقِّ}: به حق (دین و عقیده حق، قول حق، عمل حق)
 {بِالصَّبْرِ}: به صبر کردن در راه حق.

ترجمه آیات

قسم است به عصر (۱) هر آینه انسان در زیان است (۲) مگر آنانیکه ایمان آوردند و عمل‌های شایسته انجام دادند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و به شکیبائی توصیه نمودند (۳).

معرفی سوره

سورة العصر مکی بوده، دارای سه آیت است و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۳) قرار دارد، موضوع آن معرفی کردن انسان‌های زیان کار و سعادت مند است.

فضیلت سوره

طبرانی از عبید الله بن حفص روایت نموده است که: وقتی دوتن از اصحاب پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - یکجا می‌بودند از هم جدا نمی‌گردیدند تا وقتی که سورة العصر را به یکدیگر یاد آور

نمی‌شدند، و بعد از یکدیگر خدا حافظی می‌کردند. امام شافعی - رحمه الله - گفته است: اگر مردم نسبت به این سوره از فکر و دقت کار گیرند (یعنی خود را به مفاهیم آن آشنا سازند) برای هدایت و سعادت ایشان کافی است.

تفسیر اجمالی

﴿وَالْعَصْرِ﴾ هر آن چیزیکه خدای زمین و آسمانها به آن قسم یاد کند نشانه ارزش و اهمیت به سزای آن است و در این آیه کریمه خدای متعال به زمانه نظر به اهمیتی که دارد قسم خورده است؛ چون زمان برای کسانی که قدر آن را بفهمند یکی از بزرگترین نعمات است، زمان بهترین درسها و عبرتها را به انسان میدهد، عمر انسان که در این زمانه داخل است باقیمت ترین سرمایه است که بوسیله آن انسان میتواند کمالات دنیا و آخرت را نصیب گردد.

بعضی از مفسرین مراد از عصر نماز عصر را گرفته اند زیرا در آخر روز و وقت بسیار با فضیلت قرار دارد و کسیکه نماز عصر را ادا کند ثواب زیاد کسب مینماید، در حدیث شریف آمده است: "هر آنکس که نماز دیگرش فوت شد گویا خانمانش تاراج گردید" و بعضی مراد زمانه پیغمبر خدا را دانسته اند زیرا در این زمان هدایت بزرگ یعنی دین اسلام برای همه بشریت به ارمغان آمد.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ این جمله جواب قسم است که میفرماید همه انسانها در زیان و نقصان هستند زیرا سرمایه حیات شان برباد می‌رود و روز به روز از آن کاسته می‌شود؛ اما آنها در لذت‌های ناچیز دنیا غرق اند و نمی‌دانند که این دنیا وفا و بقای ندارد، برای اثبات این مطلب به گذشته نظر باید کرد، کجا اند آنانیکه از مال و منال و قدرت و شوکت بر خور دار بودند و متابعت حق را کنار گذاشتند؟ مگر دنیا و لذت‌های آن برای شان باقی ماند؟ مگر آنچه که آن را سبب کامیابی میدانستند ایشان را از مرگ و عواقب آن باز داشت؟ علاوه از آن اکثریت انسان‌های دنیا در مشکلات زنده‌گی می‌کنند ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ ما انسان را در رنج و مشقت‌ها آفریدیم پس اگر این انسان بی‌چاره در دنیا ایمان نیاورد و عمل صالح انجام ندهد زیان دنیا و آخرت را می‌بیند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ این آیت استثنا است از آیت قبلی که در آن اعلان زیان و خسارت برای همه بشر شد اینک یک گروه را از آنها جدا می‌کند و آن گروه کسانی اند که چهار

خصلت در آن‌ها موجود باشد:

نخست آنکه به تمام اموری که ایمان آوردن به آن‌ها فرض است (ایمان به یگانگی خدا، ایمان به پیامبران خدا، کتابهای آسمانی، فرشتگان، روز آخرت، ایمان به قدر بر اینکه خیر و شر از جانب الله تعالی است) ایمان آورند، یعنی الله تعالی را بصفته خالق و آفریدگار و حاکم خود بپذیرند. دوم اینکه کارهای نیک را انجام داده، و احکام و اوامر الهی را بجا نمایند و از منکرات و نواهی اجتناب ورزند، یعنی در قلب خود ایمان داشته و به جوارح خود اعمال نیک را بسر رسانند. سوم اینکه یکدیگر را به حق توصیه و رهنمائی کنند. یعنی در اموری که نباید از آن‌ها غفلت کرد یکدیگر را توصیه نموده و به ثابت قدمی دعوت نمایند.

زمخشری در تفسیر خود گفته است: حق عبارت است از هر کار نیک و پسندیده و خیر اندیشی، چون توحید الله جل جلاله، اطاعت از وی، و پیروی از پیامبران و عمل به کتابهای الله، وزهد و تقوی و غیره.

و چهارم اینکه خویشتن را به صبر و بردباری تلقین نمایند، صبر به سه قسم می‌باشد:

الف - صبر بر اداء نمودن فرایض و اوامر الله ﷻ.

ب - صبر بر اجتناب از اموری که انسان از آن نهی شده است.

ج - صبر بر تکالیف و سختی‌های دعوت بسوی الله متعال.

اینکه قرآن مجید توصیه به حق را از اسباب نجات از خسران و زیان میداند اشاره به این است که انسان نباید تنها در فکر نجات خود باشد بلکه باید در فکر سعادت دیگران نیز باشد و این کار از طریق دعوت و امر به معروف و نهی از منکر به پیش می‌رود؛ اما چون کار دعوت سخت و دشوار است و در این راه باید متحمل زحمات شد لذا توصیه به صبر نیز با ید همگام او باشد.



شاگردان در مورد ارزش و اهمیت زمان با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- * تاکید بر اهمیت وقت و استفاده درست از آن.
- * بیان سرنوشت انسان‌های حق ناشناس که همانا خسران و زیان است.
- * بیان پیروز گاری اهل ایمان و عمل صالح که همانا رستگاری و فلاح دنیوی و اخروی است.
- * وجوب توصیه کردن مسلمانان یکدیگر را به حق و به صبر در راه حق.
- * اثبات وجوب دعوت در راه خدا ﷻ.



- (۱) کلمات و جملات ذیل را ترجمه کنید:
{وَالْعَصْرِ} {خُسْرٍ} {تَوَاصَوْا} {بِالْحَقِّ} {بِالصَّبْرِ}
- (۲) بعض از فضایل سوره مبارکه «وَالْعَصْرِ» را بیان کنید.
- (۳) موضوع اساسی سوره «وَالْعَصْرِ» را بیان دارید.
- (۴) آیه مبارکه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» را توضیح دهید.
- (۵) صبر بر چند قسم است؟ اقسام آن را بیان کنید.



کارخانه‌گی

مفهوم سوره مبارکه "العصر" را در مقاله بگنجانید که از هشت سطر کم نباشد.

سوره همزه

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿۲﴾ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿۳﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿۴﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿۵﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿۶﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿۷﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿۸﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿۹﴾ ﴿

معانی کلمات

{وَيْلٌ}: هلاکت باد، وای باد (نام وادی در جهنم نیز است).	{الْمُوقَدَةُ}: افروخته شده.
{هُمَزَةٍ}: طعنه زننده.	{تَطَّلِعُ}: میرسد و غلبه میکند.
{لُّمَزَةٍ}: عیب جو.	{الْأَفْئِدَةِ}: دلها.
{وَعَدَّدَهُ}: حساب کند آنرا.	{مُؤَصَّدَةٌ}: از هر جانب بند کرده شده.
{أَخْلَدَهُ}: جاوید گرداند او را.	{عَمَدٍ}: ستونهای.
{لَيُنْبَذَنَّ}: انداخته خواهد شد.	{مُمَدَّدَةٍ}: بلند.
{الْحُطَمَةُ}: آتش خورد کننده.	

ترجمه

وای بر هر طعنه زننده عیب جو (۱) آنکه گرد آورد مال را و بر شمارد آن را (۲) پندارد که مالش او را جاوید گرداند (۳) نه چنان است، البته انداخته خواهد شد در حطمه (۴) و چه چیز مطلع ساخت ترا که حطمه چیست (۵) آتش افروخته شده الله (۶) آنکه غلبه میکند بر دلها (۷) آن آتش بر آنها از هر سو فرو بسته شده است (۸) در ستونهای دراز (۹).

معرفی سوره

سوره هُمَزَه مکی است، نه آیت دارد و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۴) قرار گرفته است، این سوره مبارکه توبیخ برای کسانی است که معیار فضیلت و اسباب پاینده گی را جمع مال و کثرت آن دانسته و بر این اساس دیگران را مورد تمسخر قرار میدهند، نام این سوره از اولین آیت آن گرفته شده که لفظ "همزه" در آن آمده است.

سبب نزول

گروهی از مفسرین گفته اند: این سوره در مورد اخنس بن شریق نازل شده است که از مردم عیب جویی میکرد و بر آنها می‌خندید حتی که در شأن پیغمبر خدا نیز چنین جرمی را مرتکب می‌شد، مقاتل میگوید: این سوره در مورد ولید بن مغیره نازل شده است که در غیاب پیامبر را غیبت می‌نمود، و این روایت نیز آمده است که امیه بن خلف نیز چنین کاری می‌کرده، همچنان از عده دیگری نیز نام برده شده است که احتمال نزول این سوره در مورد آنها می‌رود، البته امکان دارد که این سوره در مورد همه آنها نازل شده باشد، مگر سبب نزول هرچه باشد بازهم سوره در باره همه آنها کسانی خواهد بود که با این صفات موصوف اند، چون بادر نظر داشت اصول تفسیر خصوصیت سبب نزول با عموم لفظ یعنی معنی و حکم عام آن منافاتی ندارد.

خلاصه سوره

موضوعات اساسی این سوره را سه چیز تشکیل میدهد:

۱- انذار در مورد عیب جوئی و تمسخر مردم.

۲- رد بر دنیا پرستی.

۳- بیان اوصاف آتش جهنم.

تفسیر اجمالی

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ ویل کلمه است که دلالت بر مذمت و دعای بد میکند و به معنی رسوایی و هلاکت و عذاب می‌آید چنانچه نام یکی از وادی‌های جهنم نیز ویل است. برای "همز" و "لمز" معانی مختلف ذکر گردیده است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

"همز" تمسخر کردن کسی به زبان است و "لمز" تمسخر کسی به اشاره و امثال آن.

"همز" طعنه زدن را گویند و "لمز" عیب جوئی کردن را.

"همز" عیب جویی کردن در پیش رو است و "لمز" عیب جویی کردن در پشت سر.

گویند ولید بن مغیره که از جمله سرسخت ترین دشمنان اسلام به شمار می‌رفت، از مسلمانان و پیغمبر خدا در محضر مشرکین عیب جویی میکرد، آنها را به باد تمسخر می‌گرفت و مردم را علیه مسلمانان می‌خندانید. این شخص کافر پول و ثروت زیادی را جمع نموده بود تا بزعم خودش بدینوسیله در دنیا زنده گی جاویدان داشته باشد، این آیات در مورد او و امثال وی نازل گردید، خداوند متعال فرمود برای مردمی هلاکت باد که بر دیگران عیب جویی می‌کنند و خود به مال و ثروت خویش مغرورند و

گمان می‌برند که این کثرت مال و اولاد زنده‌گی و حیات شان را جاودانه میگرداند.

﴿كَأَلَّا لَيُبَدِّلَنَّا فِي الْحُطْمَةِ﴾ این آیه مبارکه به طور تاکید فکر و گمان ولیدبن مغیره وامثال او را رد نموده میفرماید نه آنچنان است که او می‌پندارد، خود را با عزت و دیگران را ذلیل می‌شمارد، بزودی لحظه‌ی فرا خواهد رسید که ذلت به سراغ او آید و آن وقتی است که وی در آتش جهنم انداخته شود، "حطمة" از حطم گرفته شده که بمعنی کسر یعنی شکستن و نابود کردن می‌آید و آن نام یکی از طبقات جهنم یا مطلقاً نام جهنم است و به این سبب به آن حطمه اطلاق گردیده است که هر چیزیکه در جهنم انداخته شود حرارت شدید آن آنرا در هم می‌شکند.

سپس الله تعالی هیبت این آتش را بیان می‌فرماید و می‌پرسد که تو چه دانی که این آتش شکننده چیست؟

آنگاه خود جواب میدهد که آن آتش، آتش افروخته شده‌ی خداوند است ﴿نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ﴾ و معلوم است که به همان اندازه که عظمت خداست آنچه را که او بر افروزد نیز عظیم و قوی خواهد بود الله تعالی بعد از آن سه صفت از صفات آن آتش را بیان میدارد اول آنکه این آتش نه تنها جسم‌ها را می‌سوزاند بلکه به قلب‌ها خود را می‌رساند ﴿الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ﴾ ذکر قلب از آن جهت است که نسبت به هر عضو دیگر بدن بیشتر احساس درد می‌نماید و یا بدان جهت است که قلب مرکز عقاید باطل و نیت‌ها و اراده‌های ناپسند کفار است و بدین لحاظ بطور خاص بیان داشت که این آتش برفراز دلهای شان افروخته گردد، دوم اینکه این آتش از هر جانب مجرمین را احاطه می‌کند مثل تنوریکه در آن چیزی گذاشته شود و سر آن نیز مسدود کرده شود ﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ﴾ سوم اینکه شعله‌ی آن همچو ستونهای بلند بطرف بالا سر می‌کشد ﴿فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾.

یقیناً صفات هولناک جهنم و آتش سوزان آن هر انسان عاقل و خداترس را وادار می‌سازد تا زنده‌گی دنیا را مطابق با احکام و اوامر الهی سپری نموده و برای نجات از عذاب دوزخ سعی و تلاش نماید.



شاگردان در مورد گناه سخت طعنه زدن و عیب جستن و یا مسخره کردن دیگران باهم بحث و گفتگو کنند.

فوائد درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌شود.

- * بیم و انداز از غیبت و عیب جوئی مردم.
- * تهدید شدید برای کسانی که مغرور به مال و ثروت اند.
- * خبر دادن از آینده سوء آنانیکه بر رسول خدا و اصحاب کرام او طعنه وارد می‌کنند.
- * بیان شدت و سختی آتش جهنم.
- * بیان چند صفت از صفات آتش دوزخ.
- * ضرورت سعی و کوشش همیشگی برای نجات از سختی‌های قیامت و عذاب دوزخ.



۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{هُمَزَةٍ} {لُرَةٍ} {الْحُطْمَةِ} {المُوقَدَةُ} {مُؤَصَّدَةٍ} {مُحَدَّدَةٍ}

۲) مطالب مهم سوره "همزه" را بیان دارید.

۳) "ویل" چه معنی دارد؟

۴) چرا به آتش جهنم "حطمه" گفته شده؟

۵) دو صفت از صفات آتش جهنم را آن چنان که در این سوره آمده است بیان کنید.

۶) سه نکته از آموختنی‌های این درس را ذکر کنید.



کارخانه‌گی

شاگردان مفهوم اجمالی سوره مبارکه "همزه" را در یک صفحه بنویسند.

سورة الفيل

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ (۱) ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾ (۲) ﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (۳) ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ (۴) ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾ (۵) ﴿

معانی کلمات

{أَلَمْ تَرَ:}	آیا ندیدی؟ یعنی به علم تو نرسید.
{كَيْدُهُمْ:}	مکر ایشان را.
{تَضْلِيلٍ:}	گمراهی و بی فائده.
{أَبَابِيلَ:}	گروه گروه.
{سِجِّيلٍ:}	گل پخته شده.
{كَعَصْفٍ:}	مانند کاه.
{مَأْكُولٍ:}	خورده شده، لگد مال شده.

ترجمه آیات

آیا ندیدی چه کرد پرودگار تو به اصحاب فیل (۱) آیا نگردانید مکر آن‌ها را در بی حاصلی (۲) و فرستاد بر ایشان پرنده‌گان را دسته دسته (۳) می‌انداختند بسوی ایشان سنگ ریزه‌ها از گل پخته (۴) پس گردانید ایشان را مانند کاهی خورده شده (۵).

معرفی سوره

سورة الفیل مکی است، پنج آیت دارد، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۵) قرار دارد، این سوره بیان گر سرنوشت اصحاب فیل (لشکر ابرهه) است که بقصد ویران کردن کعبه آمده بودند مگر الله تعالی همه ایشان را هلاک ساخت.

سبب نزول سوره

سبب نزول این سوره بیان واقعه فیل است و آن واقعه چنان بود که والی پادشاه حبشه در یمن که بنام ابرهه مسمی بود در آن دیار کلیسای بزرگی را تعمیر نمود، تا مردم به سوی این کلیسا روی آورده آن را مانند خانه کعبه زیارت کنند، مگر یک اعرابی شب هنگام درین کلیسا قضای حاجت نمود که بدین وسیله خشم و غضب ابرهه را برانگیخت بناءً او قسم یاد نمود که کعبه را ویران خواهد کرد، ازینرو لشکر بزرگی ترتیب داد که در ترکیب آن تعداد زیادی فیل‌ها نیز وجود داشت، این لشکر بطرف مکه به راه افتاد، وقتی به نزدیکی مکه رسید، ساکنین مکه چون قدرت مقابله باوی را نداشتند به کوه‌ها پناه بردند. آن‌ها به این عقیده بودند که کعبه صاحب دارد و او خود از آن دفاع می‌کند، لشکر ابرهه به چور و چپاول اموال اهل مکه پرداختند که در جمع این اموال صد شتر از عبدالمطلب بن هاشم (پدر کلان پیامبر - صلی الله علیه وسلم-) نیز شامل بود، گفته شده عبدالمطلب نزد ابرهه رفته خواهان گرفتن اموال خود شد، ابرهه از این تقاضا در شگفت شد و برایش گفت: در باره صد شتریکه از تو گرفتیم صحبت می‌نمائی و درباره قبله یی که از نیاکان تو مانده است و من برای ویران کردن آن آمده‌ام حرف نمی‌زنی؟ عبدالمطلب برایش گفت: من مالک شترها هستم و مالک کعبه خداوند بزرگ است، ابرهه با دادن صد شتر عبدالمطلب موافقت نمود، وقتی عبدالمطلب از نزد وی برگشت، به دروازه کعبه آمد و دست بند دروازه کعبه بگرفت و از خداوند علیه لشکر ابرهه کمک خواست.

همان بود که از سوی بحر یمن لشکری از مرغ‌های کوچک که در منقارها و پاهای شان سنگریزه داشتند بصوب لشکر ابرهه به پرواز در آمدند و آن سنگریزه‌ها را بر فراز ایشان رها می‌نمودند وقتی یکی ازین سنگریزه‌ها بر کسی اصابت می‌نمود از پای می‌افتید و جان می‌داد، بادیدن این رخداد لشکر ابرهه بسوی یمن راه فرار در پیش گرفتند، ایشان در اثنای راه نیز به زمین افتاده و جان دادند و خود ابرهه زخمی شد و به مرضی گرفتار شد که انگشتانش یکی بعد از دیگر می‌افتاد؛ سپس ریختن گوشت هایش شروع شد و به این ترتیب به حالت بدی جان داد.

تفسیر اجمالی

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ اگر چه پیغمبر خدا واقعه فیل را بچشم سر مشاهده نکرده بود لیکن شهرت و تواتر این واقعه بحدی بود که گویا آنرا دیده باشد لذا خدای متعال فرمود آیا ندیدی یعنی بعلم یقینی خبر نرسید ترا که خدایت با اصحاب فیل چه کرد؟ پس سؤال از دیدن نشانه یقینی بودن خبر است.

﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾ کید و مکر ابرهه این بود که اولاً قصد گسترش دعوت نصرانیت در منطقه را داشت، دوم اینکه برای رسیدن به این هدف خواهان تخریب خانه کعبه بود چنانچه عمل آن اعرابی بهانه خوبی برای وی شد، سوم اینکه قصد بهم زدن موقعیت تجارتی و اقتصادی مکه مکرمه و تبدیل آن به جهت یمن را داشت پس خدای متعال همه این سوء قصدها را بخاک یکسان ساخت و نابود نمود.

﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ﴾ این پرنده گان به دسته های مختلف از جانب بحر بسوی لشکر ابرهه به حرکت افتادند در حالیکه از بالای سر اهل مکه که به کوه ها پنا برده بودند می گذشتند هریکی از آنها سه سنگ ریزه با خود حمل میکرد یکی به منقار و دوی دیگر در چنگالهای شان قرار داشت این سنگ ریزه ها مشابعت به سفال یا گل پخته شده داشتند.

﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾ مراد تشبیه این لشکر هلاک شده به باقیمانده برگ گیاهان یا کاه است که بعد از خوردن حیوانات به زیر دست و پای شان لگد مال گردیده باشد.

بخاری و مسلم حدیثی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده اند که وی در روز فتح مکه فرمود: «بدون شک الله جل و علاه مکه را از شر فیل ها نجات داد و برمکه پیامبر و مؤمنان را مسلط ساخت و دوباره آن عظمت را به آن برگردانید که قبلاً داشت.»

یقیناً شکست ابرهه و لشکرش یکی از رخدادهای عجیب تاریخ است که برای همه بشریت درس عبرت شناخته شده است، و الله تعالی خواست که با این رویداد از کعبه نگهداری نماید و عظمت و شوکت آن را نگهدارد.

شاگردان در مورد احترام و عظمت خانه کعبه معظمه نزد مسلمانان باهم بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

- آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌شود:
- * تسلی دادن خاطر رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در برابر آزار و اذیت کفار قریش.
- * بیم دادن قریش از گرفت سخت خدا که ایشان شاهد آن بودند تا دست از انکار دین اسلام و ستیز با آن بکشند.
- * اظهار و نمایان کردن قدرت بی پایان خداوند در اینکه دارای لشکرهای غیبی بسیاری است.
- * بیان اینکه در صورت بر تر بودن نیروی ظاهری دشمن اتکا و امید به نیروی غیبی خداوند را نباید فراموش کرد.
- * واقعه عام الفیل در سال تولد نبی کریم - صلی الله علیه وسلم - نشانه آغاز امدادهای آسمانی است.



۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{كَيْدُهُمْ} {فِي تَضْلِيلٍ} {أَبَائِلَ} {مِنْ سَجِيلٍ}

۲) ابرهه و لشکریان او چه مکاری را به دل داشتند؟

۳) پرنده‌گان چگونه لشکریان ابرهه را مورد حمله قرار میدادند؟

۴) آیه کریمه ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾ را توضیح دهید؟



کارخانه‌گی

با استفاده از کتب تفسیر و سیرت واقعه فیل را مختصراً در کتابچه‌های خود بنویسید.

سوره قریش

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ﴾ (۱) إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿۲﴾ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿۳﴾ الَّذِي
 أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿۴﴾

معانی کلمات

{لَا إِلَافَ}: برای الفت و عادت داشتن.

{رِحْلَةَ}: سفر.

{الشِّتَاءِ}: زمستان.

{الصَّيْفِ}: تابستان.

{رَبِّ}: مالک.

{جُوعٍ}: گرسنگی.

{خَوْفٍ}: بیم دشمن.

ترجمه

از جهت الفت داشتن قریش (۱) الفت شان به سفر زمستان و تابستان (۲) پس باید عبادت کنند
 مالک این خانه را (۳) آنکه طعام داد ایشان را در گرسنگی و ایمن ساخت آنها را از ترس (۴).

معرفی سوره

سوره قریش مکی است، دارای چهار آیت است، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۶) قرار گرفته
 است، وجه تسمیه این سوره به قریش از آن جهت می باشد، که ذکر قبیلۀ قریش در آن آمده است.

خلاصه سوره

این سوره مکی از دو نعمت بزرگ الله تعالی که برای قریش عطا کرده بود یاد آوری میکند اول نعمت تجارت و رزق و روزی که بوسیله آن بدست می‌آوردند، دوم نعمت امنیت که در سایه آن به آرامی زنده‌گی خویش را به سر می‌بردند، در نتیجه از آن‌ها می‌خواهد که در سپاس این نعمت‌ها که به برکت خانه کعبه برای شان ارزانی شده است خدا را عبادت کنند و به یگانه‌گی او تعالی ایمان آورند.

تفسیر اجمالی

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ ایلاف مصدر فعل آلف است که بمعنی انس و الفت گرفتن می‌آید و ضد نفرت داشتن است، لام جار در اول آن نشان دهنده سببیت است معنی آیت چنین می‌شود: به سبب الفت داشتن قریش، آیت بعدی این الفت را مشخص می‌نماید که مراد از آن چیست: ﴿إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾ یعنی همان الفت شان به سفر تجارتي زمستان و تابستان، مردم قریش هر سال دو سفر مهم تجارتي داشتند که در پیشبرد امور اقتصادی شان نقش اساسی داشت، یکی در زمستان بطرف یمن و دیگری در تابستان بطرف شام، آن‌ها از این دو سفر شان استفاده‌های زیاد می‌کردند مثلاً: غله جات این مناطق را به ارزانی می‌خریدند و به قیمت مناسب می‌فروختند و خاصاً در ایام حج این خرید و فروش‌ها رونق زیاد می‌گرفت.

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ بعد از یاد آوری از نعمت‌های خداوندی این دو آیت اخیر سوره از قریشیان می‌خواهد که بشکرانه نعمتها منعم حقیقی را بشناسند و بجای بت‌های باطل فقط او را عبادت و پرستش کنند، ذکر خانه کعبه بخاطر این شده است که وجود خانه در سرزمین حجاز هم در رشد اقتصادی و هم در ایجاد امنیت نقش بسزایی داشت زیرا از یک جانب خانه کعبه محل تجمع مردم از هر طرف بود و از جانب دیگر مردم احترام و حرمت خانه و اهل آن را زیاد داشتند و آنهارا مورد تاخت و تاز و حمله و تجاوز قرار نمی‌دادند، پس تقاضای حق شناسی این بود که اهل مکه باید آن ذاتی را که به برکت خانه اش آنهارا از گرسنه‌گی نجات داد و

در امنیت و آرامش قرار داد عبادت میکردند و با پیغمبرش عناد و دشمنی نمی نمودند. این پیام را سوره برای تمام انسان هایی که خداوند به آنها نعمت های فراوان نصیب گردانیده است میدهد که ناشکری نعمت خدا را نکنند و شکر نعمت ها را بجای آورند.

امام رازی در مورد تفسیر **﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ﴾** می گوید: نعمت به دو گونه می باشد، یکی نعمت دفع ضرر و خساره از آدمی، و دیگری نعمت بدست آوردن بهره و مفاد. نعمت اولی مهم تر و با ارزش تر از نعمت دومی است بخاطر آنکه دفع ضرر از نفس واجب است، اما منفعت بدست آوردن واجب نیست، بناءً دفع لشکر اصحاب فیل از نوع نعمت اول بود، و زنده گی با امن و مطمئن قریش از نوع دوم و خداوند در این دو سوره به هردو نعمت اشاره فرمود و در قبال این دو نعمت، الله تعالی قریش را به عبادت خویش فرا خواند، تا فقط او را پرستش و عبادت کنند.

عبادت در برابر الله به مفهوم خضوع و انقیاد در پیشگاه رب العزت است، و با این خضوع و انقیاد حقیقت عبادت تحقق می پذیرد.



شاگردان در مورد نعمت امنیت که یکی از نعمتهای بزرگ خداوند محسوب می شود بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی های مهم را در بر دارد که به گوشه از آنها اشاره میگردد:

* بیان نعمات خداوند بر اهل مکه مکرمه.

* نجات از گرسنه گی و تامین امنیت مدار رفاهیت عامه است.

- * نقش مهم اقتصادی و امنیتی خانه کعبه شریفه.
- * اظهار اینکه نعمت هر اندازه بیشتر باشد شکر زیاد تری را طلب میکند.
- * تاکید بر وجوب عبادت خداوند و ترک عبادت ما سوای او - جل وعلا-.
- * تجارت یکی از وسائل مهم رشد اقتصاد جامعه است.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{رِحْلَة} {الشَّتَاءِ} {الصَّيْفِ} {جُوعٍ} {خَوْفٍ}

(۲) موضوعات اصلی سوره قریش چیست؟

(۳) مراد از ﴿رِحْلَة الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾ چیست؟

(۴) نعمت دفع ضرر و نعمت جلب منفعت با هم چه فرقی دارند؟



کارخانه‌گی

خلاصه این سوره را در شش سطر بنویسید.

سورة الماعون

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ﴾ (۱) ﴿فَإِذَا دُعِيَ إِلَى الْيَتِيمِ﴾ (۲) ﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ (۳) ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ﴾ (۴) ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (۵) ﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ﴾ (۶) ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ (۷) ﴿

معانی کلمات

- {الدِّينَ}: روز آخرت و جزای اعمال.
- {يَدْعُ}: به زور میراند.
- {وَلَا يَحْضُ}: ترغیب و تشویق نمیدهد (نفس خود و دیگران را).
- {فَوَيْلٌ}: پس هلاکت و عذاب باد.
- {سَاهُونَ}: غفلت کننده گان.
- {يُرَاءُونَ}: ریا کاری می کنند.
- {الْمَاعُونَ}: اسباب و وسائل منزل.

ترجمه آیات

آیا دیدی آن شخصی را که دروغ می شمرد روز جزا را (۱) پس آن کسی است که به اهانت میراند یتیم را (۲) و ترغیب نمیدهد بر طعام دادن بینوا (۳) پس وای باد آن نماز گزارانی را (۴) که ایشان از نماز خود غفلت می ورزند (۵) آنانیکه که ریا می کنند (۶) و به عاریت نمی دهند وسائل و ما یحتاج خانه را (۷).

معرفی سوره

سوره الماعون مکی است، مگر ابن عباس، وقتاده آن را مدنی خوانده اند، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۷) قرار دارد، تسمیه این سوره به الماعون بنابر کلمه ایست که در آخر این سوره آمده که بمعنی زکات یا اشیاء قابل ضرورت زنده گی روز مره میباشد، این سوره بطور کلی بیانگر حالات کفار و منافقین است.

خلاصه سوره

بخش اول سوره الماعون در باره مذمت انسان های کافر است که فرا رسیدن روز حساب و کتاب را دروغ شمرده اند، و علاوه بر آن به دو صفت دیگر نیز موصوف میباشند: یکی آنکه: یتیم در نظر این افراد حقیر و پست جلوه مینماید ازینرو او را از خود می رانند. دوم اینکه: مردم را به طعام دادن مسکینان ترغیب و تشویق نمی نمایند و نه خود به این عمل اقدام میکنند.

بخش دوم سوره درباره تقبیح منافقین است که ظاهراً ایمان دارند مگر در پنهان کفر را بر ایمان ترجیح میدهند این افراد علاوه بر نفاق شان به سه صفت موصوف اند:

۱- بی پروائی در امر نماز.

۲- خود نمائی با عملکرد خود در برابر مردم.

۳- منع مردم از چیزهای خورد و کوچک که معمولاً انسان ها در زنده گی به آن احتیاج دارند و با گرفتن عاریت از مردم مشکل خود را حل می سازند.

تفسیر اجمالی

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ﴾ اگرچه خطاب در همچو موارد در قدم اول متوجه پیغمبر - صلی الله علیه و سلم - است مگر اسلوب بیان قرآن کریم در این گونه خطاب ها طوری است که هر صاحب فکر و عقل را مخاطب قرار می دهد. از طرف دیگر اگرچه ظاهراً صیغه "أَرَأَيْتَ" بوجه سؤال و استفهام آمده است مگر مقصد از آن مبالغه در تعجب و حیرت از عملکرد انسان های بد کار است، میفرماید: آیا دیدی آن کسی را که از روز جزا انکار می کند؟ مفسرین کرام فرموده اند مراد از آیت کریمه بطور خاص عاص بن وائل یا ولید بن مغیره است اما شامل هر منکر موصوف به صفات مذکوره میگردد.

﴿فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾ فعل يَدْعُ معنی راندن و دور کردن کسی یا چیزی را میدهد که همگام با شدت و عصبانیت با شد، راندن یتیم و ندادن حق او دلیل واضح بر عدم ایمان شخص است که چون به جزای اعمال معتقد نیست هر نوع ظلمی را که سخت ترین آن ظلم بر یتیم است مرتکب می شود.

﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ﴾ فعل حض يحض معنی بر انگيختن و تشويق کردن را میدهد و حکمت از ذکر آن اهم جلوه دادن اطعام مساکين است به این معنی که نه تنها انجام دادن آن عمل ضرور است بلکه رغبت قلبی داشتن و ترغيب دادن ديگران برای انجام آن نیز واجب و ضروری میباشد و ترک آن در بعض حالات از علامات کفر و نفاق بحساب می آید.

﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ از این آیت کریمه بیان صفات منافقین شروع می شود زیرا آنان گاه گاهی در نمازها شرکت می کنند و مدعی ایمان می باشند؛ اما نماز شان از قلب سرچشمه نمی گیرد لذا نسبت به نمازهای خویش غفلت زیاد می ورزند که از آن جمله تاخیر نماز و قضا کردن آن و بی رغبتی در آن میباشد.

﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ یعنی وقتیکه نماز را ادا می کنند یا هر عمل دیگری را انجام میدهند در انجام آنها ریا کاری می کنند و همه کوشش شان این است که مردم عمل شان را ببینند و بر آنها اعتماد کنند یا آنها را متقی و پرهیزگار بگویند، دیگر اینکه در دادن وسائل و امکانات ناچیز زنده گی بخل می ورزند که چون کسی از آنها طلب عاریت کند مانع از دادن آن می شوند مثل دیگ، کاسه، کلنگ، تیشه، تبر، ریسمان وغیره که عادتاً مردم از یکدیگر برای رفع حاجات شان عاریت میگیرند.



شاگردان در مورد اهمیت ادا کردن نماز در وقت آن با یکدیگر بحث و گفتگو کنند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌گردد:

* مذمت مردمی که منکر روز آخرت و حساب و کتاب می‌باشند و بیان تعجب و حیرت از عقیده و اندیشه ایشان.

* اظهار بعض از صفات مهم منکرین آخرت مثل راندن یتیمان و طعام ندادن به مسکینان.

* بیم و انذار از خوردن مال یتیم و ظلم روا داشتن بر وی.

* انذار از اینکه کسی نسبت به نماز هایش غفلت نماید.

* بیان اینکه ریا کاری از اعمال منافقین است.

* بیان اینکه بخل ورزیدن در دادن چیزهای عادی بطور عاریت به محتاجین از صفات منافقین است.



(۱) وجه تسمیه این سوره را به "الماعون" بیان دارید.

خطاب در "أَرَأَيْتَ" شامل چه کسانی است؟

فعل "يَدْعُ" چه معنی میدهد؟

(۲) چرا آیه کریمه بجای اینکه بگوید برای مسکینان طعام نمیدهد فرمود: به اطعام مساکین ترغیب و تشویق نمی‌نماید؟

(۳) مراد از غفلت ورزیدن نسبت به نمازها چیست؟

(۴) کلمه "ماعون" چه را افاده می‌کند؟



کارخانه‌گی

در مورد صفات کفار و منافقین در روشنائی این سوره مبارکه چند سطر بنویسید.

سورة الكوثر

بسم الله الرحمن الرحيم
﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿۲﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿۳﴾

معانی کلمات

- {الْكَوْثَرُ}: حوضی در جنت (و به معنی خیر کثیر نیز می آید)
{وَانْحَرْ}: قربانی کن.
{شَانِئَكَ}: بغض کننده با تو.
{الْأَبْتَرُ}: ذلیل، برای کسیکه از او نسبی باقی نماند اَبتر گفته می شود.

ترجمه آیات

هر آئینه ما دادیم ترا کوثر (۱) پس نماز گزار برای پروردگارت و قربانی کن (۲) هر آئینه دشمن تو همان است دم بریده (۳).

معرفی سوره

نزد جمهور سوره الكوثر مکی است، نزد حسن، عکرمه و قتاده مدنی خوانده شده است، این سوره مشتمل بر سه آیه است، و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۸) قرار می گیرد، این سوره مبارکه بنام النحر نیز یاد شده است.

فضیلت سوره

امام احمد به نقل از انس بن مالک - رضی الله عنه - حدیثی روایت نموده که یک وقت خواب بر پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - مستولی شد و بعد خنده کنان از خواب بیدار شدند، صحابه کرام و به روایتی خود پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از اصحاب پرسید: می دانید که چرا خندیدم و یا می دانید که علت خنده ام چه بوده است؟ همین حال سوره یی برایم نازل گردید، و بعد آن سوره را

به خواندن گرفت ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾؛ سپس پیامبر بزرگوار فرمود: آیا می‌دانید که کوثر چیست؟ صحابه کرام فرمودند: الله ورسولش بهتر دانند. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: کوثر حوضی است در بهشت که الله تعالی آن را به من بخشیده است ودراین حوض خیر زیادی است، امتان من در روز قیامت برای نوشیدن آب برآن جمع شوند، جام‌های آن به شمار ستاره‌های آسمان باشد.

سبب نزول این سوره

در روایات مختلف آمده است که وقتی مشرکین مکه به سبب وفات فرزندان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اورا ابتر یعنی مقطوع النسل خواندند، وبه علت وفات پسرانش احساس شادمانی نمودند، همان بود که سوره الكوثر به ارتباط همین موضوع بعنوان اعلان نازل شد که خداوند به پیغمبرش خیر و برکت کثیر نصیب نموده است و وفات کدام فرزند وی از شان وشوکت پیامبری وی چیزی نخواهد کاست، و فقط کسانی که باوی حسادت می‌ورزند خیر و برکت از آنها قطع گردیده است وکدام چیزی که نام نیک ایشان را در تاریخ ثبت نماید از خود به جای نگذاشته اند، در شان نزول این سوره بطور خاص مفسرین گرامی نام عاص بن وائل را ذکر نموده اند که وقتی یک فرزندی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بنام عبد الله وفات یافت، عاص بن وائل گفت: نسل وی قطع گردید و دیگر کسی از وی نمانده است که نامش را بلند کند، اما ابن عباس - رضی الله عنهما - گفته است: که این آیات در باره ابوجهل نازل شده است، واین سوره با مفهومش شامل همه آنها می‌شود که در دشمنی باپیامبر شهرت خاص داشتند.

تفسیر اجمالی

در آیت اول این سوره مبارکه به نعمت‌های خداوند که به پیغمبرش ارزانی نموده است اشاره گردیده و خداوند متعال میفرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ ضمیر انا اشاره بطرف رب ذوالجلال است یعنی ما برای تو کوثر را عطا نمودیم، در تفسیر کوثر اقوال زیادی از مفسرین نقل گردیده است اکثر مفسرین بر این اند که کوثر نهری در جنت است و از همان نهر، آب به حوضی که در محشر واقع است آب جاری

می‌شود، بر اساس قول دوم: کوثر همان حوضی است که در عرصات قیامت قرار دارد. و قول سوم این است که مراد از کوثر ذریهٔ پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - است که خدای متعال در آن برکت انداخت تا در سر تاسر زمین پخش و نشر گردیدند، همچنان مراد از کوثر علمای امت، قرآن مجید، دین اسلام، نبوت و غیره نیز گفته شده اما راجح ترین این اقوال همان قول اول و دوم است.

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ در این آیه کریمه خدای متعال پیغمبرش را دستور میدهد تا در قبال آن فضل بزرگی که به وی نصیب فرموده است سجده به درگاه خداوند نماید و نیز برای خدا و به خاطر او قربانی نماید.

قتاده، عطاء و عکرمة گفته اند: درین سوره مراد از نماز، نماز عید، و مراد از ذبح قربانی روز عید است، به همین لحاظ در حدیثی که بخاری و دیگران از براء بن عازب روایت نموده اند آمده است: «خطبنا النبی صلی الله علیه و سلم یوم الأضحی بعد الصلاة فقال: "من صلی صلاتنا ونسک نسکنا فقد أصاب النسک ومن نسک قبل الصلاة فإنه قبل الصلاة ولا نسک له"» نبی کریم روز عید قربان بعد از نماز برای ما خطبه ایراد نموده فرمود: کسیکه این نماز را با ما بخواند و ذبیح خود را به طریقهٔ ما ذبح نماید، در حقیقت به طریقه مسنون قربانی نموده است، و کسیکه قبل از نماز قربانی خود را ذبح نمود قربانی وی درست نیست زیرا آن قبل از نماز است. لیکن عموم لفظ "فصل" شامل تمام نمازها از جمله نمازهای نافله میباشد.

ابن جریر در تفسیر این آیت گوید: مفهوم آن اینست که همه نمازهای خود را برای الله بگردانیم، یعنی عبادات خود را نباید به نام معبودان باطل بگردانیم، و بهمین گونه قربانی نیز خاص برای الله باشد و بت‌ها را با الله شریک نسازیم و به این ترتیب شکر و سپاس نعمت‌های را که الله برای ما ارزانی داشته است بجا نماییم.

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ یعنی محققاً کسیکه با تو دشمنی می‌ورزد و حسادت می‌کند، و از هدایتی که با دلیل همراه است و تو با خود آورده یی روی می‌تابد خود ذلیل و بی نسل است، که هیچ خیر دنیا و آخرت با او نیست و نه بعد از مرگش کسی او را یاد نماید.

شاگردان در مورد نعماتی که خدای متعال به پیغمبرش عطا فرمود با یکدیگر بحث و گفتگو کنند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً به گوشه از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- * بیان کرامت‌های بی‌نهایتی که الله تعالی برای رسول گرامی خویش عطا فرموده است.
- * تایید عقیده ایمان به نهر و حوض کوثر.
- * وجوب اخلاص در تمام عبادات و مخصوصاً در نماز و قربانی.
- * جواز دعاء کردن علیه ظالمان به خصوص کسانی که نسبت به رسول خدا بی حرمتی میکنند.



(۱) کلمات ذیل را معنی کنید:

{أَعْطَيْنَاكَ} {وَأَنْحَرُ} {شَانِئَكَ} {الْأَبْتَرُ}

(۲) سوره کوثر را مختصراً معرفی نمایید.

(۳) فضیلت این سوره را بیان دارید.

(۴) چند معنی از معانی کوثر را بیان کنید.

(۵) آیه کریمه ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ﴾ را تفسیر کنید.



کارخانه‌گی

پیرامون سبب نزول سوره "الکوثر" پنج سطر بنویسید.

سورة الكافرون

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾

معانی کلمات

- {قُلْ}: بگو ای پیغمبر.
 {لَا أَعْبُدُ}: عبادت نمیکنم (مراد نفی عبادت در حال حاضر است).
 {وَلَا أَنْتُمْ}: و نه شما.
 {عَابِدُونَ}: عبادت میکنید (مراد نفی عبادت آنهاست در حال حاضر).
 {وَلَا أَنَا}: و نه من.
 {عَابِدُ}: عبادت کننده هستم (مراد نفی عبادت در آینده تا به ابد است).
 {عَابِدُونَ}: عبادت کننده هستید.
 {مَا أَعْبُدُ}: آنچه که من عبادت میکنم (این نفی بنا بر علم ازلی خداوند است که آنها به توحید ایمان نمی آورند).
 {دِينُكُمْ}: دین شما (یعنی بت پرستی شما).
 {دین}: دین من (یعنی اسلام).

ترجمه

بگو ای کافران (۱) نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید (۲) و نه شما می پرستید آنرا که من می پرستم (۳) و نه من می پرستم آنچه را که شما می پرستید (۴) و نه شما می پرستید آنچه که من می پرستم (۵) شما راست دین شما و مراست دین من (۶).

معرفی سوره

سورة الكافرون مکی است، شش آیت داشته و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۰۹) قرار دارد، این سوره به نامهای المنازعه، الاخلاص، والمقشقه هم یاد شده است. موضوع اساسی این سوره براءت

از کفر و شرک و خالص گردانیدن بنده گی برای الله است.

فضیلت سوره

درمورد فضیلت این سوره احادیث چندی آمده است که از آن جمله احادیث ذیل است:

- ۱- امام مسلم از جابر - رضی الله عنه - روایت نموده که حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم در دو رکعت طواف، سوره الکافرون و قل هو الله أحد را قرائت نمودند.
- ۲- همینگونه مسلم از ابوهریره روایت نموده است که نبی کریم - صلی الله علیه وسلم - این دو سوره را در نماز فجر قرائت نموده اند، و چنین روایتی در مسند احمد، ترمذی، نسایی وابن ماجه هم آمده است.

سبب نزول سوره

این سوره مبارکه در رد پیشنهاد عدۀ مشرکین مکه چون ولید بن مغیره و عاص بن وایل و امیه بن خلف نازل گردید، در روایات آمده است که آن ها به پیغمبر خدا چند پیشنهاد نمودند یکی اینکه برای مدت یکسال رسول خدا معبودان آن ها را عبادت کند در مقابل آن ها در سال بعدی خدای واحد را عبادت میکنند، دوم اینکه رسول خدا بتان آن ها را نکوهش نکند و احترام آن ها را داشته باشد پس آن ها نیز با پیغمبر خدا در عبادت خدایش شریک می شوند! همچنان پیشنهاد های دیگر مشابه این پیشنهاد، پس این سوره برای رد بر توقع نا درست مشرکان نازل گردید.

تفسیر اجمالی

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ این آیات کریمه اعلان است براینکه معبود مسلمانان آنطوری نیست که معبود کافران است و آن را پرستش می کنند، از این رو الله تعالی به پیامبر خود می فرماید: ای محمد برای این کافران بگو من این بتان را که شما به پرستش آن پرداخته اید پرستش نمی کنم، یعنی من هیچگاه آنچه را پرستش نمی کنم که شما آن را به صفت معبودان خود برگزیده اید، این خطاب شامل همه کافران است خصوصاً آنها یکه خواهان یکجا شدن حق و باطل بودند.

﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ و نه شما عبادت کننده هستید آنچه را که من عبادت کنم. یعنی تازمانیکه شما براعمال شرکی و کفری خود ادامه دهید نمی توانید عبادت کننده ذات واحد لاشریک باشید که

من عبادت کننده آنم. ازین رو این دو آیه خاطر نشان می‌سازد که درمیان این دو معبود فرق زیادی وجود دارد، به خاطر آنکه معبود پیامبر فقط یک ذات واحد لاشریک است که به غیر از او معبود دیگری به هیچ صورت سزاوار پرستش و عبادت نیست، و معبودان و بتان مشرکین و کفار ساخته دست خود آنهاست که به گونه باطل آن‌ها را عبادت میکنند.

﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أَعْبُدُ﴾ مفسرین کرام فرموده اند این دو آیت اشاره به زمان مستقبل است یعنی رسول خدا ﷺ به مشرکین میگوید: در آینده نیز هرگز توقع عبادت آلهه باطله خود را از من نداشته باشید زیرا این امریست محال و ناممکن زیرا دین من به من و پیروانم اجازه چنین کاری را نمیدهد بلکه این کار را مطلقاً خروج از دین می‌پندارد، پس من بدون از راهی که مورد رضای خدا باشد گام نخواهم برداشت، و نه من توقع آن را دارم تا شما روشی را که شیطان برای شما مزین ساخته ترک کرده به هدایتی که من آورده ام ره یاب شوید، زیرا خدای من، مرا از موت تان بر کفر و شرک خبر داده است که این گروه اگر زمین و آسمان نیز در پیش روی شان به سخن در آید و از آسمان کتاب خاص بر ایشان نازل گردد به محتوای آیه مبارکه ﴿لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ اینها همه را سحر و جادو پندارند و دست از کفر خویش بر ندارند.

این تفسیر را آیه دیگری که در سوره "المائدة" آمده است تایید می‌نماید آنجایی که میفرماید: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ کفر اینها به حدی است که اگر دو باره از دنیای دیگر بعد از اینکه همه چیز را به چشم سر مشاهده کنند به این دنیا بر گردانیده شوند نیز بر کیش و روش خویش بر خواهند گشت و آنرا ترک نخواهند نمود. بنا بر این تفسیر در احکام سوره الکافرون نسخی وجود ندارد - آنچنانکه بعضی از مفسرین گفته اند- بلکه هردو حکم یعنی بقای مسلمان بدینش و بقای عده خاصی از کفار معاند بدین شان امر حتمی و یقینی است. لیکن این به این معنی نیست که مسلمانان دعوت و جهاد را به پیش نبرند زیرا همه کفار آنچنان نیستند که توقع ایمان از آن‌ها نرود.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ یعنی برای شما دین خود تان (کفر و شرک) باشد. و برای من دین خودم (توحید، اخلاص و اسلام) است باد، برخی مفسرین گفته اند که مراد از دین جزا و پاداش است، یعنی اینکه مضاف محذوف است که تقدیر آن چنین است: (لکم جزاء دینکم ولی جزاء دینی) یعنی برای شما پاداش دین تان است که همانا آتش دوزخ است، و برای من پاداش دینم می‌باشد که عبارت از بهشت است.

شاگردان در مورد برائت و بیزاری اسلام از هرگونه راه و روش مشرکانه با یکدیگر بحث و گفتگو کنند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- * اثبات عقیده قضاء و قدر.
- * بیان اینکه خداوند رسول خویش را از پذیرفتن پیشنهادات باطل مشرکان در عصمت و پناه خویش قرار داده بود .
- * تاکید بر وجود فاصله بزرگ بین عقیده اسلام و عقاید کفر و شرک و عدم اجتماع حق با باطل.
- * وجوب ثبات و پایداری مسلمان بر دین و آئینش.
- * مسلمان باید د راطهار دین و هویت اسلامی خود از کسی باک نداشته باشد.
- * بیان اینکه مسلمانان دارای هویت مستقل اند.



- (۱) بعضی از اسماء دیگر سوره "الکافرون" را نام ببرید.
- (۲) چه عملی از اعمال نبی کریم بیان گر فضیلت سوره "الکافرون" است؟
- (۳) مفسرین تکرار نفی را در این سوره مبارکه چگونه تفسیر نموده اند؟
- (۴) در مورد نسخ و عدم نسخ این سوره مبارکه چه میدانید؟
- (۵) آیه کریمه ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ را تفسیر کنید.



کارخانه‌گی

شاگردان در مورد ثبات و پایداری مسلمان بر دین مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

سورة النصر

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾﴾

معانی کلمات

- {إِذَا}: ظرف زمان است و معنی شرطیت را نیز میدهد.
 {نَصْرٌ}: نصرت، پیروزی.
 {الْفَتْحُ}: فتح مکه مکرمه.
 {أَفْوَاجًا}: گروه گروه.
 {فَسَبِّحْ}: پس به پاکی (از شرک و عیب) یاد کن.
 {وَاسْتَغْفِرْهُ}: از او (یعنی الله متعال) طلب مغفرت و بخشش نمای.

ترجمه آیات

هنگامیکه بیاید نصرت خدا و فرا رسد پیروزی (۱) و ببینی مردم را که در آیند در دین خدا فوج فوج (۲) پس بپاکی همراهی ستایش یادکن پروردگار خود را و آمرزش طلب کن از او ، هر آینه او است نهایت توبه پذیر (۳).

معرفی سوره

سوره النصر مدنی بوده دارای سه آیت است و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۱۰) قرار دارد، وجه تسمیه آن به "نصر" از آن جهت است که هم کلمه نصر در آیت اول آن ذکر گردیده است و هم در مورد نصر بزرگ یعنی فتح مکه سخن میگوید.

فضیلت این سوره

ترمذی در روایتی از انس بن مالک روایت نموده که سوره نصر برابر باربع قرآن است، و ابوبکر بزار و بیهقی از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت نموده اند که سوره ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ در ایام تشریق بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل شد، با نزول این سوره پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر مرکب خود سوار شد و آنگاه بایستاد و در خطاب به مردم خطبه مشهور حجة الوداع را به سمع ایشان رسانید.

تفسیر اجمالی

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ...﴾ به غالب آمدن بر دشمن نصر گفته می شود، الله - جل جلاله - به پیغمبر خویش میفرماید آن هنگامیکه سه عطاء بزرگ از جانب ما برای تو و یارانت نصیب گردد که آن ها عبارت اند از: فرارسیدن نصرت و پیروزی از جانب ما در برابر آنها یککه مدت زمان طولانی با تو دشمنی و عداوت ورزیده اند، و فتح و باز گشایی مرکز جزیره العرب یعنی مکه معظمه و پیوستن دسته دسته مردم به دین مبین اسلام، پس در آن هنگام بر تو لازم است که به پاس این فضل و عطا به شکر و سپاس ما پردازی.

هرچند که نصرت و یاری همه از آن الله تعالی است اما اضافت نصر به الله در این آیه کریمه افاده آن نماید که نسبت دادن نصرت به غیر از الله مناسب نیست، و برای هیچ یک زیبنده نمی باشد که نصرت را از دیگران تقاضا نماید.

ابن کثیر - رحمه الله - گفته است مراد از فتح، به اتفاق مفسرین در این آیه کریمه فتح مکه است، قبیله های عرب منتظر این فتح بودند تا اگر نصیب رسول خدا شود به وی ایمان بیاورند چون می گفتند: اگر این شخص بر اهل مکه پیروز شد معلوم است که وی نبی خدا است بنابر این چون فتح مکه رخ داد گروه گروه مشرف به دین اسلام شدند، تقریباً در جریان دو سال؛ اسلام سر تاسر جزیره العرب را فرا گرفت.

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ﴾ جواب "إذا" است یعنی چون نصرت و فتح وانتشار دین را مشاهده

کردی پس کسی را که این نعمت هارا نصیب تو کرد بپاکی یاد کن و حمد و ثنای او را بخوان علاوه بر آن از او آمرزش و مغفرت بخواه، اگر چه پیغمبر خدا معصوم و پاک از گناه بود لیکن استغفار برای رفع درجات او است یا اینکه شاید کدام چیزیکه خلاف اولی بوده نسبت به مقام پیغمبری مناسب نباشد از او سرزده شده باشد ولو که نسبت بدیگران آن چیز گناه محسوب نشود و یا اینکه برای تعلیم به امت امر به استغفار شده که امتیان به اهمیت استغفار پی ببرند و درهنگام پیروزی بر دشمن ظفر را از خود و نتیجه قوت خود ندانند.

این سوره مبارکه بنا بر قول راجح در ایام اخیر حیات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از فتح مکه نازل شد در حالیکه پیام نزدیکی رحلت رسول خدا را با خود حمل میکرد چنانچه برداشت و فهم عده از اصحاب کرام نیز همین بود و به همین علت با نزول این سوره از یک طرف به پیروزی اسلام خوشحال شدند اما از جانب دیگر غم و اندوه فراق پیامبر ﷺ قلبهای شان را فرا گرفت. قول دیگر این است که سوره قبل از فتح مکه نازل گردید و در حقیقت پیش بینی معجزه آفرین قرآنی بود بر اینکه به زودی فتح بزرگ نصیب شما میگردد، چنانچه روایت شده که پیغمبر خدا در مدینه منوره بعد از نزول این سوره تکبیر گفتند و به فتح مکه و مشرف شدن اهل یمن به دین اسلام بشارت دادند، لیکن ممکن است که نزول سوره مکرر باشد اینچنین امری در بسا آیات و سورههای قرآن مجید صورت گرفته است، به این اساس بار اول خوش خبری برای نبی کریم و اصحاب وی بود و بار دوم اعلان اینکه آن وعده تحقق یافت و اینکه باید پیامبر ﷺ برای سفر آخرت آماده باشد.



شاگردان با همکاری استاد محترم در مورد فتح مکه مکرمه و اینکه چه نقشی این فتح در پیشرفت اسلام داشت با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- * وجوب شکر گزاری به نماز و تسبیح و غیر اینها، هنگام تحقق یافتن نعمت‌های خداوند بر کسی.
- * فتح بلاد به دست مسلمانان و یا دخول عده از انسان‌ها در دین از نعمت‌های خداوندی محسوب می‌شود که شکر آن لازم است.
- * اثبات حقانیت قرآن در اینکه خبرهای آن یکایک صدق پیدا کرد.
- * بیان اینکه سرانجام حق بر باطل پیروز می‌شود.



۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{نَصْرُ اللَّهِ} {أَفْوَاجًا} {فَسَبِّحْ} {وَاسْتَغْفِرْهُ} {تَوَابًا}

۲) در حدیث ترمذی فضیلت سوره "النصر" چگونه بیان شده است؟

۳) مراد از "فتح" در این سوره چیست؟

۴) نسبت و اضافت نصر به الله تعالی چه را افاده میکند؟

۵) آنچه را در مورد وقت نزول این سوره می‌دانید بنویسید.



کارخانه‌گی

در باره سه عطای بزرگ خداوندی برای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - و یارانش که ذکر آن‌ها در سوره "النصر" آمده است چند سطر بنویسید.

سورة المسد

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ (۱) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۝ (۲) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝ (۳) وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۝ (۵)﴾

معانی کلمات

{ تَبَّتْ }	هلاک و نابود باد.
{ يَدَا أَبِي لَهَبٍ }	دودست ابولهلب.
{ وَتَبَّ }	وهلاک شد خود او.
{ مَا أَغْنَىٰ }	سودی نرساند.
{ سَيَصْلَىٰ }	زود است که در آید.
{ ذَاتَ لَهَبٍ }	صاحب شعله (شعله ور).
{ حَمَّالَةَ }	بردارنده.
{ الْحَطَبِ }	هیزم.
{ جِيدِهَا }	گردن آن.
{ مَّسَدٍ }	لیف خرما.

ترجمه آیات

هلاک باد هر دو دست ابولهلب و هلاک شد خود او (۱) سودی نبخشید برای او مال او و آنچه کسب کرد (۲) بزودی در آید در آتش شعله ور (۳) و زن او آن هیزم کش آتش افروز (۴) بر گردن او طنابی از لیف خرماست (۵).

معرفی سوره

سوره المسد مکی بوده دارای پنج آیت است و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۱۱) قرار دارد. این سوره به نام "تبت" هم نامیده شده که معنی هلاکت را میدهد، و در این سوره برای هلاکت ابولهلب دعا شده است هم چنان درین سوره ذکر مسد که به معنای لیف خرما است نیز آمده چون أم جمیل همسر ابولهلب ریسمانی از لیف خرما داشت و با آن خار و خس را جمع می کرد و در مسیر راه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می انداخت تا او را اذیت کند، هم چنان این سوره را سوره "لهب" یا "اللهب" هم می گویند.

سبب نزول سوره

در صحیحین از ابن عباس - رضی الله عنهما - حدیثی روایت شده که وقتی آیه (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) نازل شد و در آن به رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - امر شد به انداز و ترساندن قوم و خویشاوندان نزدیک خویش پردازن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به کوه صفا بلند شد و باصدای

بلند و رسا گفت: وا صباحاه (یعنی، به آفت فرا رسیده صبح جمع شوید) مردم وقتی این صدا را شنیدند گفتند این صدای کیست؟ جواب آمد: این صدای محمد است، مردم جمع شدند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: ای اولاده عبد مناف، ای اولاده عبد المطلب ای اولاده فلان! اگر من برای تان بگویم که در ورای این کوه اسپ‌های تازه نفس دشمن جهت یورش بر شما در حال حرکت اند حرفم را تصدیق خواهید کرد؟ مردم گفتند: ما تاکنون از تو حرف دروغ نشنیده ایم. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: اگر چنین هست پس من شما را از عذابی که در حال فرا رسیدن است انداز می‌دهم. با شنیدن این خبر ابولهب برایش گفت: هلاک شوی آیا برای گفتن همین مطلب مارا به گرد خود جمع نمودی؟! باز پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بایستاد و این سوره نازل شد ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي هَبٍ﴾ یعنی هردو دست ابو لهب هلاک گردد.

خلاصه سوره

این سوره مکی بوده و به اجماع مفسرین کرام پایان کار ابولهب (عبد العزی بن عبد المطلب) و همسرش أم جمیل (اروی بنت حرب) خواهر ابوسفیان را بیان می‌دارد، ابو لهب و همسرش جهت جلوگیری از دعوت پیامبر - صلی الله علیه و سلم - به وی تکالیف زیادی وارد نمودند، به طوریکه همسر ابوجهل خس و خاشاک را جمع می‌کرد و بر سر راه وی می‌انداخت تا بدینوسیله به پیامبر اذیت رساند، و خود ابوجهل از هیچ سعی و تلاشی جهت مبارزه با پیغمبر خدا کوتاهی نکرد و به دشمنی با رسول گرامی مشهور بود.

تفسیر اجمالی

﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي هَبٍ وَتَبَّ﴾ اگر چه ظاهراً کلمه "تبت" ترجمه به شکسته شد یا بریده شد می‌شود مگر این کلمه در این سوره صرف معنی دعای بد را نمی‌دهد بلکه از وقوع یک حقیقتی خبر می‌دهد که در آینده صورت خواهد گرفت، ابن کثیر و دیگر مفسرین گفته اند: اول آیت دعا بر هلاکت ابولهب است و آخر آیت اخبار از وقوع آن است. و حکمت از اینکه فعل به صیغه ماضی آمده این است که وقوع آن چنان یقینی است که گویا صورت گرفته باشد، و به راستی هم در پایان چنان شد که چندین سال قبل در سوره لهب گفته شده بود، پس مراد از شکسته شدن دست همانا شکسته شدن فزیکی نبوده، بلکه هدف از آن ناکامی و نه رسیدن به هدف مورد نظر می‌باشد، زیرا ابوجهل تمام انرژی و توانمندی خود را برای مقابله با اسلام به کار انداخت لیکن سودی برای وی نرسید. همان بود که بعد از گذشت هفت یا هشت سال اکثر از بزرگان و نام آوران قریش که دوستان و هم‌زمان ابولهب بودند در غزوه بدر کشته شدند، وقتی خبر مرگ نام آوران و بزرگان قریش در بدر به گوش ابولهب رسید، ابولهب چنان تکان خورد که بیش از هفت روز زنده نماند و

مرگ او مایه عبرت دیگران بود. علامه آلوسی در تفسیر خود (روح المعانی) آورده است که ابوجهل به مریضی لاعلاجی مبتلا گشت که از ترس سرایت مرض اش به دیگران کسی از خانواده وی به خود جرئت نمی‌داد که به وی نزدیک شود. همان بود که او را به حال خودش گذاشتند تا بمیرد و بعد از مرگ تا سه روز کسی پیدا نشد که وی را دفن کند از این جهت جسدش گندیده شده متعفن شده بود تا بالاخره فرزندانش با دادن مزد به یک مرد حبشی او را مکلف ساختند که با انداختن وی در گودالی او را زیر خاک سازد.

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ﴾ مال‌های دست داشته و متاعی که کسب نموده بود هیچ به درد ابولهب نخورد و از هلاکت و نابودی او جلوگیری نه کرد، و در آخرت هم این مال و دارائی اش به دردش نخواهد خورد. ابولهب مردی بود ذخیره اندوز و بخیل. ابن اثیر روایت نموده که وی در زمان جاهلیت به سرقت جواهر خانه کعبه متهم شده بود هرچند که این گنجینه‌ها را دوباره از جای دیگری به دست آورده اند مگر این اتهام نشان می‌دهد که وی در میان مردم مکه از نام و نشان خوبی برخوردار نبوده است. به تعقیب آن الله تعالی از عذاب وی در روز آخرت یاد آوری نموده می‌فرماید:

﴿سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ * وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ زود است که ابو لهب و همسرش اروی بنت حرب که برگردنش خس و خاشاک را حمل می‌کرد داخل آتش افروخته و شعله ور جهنم گردند، ابو لهب همیشه سعی و تلاش به خرچ می‌داد تا جلو دعوت پیامبر را بگیرد و مشکلات بر سر راه دعوت او ایجاد نماید و برای مردم می‌گفت که حرف‌های این جوان را که از دین خود برگشته است نپذیرید، همچنان همسرش خس و خاشاک جمع می‌کرد و به شانه بر میداشت تا آن را درپیش روی خانه پیامبر بیاندازد و به این وسیله اسباب اذیت و آزار آن حضرت ﷺ را فراهم سازد. برخی مفسرین گفته اند که مراد از ﴿حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ همانا سخن چینی کردن در میان مردم و پخش کردن سخنان در میان آنهاست، ازینرو سخن چین را به بردارنده خس و خاشاک تشبیه نموده اند که با سخن چینی و نشر شایعات در میان مردم گویا که آتش فتنه و فساد را بر می‌افروزد. ﴿فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ﴾ در گردن زن ابوجهل ریسمانی از لیف خرما بود یا اینکه در دوزخ ریسمان آتشین در گردنش باشد.

سعید بن المسیب گوید: قلاده در گردن اروی، زن ابوجهل بود و به لات و عزی قسم یاد نمود که آن قلاده را در دشمنی پیامبر به مصرف رساند، همان بود که الله تعالی قلاده آتشین را در روز قیامت برگردن وی نمود.

شاگردان در مورد مشکلات دعوت در راه خدا و پیروزی نهائی آن با یکدیگر بحث و گفتگو کنند.

فواید درس

- آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌گردد:
- * بیان حکم خداوند متعال به هلاک ابولهب و نابودی مکر و کید او.
- * اثبات اینکه مال و اولاد نمی‌توانند مانع از عذاب خدا شوند.
- * حرمت آزار دادن مسلمان.
- * فایده نرساندن خویشاوندی با پیغمبر در صورت عدم ایمان، زیرا ابولهب کاکای پیغمبر خدا - صلی الله علیه وسلم - بود مگر با وجود آن جایگاه او در آتش سوزان است.
- * صدق اخبار قرآنی و معجزه آن.
- * بیان اینکه پیروزی نهایی از آن دعوت گران مخلص راه حق است.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{ وَتَبَّ } { مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ } { سَيَصْلَىٰ } { ذَاتَ هَبٍّ } { فِي جِيدِهَا }

(۲) ابولهب کی بود و با پیغمبر خدا چگونه برخورد می‌کرد؟

(۳) زن ابولهب برای نبی کریم چه مشکلاتی ایجاد مینمود؟

(۴) در نهایت ابولهب به چه سرنوشتی دچار شد؟

(۵) آیه مبارکه ﴿سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ هَبٍّ﴾ را تفسیر کنید.

(۶) سه نکته از آموختنی‌های این سوره مبارکه را بیان دارید.



کارخانه‌گی

در مورد سبب نزول سوره "المسد" پنج سطر بنویسید.

سورة اخلاص

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (۱) ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ (۲) ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ (۳) ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (۴)

معانی کلمات

- {أَحَدٌ}: یگانه.
 {الصَّمَدُ}: بی نیاز از همه چیز. (ذاتیکه همه کس به او محتاج اما او بکسی محتاج نیست)
 {لَمْ يَلِدْ}: کسی را نزاده.
 {وَلَمْ يُولَدْ}: از کسی زاده نشده.
 {كُفُوًا}: شبیه و مانندی.

ترجمه آیات

بگو خدا یگانه است (۱) خدا بی نیاز است (۲) کسی را نزاده و از کسی زاده نشده (۳) و نیست هیچ کس او را همانند (۴).

معرفی سوره

سورة اخلاص مکی است چهار آیت داشته و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۱۲) قرار دارد، این سوره یکی از سوره‌های بزرگ و با فضیلت قرآن مجید است زیرا بیانگر یکتایی و واحدیت ذات الله - جل جلاله - و بیانگر بی نیازی و تنزه او از هرگونه عیب، نقص و احتیاجی به بهترین وجه و فصیح ترین کلمات است.

فضیلت سوره

در مورد فضیلت سوره اخلاص احادیث متعددی وارد است، دربرخی از این احادیث آمده است که قرائت سوره اخلاص با تلاوت ثلث قرآن برابری دارد، بخاطر آنکه این سوره به صورت خلاصه بیانگر آن احکام و تعلیمات و ارزشهای می باشد که در قرآن کریم آمده است.

امام بخاری در حدیثی که از ابوسعید خدری روایت نموده آورده است: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به اصحاب کرام فرمود: آیا در میان شما کسی پیدا خواهد شد که نتواند در یک شب ثلث قرآن را تلاوت کند؟ این سخن بر اصحاب کرام سخت تمام شد و گفتند که ای پیامبر خدا ما کی توان این کار داریم! بعد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود که: (الله الواحد الصمد) برابری با ثلث قرآن میکند. آیت مذکور کنایه از سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ است.

امام احمد و ترمذی و نسایی از ابوایوب انصاری روایت نموده اند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: آیا کسی از شما ازین ناتوان خواهد شد که در یک شب ثلث قرآن کریم را تلاوت کند؟ کسی که (قل هو الله أحد، الله الصمد) را در کدام بخشی از شب تلاوت کند گویا اینکه وی یک سوم از قرآن کریم را در آن شب تلاوت نموده باشد.

سبب نزول سوره

امام احمد، ترمذی و ابن جریر از ابی بن کعب روایت نموده اند که: مشرکین به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفتند: ای محمد! نسب پروردگار خود به ما بیان دار، همان بود که (قل هو الله أحد الله الصمد...) نازل گردید.

قتاده، ضحاک، ومقاتل گفته اند: بعضی از یهودان نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمدند و برایش گفتند: صفات پروردگارت را برای ما بیان کن، به خاطر آنکه الله در تورات صفات خود را برای ما بیان نموده است، ازین رو برای ما معلومات بده که رب از چه ساخته شده است، آیا از طلا است و یا از نقره و یا از آهن و چوب، خورد و نوش دارد و از کسی میراث می برد و به کسی از مال دنیا میراث می دهد همان بود که الله تعالی این سوره را نازل کرد.

تفسیر اجمالی

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ای پیامبر به آن عده از مردمیکه در مورد پروردگار تو وصفت و نسب او از تو می پرسند بگو! او الله یگانه است، یعنی در ذات خویش یگانه و در صفات خویش یگانه است، او همان پروردگاریست که به یگانه گی زمین و آسمانها و انسان و جن و همه مخلوقات را آفریده است. در مورد اعراب این جمله قرآنی علمای نحو چند توجیه پیش کرده اند اول اینکه: "هو" ضمیر شان در محل رفع مبتدا است خبر آن جمله بعدی یعنی "الله أحد" میباشد، توجیه دوم اینکه "هو" مبتدا

و لفظ "الله" خبر آن و "أحد" خبر بعد از خبر، توجیه سوم اینکه "هو" مبتدا و "الله" خبر و "أحد" بدل از "الله" توجیه چهارم اینکه "هو" مبتدا و "الله" خبر و "أحد" خبر از مبتدا محذوف یعنی "هو" تقدیر عبارت چنین می‌شود: (هو الله هو أحد) توجیه پنجم اینکه "هو" مبتدا و لفظ "الله" بدل از "هو" و "أحد" خبر مبتدا می‌باشد.

﴿الله الصَّمَدُ﴾ الله جلّ و علا آن ذات است که به هیچ کسی احتیاجی ندارد بلکه مردم به وی محتاج اند، یعنی هیچ کسی نمی‌تواند از وی مستغنی باشد و او خود از تمام مخلوقات مستغنی است پس زمانیکه خدا بی نیاز از همه چیز شد، عقیده آنانیکه بین خود و الله پاک وسیله را ضروری میدانند تا به حیث واسطه بین بنده و خدا قرار گیرد و از بنده‌گان نزد خالق شان شفاعت نماید کاملاً مردود شمرده می‌شود چون خداوند مستقیم با بنده‌گانش در رابطه است و احتیاج به وسیط ندارد.

﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ یعنی اینکه نه از الله تعالی کسی زاده شده و نه خود زاده کسی هست، به خاطر آنکه هیچ کس نمی‌تواند هم جنس الله تعالی باشد تا به حیث ولد یا والد او شناخته شود. این آیت رد بر آن عده از مشرکان است که معتقد بودند فرشته‌گان دختران خداوند اند، و هم چنان رد است بر یهود که عزیر علیه السلام را فرزند خدا می‌دانستند و رد است بر نصارا که عیسی علیه السلام را ابن الله می‌خواندند و تا اکنون او را شریک خدا می‌دانند.

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ یعنی برای ذات الله جل جلاله هیچ یک شریک و هم‌تا نیست و نمی‌تواند باشد به خاطر اینکه الله تعالی قدیم است حادث نیست، واجب الوجود است، جسم ندارد از اینرو نه مثل برای او پیدا می‌شود و نه شریک و بدیل و هم‌تا، طوریکه فرقه‌های مختلف که قبلاً از ایشان و عقائد باطله شان یاد شد تصور می‌نمودند.

در حدیثی که امام بخاری روایت نموده آمده است: هیچ کسی به اندازه الله صبر و بردباری ندارد بخاطر آنکه این مشرکان برای الله فرزند و اولاد را ثابت می‌کنند درحالیکه او برای شان روزی می‌دهد وصحت می‌بخشد.

و در حدیث دیگر بخاری که از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت نموده آمده است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: بنی آدم مرا دروغگو شمرد درحالیکه او چنین حقی ندارد که مرا دروغگو تصور نماید، و بر من ناروا گفت درحالیکه او حق ندارد که مرا ناروا گوید، دروغ گفتن وی

در حق من اینست که او درمورد دوباره زنده شدن خود عقیده ندارد (گویا که من توان دوباره زنده ساختن اونداشته باشم) درحالیکه دوباره زنده کردن دشوارتر از اول زنده ساختن نیست، وناسزا گفتن وی به من اینست که وی گفته است الله فرزند گرفته است درحالیکه من یگانه وبی نیاز هستم، نه مرا کسی زاده است و نه هم از من کسی زاده شده است و نه مثل و همتایی دارم.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً بگوشه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- * ساخت خدای متعال به وحدانیت در ذات و صفات.
- * بیان استغنائی مطلق خداوند از همه چیز در همه وقت.
- * بطلان نسبت دادن فرزند به خدای متعال.
- * وجوب عبادت مخلصانه خالی از هرگونه شرک و ریا.
- * ایمان به توحید باری تعالی در ربوبیت، الوهیت و اسماء و صفات.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{الصَّمَدُ} {لَمْ يَلِدْ} {وَلَمْ يُولَدْ} {كُفُوًا}

(۲) فضیلت سوره "اخلاص" را بیان دارید.

(۳) سبب نزول سوره را توضیح نمایید.

(۴) ترکیب نحوی جمله ﴿هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را بیان کنید.

(۵) آیه کریمه ﴿الله الصمد﴾ را تفسیر نمایید.

(۶) آیه کریمه ﴿لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ﴾ رد بر چه عقایدی است؟



کارخانه‌گی

موضوعات اساسی سوره "اخلاص" را در چند سطر بنویسید.

سورة الفلق

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿۳﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿۴﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿۵﴾

معانی کلمات

{أَعُوذُ}: پناه می‌برم.	{النَّفَّاثَاتِ}: زنان سحر کننده.
{الْفَلَقِ}: صبحگاه.	{فِي الْعُقَدِ}: در گره‌ها.
{غَاسِقٍ}: تاریکی.	{إِذَا حَسَدَ}: آنگاه که حسد ورزد.
{إِذَا وَقَبَ}: آنگاه که منتشر شود (بر هر چیز داخل شود).	

ترجمه آیات

بگو پناه می‌برم به پروردگار صبح (۱) از شر آنچه آفریده است (۲) و از شر تاریکی [شب] چون منتشر شود (۳) و از شر زنان دمنده در گره‌ها [سحر کننده‌گان] (۴) و از شر حاسد چون حسد ورزد (۵).

معرفی سوره

سورة الفلق بنا بر یک قول مفسرین مدنی و بنابر قول دیگر مکی است، دارای پنج آیت است و طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۱۳) قرار دارد. این سوره از آن جهت به "الفلق" مسمی شده است که این کلمه در اولین آیت سوره آمده است، معنی لغوی "فلق" فاصله ایجاد کردن و جدا شدن یک چیز از سایر چیزها می‌باشد اما مراد از آن در این سوره مبارکه سپیده دم است که تاریکی را از بین می‌برد و بین آن و روشنائی جدایی ایجاد میکند، سورة الفلق و سورة الناس را معوذتین نیز گویند که انسان مسلمان به این دو سوره از سحر، حسد و شر شیطان به خدای عالمیان پناه میجوید.

فضیلت سوره

نسایی از عقبه بن عامر روایت نموده که من به حضور پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درحالیکه بر مرکب خود سوار بود آمدم، پس من دست خود را به رکاب مبارک دراز نمودم و بر جای پایش گذاشتم و برایش گفتم که سورة هود و یا سورة یوسف را برایم بیاموز همان بود که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برایم فرمود: نمی‌یابی سورة را بلیغ تر و گویا تر نزد الله تعالی از (قل أعوذ برب الفلق). و از

همین صحابی در یک روایت دیگر آمده است: در شب تاریکی همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در میان جحفه و ابواء (نام منطقه است) روان بودیم که ناگهان تاریکی سیاهی ما را درهم پیچانید، همان بود که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به خواندن معوذتین شروع نمود و به من گفت: ای عقبه! با معوذتین پناه بخواه، هیچ چیزی به اندازه معوذتین پناه دهنده نیست. همینطور نسایی در روایتی که از عبد الله نموده در اخیر آن آمده است: پیامبر برایم گفت: بگو! گفتم: چه بگویم؟ آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: قل هو الله أحد و معوذتین را وقتی صبح می نمودی «در وقت صبح» و یا شام می کردی «در وقت شام» سه سه بار بخوان. بخاری از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت نموده که وقتی رسول الله مریض شدند معوذتین را قرائت نموده و بر جسم خود دم می کردند، و وقتی هم تکلیف شان افزون می گشت من برایشان معوذتین را می خواندم.

سبب نزول سوره

در صحیحین از حضرت عایشه رضی الله عنها حدیثی روایت گردیده که خلاصه آن این است: رسول گرامی را یک یهودی به نام لبید بن اعصم سحر نموده بود که از اثر آن برای پیامبر چنان وانمود می شد که گویا کاری را انجام داده باشد درحالی که آن کار را انجام نداده بود این مشکل مدتی ادامه داشت تا اینکه خدای متعال فرشتگان خویش را فرستاد و از جادوی آن شخص و محلی که تارهای گره شده را پنهان کرده بود رسول خویش را مطلع ساخت آنگاه برای از بین بردن تاثیرات آن جادو هر دو سورة الفلق و الناس را نازل فرمود چنانچه رسول خدا عده از اصحاب را فرستادند، آن ها از میان چاهی خراب شده آن جادو را گرفتند بعد پیغمبر خدا یک یک از آیات یازده گانه این دو سوره - سورة الفلق و الناس - را تلاوت کردند و گره های بسته شده باز گردید و رسول گرامی صحت و عافیت یافتند طوری که انسان محکم شده در ریسمان از آن آزاد شود احساس آرامش و راحت نمودند، در روایات ذکر این هم آمده که جبرئیل امین به حضرت رسول الله دم می انداخت و می گفت: به نام الله از اذیت هر آنچه که به تو زیان رساند در امن بمانی، از شر انسان حاسد و نظر بد و الله تعالی تو را شفا ببخشد.

قابل ذکر است که این سحر و تاثیر آن بحدی نبود که در امور دعوت یا رساندن وحی و پیغام خداوند اثر گزار باشد چون وحی الهی در عصمت و حفاظت خاص الله متعال قرار دارد و دلیل آن حفظ و رساندن معوذتین است که در همین دوران مریضی جناب رسول به ایشان نازل گشت و ایشان بوجه احسن به امت خویش این آیات را رساندند پس تاثیر آن منحصر به جسم و اموری غیر از وحی و امانت آسمانی بود.

تفسیر اجمالی

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ همانطوریکه از سبب نزول معلوم گردید سوره الناس والفلق بعد از عمل جادوی لبید بن أعصم نزول یافته اند، الله جل جلاله درین سوره به پیامبر خود شیوه پناه خواستن را تعلیم داده است وبرایش فرموده که: بگو ای محمد من پناه می جویم به پروردگار شگافنده صبح، در مورد فلق صحابه کرام تفسیرهای متعددی نموده اند: ابن عباس - رضی الله عنهما - گفته است: فلق نام یکی از زندان های دوزخ است. ابی ابن کعب گفته است: نام خانه است در دوزخ که اگر دروازه آن گشوده شود از شدت گرمی آن دوزخیان فریاد برآرند. و برخی هم گفته اند: یکی از نام های دوزخ و یا یکی از وادی های دوزخ است، مگر بسیاری از صحابه کرام وتابعین مشهور چون: جابر بن عبد الله، حسن، سعید ابن جبیر، ابو زید، مجاهد وقتاده فلق را به صبح ترجمه نموده اند. عرب ها می گوید: (هو أبین من فلق الصبح و فرق الصبح) او از طلوع صبح و روشنی آن روشن تر و واضح تر است، به این ترتیب تفسیر فلق درین سوره به مفهوم صبح راجح تر است، و در بعض آیات دیگر نیز به این معنی آمده است مثل (فالق الاصباح) یعنی گسترش دهنده و شگافنده صبح و همراه با آن دور کننده تاریکی ها.

﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾ شکی نیست که خالق خیر و شر خدا است، او جلّ و علا به حکمت هایی که خود بهتر میداند و بعض جوانب آنها را بشر در روشنایی عقل خدا دادی خود کشف و درک نموده است در دنیا بسیاری از اجسام مضر و یا کیفیات مضر را آفریده است که از آن جمله تاثیر غیر مری سحر بر وجود انسان است از جانب دیگر تنها پناه گاه انسان از شر مخلوقات مضر فقط خداست و بس، اگر چه خداوند جلّ و علا اجازه استفاده از وسایل و امکانات مادی چون ادویه جات و غیره را داده است و امر به گرفتن هر نوع احتیاط کرده است لیکن در نهایت امر شفا بخش و مؤثر و پناه دهنده فقط اوست و بس.

﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ یعنی از شر شب هنگامیکه تاریکی آن همه جارا فرا میگیرد، غسق به تاریکی شب گفته می شود و چون عادتاً با استفاده از تاریکی شب گزنده گان و درنده گان و ارواح خبیثه غیر مری و حتی انسان های بد چون دزدان و رهنان و غیره به گشت و گزار و فعالیت آغاز میکنند لذا خدای متعال نبی خویش و امت او را تعلیم داد تا از شر این موجودات متحرک در شب به وی پناه ببرند، "وقب" لغتاً از وقوب گرفته شده که به معنی دخول می آید و درحقیقت شب تاریکی اش را داخل در همه چیز میگرداند.

﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ نفث به بیرون کردن هوا از دهان گفته می شود که خالی از آب دهان باشد (به اصطلاح دم کردن) و معمولاً در اکثر جوامع کسانی اعم از زنان و مردان وجود دارند که با دمیدن و گره زدن و اعمال مشابه اینها دیگران را سحر و جادو میکنند.

حسد تازمانیکه فقط در دل کسی نهفته باشد شاید تاثیرات منفی یا ضرر به محسود یعنی صاحب نعمت نداشته باشد اما چون حسد کننده اظهار حسد کند و در جستجوی از بین بردن نعمت محسود بر آید شر آن آغاز میگردد، پس مقصود از "إذا حسد" طلب سوء و قصد زوال نعمت است.



فعالیت

شاگردان در مورد خطرهای سحر و جادو با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً به گوشه از آن‌ها اشاره میگردد:

- * وجوب پناه گزینی به خدای یکتا از شر هر آنچه انسان قادر به دفع آن نیست.
- * حرمت دمیدن در گره و امثال آن به قصد جادو گری.
- * حرمت حسد و کینه توزی زیرا این مرض خطیر است که به عداوت و دشمنی و حتی قتل و غارت منجر می‌شود.
- * مسنون بودن قرائت معوذتین در هر صبح و شام.



- (۱) آیات مبارکه سوره "الفلق" را ترجمه کنید.
- (۲) وجه تسمیه این سوره به "الفلق" چیست؟
- (۳) یکی از روایاتی را که دال بر فضایل این سوره باشد ذکر نمایید.
- (۴) بعض از معانی "فلق" را بیان کنید.
- (۵) آیه کریمه ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ را توضیح دهید.
- (۶) مراد از ﴿النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ چیست؟



کارخانه‌گی

در مورد سبب نزول سوره "الفلق" پنج سطر بنویسید.

سورة الناس

بسم الله الرحمن الرحيم
 ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ (۱) مَلِكِ النَّاسِ ﴿۲﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿۳﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿۴﴾
 الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿۵﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿۵﴾

معانی کلمات

{رَبِّ}	خالق و پروردگار.
{النَّاسِ}	مردم.
{مَلِكِ}	پادشاه و حاکم.
{إِلَهِ}	معبود.
{الْوَسْوَاسِ}	وسوسه افکن. (شیطان)
{الْخَنَّاسِ}	پنهان شونده.

ترجمه آیات

بگو پناه میبرم به پروردگار مردم (۱) پادشاه مردم (۲) معبود مردم (۳) از شر وسوسه کننده پنهان شونده (۴) آنکه وسوسه می افکند در دلهای مردم (۵) از جنیان و مردمان (۶).

معرفی سوره

سورة الناس نیز بنابر قولی مدنی و بنابر قول دیگر مکی است شش آیت دارد، طبق ترتیب عثمانی در ردیف (۱۱۴) قرار گرفته است، و آخرین سوره قرآن کریم می باشد، وجه تسمیه آن به "الناس" از آن جهت است که این کلمه پنج بار در آن تکرار شده، این دو سوره - الفلق والناس - هم از شر جادو و سحر و شیاطین صاحب خود را باذن خدا نکه می دارند و هم از نفاق و شرک برائت میدهند.

خلاصهٔ سوره

این سوره یکی از دو سوره می‌باشد که الله جل جلاله در آنها به انسان مؤمن آداب و طرق حفاظت از شیطان و پیروان آن را تعلیم داده است.

درین سوره کلمه (الناس) که جمع انسان است پنج بار تکرار یافته، که از یکطرف به اهتمام قرآن مجید نسبت به سعادت انسان‌ها دلالت میکند و از جانب دیگر فضیلت و کرامت انسان را نشان میدهد خصوصاً انسانیکه به ربوبیت و الوهیت و مالکیت پروردگار خویش مؤمن و معترف باشد. سوره "الناس" که آخرین سوره قرآن کریم است، به انسان امر می‌کند که از شر شیطان و پیروان وی به خداوند پناه جوید و به نقش خطرناک شیطان متوجه باشد زیرا شیطان‌های انسی و جنی با مکر و وسوسه‌های مختلف انسان‌ها را از بنده‌گی خدای پاک باز می‌دارند، و آنان را به اطاعت و فرمان برداری خود دعوت می‌دهند.

فضیلت سوره

ترمذی به روایت عقبه بن عامر از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده که وی فرموده است: الله جل جلاله برایم چنان آیاتی را نازل فرموده که مانند آن را بشریت تا کنون ندیده است، آن‌ها عبارت اند از: سوره قل أعوذ برب الناس و سوره قل أعوذ برب الفلق.

تفسیر اجمالی

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ...﴾ در سوره "الفلق" پناه خواستن از چهار چیز برای امت تعلیم داده شد: اول پناه خواستن از شر مخلوقات مضره، دوم پناه خواستن از شر آنچه در تاریکی شب به حرکت و فعالیت میفتد، سوم پناه خواستن از شر زنان جادو گر، و چهارم پناه خواستن از شر شخص حسود کینه توز. اما سوره "الناس" مشتمل بر پناه خواستن از وسوسه شیطان است که خطر ناگهانی از چهار چیز سابق می‌باشد زیرا خطر آن متعلق به قلب است و قلب موضعی است که صلاح و فساد همه بدن از آن سرچشمه می‌گیرد اگر قلب صالح بود اعضای بدن صالح می‌شوند و اگر قلب فاسد بود اعضای بدن همه به فساد کشیده می‌شوند به همین علت بعد از یاد آوری سه صفت از صفات بزرگ خداوند یعنی ربوبیت و مالکیت و الوهیت پناه‌گزینی از شر وسواس خناس که مراد از آن شیطان لعین است

ذکر گردید.

ذکر صفات سه‌گانه اشاره به دو امر مهم است: یکی اینکه یقیناً آن ذاتیکه پرورش دهنده انسان‌ها، مالک انسان‌ها و معبود بر حق انسان‌ها است قدرت آن را دارد که انسان به او پناه ببرد و او جل و علا حتماً از پناه‌گزین حمایت و دفاع می‌نماید، دوم اینکه انسان‌ها متوجه این شوند که تدبیر کننده امور آنان، حاکم و پادشاه شان وذات لایق به عبادت آنان فقط خدای منان است و بس، از این رو حاکمیت هیچ کسی را که خلاف شریعت اسلام عمل کند نپذیرفته و نباید در مقابل غیر خدا ﷻ خضوع و فروتنی کنند.

نکته دیگر اینکه نسبت و اضافت صفات خداوندی مانند «رب» «و ملک» و «اله» به «الناس» که بمعنی انسان‌ها میباشد نشانه کرامت و شرافت انسان است.

﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ وسواس مصدر وسوسه است و وسوسه به آواز پوشیده گفته می‌شود، اما مراد از آن ایجاد شک و تردید کردن بوده و اطلاق آن به شیطان بوجه مبالغه است گویا که وسوسه افکنی شیطان به حدی است که خود مطلقاً وسوسه است، و خناس صیغه مبالغه است که بمعنی رجوع و برگشت می‌آید، این صفت از آن جهت به شیطان اطلاق شده است که چون ذکر خدا در قلب بنده جای گیرد شیطان از آن قلب عقب نشینی میکند و چون بنده از ذکر غافل شود فوراً شیطان جای‌گزین آن میگردد.

﴿الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ در این دو آیت اخیر اولاً محل وسوسه شیطان مشخص می‌شود که همانا قلب است و از آن به صدور یعنی سینه‌ها تعبیر شده، در حدیث صحیح آمده که شیطان به گونه خون در بدن آدمی جریان دارد. ثانیاً در آیت اخیر به انواع شیطانی اشاره می‌شود که همانا شیطانی جنی و انسی اند اگر چه شیطان حقیقی همان شیطان جنی و ذریه آن است لیکن از میان انسان‌ها نیز گروهی پیدا می‌شوند که صفات همان شیطان را دارند و شر شان کمتر از شر شیطان جنی نیست پس از آن‌ها نیز باید به خدا پناه برده شود.



شاگردان در مورد خطرهای وسواس شیطانی با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند.

فواید درس

آیات مبارکه این سوره مجموعه از آموختنی‌های مهم را در بر دارد که ذیلاً به گوشه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- * وجوب پناه بردن به خدای متعال از شر شیاطین انس و جن.
- * اثبات ربوبیت، مالکیت و الوهیت خداوند.
- * اشاره بر اینکه در جامعه اسلامی حکم و قانونی مخالف با قانون خدا قابل پذیرفتن نیست.
- * بیان اینکه قلب غافل جولانگه شیطان است اما او از قلب انسان ذاکر فرار میکند.



(۱) کلمات ذیل را ترجمه کنید:

{الرَّبِّ} {الْمَلِكِ} {الْإِلَهِ} {الْوَسْوَاسِ} {الْخَنَّاسِ}

(۲) نام دیگر سوره "الفلق" و "الناس" چیست؟

(۳) فضیلت سوره "الناس" را در روشنائی حدیث نبوی بیان دارید.

(۴) خلاصه این سوره مبارکه را بیان کنید.

(۵) شیطان چگونه در قلب انسان وسوسه می‌اندازد؟

(۶) دو نکته از آموختنی‌های این درس را ذکر نمایید.



کارخانه‌گی

شاگردان در مورد توحید الله تعالی و پرستش الله تعالی به حیث تنها «رب» و «اله» و مالک مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

و صلی الله تعالی و بارک علی نبیه محمد و علی اله و اصحابه أجمعین و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین